

تلمود
تلمود

EVERYMAN'S TALMUD



תלמוד

فهرست موضوع کتاب دنیا بازیچه یهود

- ۱ دنیا بازیچه یهود
- ۲ ستایش الله سبحانه احد
- ۲ یعقوب و فرزند اسحاق رسولان الله سبحانه
- ۳ بنی اسرائیل شبانه از مصر خارج شدند
- ۴ نافرمان یهود آنقدر زیاد شد که الله قهار بلا فرساده
- ۵ نخسین دولت یهود را تشکیل دادند
- ۶ قتل عام یهود
- ۷ قلب یهود از سنگ سخت تراست
- ۸ پیمان شکنی قوم یهود
- ۱۰ یهودیان انبیاء و رسولان الله سبحانه عمداً به قتل رسانیدند
- ۱۲ دروغ فساد و خیانت یهودیان
- ۱۴ مکر و حيله یهودیان برای الله علام و علیم
- ۱۶ یهود گوساله طلای را ساختند و پرستش کردند
- ۱۹ الله سبحانه فرمود: یهودیان از خران کمتر و گمراه تر هستند
- ۱۹ الله سبحانه فرمود: یهودیان از تمام چهار پایان پست تر و گمراه تر هستند
- ۲۰ خداوند یهودیان یهوه انسان آسمانی است
- ۲۰ خداوند یهودیان جسم و مذکر و مؤنث است
- ۲۱ هولوکاست؛ کذب و دروغ است که یهودیان ساختند
- ۲۵ جنگ خندق محمد رسول الله (ص)
- ۲۵ فساد اخلاقی یهودیان؛ بقول هتلر
- ۲۷ رباخوار یهودیان
- ۲۸ جنای یهود در اسپانیا
- ۲۹ اولین محفل یهودیان در قرن ۱۷ تأسیس شد
- ۲۹ نابود کردن یهودیان همه ادیان جهان
- ۳۰ در آمریکا محافل رسمی ماسونی تشکیل شد ۱۷۵۲ م
- ۳۱ پروتکل حکمائی یهود
- ۳۲ آرمانهای نا اسانی یهود
- ۳۴ طلا خداوند یهود است
- ۳۵ آیا آمریکا در دست یهود است؟؟؟!!!
- ۳۶ جورج واشنگتن رئیس جمهوری آمریکا فراسونری است

۳۸	۶۰ درصد تجات جهان در دست آمریکا است
۳۸	اقتصاد آمریکا در دست یهود است
۴۱	سیطره یهودیت در جهان
۴۱	موسیقی ۰۰۰ در دست یهود
۴۲	اسرائیل چگونه بوجود آمده است
۴۵	یهود است پپاشاه عثمانی عبدالحمید خیانت بزرگی کردند
۴۶	حکومت یهود در فلسطین صادر شد
۴۹	روئین بار صد هزار یهودی به فلسطین ارسال شده
۵۱	آواره گان فلسطینیان
۵۵	چرا باید فقط یهود در فلسطین زندگی کند
۵۶	تجاوزکاری اخیر اسرائیل
۵۸	نظری بتجاوزگری گری اسرائیل
۶۰	چرا اعراب شگست خوردند
۶۲	دسیسه ای بزرگ یهود
۶۴	دشمنان دین الله و قاتلین انبیاء
۶۶	تجاوز یهودیان شیطان پرست ماسونی
۶۷	نقل گول سربازان اردن
۶۸	۷۰۰ صدهوا پیمای جنکی در فرازشهرها
۷۰	مقاومت جهانی برضد تجاوز یهود
۷۰	ممنوعه ای سولال مؤالف
۷۳	عالم اسلام یکی پس ازدیگری بیدار شدند
۷۴	کشورهای اروپا از اسلام قرانی استقبال میکنند
۷۴	یهویان فرزندان خدای خود هستند
۷۵	اعتراض قوم یهود بر موسی
۷۶	الله سبحان فرمود: یهودیان در تمام خوار هستند
۷۶	الله سبحان فرمود عالم اسلام باید بم اتم و نثرون داشته باشند
۷۷	معرفی یهود در جنان
۷۹	جای فلسطین
۸۱	تورات فعلی و عهد عتیق یهود
۸۲	الله سبحان فرمود: یهود تورات فعلی را بادست خودشان نوشتند
۸۲	نظر الله درباره تورات فعلی
۸۴	یهویان اهل شهوت رانی وزنا هستند
۸۴	بسلیمان نسبت دادن که هزارزن داشته است

۸۵	خداوند تورات فعلی جسم و مذکر و مؤنث و همجنس بازا است
۸۷	شیطان در جلد موسی با خداوند زنا میکند
۹۰	یهودیان در معبد بر شیطان قربانی میکنند
۹۱	الله سبحانه احد فرمود: یهودیان از چهار پایان کمتر و گمراهتر هستند
۹۱	یهودیان بر انبیاء و رسلان تهمت میزنند که کسی نتواند آنها را املات کند
۹۲	بی عفتی و بی حیائی و بی غیرتی و بی شرفی یهود
۹۲	هجرت ابراهیم بن شکن و قهرمان توحیدی
۹۳	چرا دولت غاصب اسرائیل زنا را آزاد کرد
۹۴	طمع یهودیان کبابی فرما سونری شیطان پرست
۹۶	کتاب تلمود یعنی آئین یهود
۹۷	هرگز خداوند تورات از دروغ و غصب برکنار نیست
۹۷	نطفه غیر یهود مانند نطفه حیوانات است
۹۸	یهود میگوید: کشتن مسیحی از واجبات ما است
۹۸	یهودیان بمریم؛ مقدس (س) مادر عیسی مسیح رسول الله (ص) نسبت زن داد
۱۰۰	یهود باید اموال مردم دیگران بوسیله بریاید مانع ندارد
۱۰۰	اگر یکی از غیر یهود را کشتیم مثل اینکه در راه خدا قربانی کردیم
۱۰۱	هلاک کردند مسیحی ثواب بسیار دارد
۱۰۲	برای یهود شهوت پرستی و زنا گناهی ندارد
۱۰۳	حزب ماسونیسم چیست؟؟؟!!!
۱۰۴	تقدیم حزب ماسونیسم
۱۰۶	یهود گفت: فراموش نکید که ما دشمن کل ادیان هستیم
۱۰۷	انقلاب مارکس
۱۰۸	پروتکل های حکمای یود
۱۱۰	پروتکل شماره ۱
۱۱۲	پروتکل شماره ۲
۱۱۵	پروتکل شماره ۳
۱۲۲	پروتکل شماره ۴
۱۲۴	پروتکل شماره ۵
۱۲۹	پروتکل شماره ۶
۱۳۲	پروتکل شماره ۷
۱۳۳	پروتکل شماره ۸
۱۳۵	پروتکل شماره ۹
۱۴۰	پروتکل شماره ۱۰

۱۴۷	۱۱	پروتکل شماره
۱۴۹	۱۲	پروتکل شماره
۱۵۷	۱۳	پروتکل شماره
۱۵۹	۱۴	پروتکل شماره
۱۶۱	۱۵	پروتکل شماره
۱۶۴	۱۶	پروتکل شماره
۱۷۴	۱۷	پروتکل شماره
۱۷۷	۱۸	پروتکل شماره
۱۸۰	۱۹	پروتکل شماره
۱۸۱	۲۰	پروتکل شماره
۱۹۱	۲۱	پروتکل شماره
۱۹۴	۲۲	پروتکل شماره
۱۹۵	۲۳	پروتکل شماره
۱۹۷	۲۴	پروتکل شماره
۲۰۰		نفوذ سیطره یهود
۲۰۲		توطئه های یهود
۲۰۳		یهود ونصای دوپست خود را تأییدکرد
۲۰۴		قره صونماینده فراماسونری در ترکیه بود
۲۰۵		دولت امراطوری اسلامی عثمانی را یهود از بین برد
۲۰۵		الله سبحان فرمود: تمام قوه سلاح نظامی را بدست آورید
۲۰۶		الله سبحان فرمود: همه شما را از یک مرد و یک زن آفریدیم
۲۰۸		وزارت جنگ
۲۰۹		نفوذ یهود در دولت شوروی
۲۱۰		جنايات يهودی فراماسونری کبالای
۲۱۱		قتل کشتن انبیاء الله سبحان احد
۲۱۲		قتل کودکی برای خون آن عید فصح
۲۱۴		قتل یک خانه وارد فلسطین
۲۱۵		کشتار دهکده دیر یاسین و چند دهکده دیگری
۲۱۷		یهودیان آمریکائی حيله ونیرنگ میکنند
۲۱۸		کتاب کنت آمریکائی
۲۱۹		بازی برچندگانه چیست؟!
۲۱۹		سیطره صنعتی آمریکا بر شرق
۲۲۰		کارهای دسته جمعی یهود

۲۲۱	اسرائیل مادر مهربان کومونیسم است
۲۲۱	در کشور اسرائیل نگاه و طلاق مفهومی ندارد
۲۲۲	۲۵۰۰ انجمن در اسرائیل وجود دارد
۲۲۴	یهود مساجد را بجاهای فساد تبدیل میکند
۲۲۴	در مقابل قوم یهود چه باید کرد؟!
۲۲۵	خداوند یهوه دستور داد که گوشت و خون غیر بخورید بر شما حلال است
۲۲۶	الله سبحان علام احد فرمود: یهود همیشه در دنیا خوار و ذلیل است

کتاب دنیا باز چه یهود تدیم!

- ۱- به آنها که میخواهند چهره واقعی یهود را؛ از پشت هزاران ماسکریا کارانه را ببینند . . .
- ۲- به آنها که با اسانها و یانسانیتها از دست یهود زجر میکشند . . .
- ۳- به آنها که هنوز نمیدانند؛ که دنیا . . . باز چه یهود؛ شده است . . .

این کتاب تقدیم میشود!

مترجم: محمد هادی مقدسی

گفتار مترجم . . .

دنیا . . . باز چه یهود است!

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۲) الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۳) مَا لِكَ يَوْمَ الدِّينِ (۴)
 أَيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ (۵) اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ (۶) صِرَاطَ الَّذِينَ
 أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ (۷)

ترجمه: بنام الله که بامهربانی بخشنده است

حمدوستایش مخصوص برالله است که صاحب اختیارکل جهانیان
 است! الله بامهربانی بخشنده است! الله مالک روزقیامت است! ای
 الله تنها تورا میپرستیم وبنده گی میکنیم و تنهازتویاری وکمک
 مسئلت میجوئیم! ما را پراه راست هدایت فرما! پراه آنانکه نعمت
 هدایت فرموده ای؛ نراه مغضوب شده گان؛ ونراه گمراهان!!!

يعقوب فرزند اسحاق؛ که اورا اسرئیل (يعنى بنده الله) میگویند:
 که دوازده فرزند داشت که فرزندچهارمینش (يهودا) بود (يهودا)
 وبردراش با پدر خود يعوب در کنعان (فلسطين) سکونت داشتند
 وپس از واقعه يوسف که (يهودا) هم در آن شرکت داشت؛ در سال
 ۱۷۴۰ قبل از میلاد؛ کنعان را بعزم (مصر) ترک گفتند: در آن روز
 ها (مصر) مملکت پر جمعیت و با ثروتی بود! و هر کسی که بر آن
 حکومت میکرد؛ چنان بود که بر جهان حکومت میکند! هنگامیکه
 برادران يوسف وارد این سرزمین شدند؛ يوسف پادشاه آن بود
 از این جهت آنها زندگی بسیار و باشکوهی بهم زدند؛ و کم تعداد
 شان از هزار تجاوز کرده و قبائل متعددی را تشکیل دادند؛ این

قبیله ها سالهای درازی را در امن؛ او مان بسر بردند؛ تا آنکه زمان (فرعون) فرا رسید؛ و چون درمان او؛ و قبیله های بنی اسرائیل عداوت دیرین بود؛ آنها را ذلیل کرده و بگفته قرآن: «مردهایشان

دنیا بازچه یهود

۳

را کشته و زنانشان را بسیری بردند؛ سورة البقره آیه ۹۴»
پیش از آنکه موسی پیام آورد مبعوت گردد؛ بنی اسرائیل سخت ترین روزهای خود را زیر شکنجه های فرسا؛ و فشارهای گوناگون فرعون بسر میبردند؛ ولی موسی نبینا در حوالی ۲۱۲ قبل از میلاد مبعوث شد؛ روحهای پژمرده آنها را جوان کرده؛ و بجانهای دربند شده آزادی بخشید! اما این پیام آور بزرگ در برابر این خدمات از آنها چه پاداشی به او دادند؟!

برای مثال یکی از آن پاداشهای ننگین را نقل مکنیم: تاریخ چنین مینوسد: شبانگاه چون موسی و بنی اسرائیل؛ مصر را مخفیانه ترک گفتند؛ و برکنار رود (نیل) رسیدند؛ موسی (ص) با عصای خود آنها را روی هم ریخته در لابلای روراهی باز کرد؛ موسی (ص) امر کرد تا همگی آن راه را در پیش گرفته و از (بیل) عبور کنند؛ ولی آنها بایکصد گفتند: که ما دوازده قبیله هستیم؛ هر قبله ای عادات و رسوم مخصوصی دارد؛ بنابراین راه دوازده بشود تا فرمانت را اجرا کنیم!!!

موسی (ص) بدریا گفت: که دوازده راه باز کند؛ نیل چنین کرد!!!
ولی آنها یک قدم پیش نرفتند و عذرشان این بود؛ گفتند: ممکن است؛ که در میان راه ما را بایکدیگر اختیاجی افتد؛ پس در یارابگو: پنجره های و سوراخ هائی در میان دیوارهای آب باز کند؛ تا هر قبیله ای بتواند قبائل دیگر را ببیند و با آنها گفتگو کنند؛ چنین شد؛ ولی از هم در جای خود ایستاده و فریاد زدند: که پاهای ما برهنه است؛ و زمین رود در طوبت دارد و تا امرنکی که زمین خشک شود

ما از آن عبور نمی‌کنیم! الله امر کرد... زمین خشک شد ولی باز
بر جای ایستادند؛ و این باری ادبی را و وقاحت را بدرجه رسانیده
و با یکدیگر چنین گفتند: موسی ما را از شهر آواره کرد؛ و اینک

دنیا باز چه یهود

میخواهد که در دریا غرقمان کند؛ تا مالها و ثروت‌های مان نصیب
نتصرف خویش در آورد!!!

موسی (ص) با یک دنیا دهشت؛ در حالیکه لبخند تلخی بر لبانش
نقش بسته بود پا برود نهاده و پیشاپیش آنها براه افتاد!!!
این نخستین تجربه و آزمایش تلخی بود که بنی اسرائیل بموسی
نشان دادند!!!

باز تاریخ مینویسد: چون بنی اسرائیل؛ از رود نیل خارج شده
بصحرای سیناء رسیدند بموسی گفتند: ما را از آشیانه خود بیرون
در صحرائی شن زار سکونت دادی این چه رفتاری است که با ما
میکنی؛ مگر ما سنگ هستیم؛ و احتیاج به آب و علف نداریم؟!
الله سبحان امر کرد تا آسمان برای آنها طعام بفرسد؛ و ابری بر
آنها سایه افکند؛ و سنگی به آنها آب بدهد!!!

چندی بهمین منوال گذشت تا آنکه روزی بموسی (ص) گفتند:
ما طعامهای آسمانی نمیخواهیم به خدایت بگو: همان؛ پیاز و عدس
برای ما بفرسد زیرا که به آنها عادت کرده ایم!!!
موسی گفت: پس داخل یکی از همین قریه‌های نزدیک شوید؛
و آنچه میخواهید؛ خود بکارید؛ دیگر الله سبحان برای شما طعامی
نخواهد فرستاد!!!

نافرمانی آنها آنقدر زیاد شد؛ که الله سبحان عقوبتی بر آنها نازل
کرد؛ و آن این بود که مدت چهل سال در سحراها و بیابانها سر
شدند؛ و آنها که باموسی از مصر بیرون آمدند؛ آرزوی شهر را
بگور بردند؛ و نوه‌ها؛ و نواده‌های ایشان با یوشع بن نون سال

۱۵۰۰ ق م داخل شهرکنعان شدند! (۱)

(۱) تاریخ الاسرائیلیین - تألیف شاهین مقاریوس چاپخانه المقتطف ۱۹۰۴

دنیای بازچه یهود

۵

نخستین دولتی که یهودتشکیل دادندوقتی بود که (طالوت) با (شاوول) درحوالی سال ۱۰۹۵ - ۱۰۵۵ ق م پادشاه آنها شد و پایتخت خود

را حبرون (خلیل) قرارداد؛ ولی چون داود (ص) پادشاه گشت؛ پایتخت در سال ۱۰۴۹ ق م به (یبوس)؛ (بیت المقدس) تحویل داد؛ سلیمان (ص) فرزند داود؛ که پس از پدرش مقام پادشاهی و نیوت را حائز گشت؛ بزرگترین پادشاهان آنها شناخته شده در زمان او همه از آرامش و سعادت برخوردار بود؛ میگویند: مه (هیکل سلیمان) را بنا کرد؛ و مدت هفت سال مهندیسن مصر؛ الجزیره؛ فینیقیان در آن کار کردند (۱)

پس از مرگ سلیمان (حوالی سال ۹۲۲ ق م دولت آنها بدو قسمت منقسم شد؛ یکی در شمال که پایتختش سامره (نابلس) بود؛ و دیگری در جنوب که پایتختش (اورشلیم)؛ (بیت المقدس) (۲) این دو دولت مدن دو بیست سال باهم جنگیدند تا آنکه (سرجون) امپراطور آشوری ها - ج ۷۲۲ ق م - بر آنها چیره گشت؛ و فرمان داد تا همه یهود را از آن منطقه خارج سازد (۳)

و پس از آنکه (نینوی) بدست کلدانیان سقوط کرد - ح ۶۱۴ ق م یهود برای بهم زدن میان آنها؛ و مصریها که برکنعان حکومت داشتند سخت مشغول فعالیت شدید؛ در اثر آن جنگ دامنه داری میان آنها واقع شده بالاخره (نبوخذنصر) پادشاه بابل در سال ۵۶۲ ق م - پیروز شد و برای انتقام از یهود (اوشلیم) را خراب کرد؛ هیکل شانرا نابود نمود و همه را دست بسته ببابل سوداد - ح ۵۸۶ ق م

مدت زیادی را اسیر می‌گذراندند؛ تا آنکه (کوروش) پادشاه ایران که مادرش یهودی بود؛ آنها را از اسیری که (اسیری بابل) مشهور شد نجات داده؛ دوباره هیکل را بنا کردند- ح ۵۱۶ ق م (۱) و در ایام (هلین) یهود مرود تهاجم‌های بسیاری واقع شدند آخر آنها وقتی بود که رهبر معروف رمانی (قبطس) اورشلیم را خراب کرده؛ هرچه یهودی بود اسیر کرد و به (رم) فرستاد؛ این حادثه در سال ۷۰ میلادی واقع شد؛ و در سال ۱۲۵ م (آدریانوس) امپراتور رومانی بر آنها هجوم کرده اورشلیم را خراب کرد و تعداد پانصد هزار یهودی را کشته و (۵۰۰۰۰) نفرشان را اسیر نمود (۲) و در عهد (ترجان) - ۱۰۶ م- تعداد زیادی از یهود مخفیانه داخل (اورشلیم) شده و بنای خرابکاری را گذاردند و چون (آدریانوس) پادشاه (روم) شد ۱۱۷ - ۱۳۸ م- اورشلیم را بتصرف در آورد و انجام دادن مراسم مذهبی را بر یهود محصور داشت؛ بر حبری (بارکوخیا) - ۱۳۵ - شورش کردند؛ ولی پیروز نشدند؛ در واقعه بیش از ۵۸۰ هزار یهودی بقتل رسید و آنها که جان سالم بدر بردند؛ شهر را تخلیه کردند؛ آدریانوس مجدداً اورشلیم را خراب کرده و بجای آن شهری بنام (ایلیا) بنا کرد (۳)

و پس از این تاریخ؛ یهود خرابکاری‌های زیاد کردند و در اثر آن چندین بار قتل عام شدند و در همه آنها مسبب آن بودند (۴)

(۱) تاریخ الاسرائیلیین- تألیف شاهین مقاریوس چاپخانه القنطف ۱۹۰۴

(۲) مجله العربی ۱۰۹ ص ۵۵

(۳) تاریخ القدس؛ تألیف عارف العارف؛ چاپخانه دارالمعارف ۱۹۵۱

صفات یهود . . . و فشار دولتها . . .

گوستاو لوبون فرانسوی میگوید: «اگر ما بخویم صفات یهود را در چند کلمه خلاصه کنیم؛ باید بگوئیم: یهود چون انسانهایی هستند که تازه از جنگل داخل شهر شده اند و همیشه از صفات انسانی بی بهره بودند؛ و چون پس ترین مردم روی زمین زندگی میکنند (۱)» «بنی اسرائیل همیشه مردمی وحشی؛ سفاک و بی غیرت بوده و حتی در زمانیکه خود آنها بر کشورهای خود حکمت میکردند باز هم از سفاکی خود دست برنداشته اند؛ بر پروا داخل جنگ شده و چون از پای در آیند؛ بیکمشت خیالات نا انسانی و بی اساس پناه میبرند؛ خلاصه آنکه هیچ فرقی میان؛ حیوانات؛ مثل خوک؛ یهود گذاشت بر جسته ترین صفات یهود؛ چنانچه قرآن بیان میکند از قرار ذیل است! قساوت؛ و توحش؛ چنانچه میفرماید: (۱)

ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشَقَّقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَاءٌ يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (۲)

ترجمه: الله سبحانه فرمود: ای یهودیان: سپس عقلهای شما بعد از نزول این قرآن سخت گردید همانند سنگ یاسخت تراز آن چرا که از برخی سنگها آب جویهایی بیرون میزند و پاره ای از آنها آب جاری و خارج میشود و برخی از آنها از بیم الله فرومی ریزد؛ والله از آنچه عمل میکنید غافل نیست!!!

فَبِمَا نَقْضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ
عَنْ مَوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ وَلَا تَزَالُ تَطَّلُعُ عَلَى خَائِنَةٍ
مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ (۱)

ترجمه: الله سبحانه قهار فرمود: پس بسزای پیمان شکستن یهود لعنتشان
کردیم و دل‌هایشان را سخت گردانیدیم بطوریکه کلمات قرآن را از مواضع
خود تحریف میکنند و بخشی از آنچه را بدان اندرز داده شده بودند بفرامو
شی؛ سپردند؛ و ای محمد تو همواره بر خیانت کاریهای از آنان آگاه میشوی!
قساوت قلب؛ سنگ دل آنها را تاریخ در تمام عصور و ادوار خود مبرهن
کرده است!

کاسیوس در کتاب ۷۸ خود در فصل ۳۲ در حوادث سال ۱۱۷ م
مینوسد: «۰۰۰ مطابق همین تاریخ یود در (Cyene) کناره دریا
طرابلس غرب-برهبری (اندریا) برای کشتن رمیها؛ و یونانیها خروج
کرده و همه را از دم تیغ گذراندند سپس خونهایشان آشامیدند و گوشتها
یشان را خوردند؛ سرها و استخوانهایشان کرده و بسگها دادند؛ و خیلی
را هم مجبور کردند که یکدیگر چون حیوانات بکشند؛ تعداد آنکسانیکه
در این (کشتارگاه) بقتل رسیدند بدویست و بیست هزار (۲۲۰۰۰۰) نفر
رسیدند؛ و همانند همین کشتار را در نیز در (مصر) و (قبرس) برهبری
(Artemicn) تکرار کردند و در آن پیش از دوست و چهل هزار نفر در
(۲۴۰۰۰۰) بقتل رسانیدند (۲)

«و در سافیل) واقع در اسپانیا یکصد و سیست و هشت مسیحی را یکی از
مقابر دور شهر برده؛ و آنها را با گوله مجروح کردند؛ سپس همه را
زنده دفن کردند؛ بطوریکه دستهایشان بروی زمین ظاهر بود (۳)

دنیا بازچه یهود

البته این قساوت قبل یهود؛ تازه و کهنه ندارد و حتی در همین جنگ اخیر مسلمانان؛ اسرائیل هنگامیکه آنها بر (بیت المقدس) چیره شدند؛ بیکی از قریه های قریب شهر هجوم برده؛ مردم بیگناه؛ از ترس بمسجد پناه بردن ولی مگر یهود مسجد میفهمند! درست همه مردم داخل مسجد شدند هوا پیمایهای هیلوکبتر بر فراز مسجد ظاهر شد؛ ده ها طن مواد منفجره بر مسجد ریخته و آن را با تمام پناهندگانش آتش زدند (۱) کشتن انبیاء الله!

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمِثْلِ هَوَىٰ أَنْفُسِكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ (۲)

ترجمه: الله سبحان احد و قهار ازلی و ابدی که فرزند کسی نیست و از او فرزند و ولد نشده و نخواهد شد و هیچ چیزی و هیچ شئی شبیه و مانند الله نیست» الله سبحان احد فرمود: حقیقت این است بموسی کتاب تورات را دادیم و پس از او پیام آوران و رسوالان را پشت سر هم فرستادیم و عیسی پسر مریم را معجزه های آشکار بخشیدیم و او را باروح القدس تایید کردیم پس چرا هرگاه پیام آوری چیزی را که خوشایند شما یهودیان نبود برایتان آورد کفر و کبر و ورزیدید و گروهی پیام آوران؛ و انبیاء را دروغگو: و کذاب خواندید و گروهی رسولان؛ و انبیاء را کشتید و بقتل رسانید؟؟؟؟!!!

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا نُوْمِنُ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا وَنَكْفُرُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَهُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَهُمْ قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۳)

(۱) این خبر در تمام رادیوها؛ و روزنامه‌ها و جرائد منتشر شده است
(۲) از قرآن کریم سوره البقره آیه ۸۷
(۳) از قرآن کریم سوره البقره آیه ۹۱

۱۰

دنیا باز چه یهود

ترجمه الله سبحانه احد و قهار فرمود: وقتیکه بیهودیان گفته شود به قرآن وحی منزل را که نازل کرده ایمان آورید می‌گویند: ما به آنچه بر پیام آور خودمان موسی نازل شده ایمان می‌آوریم؛ و غیر آن را با آنکه کاملاً حق تصدیق و مؤید کننده همان چیزی است که با آنان است انکار میکنند؛ بگو: اگر مؤمن بودید پس چرا پیش از این پیام آوران و رسولان انبیاء الله سبحانه الی وابدی را میکشید؟؟؟؟!!!
لَقَدْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَارْسَلْنَا إِلَيْهِمْ رَسُولًا قَالُمْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا يَقْتُلُونَ (۱)

ترجمه: الله سبحانه احد قهار فرمود: ما از فرزندان اسرائیل (یعقوب) سخت پیمان گرفتیم و بسویشان پیام آوران؛ و انبیاء روانه کردیم هر بار پیام آوران و انبیاء؛ چیزی برخلاف دلخواهشان برایشان آوردند گروهی رادروغ گو: و تکذیب میکردند و گروهی را میکشند و بقتل رسانیدند؟؟؟؟!!!

عجب آنکه؛ کشتن پیام آوران و رسولان؛ آنقدر در بین آنها معمول شده بود که صورت طبیعی بخود گرفته بود چنانچه در روایات است که یهودیان ما بین طلوع فجر؛ تا طلوع آفتاب هفتاد؛ انبیاء و پیام آوران سر میبردند و ذبح میکردند؛ و سپس دکانهای خود را باز میکردند مثل اینکه هیچ بدی نکردند! (۲)
من جمله از آن پیام آورانیکه بدست آنها بقتل رسیدند؛ (یحیی) و (ذکریا) بودند که فقط آنکه آنها را از فحشاء و منکرات منع میکردند مسحق قتل شدند!!!

چنانچه میخواستند (هارون) را بتقل برسانند!
و برای (عیسی) چوبه دار نصب کردند؛ و بظاهر به صلب کشیدند!!!

دنیا بازچه یهود

چنانچه تواریخ مینوسند: «پس از فتح (خیب ر) همسر (سرم بن مشکم؛ یهود که گرگ بود جلدگوسفندی پوشیده بود) یهودی بود؛ که ظاهراً اسلام آورده بود طعامی از گشت ذراع گوسفند مهیا کرده و بدمت محمد رسول الله (ص) فرستاد؛ پیام آور که هیچ عادت نداشت غذا را تنها میل کند (بشرین براء) را دعوت کرد بشر هم دست برده؛ و قطعه ای از آن گوشت را تناول کرد؛ اما همینکه رسول الله گوشت را در دهان گذاشت و مقدار آن را جوید؛ یکمرتبه لقمه را از دهان انداخته؛ و فریاد زد؛ به الله قسم که این گوشت بمن خبرمیده که او مسموم است؛ ولی آن زهر آنقدر قوی بود که (بشر) را در همانجا بقتل رسانید؛ و رسول الله را پس از چند هفته شهید کرد! (۱)

(۱) موفق علماء الاسلام من اليهود؛ ص ۲۹؛ مکتب اسلام شماره ۳ سال نهم ۱۶۲؛ معروف این است که محمد رسول الله (ص) در کسالت و بیماری شهادت خود میفرمود: «این بیماری از آثار غذای مسمومی است که آن زن یهودی پس از فتح خیبر برای من آورد؛ ولی آن زهر خطر با آب دهان پیام آور اسلام محمد رسول الله (ص) کمی مخلوط شد؛ و روی دستگاههای در بدن رسول الله (ص) اثر خود را گذارد!!!»

دروغ ؛ وافتراء؛ خیانت... تحریف یهود:

قرآن کریم میفرماید: وَدَّتْ طَائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّوكُمْ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ (۶۹) يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ (۷۰) يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبَسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۷۱) وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمَنُوا بِالَّذِي أُنزِلَ عَلَيَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَجَهَ النَّهَارِ وَكَفَرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۷۲) وَلَا تُؤْمِنُوا إِلَّا بِالَّذِي آمَنَ بِكُمْ قُلْ إِنَّ الْهُدَىٰ هُدَىٰ اللَّهِ أَنْ يُؤْتَىٰ أَحَدٌ مِثْلَ مَا أُوتِيْتُمْ أَوْ يُحَاجُّوكُمْ عِنْدَ رَبِّكُمْ قُلْ إِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (۷۳) يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (۷۴) وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِقِطَارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بَدِينَارٍ لَا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَائِمًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيِّينَ سَبِيلٌ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (۷۵) (از قرآن کریم سوره ال عمران آیات از ۶۹ الی ۷۵)

گروهی از اهل کتاب یهود آرزو میکنند کاش شمارا گمراه میکردند در صورتی که جز خودشان کسی را گمراه نمیکند ولی نمیفمند و شعور ندارند! ای اهل کتاب یهود چرا به آیات قرآن الله کفر میور زید؛ بانکه خود بد رستی آن قرآن گواهی میدهید! ای اهل کتاب چرا حق را بباطل درمی آمیزید و حقیقت را کتمان میکنید با اینکه خود میدانید! و جماعتی از اهل کتاب یهود گفتند: در آغاز روز به آنچه بر مؤمنان قرآن نازل شد ایمان بیاورید و در پایان روز کفر و انکار کنید شاید عمل شما بر آنان اثر بگذارد از اسلام قرآن برگردند! و گفتند: اگر دین شمارا پیروی نکند ایمان بیاورید! الله سبحان فرمود: «ای

محمد بگو: هدایت؛ هدایت الله است؛ مبدا بکسی نظیر آنچه به شما داده شده؛ داده شود و یاد رپیشگاه صاحب اختیار کلّ خودتان باشما

دنیا باز چه یهود

۱۳

محاچه کنند؛ ای محمد بگو: این تفضل بدست الله است؛ آن را بهر کسیکه بخواهد میدهد؛ و الله گشایشگر علام داناست؛ رحمت خود را بهر کسیکه بخواهد مخصوص میگرداند؛ و الله دارای بخشش بزرگ است! و از اهل کتاب کسی است که اگر او را بر مال فراوانی امین شمردی آن را بتو بر میگرداند؛ و از آنان کسی است که اگر او را بر دیناری امین شمردی آن را بتو نمی پردازد؛ مگر آنکه دایما بر سر وی بپا ایستی این بدان سبب است؛ که آنان پیندار خود گفتند: در مورد کسانی که کتاب آسمانی ندارند؛ برزیان ما راهی نیست؛ و بر الله دروغ میبندند با اینکه خودشان هم میدانند!!!

مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا
وَاسْمَعُ غَيْرَ مُسْمَعٍ وَرَاعِنَا لَيًّا بِالسَّنْتِهِمْ وَطَعْنَا فِي الدِّينِ وَلَوْ أَنَّهُمْ
قَالُوا سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا وَاسْمَعُ وَ أَنْظَرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَقْوَمَ وَلَكِنْ
لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا (۴۶) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ
آمَنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا
عَلَى أَدْبَارِهَا أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعْنَا أَصْحَابَ السَّبْتِ وَ كَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا
(۴۷) إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ
مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ افْتَرَى إِثْمًا عَظِيمًا (۴۸) (قرآن کریم سورة انشاء آیات از ۶ تا ۴۸)

ترجمه: الله سبحانه احد فرمود: برخی از آنانیکه یهودی اند کلمات قرآن را از جاهای خود بر میگردانند و با پیچانیدن زبان خود و به قصد طعنه زدن بر دین اسلام با در آمیختن عبری به عربی می گویند: شنیدیم و نافرمانی کردیم؛ و بشنوک کاش ناشنو امی گردی و نیز از روی استهزا میگویند: راعنا که در عربی یعنی بما التفات

کن ولی در عبری یعنی خبیث ما واگر آنان میگفتند: شنیدیم و فرمان
فرمان بردیم و بشنو؛ و بما بنگر قطعا برای آنان بهتر و درست تر

بود؛ ولی الله ازلی و ابدی آنان را به علت کفرشان لعنت کرد؛ در
نتیجه جزگروهی اندک ایمان نمی آورند! ای کسانی که بشما کتاب
داده شده است؛ به آنچه قرآن را فرو فرستادیم و تصدیق کننده
همان کتاب است که با شماست ایمان بیاورید! پیش از آنکه چهره
هایی را محو کنیم؛ و در نتیجه آنها را به قهقرا باز گردانیم یا هم
چنانکه اصحاب شنبه را لعنت کردیم؛ آنان را نیز لعنت کنیم و امر
و فرمان الله همواره تحقق یافته است! بدرستی که الله کسی را که
به الله شرك ورزیده شود هرگز نمی بخشاید؛ و غیر از آن را برای
هر کسی را که بخواهد می بخشاید؛ و هر کسی که به الله شرك ورزد
بیقین بگناهی بزرگتری را مرتکب شده است!!!

مکرو... و خدعه... دوروی یهود شیطان پرست فرما سونری
این چند صفت؛ چند عصای ضخیمی است که همیشه یهود در کار
های خود بر آنها تکیه میکنند این صفت سرشتی است که در طبیعت
هر یهودی... در هر کجا که هست و در هر کاری که انجام میدهد!!!
الله سبحان احد قهار و علام در قرآن مفرماید:

وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ (قرآن کریم سورة آل عمران آیه ۵۴)

ترجمه: الله سبحان قهار فرمود: و دشمنان یهودی الله مکرورزیدند
و الله احد قهار در پاسخشان فرمود: مکر در میان آورد؛ و الله بهترین
مکرانگیزان است! «شما یهودیان خوک؛ و کسیف؛ و نجس؛ و بیشعور
بی آبرو را در جهان پرکنده؛ و حیران؛ و سرگردان گذاشته است»!!!

أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَغْفِرُ
لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۴۰) يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنْكَ الَّذِينَ

يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا فَأَوَّاهَهُمْ وَلَمْ تُؤْمِنْ قُلُوبُهُمْ
وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَّاعُونَ لِقَوْمٍ آخِرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ
يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ يَقُولُونَ إِنْ أُوتِيتُمْ هَذَا فَخُذُوهُ وَإِنْ

دنیا بازچه یهود

۱۵

لَمْ تَأْتَوْهُ فَأَحْذَرُوا وَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا أُولَئِكَ
الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يُطَهِّرْ قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآ
خِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (٤١) سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَّالُونَ لِلسُّخْتِ فَإِنْ جَاءُوكَ
بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرَضَ عَنْهُمْ وَ إِنْ تُعْرَضَ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرَّوكَ شَيْئًا وَإِنْ
حَكَمْتَ فَأَحْكَمْ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ (٤٢) وَكَيْفَ وَ
يُحْكَمُونَكَ وَعِنْدَهُمُ التَّورَةُ فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ ثُمَّ يَتَوَلَّوْنَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَ
مَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ (٤٣) إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّورَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يُحْكَمُ
بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَ الرِّبَّانِيُّونَ وَ الْأَحْبَارُ بِمَا
اسْتَحْفَفُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَ
اخْشَوْنَ اللَّهَ وَ لَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ
فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ (٤٤) (قرآن کریم سورة المائدة آيات از ٤٠ الى ٤٤)

ترجمه: الله سبحانه فرمود: ای محمد: مگر ندانسته ای که فرمانروایی
آسمانها و زمین از آن الله است؛ هر کسی را بخواد عذاب می کند و
هر کسی را بخواد ممیبخشد و الله بر هر چیزی تواناست! ای محمد
یهودیانی که در کفر شتاب می ورزند تورا غمگین نسازند؛ چه از
آنکه بازبان خود گفتند: ایمان آوردیم و حال آنکه دلهایشان ایمان
نیاورده بود؛ و چه از یهودیان؛ آنانیکه بسخنان تو گوش می سپارند
تابهانه ابرای تکذیب تویابند؛ و برای گروهی دیگریکه خودنزد
تونیا مده اند خبر چینی؛ جاسوسی؛ میکنند: کلمات قرآن را از جاهای
خود؛ دگرگون میکنند و میگویند: اگر این حکم بشما داده شد؛ آن را
بپذیرید و اگر آن حکم بشما داده نشد؛ پس دوری کنید؛ و هر کسی را

که الله بخواهد بفتنه برافکند؛ هرگز در برابر الله برای او؛ از دست تو کاری بر نمی آید؛ اینها یهودیان هستند که الله نخواستند دلهايشان را پاك گرداند؛ در دنیا برای آنان رسوایی و در آخرت عذابی بزرگی خواهد بود! پذیریش و شنوای دروغ هستند؛ و بسیار مال حرام را

دنیا باز چه یهود

۱۶

میخورند؛ پس اگر نزد تو آمدند؛ یادرمیان آنان داوری کن یا از ایشان روی بگردان و اگر از آنان روی برتابی هرگز زیانی بتو نخواهند رسانید؛ و اگر داوری میکنی پس به عدالت در میانشان حکم کن که الله دادگران را دوست می دارد! و چگونه تورا داور قرار می دهند؟! با آنکه تورات نزد آنان است که در آن حکم الله آمده است؛ سپس آنان بعد از این طلب داوری پشیمان میکنند؛ و بدرستی که آنان مؤمن نیستند! ما تورات را که در آن رهنمود و روشنایی بود نازل کردیم؛ پیام آورانیکه تسلیم فرمان الله بودند بموجب آن برای یهود داوری میکردند؛ و همچنین الهیون و دانشمندان بسبب آنچه از کتاب الله به آنان سپرده شده و بر آن گواه بودند؛ پس از مردم نترسید؛ و از من بترسید؛ و آیات قرآن مرا ببهای ناچیزی بفروشید؛ و یهودیانیکه بموجب آنچه الله قرآن را نازل کرده داوری نکرده اند آنان خودشان کافران هستند!!!

وَ اتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَىٰ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ حُلِيِّهِمْ عِجْلًا جَسَدًا لَّهُ خَوَارِئُ مِمَّن يَرَوْا
أَنَّهُ لَا يُكَلِّمُهُمْ وَلَا يَهْدِيهِمْ سَبِيلًا اتَّخَذُوهُ وَكَانُوا ظَالِمِينَ (۱۴۸)
(قرآن کریم سورة الاعراف آیه ۱۴۸)

ترجمه: الله سبحان فرمود: و قوم موسی پس از عزیمت او از زیورهای خود مجسمه گوساله ای برای خود ساختند که صدای گاو داشت آیا ندیدند که آن گوساله با ایشان سخن نمیگوید: و راهی به آنها نمی نماید آن را بپرستش گرفتند و ستمکار و ظالم بودند!!!
وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ

اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَأِن أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَ آمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَ عَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ (١٢) (قرآن کریم سوره المائده آیه ١٢)

دنیا بازچه یهود

١٧

ترجمه: الله سبحانه فرمود در حقیقت الله از فرزندان اسرائیل (یعقوب) پیمان گرفت و از آنان دوازده سرکرده برانگیختیم؛ و الله فرمود: من باشما هستم اگر نماز برپا دارید و زکات بدهید و بفرستادگانم ایمان بیاورید و یاریشان کنید؛ و بوجه الله و ام نیکویی بدهید قطعاً گناهان شما را از شما میزدایم و شما را بباغهایی که از زیر قصر و درختان آنها نهرها روان است درمی آورم پس هر کسی از شما بعد از این کفر ورزد در حقیقت از راه راست الله گمراه شده است!!!

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ هَلْ تَتَّقُمُونَ مِمَّا آتَيْنَا بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ مِنَ الْقُرْآنِ مِنْ قَبْلُ وَأَنَّ أَكْثَرَكُمْ فَاسِقُونَ (٥٩) قُلْ هَلْ أَنْبَأُكُمْ بِشَرِّ مِمَّنْ ذَلِكَ مَثُوبَةٌ عِنْدَ اللَّهِ مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمْ الْقِرَدَةَ وَ الْخَنَازِيرَ وَ عِبَدَ الطَّاغُوتِ أُولَئِكَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضَلُّ عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ (٦٠) وَإِذَا جَاءُوكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَقَدْ دَخَلُوا بِالْكَفْرِ وَهُمْ قَدْ خَرَجُوا بِهِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا كَانُوا يَكْتُمُونَ (٦١) وَتَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يُسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانَ وَ أَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (٦٢) لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَ الْأَخْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَ أَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ (٦٣) وَقَالَتِ الْيَهُودُ لِلَّهِ مَغْلُوبَةٌ غَلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَ لَعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنْفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَ لِيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَ كُفْرًا وَ أَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَ الْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ (٦٤) (قرآن کریم سوره المائده آیات از ٥٩ الی ٦٤)

ترجمه: الله سبحان فرمود: ای محمد بگو: ای اهل کتاب یهودیان آیا این را بر ما عیب میگیرید؟! که ما به الله واحد و به قرآن بسوی ما نازل شده؟! و به آنچه پیش از این کتابهای فرستاده شده است ایمان آورده ایم و اینکه بیشتر شما فاسقید! بگو: آیا شمار ابدت را از صاحبان این کفر در پیشگاه الله قادر و قهار خبر بد هم؟! بدستیکه

دنیا باز چه یهود

۱۸

که الله لعنتشان کرده و بر آنان خشم گرفته و از آنان بوزینگان و میمونها؛ و خوکان و خنزیرها؛ پدید آورده و تبدیل فرموده است آنانیکه طاغوت و بُت را پرستش کرده اند؛ اینانند که از نظر منزلت بدتر و از راه راست الله گمراه ترند! ای محمد وقتیکه یهودیان نزد شما می آیند میگویند: ایمان آوردیم در حالی که با کفر وارد شده و قطعا با همان کفر بیرون رفته اند؛ و الله علام به آنچه پنهان می داشتند داننا تراست! و بسیاری از آنان را میبینی که در گناه و تعدی و حرام خواری خود شتاب میکنند و اقعاً چه اعمال بدی انجام می دادند! چرا الهیون و دانشمندان آنان را از گفتار گناه آلوده هستند؟! و حرام خواری ایشان از گناه باز ندارند؛ راستی چه بد است آنچه انجام می دادند! و یهودیان گفتند: دست الله بسته است؛ دستهای خودشان بسته باد؛ و بسزای آنچه گفتند: از رحمت الله دور شوند بلکه دست الله گشاده است هرگونه بخواهد میبخشد؛ و قطعا قرآن از جانب صاحب اختیار کلّ تو؛ بسوی تو فرود آمده بر طغیان و کفر بسیاری از یهودیان خواهد افزود؛ و تا بر روز قیامت میانشان دشمنی و کینه افکنیم هر بار که آتشی برای پیکار و جنگ بر افروختند؛ الله آن را خاموش ساخت و در زمین برای فساد می کوشند؛ و الله مفسدان را دوست نمیدارد!!!

فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكَرَةِ مُعْرِضِينَ (٢٩) كَانَتْهُمْ حُمْرٌ مُسْتَنْفِرَةٌ (٥٠)
فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ (٥١)
(قرآن کریم سورة المدثر آیات ٤٩ الی ٥١)

ترجمه: الله سبحانه علام فرمود: چرا یهودیان از تذکرو نصیحت
قرآن روی گردانیدند؟! مثل اینکه گورخرانی رمیده اند هستند!
که از مقابل شیری درنده فرار کرده اند!!!

دنیابازچه یهود

۱۹

أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكَيْلًا (٢٣) أَمْ تَحْسَبُ
أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ
سَبِيلًا (٢٤) (قرآن کریم سورة الفرقان آیات ٢٣ و ٢٤)

ترجمه: الله سبحانه ازلی و ابدی و علام فرمود: آیا آن یهودیان که
هوای نفس خود را معبود خویش گرفته است دیده ای؟! آیا تو
میتوانی وکیل و ضامن او باشی؟! یا گمان داری که بیشتر ایشان
میشنوند؟! یامی اندیشند؟! آنان جز مانند چهارپایان نیستند بلکه از
چهارپایان گمراه تر هستند!!!

خداوند یهوه صبا یوت؛ خداوند یهودیان انسان آسمانی است
آیا این خداوند جسم انسانی آسمانی را چه کسی و چه چیزی
خلق کرده و بوجود آورده است؟؟؟؟!!!
آیا خداوند جسم انسان آسمانی را یهوه صبا یوت؛ خودش؛ خودش
را خلق کرده و بوجود آورده است؛ یا نه؟؟؟؟!!!

خداوند بزنش گفت: آفریننده تو اسمش یهوه صبا یوت است شوهر
تو است!!! (کتاب مقدس اشعیا نبی باب پنجاه و چهار: آیه از ۱ الی ۹)
خداوند گفت: به لور و حامه بگوئید: اوزن من نیست و من شوهر او

نیستم زیرا زناکار است!!! (کتاب مقدس اشعیا نبی باب پنجاه و چهار؛ آیه از ۱ الی ۹)
پس خداوند میگوید: ای پسران مرتد رجوع نمائید؛ زیرا که من شوهر شما هستم!!! (کتاب مقدس عهد عتیق؛ کتاب ارمیا نبی باب سوم آیات از ۴ تا ۱۶)
ای اسرائیل مثل قومها شادو؛ و جدمنا؛ زیرا که از خدای خود زنا نمودی!!! (کتاب مقدس عهد عتیق؛ کتاب هوشع نبی تمام باب دهم)
خداوندیّهوه باحوت دریا که پادشاه ماهی ها است؛ به بازی می پردازد!!! (از کتاب تلمود از ص ۳۷۴)

۲۰

دنیابازچه یهود

خداوندیّهوه صبايوت خدای یهودیان است؛ که هم از زنان برای خود زن گرفته است؛ و هم از پسران و مردان برای خود زن گرفته است؛ و خداوند کتاب مقدس عهد عتیق؛ تورات فعلی؛ خودش هم زائیده است؛ ولی شوهر خداوند کتاب مقدس عهد عتیق؛ تورات فعلی را؛ در تورات فعلی پیدانکریم شایدنداشت وجود ندارد؛ ولی قاعده کلی این است کسیکه میزائید باید شوهر داشته باشد؛ اما شوهر خداوند را در کتاب تورات فعلی ما پیدا نکردیم؛ اما زائیده است؛ که پسرانش شاهد زائیدنش میباشد؛ و اینجانب مؤلف خداوند کتاب مقدس عهد عتیق؛ تورات فعلی را همجنس باز شناختیم؛ زیرا که اگر مرد بود از مردان و پسران برای خودش زن گرفته است؛ اگر زن بود برای خودش از زنان زن گرفته است؛ و خودش هم زائیده است؛ بهمین دلیل خداوند کتاب مقدس تورات فعلی را؛ جسم و مذکر و مؤنث همجنس باز شناختیم؛ شاید مردان و زنان همجنس باز و شهوت ران و هوس باز؛ امروزی همجنس بازی را از خداوند کتاب مقدس تورات فعلی؛ آموخته و یاد گرفته اند؛ و از طرف دیگر پسران خداوند از دختران آدمیان برای خودشان

زن گرفته و اختیار کرده اندو برای ایشان پسران زائیده که جباران
زمانها شده اند!!!

کذب و دروغ هولوکاست؛ یهودیان صهونیست شیطان
پرست کبابی فراماسونری؛ گشت خواران و خوناشام
غیریهود را بعمل می آورند!!!

دنیا باز چه یهود

۲۱

ارنست پاندل نویسنده کانادایی: در باره شش میلیون قربانی
یهودیان در آلمان شک کرده است! ارنست پاندل (۱) نویسنده
کانادایی و مقیم ((تورونتو)) (۲) در اوایل ۱۹۸۸ میلادی کتابی
نوشته و در آن روی دادهای جنگی جهانی دوم را تجزیه و تحلیل
کرده است! اوشک دارد که رقم ((شش میلیون قربانی یهودی))
که بوسیله رژیم نازی کشته شدند! درست باشد؟؟؟؟!! بر هر حال!
همین ادعا سبب شد که گروه های متنفذ صهیون نیستی در کانادا
! با اعمال نفوذ فراوان از انتشار کتاب مذکور جلوگیری کند! با توجه
بمطالب شرح داده در بالا! چنین بنظر میرسد که اصل ((آزادی
ابراز عقیده)) بدو بخش تقسیم شده باشد: نخست آزادی ابراز عقیده
که میتوان بمسلمانان اهانت کرد! دوم آزادی ابراز عقیده که از قام
تاریخی را مورد نقد و بررسی قرار دهد و اتفاقاً این نقد و بررسی
برای صهیون نیسم زیانبار باشد! رویدای که در کانادا رخ داد!
منحصراً به فرد نیست و تقریباً در تمام کشورهای اروپای! کتابهای
ممنوع الانتشار اعلام شد که صهیون نیست جهانی را از سر طرز

بسبب اشغال فلسطین بعنوان تنها ((پیروزمند)) جنگ جهانی دوم قلم داد کرده بودند! کتابهایی که متن آن از ((ضدیهودی گرای)) حکایت کند! ممنوع الانتشار میگردد! اما کتابهایی که نویسنده آنها اسلام را آن هم بارها و بسیار مورد اهانت قرار دادند روانه بازار میکردند (۳) عدد شش میلیون یهودیکه میگویند بدست نازیها کشته شدند بشدت مبالغه آمیز و دروغ و کذب است (۴ Toronto)

۲- Ernest landel - ۱ - ۳ - از کتاب آزادی ابراز عقیده یا اهانت بتوده ها ص ۷۲ - ۴ - از کتاب ماهیت سازمان ملل؛ دکتر: شمس الدین رحمانی صهیونیستها از مظلومیت یهودیان آلمان حدّ اثر

۲۲

دنیابازچه یهود

بهره بردای رانمودند غیر از آن بهره بردای! هنوز هم یهودیان از آن حادثه کذب و دروغ! بهره بردای میکنند! اینها برای اثبات مظلومیت خود و جلب توجه ملل دیگر! این کشتار آلمان را صدها برابر آن چه که بوده بزرگ جلوه دادند! مخصوصاً مقارن جنایات غیر قابل عضویکه در فلسطین انجام میداد! دستگاههای تبلیغاتی دنیارا استخدام کرده و چشم و گوش و دل ملتهارا با صفحات روز نامه ها! توصف سرانی رادیوها صحنه های غم انگیز تاترها و پرده های سینماها پر از مظاهر مظلومیت خود میکردند مثلاً ب مردم دنیا باور آند که در آلمان شش میلیون یهودیان بقتل رسیده در صورتی که تعداد کشتگانیکه در کشور آلمان! بنظر اهل تحقیق از دویست هزار نفر تجاوز نمیکند! کتاب مسلمین جهان در صفحه ۶۰ آمار یهود اروپا را قبل از قیام نازیها چنین مینویسد: تعداد یهود در سوئد و دانمارک ۲۱۷/۰۰۰ تعداد یهود در بلژیک هند ۲۱۰/۰۰۰ تعداد یهود در سوئیس ۷۰/۰۰۰ تعداد یهود در ایتالیا ۲۴۰/۰۰۰ تعداد یهود در اتریش ۸۰/۰۰۰ تعداد یهود در آلمان ۲۰۰/۰۰۰

تعداد یهودی در شوروی ۲۱۹۰۰/۰۰۰ تعداد یهودی در لهستان
۲۶۰/۰۰۰ تعداد یهودی در رومانی ۴۵۰/۰۰۰ تعداد یهودی
در فرانسه ۴۰۰/۰۰۰ تعداد یهودیان در انگستان ۴۰۰/۰۰۰
تعداد یهودی در مجارستان ۲۸۰/۰۰۰ تعداد یهودی در چکسلواکی
۲۱۵/۰۰۰ ۵۹۰۲/۰۰۰ جمع مجموع یهودیان اروپا قبل از قیام
پنج میلیون و نه صد و دو هزار نفر بودند؛ یهودیان شوروی و ایتالیا
و سوئد و سویس که بیش از سه میلیون بودند! اصلاً دست نخوردند
!حدود یک میلیون یهود از ممالک اروپا که بتصرف آلمان درآمدند
فرار کردند! وقتیکه متفقین کشورهای فرانسه و مجارستان و
رومانی را از آلمان ها گرفتند معلوم شد که تغییر محسوسی در

دنیا باز چه یهود

۲۳

یهود آنجا رخ نداده و در خود آلمان بیش از ده هزار یهودی سالم
مانده بودند (۱) بنابراین ادعای اینکه شش میلیون یهودی کشته
شدند (هولوکاست) دروغ و کذب است! که برای مقاصد شومی از
قبیل پرده پوشی بر روی جنایات فلسطین و آزاره کردن بیش از
یک میلیون مسلمان عرب! و کشتن هزاران مسلمان! جلب توجه
و کمک ممالک دیگر و ۰۰۰ ساخته شده! و تعداد مردم دیگری که
در ضمن جنگ بدست آلمانها کشته شدند خیلی بیشتر از عده یهود
بود! آلمانها بیشتر از یک میلیون از مسلمانان آلمانی! شمال آفریقا
و میلیونها مردم فرانسه و شوروی را کشتند! و برای آنها کسی
اینهمه نوحه خوانی نکرد! و فقط این یهود است که هنوز آن خون
دروغ (هولوکاست) را میجوشاند برای چه؟؟؟! الیته ما با کشتار
هیتلر موافق نیستیم! ولی میگوئیم: عمل هیتلر مجوز جنایتهای
ضد بشر نمیشود! و اگر روزی محکمه بین المللی بوجود آید! باید
عمال هیتلر را! و صهیونیسم این دو حزب نژاد پرست هر دو باید

محاكمه و محكوم شوند!!! (۲)

مثلاً بمردم دنیا باور آند که در آلمان شش میلیون یهودی بقتل رسیده در صورتیکه تعداد کشتگان! در آلمان! بنظر اهل تحقیق از دویست هزار نفر تجاوز نمیکند! کتاب مسلمین جهان در صفحه ۶۰ آمار یهود اروپا را قبل از قیام نازیها چنین مینویسد:

تعداد یهود در سوئد و دانمارک ۲۱۷/۰۰۰ نفر

تعداد یهود در بلژیک هند ۲۱۰/۰۰۰ نفر

تعداد یهود در سوئیس ۷۰/۰۰۰ نفر

تعداد یهود در ایتالیا ۲۴۰/۰۰۰ نفر

۲۴

دنیابازچه یهود

تعداد یهود در اتریش ۸۰/۰۰۰ نفر

تعداد یهود در آلمان ۲۰۰/۰۰۰ نفر

تعداد یهودی در شوروی ۲۱۹۰۰/۰۰۰ نفر

تعداد یهودی در لهستان ۲۶۰/۰۰۰ نفر

تعداد یهودی در رومانی ۴۵۰/۰۰۰ نفر

تعداد یهودی در فرانسه ۴۰۰/۰۰۰ نفر

تعداد یهودی در انگستان ۴۰۰/۰۰۰ نفر

تعداد یهودی در مجارستان ۲۸۰/۰۰۰ نفر

تعداد یهودی در چکسلواکی ۲۱۵/۰۰۰ نفر

۰۰۰/۲۱۵ ۰۲/۵۹۰۰۰ جمع کل یودیان در اروپا نفر بود!!!

پیمان شکنی یهودیان ؛ نقض عهد کردن یهودیان

اگر ممکن بود پیمان شکنی را بجسم دید ۰۰۰ بنا بود بیهودنگاه کرد ۰۰۰ چه پیمانهای را که ریر پا نهادند و بهر چه شرافت و انسانیت است لگد زدند!!!

هنگامیکه پیام آور اسلام خندق را حفر کرد؛ و سپاه کفار عبور از آن بازماند یهود (بنی قریظه) که هم پیمان رسول الله بودند؛ یک کنفرانس عاجلانه ای تشکیل داده و با خود قرار گذاشتند؛ که از یکطرف آنها از عقب بر لشکر اسلام بتازند؛ و از طرف دیگر هم

دنیا باز چه یهود

۲۵

کفار بر آنها حمله ور کردند و بدین وسیله اسلام را از ریشه نابود کنند؛ ولی سرانجام لشکر احزاب؛ شکست خورد؛ اینبار نوبت این قبیله ای خائین رسید؛ پیام آور مدت بیست پنج روز یهودیان را محاصره کرد؛ تا بالاخره تسلیم شدند؛ هفت صدمرد ساحشور در بند کرده بخدمت پیام آور آوردند؛ پیام آور فرمود: هر کسی را که میخواهد انتخاب کنید؛ جریمه شما قضاوت کند یهودیان (سعد بن معاذ) را که سابقاً از قبیله خائین بود انتخاب کردند سعد که طبیعت آنها را میدانست امر کرد؛ تمام مرد ها را گردند زنده؛ و زنهای ایشان را اسیر کنند؛ هنگامیکه پیام آور قضاوت سعد را شنید فرمود: «به الله قسم حکم تو مطابق حکم الله بود»

فساد اخلاقی کل یهودیان

افساد کردن؛ یکی از وسائل شرافت مندانه! پیشرفت یهود است؛

وبقول (هتلر) «هردملی راکه انسان یشکافدخواهد دید که ملیو
نها یهودی داخل آن مشغول افساد هستند» (۲)

قرآن میفرماید: «لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ
دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ (۷۸) كَانُوا
لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (۷۹) تَرَى كَثِيرًا
مِنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ
اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ (۸۰) وَ لَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ
وَالنَّبِيِّ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوهُمْ أَوْلِيَاءَ وَلَكِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ فَاسِقُونَ
(۸۱) لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا
وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى ذَلِكَ بِأَنَّ
مِنْهُمْ قَسِيصِينَ وَرُهَبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ (۸۲)

(ازقرآن کریم از سوره المانده آیات از ۷۸ الی ۸۲)

(۲) تاریخ اطانیا الهتلریه جلد ۱

ترجمه: الله سبحان ازلی وابدی فرمود: از میان فرزندان اسرائیل
آنانیکه کفرورزیدند بزبان داوود و عیسی بن مریم مورد لعنت قرار
گرفتند این کیفر بخاطر آن بود که عصیان ورزیده و از فرمان الله
تجاوز می کردند! و از کار زشتی که آن را مرتکب می شدند یکدیگر
را باز نمی داشتند راستی چه کار بد بود آنچه می کردند! بسیاری از
آنان را می بینیکه با کسانیکه کفرورزیده اند دوستی میکنند راستی
چه کار زشت است آنچه برای خود پیش فرستادند که در نتیجه الله
برای ایشان خشم گرفت و پیوسته در عذاب میمانند! و اگر به الله و
پیام او رو آنچه که بسوی رسول فرود آمده ایمان می آوردند آنان
را بدوستی نمی گرفتند لیکن بسیاری از ایشان نافرمانند! بدرستی که
یهودیان و کسانیکه شرك ورزیده اند دشمن ترین مردم نسبت به
مؤمنان خواهی یافت و قطعاً کسانیکه گفتند: ما نصرانی هستیم

نزدیکترین مردم در دوستی با مؤمنان خواهی یافت زیرا برخی از آنان دانشمندان و رهبانانی اند که تکبر نمی ورزند!!!

ربا خواری یهودیان؛ در قرآن کریم وحی منزل!
فَبِظُلْمٍ مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَبِصَدِّهِمْ
عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا (۱۶۰) وَ أَخَذَهُمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهِوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ
أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (۱۶۱)
(از قرآن کریم از سوره النساء آیات ۱۶۰ و ۱۶۱)

ترجمه: الله سبحانه احد علام فرمود: پس بسزای ظلم و ستمی که از یهودیان سرزد و بسبب آنکه مردم بسیار را از راه الله بازداشتند چیزهای پاکیزه ای را که بر آنان حلال شده بود حرام گردانیدیم! و بسبب ربا گرفتنشان با آنکه از ربا گرفتند نهی شده بودند و به ناحق مال مردم را خوردند ایشان؛ و ما برای کافران آنان عذابی دردناک را آماده کرده ایم!!!

دنیابازچه یهود

۲۷

این بود صفات؛ فروزه های برجسته ای یهود و شاید همین عادات؛ و فروزه های نکوهیده بود که همیشه آنها را تحت فشار دولت ها قرار میداد و همین ها بود که سبب شد یهود را از بیشتر کشورهای بیرون کنند؛ در انگلستان در سال ۱۲۹۰ پس از آنکه یهود در انگلستان مردم را بستوه در آوردند (ادوارد) اول امر کرد که همه آنها را از کشور انگلستان خارج سازند؛ و در اعلامیه ای که از طرف او منتشر شد گفته بود که «یهود باید قبل از عید قدیسین از انگلستان خارج شوند و چنانچه کسی از این تاریخ متخلف شود او را بدار کشیده جسدش را چهار قطعه خواهیم کرد» در اثر این فرمان تعداد ۱۶۰۰۰ یهودی انگلستان را ترک گفته؛ تمام مملکاتشان مصادره شد!!!

«پس از این تاریخ مدت چهار صد سال؛ یهود از دخول انگلستان

ممنوع بود تا اینکه (کرمویل) در سال ۱۶۵۷ م به آنها قیود و شراطی اجازه داد که داخل آن شوند» (۱)
«در سال ۱۶۵۷ برای اولین بار بیهود اجازه داده شد که کنیسه خود را در لندن بنا کنند»
«و فقط در سال ۱۶۷۴ یهود آمریکا؛ کرد در آن وقت یکی از مسعمرات بریطانیا بود؛ اجازه دادند که علناً عبادت کنند»
«در سال ۱۸۴۱ اولین روزنامه ای یهود در انگلستان تأسس شد»
در فرانسه

«در فرانسه (اگسطس) یهود را طرد کرد و تا مدت ایسات سال از دخول؛ ممنوع بودند در عهد (فلیپ) زیبا برای دومین بار آنها را از فرانسه طرد کرده و ممتلكاتشان را مصادره نمودند؛ و در سال ۱۳۴۱ م مردم بر علیه یهود شورش کرده و هزارها یهودی را

۱- مجله: الاادب ۱۹۵۷/۱۱/ص ۴۳

سربریدند این شورش چندین سال ادماهه داشت؛ بطوریکه در سال ۱۳۹۴ م یک یهودی (فرانسه) وجود داشت!!!
«و در سال ۱۴۹۲ م بآنها اجازه داده شد که داخل فرانسه شوند»
ولی تا اواسط قرن شانزدهم؛ بر آنها ممنوع بود که ساکن شهر شوند
«اینها هم چندین بار طرد شدند و آخرین مرتبه آنها بدست هتلر انجام گرفت؛ و مدت (۱۲) سال موحش ترین شکنجه ها را بدست نازیها دیدند»

مانمیدانیم هتلر روی چه اساسی آنها را نابود کرد؛ ولی همین قدر میدانیم که یهود ملت پست؛ و بشرافتی است؛ انسانیت از دست آنها زخمهای زیادی بر تن دارد؛ و آنچه بر سرش آمد کیفر خونریزیهای آنها نخواهد بود!!!

یهود در اسپانیا

«در روز ۲۱ مارس ۱۴۹۲ پادشاه اسپانیا (فردیناند) مرسوم اصدار کرده؛ و در آن از یهود خواست که تا آخر ماه (یولو) کشور اسپانیا را برای ابد ترک گویند: در اثر صدور این مرسوم تعداد ۵۰۰۰۰ یهودی از اسپانیا خارج شدند»
«چنانچه یهود از (شوروی)؛ (پولند)؛ (ایتالیا)؛ (روم)؛ (بلغاری) (سوئیس)؛ (هنغاری) برای چندین بار طرد شدند»

۳- این عقیده ها ترکیده میشود!

همیشه عقیده های حقارت و اکنشهای زیان آوری داشته ولی تاریخ و اکنشی بسان و اکنشهای عقیده یهود؛ ندیده است؛ و اکنشی که ده ها جنگ را پیا کرد؛ صدها میلیون انسان را بکشتن داد!
۲۹ دنیابازچه یهود

یهود برای جبران آن همه زجزها محفلها؛ و جزبپای گوناگونی تشکیل دادند؛ تا بوسیله آن بتوانند انتقام آن همه فشار؛ سخت گیری های مردم یا بقبول خودشان خون بهارا از ملت های ضعیف و ناتوان بگیرند!!!

اولین محفل یهود که در قرن هفدهم تأسس شد؛ محفل (ماسونی) بود که پیروزی های زیادی را نصیب یهود کرد (۱) هدف اساسی این محفل چنانچه بعدها اعلام شد از قرار زیر است!!!

۱- محافظت یهودیسم

۲- نابود کردن همه ادیان جهان

۳- دمیدن روح الحادی؛ در ماتها (۲)

سرچشنه محفل؛ از بریتانیا بود؛ و در تمام جهان؛ از آنجا منتشر گشت؛ بسرپرستی آن!!!

اولین محفل یهود اولین درپارس در سال ۱۷۲۲ م تأسس شد!!!
 اولین محفل ماسونی در جبل طارق در سال ۱۷۲۷ م تأسس شد!
 « « « « آلمان « « « « ۱۷۳۳ م « « « «
 « « « « پرتقال « « « « ۱۷۳۵ م « « « «
 « « « « هولند « « « « ۱۷۴۵ م « « « «
 اولین محفل ماسونی در سوئیس در سال ۱۷۴۰ م تأسس شد!!!
 « « « « دامارک « « « « ۱۷۴۵ م « « « «
 « « « « ایتالیا « « « « ۱۷۱۳ م « « « «
 « « « « بلجیک « « « « ۱۷۶۵ م « « « «
 « « « « شوری « « « « ۱۷۷۱ م « « « «
 « « « « سوئد « « « « ۱۷۷۳ م « « « «

(۱) برای توضیح بیشتر بهمین کتاب مراجعه شود!!!

(۲) الماسونیه ملک اسرائیل - تألیف محمد علی زعیبی - بیروت ۱۹۵۶ م!!!

۳۰

دنیابازچه یهود

« « « « هند « « « « ۱۷۵۲ م « « « «
 «در آمریکا محافل رسمی ماسونی از سال ۱۷۳۳ م آغاز گشته؛
 و تا سال ۱۹۰۷ م پنجاه محفل علنی در آمریکا تأسس شد» (۱)
 ب- دومین واکنش که یهودیان را ابراز داشتند؛ تأسس سازمان
 (بنای برث)؛ (B·naiB·rilh) در ۱۰/۳/۱۸۴۲ م بود این سازمان
 که در اشغال آتش جنگهای جهانی اول و دوم سهیم بود (۲) از طرف
 مهاجرین یهود تأسس شد!!!

و در عهد آیزنهاور رئیس جمهوری اسبق آمریکا رئیس این سازمان
 آقای (Philip Kulznick) بعنوان رئیس نمایندگان آمریکا در
 سازمان ملل متحد تعیین شد (۳)

ج - سومین واکنش آنها؛ جنبش (صهیونیسم)؛ (Zionism) بود
 هدف این جنبش ارتجاعی و نژادی آنستکه حکومت بنی اسرائیل

رابازگرداند؛ و بر خرابه های مسجد اقصی (هیکل سلیمان) را بنا کند (۴)
ابتدای این حرکت را میتوان در سال ۱۱۶۱ م دانست؛ گرچه (هرنسل)
(۱۸۶۰ - ۱۹۰۴) برای اولین بار آن را علنی کرده و خیلی ها آن را از
ابتکارات هرنسل دانسته اند!!!

یعقیده صهیونیست هاجر صهیونیست یهودی باشد؛ زیرا که قائمه
حرکت افراد زیادی را نام میبرد هیچ یکی آنها یهودی نبوده است
مانند (چرچیل)؛ (ایدن)؛ (ترمان)؛ (آزنهور)؛ (کنیدی)؛ (جان سون)
چرچیل در اواخر حیات خود میگفت: من یک صهیونی عریق
هستم و به آئینم افتخار میکنم (۵)

-
- ۱ - بدائرة المعارف برتانيا ماده (Fteemasotry) مراجعه شود
 - ۲ - خطر اليهودية المالطية على الاسلام والمسيحية ص ۱۵۴
 - ۳ - عدد تاريخ ۱۵ سپتامير ۱۹۵۶ از نشریه!!!
(iothic Ripples - Arnojd ۱ - eese - London)
 - ۴ - الخطر المحيط بالاسلام ص ۲۰۳
 - ۵ - تاريخ الحركة الصهيونية؛ تأليف دكتور (آن تايلر)

دنيا با چه يهود

۳۱

(پروتکل حکمای یهود) از آن همین حرکت است این کتاب خطرنا
ترین برنامه های صهیونیست ها را برای سبطره ای بر جهان
فاش میکند؛ همین کتاب ص ۱۵۰

د-چهرمین واکنش یهود را جمله ای (ضدسامی) (Anlisemitism)
این دروغ بزرگ؛ که سلاح برنیده ای یهود شده است تشکیل میدهد!!!
یهود چگونه از آن استفاده میکنند؟!

دستهای خرابکاری یهود؛ بر همه جنگها؛ و کشمکشهای جهان
اثر گذاشته ولی مکر کسی میتواند آن را فاش کند؟؟؟!!!

۱ - هنگامیکه خاندان سلطنتی (ساسون)؛ (۱۸۳۲ - ۱۸۶۴ م)
تجارت مود مخدره را بدست گرفت؛ و مردم در این عمل اظهار
نارضایت کردند؛ یهود؛ فریاد زدند (ضد سامی)!

۲ - هنگامیکه یهود دو جنگ جهانی، اول و دوم را برپا کردند؛

و مردم خواستند آنها را مفتضح فریاد زدند: ضدسامی!!!
۳- هنگامیکه دکترهای یهودی در آمریکا؛ مکروب؛ سرطان را
برای آزمایش بچند جوان مسیحی تزریق کردند؛ و مردم میخواستند
از آن جلوگیری کنند؛ یهودیان فریاد زدند: ضد سامی (۱)
۴- هنگامیکه ملیونر شهیر آقای (هنری فورد) کتاب (یهودی جهانی؛
یگانه مشکله ای جهان) را انیشار داد؛ آن قدر یهود؛ به سلاح
(ضدسامی) با او جنگ کردند؛ که بالاخره مجبور شد (معذرت نامهای)
را که خود یهود نوشته بودند؛ امضاء کرده؛ و از آنهاپوزش بطلبید (۲)
حاییم وایزمن میگوید:

we Seelm to carry ant-selnitism In our kne -

Psacks Wherever uego

۱- خطر اليهودية العاطی ص ۱۷۲

۲- مقدمه ای (کتاب اليهودی العاطی) ص ۱۲

۳۲

دنیابازچه یهود

یعنی: «ما هر کجا برویم سلاح (ضدسامی) را با خود حمل خواهیم کرد (۱)
و تاییهود این سلاح را انگستان؛ و فرانسه بکار برده و نتایج مفیدی
از آن بدست آورده اند!!!»

۴

آوما نهایی ناانسانی!

یگانه آرمان یهود که به آن تصریح میکنند آنستکه؛ یک دولت
یهودی جهانی بیان کنند؛ یعنی همه دنیا را تحت تصرف خویش
در آورد!!!

این حکومت؛ بنا بر گفته خود آنها؛ از اسرائیل سرچشمه خواهد گرفت
و پس از استیلا بر (نیل تافرات) در راه آن گامهای بزرگ خواهند

برداشت!!!

بعقیده آنها؛ اگر (از نیل تا فرات) را آنها بدست بیاورند بقیه مناطق
خواهی تسلیم خواهند شد؛ زیرا که این منطقه که با سرشار خود
ثروتمندترین مناطق جهان را تشکیل میدهد (گلوی) دنیا محسوب
میشود و آن کسی که بتواند بر آن حکومت کند چنان است که بر جهان
حکومت داشته است؛ تورات فعلی میگوید: «در آن روز با برام
(ابراهیم) گفت: «این زمین را بنسل تو خواهم داد؛ از نهر مصر؛ تا
نهر بزرگ فرات» (۲)
تا آنکه خداوند تو؛ و نسل تو باشم. زمینهای کنان را بملک ابدی
تو خواهم در آورد» (۳)

(۱) سفر پیدایش اصحاح ۵

(۲) پیدایش اصحاح ۱۷

(۳) تثیبه اصحاح اول

دنیا باز چه یهود

۳۳

یَهُوَه پروردگار ما در (حوریب) با ما سخن گفت: «بس است آنچه
در این توقف نمودید؛ بروید و داخل کوه های امورین شوید؛ و
سواحل بحر؛ زمینهای کنان؛ و لبنان؛ تا بهر بزرگ فرات را بتصرف
در آورید. داخل شوید؛ و زمینهای را خداوند قسم یاد کرد؛ که
آن را با ابراهیم و اسحق؛ و یاقوب و فرزندان آنها بدهد تملک کنید (۱)
یهود برای تحقق بخشیدن به این نویدها و نوید های دیگری که
در (تلمود) وارد شده است در مرحله ای اول یک حکومت مخفیانه
مرکب از (۳۰۰) یهود تشکیل داده؛ و یک نفر را بعنوان (وارث
سلیمان و داود) بعنوان پادشاه آن انتخاب میکنند این حکومت
مخفی در حقیقت صاحب مال؛ نفوذ؛ و همه کاره اروپا است (۲)
آقای (ولتر راتنو) یهودی در روزنامه (The Wiener Press)

تاریخ ۱۹۰۹/۱۲/۲۵ مینویسد: «سرنوشت اروپا؛ فقط بدست ۳۰۰ نفر که هر یکی رفقای دیگر خود را بخوبی میشناسد تعیین میگردد؛ این ۳۰۰ نفر که همه یهودی میباشد؛ دارای وسائل کافیه ای بر ایسرنگون ساختن رژیمهای مخالف هستند» (۳)

یهود این حکومت جهانی خود را؛ بیک افعی بسیار بزرگی تشبیه میکنند که از سال ۷۰ م برای نابود کردن جهان در حرکت است. دُم افعی در فلسطین باقی خواهد ماند و سر آن بحرکت خواهد آمد؛ تا اینکه تمام دنیا خراب شود؛ و در این وقت؛ سر او از این (جهان گردی) ننگین خود بازگشته؛ و در شهر (بیت المقدس) زیر پرچم یهود آرام خواهد گرفت!!!

(۱) اليهودية العاطية ص ۱۳۵

(۲) The key to the Mystery – Christian Natione list – Mi – ssouri

۱۹۳۸

۳۴

دنیابازچه یهود

ولی چون این آرمان کاملاً نا انسانی! با وجود ادیان و اخلاق امکان پذیر نبوده آنها سخت میکوشند تا اخلاق و دین مفهومی باقی نماند!!!

خاخام (Reichorn) دریکی از سنخرانی های خود که بر سر قبر (سیمون بن یهودا) در شهر براغ ۱۸۶۹ م ایراد کرده و در مجله ای (Cantemporain) بتاريخ ۱/۷/۱۸۸۰ م چاپ شده است؛ می گوید: «پدران گذشته ایما هر ساله کنفرانسی بر سر قبر (سیمون بن یهودا) تشکیل میدادند و این وظیفه ای ماست که اوال هر قرن این کنفرانس را تشکیل داده و برای سیطره ای بر جهان نقشه ریزی کنیم»

«اکنون هیجده قرن بر جنک یهودا برای سیطره ئیکه خداوند ما

به ابراهیم وعده داده است میگذرد؛ و با آنکه در این مدت یهود؛ اهانت‌های و جسارت‌های زیادی بخود دیده چندین بار قتل عام شده اند و اگر مادر دنیا منتشر شدیم عاتش آنستکه دنیا ملک ما است!!!
«اضافه میکند: و اینک ملت ماگامهای بزرگی را بسوی قله جهان برداشته و هر روز میگذرد بر قوت و نفوذ ما افزوده میشود؛ ما خداوند این زمان را که عبارت از (طلا) است مالک هستیم! همان خداوندیکه هارون آن را بصودت (گوساله ای) در آورد و ما آن را پرستش کردیم؛ اینک بصورت خداوند تمام مردم جهان در آمده است»
«در آن لظه نیکه طلاهای جهان بدست ما در آید؛ وعده های ابراهیم را عملی خواهیم کرد؛ و بر جهان سیطره ای کاملی خواهیم یافت» (۱)

یهود ۰۰۰ و آمریکا!!!

آیا آمریکا در دست یهود است؟!

این سؤال پس از جنگ اخیر مسلمانان و اسرائیل؛ از آنکه آمریکا جانب یهود را گرفت؛ زیاد بر سر زبانها آمده است!!!
ولی قبل از هر چیز است خلاصه ای از کتاب (یهودی جهانی ۰۰۰ یگانه مشکله ای جهانی) تألیف ملیونر شهیر آقای (هنری فورد) را برای شما نقل کنیم؛ تا شما خودتان جواب این سؤال را بدهید (۱)
«قریب چهارصد سال است (یعنی از همان اوائل ورود کلبس) که

یهود وارد آمریکا شده اند؛ و از همان تا بحال؛ این کتاب که شامل بحث‌های: تاریخ یهود در آمریکا؛ گوشه هائی از نفوذ یهود قربانیان یاجباران آیا یهود امتی را تشکیل می‌دهند؟! برنامه ای سیاسی یهود؛ مقدمه یهود از سلطه ای خود استفاده میکنند؟! نفوذ یهود در سیاست آمریکا؛ بلشویکها و صهیونیست ها؛ سیطره ای بر تأثیر و سینما؛ شراب قمار فساد؛ مشکله ای بزرگ جهان؛ مد و جز در سلطان مالی یهود؛ سیطره ای بر روزنامه های؛ دولت جامعه ای (یهود) و غیره میباشد؛ یکی از کتابهای بسیار سودمندی است؛ که اخیراً در جهان عربی انتشار یافته است!!!

این کتاب در سال ۱۹۲۱ م طرف شرکت ماشین سازی شهیر (فورد) انتشار یافت و بلا فاصله یهود نسخه های آن را جمع کرده آتش زدند!!!

فورد پس از تألیف این کتاب آنقدر مورد انتقاد محافل آمریکایا قرار گرفت که بالاخره مجبور شد معذرت نامه ای را در که روزنامه ها

از طرف چاپ کرده بودند امضاء کنند؛ نسخه ای از این کتاب در آمریکا (۸۰۰) دلار بفروش رسید! زسخیفات زیادی کشیده تا بالاخره توانستند این کشوری را که امروز بزرگترین؛ و ثروتمند ترین کشورهای جهان حساب میشود تحت نفوذ خود در آورد!!! «و با آنکه (ستویغیسات) حاکم آن روز بنیویورک که یکی از متعمرات (هلند) بود اعلامه ای صادر کرد و در آن از یهود درخواست نمود از نیویورک خارج شوند ولی در اثر سهامهای زیادی که یهود در شرکتهای هولندی داشتند؛ مدران آنها از (ستویغیسات) خواهش کردند که از این امر صرف نظر کنند!!!»

«آنچه را که این حاکم توانست انجام دهد این بود که بآنها اجازه نداد دکانهای خود را بر سر چهار راه ها و محللهای عمومی و پیر

جمیت قرار دهند . . .

ولی همان نیویورک امروز بصورت محله ای از محله های یهود در آمده است . . . و بطور کلی نیویورک بزرگترین مرکز یهود بشمار میرود؛ زیرا که همه تجارت خانه ها؛ کارخانه ها؛ صناعات؛ و زمینها ملک یهود است؛ و هرگز بکسی اجازه نخواهند داد تجارت خانه ای وارد کند و یا ثروتی بهم رساند!!!

«بنابر این ما آمریکاییها نباید تعجب کنیم هنگامیکه خا خام های یهودی ادعا میکنند که (آمریکا) همان میعادگاه هست که پیامبران بآنها وعده دادند» و (نیویورک) اورشلیم آنها؛ و سلسله ای جبال (روکی) کوه های (صهیون) است؛ ص ۱۹ - ۲۱

«در ایام (جورج واشنگتن) تعداد یهود از چهار هزار نفر بوده؛ آنها در زمان جنک استقلال؛ از جانب آمریکا را گرفتند و حتی به اهالی مستعمرات کمکهای زیادی کردند»؛ «ولی پنجاه سال بر این تاریخ نمیگذشت؛ که تعداد آنها از ۳۰۰۰۰۰ ر ۳۰۰۰۰۰ بیشتر بود؛ اما امروز

دنیا باز چه یهود

۳۷

تعداد آنها برای هیچ کسی معلوم نیست؛ و این خودیکی از سیاست های یهود است؛ زیرا که سرشماری آمریکا بدست آنهاست!!!

«شما اگر تعداد فراماسونریهای سناکن آمریکا را از دولت بپرسید فوراً بشما اطلاع خواهند داد؛ تعداد آفریقائیها؛ و آسیائیها هم که برای همه معلوم است ولی آنچه معلوم نیست و در راه مخفی بودن آنها کوشش بسیاری میشود تعداد یهود است و شاید خود دولت هم آن را نداند زیرا که پرونده های راجع باین موضوع مفقود است» ص ۵۸

«چنانچه ما بخواهیم تجادتهائی که در آمریکا منحصر بیهود است شمارش کنیم؛ باید اکثر؛ بلکه همه تجارتها را قائمه کنیم!!!

«معمولاً سینماها؛ تاترها؛ تجارت شکر؛ تجات کدوم؛ تجارت تنباکو

تجارت؛ پنبه؛ و فولاد؛ و پنجاه درصد از تجارت گوشت؛ و بیش از ۶۰ درصد از تجارت کفش؛ و اغلب صنایع ادوات موسیقی و جواهرات؛ و تمام مشروبات روحی و صندوقهای قرض جهانی ۰۰۰ و ۰۰۰ در دست یهود است! ص ۲۲

«بطور قطع میتوانیم بگوییم: که ملت آمریکاراضی نبوده و نخواهند بود که یهودبازارهای تجارتي خود را در این کشور تمرکز دهند؛ زیرا تاريخ چنین نشان داده که هرکشوریکه یهود در آن تمرکز عوامل فساد در آن زیاد شده و در نتیجه کشورهای دیگر نسبت بآن بدین خواهد شد چنانچه نسبت به اسپانیا؛ و بریتانیا اتفاق افتاد»

«زیاد میشود که ما میشنویم بریتانیا چنین کرده؛ و اطان چنان ولی در واقع یهود آن را انجام داده و هیچ دخلی بدولت بریتانیا و اطان ندارد! امروز آمریکا بهمین درد مبتلاست و هرکاریکه یهود انجام میدهند بنام ملت آمریکا تمام میشود در صورتیکه ملت آمریکا از آن مبرا میباشد ص ۲۳

۳۸

دنیا باز چه یهود

«امروز ملت امر کافقط با عینکهاییکه یهود بر چشمانها نهاد هاند بدنیا مینگرند و این بدبختی دیگر است که نصیب ما میشود»
«یهودان در هر گوشه و کنار نفوذ کردن اند و حتی کنیسه های مسیحی در آمریکا؛ تحنحت نفوذ یهود است! و در حقیقت منیرهای کنیسه ها وسیله ای از وسائل تبلیغات یهودی میباشد!!!
بقیده من اگر کشیشها؛ و کار دینلها بحرفهای خود رسیدگی کنند خواهند دید که ۷۰ درصد از حرفهای آنها از افکار یهودی سرچشمه گرفته است» ص ۳۱-۳۲

«برنامه های اقتصادی آمریکا فقط بدست یهود اجرا میشود؛ شاید افکار عمومی مردم؛ و سرمقاله های روزنامه های آمریکا از افکار خود یهود؛ یهودی تراست»

«اگر در دنیا مکان موجود باشد که افکار یهودی را ب مردم تزریق میکنند همان کنیسه های آمریکا است» ص ۳۳

«اگر یهود در اعماق کلیساها دست یافته اند؛ آیا ممکن است که در دانشگاه ها دست نداشته باشند؟! »

«تمام دانشگاه های آمریکا از نفوذ یهود؛ در افکار و عقاید آنها رنج میبرند» ص ۳۴

«در آمریکا دو سازمان یهود وجود دارد یکی بنام (کهیلا نیویورک) و دیگری بنام (کابینه یهود آمریکا)

«(کهیلا) که امروز بصورت یک حکومت مستقلى در آمده است تمام قرارداد او (قانون) حساب میشود و شاید این سازمان قوی ترین اتحادیه های یهودی را تشکیل داده باشد»

«علت هجرت روز افزون یهود بنیویورک وجود همین سازمان است (کهیلا) نسبت بیهود حکم (روم) نسبت بنصاری و (مگه) نسبت بمسلمانان را دارد» ص ۱۰۹

دنیا باز چه یهود

۳۹

«وجود کهیلا دلیل بسیار محکمی است بر علیه کسانی که میگویند: (یهود یک عنصر منقسم بر خود؛ و متنافری را تشکیل میدهند) زیرا که در این (سازمان) امریالیستها و تودئیها؛ و خام های یهودی چون برادر بر سر یک میز نشسته وزیر پرچم (یهودا) برای مقاصد خود نقشه ریزی میکنند» ص ۱۰۹

«هر فرد یهودی در آمریکا اقلادریک سازمان مخفی اسم نویسی کرده است» ص ۱۱۰

«کهیلا نام خود را تغییر داده و نام (کنفرانس یهودی جهانی) نهاده است و تقریباً تمام آرمانهای خود را بتحقیق رسانده است» ص ۱۱۳

«(کهیلا) هزارها (سازمان) مخفی تابع دارد»

«خوب است از این آقایان یهود که همیشه سعی کرده اند خود را وطن

پرست قلم دهند؛ سؤال کنیم؟! این (سازمان) برای چیست؟! و بر علیه کیست؟! و آنها چرا اینقدر تلاش میکنند تا نیویورک را از هر عنصری مخالفی خالی کنند اگر آنها وطن پرست هستند هیچ احتیاجی (سازمان) نخواهد بود» ص ۱۱۶

«کهیلا درسی است که دنیا باید آن را بخوبی فرگیرد تا سرعت جهانی که بحکم یهود حکم میکند؛ در نظر بیاورند» ص ۱۱۲
« حزب جمهوری آمریکا دامن گرمی برای یهود بوده است و لذا است که همیشه این حزب در انتخابات پیروز میشود؛ و در حقیقت این حزب همان (کهیلا) میچراند»

«تعیین رئیس جمهوری آمریکا جز بدست یهود؛ بدست کسی دیگری نیست؛ ولی بیچاره ملت؛ که گمان میکند او خودش رئیس را تعیین میکند چنانچه رئیس پس از انتخابات با آنها باصطلاح کج رفتاری کند آنقدر در باره او دزدی خواهد کشف شد! که بالاخره یا تسلیم میشود؛ و یا از صحنه بیرون میرود!»

«هنوز یهود همان سیاست قدیم مبنی بر آنکه نباید یهود را در جلو انداخت بلکه اغیار را (Grntilrs) صورت قرار داده و یهود در واقع باشند؛ در پیش گرفته اند؛ فائده ای این کار آنستکه آنها با (صورت) بودن اغیار بیش از صورت بودن یهود میتوانند اغراض خود را اعمال کنند؛ زیرا که اگر یهود رئیس باشد و علناً با اغراض یهود کمک کند؛ مردم او را متهم کرده و شاید از یهود متنفر شوند؛ در صورتیکه اگر آنها همچنان زیر پرده باشند هیچ گاه مورد اتهام نخواهند شد؛ و در این صورت؛ هم از انتقاد سالم ماندند؛ و هم خواسته های خود را جامه عمل پوشانیدند» ص ۱۳۲ - ۱۳۳
«در آمریکا سازمان دیگری وجود دارد بنام سازمان تامانی

گرچه این سازمان در ظاهر از صحنه های سیاسی خارج شده ولی در واقع قوی تر؛ و بانفوذ تر نشده باشد؛ ضعیف تر نشده است سرمایه ای این (سازمان) را از تجارت (جنس ظریف) و مواد مخدره تأمین میکند!»

«چندپیش دولت آمریکا تحقیقاتی در این باره بعمل آورد و مردم پست ترین انواع وحشیت (یعنی تجارت جنسی ظریف) را بجشم های خود مشاهده کردند؛ و آنقدر (گند) این عمل زشت بالا آمد که قسمت زیادی از این بازرگانان بشر دوست یهودی! مجبور شدند که نام؛ و فامیلی خود را عوض کنند؛ و اینک بهترین؛ و شریفترین؛ فامیل های یهودی در نیویورک اسمهای تبدیل شده دارند! ص ۱۳۶
«تآثرها ۰۰۰ و سینماها ۰۰۰ از دیر زمانی است که یهود میگوشتند تا هرچه وسائل تبلیغاتی است منحصرأ تحت تصرف آنها باشد؛ و معمولاً چون تآثر تأثیر شکر فی در مغزو فکر افراد جامعه میگذارد یهود کاری کرده اند که تآثر در دست آنهاست و یا بر علیه آنها اجرا برنامه اجرا نمیکند» ص ۱۶۲

دنیا باز چه یهود

۴۱

«سیطره ای یهود؛ منحصرن تآثر نیست؛ بلکه سینما هم دست آنها است؛ و صاحب امتیاز تمام سرکتهای فیلم برداری یهود هستند!»
«مشکله اینجاست که هر جا یهودی باشد؛ مشکل اخلاقی نیز فراوان است؛ هر یهودی بسهم خود خودش میگوید تا اخلاق ملتها را فاسد کند و از این راه بر مغزو روح آنها مستولی شود این مشکله بصورت موحشی در تآثرها و سینما های آمریکا بروز کرده است» ص ۱۶۳
«موسیقی ۰۰۰ یهود»

«مردم از آنکه خانه هایشان محل رقص؛ غنا و موسیقی شده است بستوه آمده اند؛ ولی نمیدانند که موسیقی؛ و غنا جزو اختکارات

یهود است؛ این یهودیان هستند که جوانهای ما را یک مشقت احمق
و لایشعرون ببار آورده اند»

«همین موسیقی (جاز) که امروز در هر محفلی صورت وحشتناک
خود را ظاهر میکند؛ یکی از اختراعات پرفائده ای یهودی است! که
آن را برای فساد اخلاقی در آورده اند» ص ۱۸۴
«معمولا اگر کسی در فساد هائیکه جامعه امروز را تهدید میکند
تحقیقی بعمل آورد؛ بدون شک خواهد یافت که دست یهود در تمام
آنها دخالت دارد؛ و حتی جنهای خونینی که تا بحال هزارها مردم
بکشتن داده است بدست مرموز یهود برپا شده است» ص ۱۸۴
«شراب ۰۰۰ و یهود»

«جون فتر فریز در کتاب (یهودی فاتح) که در سال ۱۹۱۶ م چاپ
شده است مینویسد: «تجارت (ویسکی) در آمریکا منحصر بیهود
است؛ و ۸۰ درصد از اعضای کابینه بارزگانان شراب یهودی
هستند چنانچه تجارت انواع (سیگا) هم منحصر بیهود است» ص ۱۹۹
«یگانه کسیکه از شراب تبلیغات میکند یهود هستند؛ زیرا که شما هیچ

۴۲

دنیاباز چه یهود

نمایش کتابهای قصه؛ فلیم و غیره را خالی از اسم شراب نخواهید
یافت؛ میدانید چرا؟! برای اینکه این تجارت آنها است؛ و تبلیغات
آنها!!!» ص ۲۰۳
آیپس از همه اینها نمیتوان گفت: که بقسمتی از آرمانهای خود رسیده
اند؟؟؟؟!!!

اسرائیل چگونه بوجود آمده است!!!؟؟؟؟!!!

در اوائل این قرن؛ دولت بریتانیا که بزرگترین دول اسعمارگر
را تشکیل میداد؛ برای جلوگیری از نفوذ روزافزون (آطان) که داشت
با سرعتی چون برق سراسر دنیا را فرا میگرفت سعی کرد تا سدی
از انسانها در برابر آطان بسازد؛ در این زمینه اتصالاتی با هر یک

از (فرانسه)؛ (هلند)؛ (بلژیک)؛ (اسپانیا)؛ (پرتقال)؛ (ایتالیا) بعمل آورده و در سال ۱۹۰۷ م کنفرانس ازبزرگترین سیستم‌داران این کشورها تشکیل داد!!!

در پایان این کنفرانس که بیش از یک هفته طول چنین اعلام شد: «بزرگترین خطری که مأمکن است و توجه غرب شود بیرون رفتن سواحل دریای مدیترانه از دست بریطانیامیباشد؛ و چون این دریا که حلقه ای اتصال بین شرق و غرب را تشکیل میدهد در دست مسلمانان است؛ و مسلمانان یک ملت واحدی هستند؛ و دارای زمینهای منابع سرشار میباشند و احتمال می رود که این ملت بزرگ یکبار بپا خواسته و از قید اسارت خویش را آزاد سازد؛ و لدا بکشورهای بزرگ توصیه میشود که این ملت واحد را متلاشی کرده و از اتحاد و بیداری آنها جلوگیری کنند و در مرحله اول باید آفریقا؛ را از آسیا مجزا؛ و منفصل کرد؛ و گونه اتصال را بین این دو قاره قطع کرد (۱)

(۱) قضایانا فی الامم المتحدة؛ تألیف خیری جاد ص ۱۲۶

دنیابازچه یهود

۴۳

وای نخسین عاملی بود که دول استعماری را ب فکر ایجاد یک دولت کاملاً متخلف آنهم بر سر کردنه دریای مدیترانه انداخت ولی تنها این را نمیتوان دلیل وجود اسرائیل دانست زیرا که یک عامل دیگری هم در این امر سهیم بود و آن عامل دین بود؛ ریشه های این عامل را در سه هزار سال پیش باید جستجو کرد؛ یهود از سالی که از فلسطین خارج شدند یعنی درست از سه هزار سال پیش برفرق فلسطین گریه وزاری کردند (حائط مبکی) یادیدار ندبه شاهدزنده ای بر این گفتار است؛ آیین دیوار که در مشهر (بیت المقدس) وجود دارد؛ ناظر گریه ها و زاری ها زیادی بوده؛ که آخرین آنها؛ گری های شوقی بود که نخست وزیر؛ علماء؛ و سران یهود پس از شکست

مسلمانان؛ پای آن شنیده شد» (۱)
البته يقول بزرگترین تاریخ تاریخ دان عربی آقای (فلیپ حتی) در
تاریخ نامی از دولت اسرائیل برده نشده» (۲)
ولی (بن گوریون (۳) میگوید: لازم نیست که نام (اسرائیل) در تاریخ
درج شده باشد! همین قدر کافی است که ما این دولت را از هزار
پیش در قلبهای خومان بنا کرده ایم. ما نام (اسرائیل) را از
عصر (یسوعا) بر این شهر نهادیم و در تاریخ هم اسم آن موجود است
و آن بلاد (یهودا) است؛ هنگامیکه ما شهر بسیار کوچک خارج شدیم
آن را در اعماق قلبهایمان حمل کردیم؛ و تا بحال نام یکی از کوه
هادره ها و شهرهای آن را حفظ داریم (۴) در سال ۱۱۷ (بادگوخبا)

(۱) الایام الحاسمه قبل معركة المصیر؛ تألیف محمود شیت خطاب؛ چاپ بغداد ۱۳۸۷ هجر

(۲) تذکرة عودة؛ تألیف ناصرالدین نشایی ص ۱۵

(۳) نخست وزیر اسبق اسرائیل!

(۴) همان کتاب ص ۱۶

بنی اسدائیل را جمع کرد و آنها را برای تأسیس دولت در فلسطین
بسیج عومی کشید ولی بلاخره خورد و این آرزو را بگور برد!!!
پس از این سال حرکات؛ مسلحانه برای تأسیس دولتی در این
منطقه بسیار واقع شده و لیهیچ یکی پیروز نگشت؛ تا آنکه در سال
۱۸۷۹ م در شهر بال واقع در سولین کنفرانسی بریاست (تیو دور هر
تسل) تشکیل شده تا اولین گامها را برای ایجاد آن دولت برداند!!!
«هر تسل در سال ۱۸۹۵ م کتابی بنام (دولت یهود) بریشته تحریر
در آورد و در آن از یهود خواسته بود که دولتی در فلسطین؛ یا ار جنتین
تأسیس کنند!» (۱)

این کتاب که سروصدای زیادی در جهان آن روز بپا کرد بهر تسل

فهمانده که این پیشنهاد؛ موافقان زیادی دارد؛ و لذا فوراً بتو کیامسافرت کرده؛ و از سلطان عبدالحمید درخواست کرد که در مقابل دریافت مبالغ زیادی بیهود اجازه بدهد تا در داخل فلسطین سوند (۲) ولی چون عبدالحمید؛ این پیشنهاد را رد کرد؛ هر تسل بپرطانیامتوسل شد؛ و بالاخره آن را راضی کرد که سحرای (سیناء) را بآنها بدهد چند مهندس یهودی با همکاری مهندسین انگلیسی برای معاینه سیناء رهسپار مصر شدند ولی زمینهای سحرای سیناء شن زار بود از آن صرف نظر کرده؛ و برای اسعمار فلسطین؛ نقشه های جدیدی ریختند؛ درست در همین روزها بود که جنگ جهانی اول شروع شده (۱۹۱۴) م نگرانی عجیبی جان؛ و علی الخصوص یهود را فرا گرفت!!!

این جنگ که نسبت برطانیا بسیار وحشناک بنظر میرسید یک نوید بسیار درخشنده ای بیهود میداد؛ و در همان وقت که رهبران

(۱) تاریخ الحركة الصهيونية؛ تألیف دکتر آلن تایلر
(۲) همین کتاب

دنیا باز چه یهود

۴۵

انگلیسی از ترس بخواب نمیرفتند؛ یهود؛ در کمال خوشحالی بسر میبردند؛ زیرا که برطانیا سعی میکرد تا آمریکا را داخل کند؛ و از این راه جبهه خود را تقویت کند ولی چون سیاست آمریکابدست یهود بود برطانیا احتیاج شدیدی بآنها پیدا کرد؛ یهود که برای یک چنین روزی دقیقه شماری میکردند؛ فرصت را غنیمت شمرد و مهده شدند که در مقابل آنکه برطانیا دولتی برای یهود در فلسطین تشکیل دهد؛ آمریکارا بهرطوری که شده داخل جنگ کنند!!!
(خیرالد، کی، سمیت) میگوید: بدون شک یگانه کسیکه توانست آمریکارا داخل جنگ کند؛ صهیونیست هابودند؛ نقشه این دسیسه ای بزرگ در یک خانه ای بسیار متواضع واقع در حومه شهر لندن

کشیده شد و آن را آقای ((جیمس مالکولم))؛ (۱) با انجام رسانید؛ و با این عمل بزرگترین پیروزیها را در درجه اول نصیب یهود؛ و درجه دوم نصیب برطانیاکرد» (۲)

جیمس مالکولم در خاطرات خود مینویسد: در موضوع داخل شدن آمریکا در جنگ اول من نقش مهمی را بازی کردم؛ و با سفرهای متعدد خود بآمریکا؛ و فرانسه؛ و بقیه شهرهای اروپائی؛ و نشر مقالات مفصلی در مجله ای تایمس در لندن؛ و روزهای آمریکا؛ توانستم نظر رهبران این کشورها را بیهود معطوف دارم!!!

«و از طرف دیگر اتصالات بسیار وسیعی با رؤسای یهود در آمریکا و رهبران سیاسی آن کشور بعمل آورده و سرانجام در بهاره سال ۱۹۱۷ م آمریکا را داخل جنگ کردم» در این وقت؛ آقای حاییم وایزمن؛ رهبر صهیونیست ها با آقای دوتشلیدبر آقای (لوید جورج) (ونستون چرچیل) و (بلغور) فشار آوردند که فوراً تصویب نامه ای

(۱) برای توضیح بیشتری مراجعه شود بکتاب

Delivory in the Hold .Ar nold Leese .London .۱۹۳۸

(۲) در استان فی الفضیله؛ صادره لندن ۱۹۵۳

برای حکومت یهود در فلسطین صادر کنند؛ برطانیای هم که قبلاً یک چنین وعده ای آنها داده بود؛ وزارت جنگ را تکلیف کرد که صورت این عهدنامه را طوری بنویسد هم یهود را راضی کرده و هم عواطف و احساسات عرب را تحریک نکند!!!

باز (مالکولم) مینویسد: «قبل از آنکه صیغه ای این عهدنامه وضع شود؛ من مارشال (حداد پاشا) نماینده شریف حسین امرحجار ملاقات کرده؛ و موضوع را چنین سرخ دادم؛: «میدید که باکر آمریکا داخل جنگ نشود برای شما؛ و ما بسیار زیان آور تمام خواهد شد؛ چون رؤسای یهود و صهیونیست ها شده اند در مقابل

آنگه برطانیای تصویب نامه ای مبنی بر آنکه یهود بر جزئی از فلسطین حکومت داشته باشد آمرزیکا را بحومه جنگ بکشند؛ بنابراین از شما خواهش میشود که در این باره از هرگونه تهیج عواطف و احساسات مردم جلوگیری کنید!!!
البته من چنین بار هم با (لورنس) ملاقات کرده اونیز با این نقشه موافق است)

«در این وقت برطانیای از دکتر (وایزمن) که سمت رهبری صهیونیست ها را داشت خواهش کرد که تصویب نامه را (وایزمن) تصویب نامه را از زبان بلغوروزیر امور خارجه بروچیلیدیهودی چنین نوشت!!!

عزیزم آقای روچیلد

«حکومت برطانیای بنظر عطف به اشاءمیهن برای یهود در فلسطین مینگرد؛ برای تسهیل آن منتهاکوشش خود را معذور خواهد داشت ولی نباید حقوق مدنی سیاسی و دینی طوائف غیریهودی مهود شود؛ چنانچه حقوق سیاسی و پستهای برجسته ای که یهود در بقیه بلاد در دست دارند نباید از دست آنها گرفته شود»
شپس آن را بقاضی (براندیس) در واشنگتن تلگراف کرده تا موافقت

دنیا با چه یهود

۴۷

(ویلسن) را بگیرد؛ و پس از آنکه ویلسن بر آن موافقت کرد؛ آثر جیمس بلفور که وزیر خارجه برطانیای بود؛ آن را بأمضاء رسانیده و دست روچیلد یهودی ثروتمندترین مرد آن روز جهان داد!!!
و این عهدنامه در روز ۲/نوفامیر/۱۹۱۷م یعنی درست یکسال پیش از سقوط خلافت اسلامی؛ و اختلال فلسطین از طرف انگیس پس از اختلال در سال ۱۹۱۸م از آن باخبر شدند! (۱)
در سال ۱۹۲۰م دولت برطانیای اعلام کرد از این ببعده حکومت نظامی فلسطین بحکومت مدنی مبدل خواهد شد!!!
یهود که منتظر چنین روزی بودند؛ فوراً تصویب نامه ای رابه أمضاء

سران کنفرانس خلفاء که در (سان ریمو) بتاريخ ۲۵ / نو فامیر / ۱۹۲۰ م منعقد شده بود در آورده که در آن چنین آمده بود: باید فلسطین را یک ظروف اداری و سیاسی قرار داد که یهود برای تأسیس میهن ناسیونالیسم خود تمام آزادی را داشته باشد و آنکه حکومت انتداب؛ هجرت بفلسطین را تقویت بنماید و برای این موضوع توسعه می شود که کابینه ای برای رسیدگی بأمور یهود مهاجر تأسیس شود تا آنکه هم ناظر عملیات؛ هجرت باشد و هم ماجرین را جاو مسکن؛ کار بدهد و آنکه امتیازات شرکتها را اولاً بیهود بدهند تا برای تأسیس چنان میهن بتوانند علی وجه اکمل کوشش کونند» (۲) این توصیب نامه را جمعه متد (League of Nations) که خود دست نشانده ای یهود بود (۳) در سال ۱۹۲۲ م تصویب کرد و بلا فاصله بریطانیا بفلسطین اعزام داشت!!!

(۱) خطر اليهودية العاطية ص ۱۳۹

(۲) Britan And Pslestine .In formation Psper No. ۲۰ London ۱۹۴۳۶

(۳) برای توضیح بیشتری بکتاب (When Prophets Speek) تألیف لیمان روزنتال یهودی مراجعه شود!!!

سموئیل که مدت پنجاه سال در فلسطین بود تعداد ششصد هزار یهودی مهاجر را در این منطقه سکونت داد؛ و پسهای مهم را بآنها واگذار کرد و هرچه زمین باسر نیزه از عرب ها خریداری کرده بدست یهود داد و امتیاز تجارت خارجی را منحصرأ بیهود داد؛ و حمل سلاح را بر عرب ها ممنوع کرد؛ در صورتیکه تهیلات فراوان برای خریداری اسلحه نسبت بیهود مبذول داشت (۱) الخ فورد میگوید: چگونه یهودیان زمینهای فلسطین را از عربها بیرون آورد؛ چنان نفرت و بیزاری نسبت بیهود در دل او ایجاد میشد که هرگز فراموش نمیشد و بدون شبهه تمامکارها با معرفت

(سموئیل) نماینده بریطانیا انجام میگرفت ولی مگر ممکن بود کسی از این واقعه ها؛ و دوزدیها؛ و آدم کشیها صحبتی بزبان آورد؟! حتی یکی از کارمندان دولت بریطانیا وقتی خواست بدون گذارشی بزمین دزدی یهود بدهد؛ فوراً از وظیفه برکنار شد (۲) از همان جنگ جهانی اول شروع شد همه فهمیدند که چه کاسه هائی زیر نیم کاسه مخفی است؛ و لذا شریف حسین آمرمگه نامه ای که در ۱۴/یولیو ۱۹۱۵م بر هبران بریطانیا نوشته و از آنها درخواست کرد که مرزهای کشورهای عربی را تعیین کنند؛ در این زمینه نامه هائی ردّ بدل شده و سرانجام بریطانیا بشریف اطمینان داد که (فلسطین) جزو کشورهای عربی و مرزهای او محفوظ خواهد بود (۳) ولی آیا بریطانیا بوعده خود وفا کرد؟!

آقای عبدالله التل مینویسد: «قوانین بریطانیا در زمان انتداب؛ تمام در ها را بروی هجرت یهود بفلسطین گشوده بود؛ بطوریکه آقایان یهودی پیش از آنکه پیش از شهرهای خود در آطونوپرلنده و آمریکا

(۱) الیهودی العاطی؛ تألیف هنری فورد ص ۱۵۴

(۲) تفصیل این نامه ها در کتاب فلسطین ۰۰۰ والضمیر الانسانی ص ۱۰۱-۱۰۳ درج شده است

(۳) الیهودی العاطی؛ تألیف هنری فورد ص ۱۵۴

خارج شدند بآنها گذرنامه فلسطینی داده میشد!!! در صورتیکه عربهاییکه از شرق اردن؛ سوریه بفلسطین آمده بودند و سالهای درازی در آنجا سکنت داشتند اجنبی محسوب میشدند! از طرف دیگر بریطانیا تمام قوای خود را برای حمایت از یهود تحت اختیار آنها گذاشته بود! و برای جلوگیری از هرگونه شورش از طرف عربها امارتی در شرق اردن تکیل داد؛ تا اینکه دولت (اسرائیل) بدون هیچ دغدعه و درد سری تشکیل شوند! (۱) تا بانجا بریط

بریتانیا؛ در این نقشه بازی می‌کرد؛ ولی از این ببعده جناب آمریکا وارد کار شده؛ و سرانجام اسرائیل بدست او تأسیس شد؛ و این افتخار بزرگ نصیب او گشت نویسنده معروف انگلیسی (دولاسرید) مینویسد: در آواخر جنگ جهانی دوم ترومان رئیس جمهوری اسبق آمریکا؛ درخواست کرد که تعداد (۱۰۰۰۰۰۰) صد هزار یهودی بفرستند؛ با آنکه همین آقای ترومان در سال ۱۹۴۷ مدیر پرطان آمریکا اعلام کرده بود «که آمریکا هرگز راضی نیست که سرنوشت ملتی بدون رضایت آن تعیین گردد» ۰۰۰ علی‌ای خال؛ در آن زمان هر چه آقای (مارشال) وکیل وزارت امور خارجه خواست خطرهای تقسیم را به آقای ترومان گوشزد کند و او را از آن منصرف سازد فایده نبخشید؛ و پیش از آنکه قوای نظامی بریتانیا از فلسطین خارج شوند یعنی در ۱۴/۱۰/۱۹۴۸ م دولت آمریکا با اسرائیل اعتراف کرد! این اعتراف حتی نسبت بنماینده آمریکا در سازمان ملل متحد غیر منتظر و ناگهانی بود در اثر این اعتراف ناگهانی جنگ خونینی میان عربها و اسرائیل شروع شده؛ و (مارشال) استعفاداد؛ مطابق همین

(۱) خطر الیهویة العاطیة علی الاسلام و المسیحیة ص ۲۴۳

۵۰

دنیا باز چه یهود

زمان سازمان ملل متحد تکمیل جلسه داده داده و بر ایرف اختلاف عربها و اسرائیل و پایان دادن بجنگ در آن منطقه قطع نامه ای تقسیم را صادر کرد؛ بموجب این قطع نامه صحرای نقب میبایست در دست یهود و (جلیل) دست عربها باشد؛ سازمان ملل برای اجرای این قطع نامه آقای (کونت برنادوت) را بفرستید اعزام داشت؛ و چون عربها حاضر نشدند سحرای نقب را بیهود و اگذار کنند؛ برنادوت پیشنهاد کرد؛ که اگر عربها هیچ نحوی راضی نیستند؛ نقب را بیهود

بدهند؛ بر یهود لازم است که (جلیل) را گرفته و از نقب صر نظر کنند؛
در اثر این چیشنهاد یهود آقای برنادوت را بدون هیچ گونه مقدمه ای
گفتند: و با آنکه برنادوت نماینده ای سازمان ملل بود معذالک قائل
آزاد شد؛ در عوض عمده ای بیویورک از رئیس عصابه ای (اشترن)
قاتل برنادوت استقبال شایانی بعمل آورد!!!

«و عجیب آنکه هر کسی از شخصیت‌های آمریکا با قرارداد تقسیم
مخالفت میکرد؛ یا فوراً کشته میشد؛ و یا از منصبش برکنار میگشت؛
اما تل (جیمس فرستال) وکیل وزات جنگ که در مرحله ای اول
از منصبش برکنار؛ و در اثر فشارهای گوناگون یهود خودکشی کرد» (۱)
این راهم باید بتاریخ اضافه کرد که سران لشگرهای عربی در آن
جنگ خیانت کردند؛ و در عوض آنکه زمینهای فلسطین را از یهود
بگیرد زمینهای زیادی را هم بآنها دادند و در نتیجه؛ جنگ بنفع
یهود تمام شد؛ مثلاً اگر جنگ نمیشد یهود فقط بر ۳/۵ میلیون دونم
سیطره داشتند؛ و حال آنکه پس از جنگ زمینهای اسرائیل با این
(۲۳/۰ ۲۷/۰ ۲۷/۰) دونم رسید! (۱)

آوراه گان این جنگ فقط (۱۰۰۰۰۰۰۰) انسان بودند!
و تملکاتی که از مسلمانان گرفتند بیش از

۹۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ نود و پنج میلیارد ریال در سال منابع دارد (۲)

دنیا باز چه یهود

۵۱

و بیش از ۲۰۰ مسجد را خراب کردند؛ و اکثر مقابر انبش نمودند؛
و حتی سنگهای روی آنها را دزدیده و بیهود فروختند (۳)
ناگفته نباشد که پس از قیام اسرائیل نخستین کشورهایی که بان
اعتراف کردند؛ آمریکا و انگلیس؛ سپس شوروی و رفقای آنها
بودند! و بگفته علوبه: شوروی؛ و آمریکادر هیچ موضوعی اتفاق
نکردند جز در اعتراف با اسرائیل! (۴)

س - اسرائیل چگونه بوجود آمد؟؟؟!!!
ج - باغدر آمریکا؛ وبریطانیا؛ و غفلت مسلمانان؛ و تلاش یهود!!!

۷

آواره گان!!!

در این عصر... عصر نور و خورشید... عصریکه انسان یک پا را در ماه و دیگری را در زهره گذاشته و امید دارد که خورشید را بغل بگیرد؛ عصریکه مشعل های آزادی را بر سر چهارراه ها و معا برنضی کرده؛ و بقول خود واضح (حقوق اسان) است... شاید این بزرگترین جنایتی است که تاریخ پیر در آن بخود میبیند... که یکمشت افرادی حویت و مجهول؛ یک ملت با فرهنگ را که پایه های تمدنش در اعماق قرون فرو رفته است خانه و آسایشش آواره کند و دنیا هم بادستی مشعل آزادی را بلند نموده و بادست دیگری از او دفاع کند!!!

خوب است که تاریخ نویسان... با نجا که میرسد؛ چند صفحه را بار ننگ سیاه و غلیظی پر کند و بگذردند؛ زیرا که این لکه ننگ و عار هرگز زودده نخواهد شد... و این جنایت؛ جنایت همه ما انسانهای این عصر است... و شاید انسانهای آینده بر ما... و افکار ما لبخند بزنند؛ و با یک دنیا دهشت بگویند: آنها بخود اجازه

۵۲

دنیا باز چه یهود

دادند که آن عصر و عصر نور... بخوانند در صورتی که ظلمات قلبهای ایشان را از چهار طرف سخت میفشرد است؟! چگونه آن عصر و عصر نور گفتند: و حال آنکه یک میلیون انسان را آواره کرده بود و آنها را در یک سحرای بی آب و آلف جای داده و دور آنها می قصید!!!

آن عصر؛ عصر ننگ بود... نه عصر نور!!!

* * *

و عده ای (بلفور) که واضح اساس اسرائیل بشمار میرود چنین تصریح میکرد؛ ولی نباید حقوق مدنی؛ و سیاسی و دینی طوایف غیر یهودی مهدور شود؛ اما یهود چنین خواسته که عربها از این ببعده باید در خیمه های خود را برچیده؛ و همان سحرانیکه آمده بودند بازگردند (۱) و برای این بیش از ۰۰۰/۰۰۰ انسان را آواره کردند آواره گانیکه تا بامروز پخش بیابانها هستند؛ و هزار هانفر آنها در اثر بی غذایی نابود شده اند. و این برای تحسین بار در تاریخ بوده که عده ای بعوان آواره گان بوجود آمدند (۲) اینک باین قائمه که تعداد آنها را چنانچه مؤسسه ای پناهندگان بین المللی در سال ۱۹۶۰ م شمار کرده است نظری بیافکنید!!!

(۱) ار گفته های (زین کوئل) یکی از رهبران عالیمقام یهود!!!
(۲) مکتب اسلام شماره ۹ سال هشتم ص ۲

دنیا باز چه یهود

۵۳

عجیب آنکه در مدت ۴ سال یعنی از سال ۱۹۴۸ م تا سال ۱۹۵۲ م سازمان ملل متحد (۵) مرتبه با تصویب قطع نامه ها بازگشت پناهندگان را حق شرعی آنها دانست؛ ولی اسرائیل هر پنج مرتبه با آن مخالفت کرد؛ و سازمان ملل هم عملاً بوه خود وفا ننمود!!! در ما جرای اسف انگیز؛ بفقظ سازمان ملل (نیروی مسلح) تشکیل نداد و فقط هم پیمانان مسلمانان کوچکترین کمک اساسی را انجام ندادند بلکه دولتهای بزرگ هم که داعیه ای رهبری جهان

آزاد! رادارندهیچگونه پشتیبانی را از مردم تجاوزشده فلسطین؛
 وتوده های زجزیدهای پناهنده ننمودند!!!
 «این ۹۱۹/۱۲۰/۱ پناهنده تا سال ۱۹۶۰م از مؤسسه ای پناهندگان
 بین الملل چنین بهره مند میشدند»(۱)
 تغذیه ۲۱٪ ۴ درصد تعلیم ۸٪ ۲۴ درصد اموراجتماعی ۲۲٪ ۲ درصد
 اموربهداشتی ۷/۵ درصد محلّهای ۲/۳ درصد اسکان ۲/۲ درصد
 الیته اینها آمارپیش از تجاوزاسرائیل است فقط ۹۱۹/۱۲۰/۱ پناهنده ۰۰۰
 وآواره! ای مردم جهان آیا میشنوی ۰۰۰ وتأیید میکنی!!!!!!!

۸

استلال های جنگلی!!!

چرا یهود باید در فلسطین زمدگی کنند؟؟؟!!!

هرکسی از این سؤال یکطرفه جواب میدهد

یهود میگوید: برای آنکه ما ساکنان اصلی این سرزمین

هستیم و این حق طبیعی ماست که وطن اصلی خود بازگردیم:

ولی قبل از چیز از آنها باید سؤال کرد؟؟؟!!! اگرچنین است پس چرا

این معنی راهیچ یکی از آباء واجداد درک نکردند؟؟؟!!! چرا این

(۱) تذکرة عودة ص ۳۲

۵۴

دنیابازچه یهود

استدلال بچه گانه؛ وپوچ پس از قیام (اسرائیل) بر سرزبانها افتاد

وحتی پیش از صدور قطع نامه ای سازمان ملل متحد؛ از آن خبری

بود! چرا هنگامیکه کنفرانس صهیونیست ها در سال ۱۹۰۳ م

تشکیل شد؟! اکثر قبائل یهودی عقیده داشتند که (او عندا) را باید

میهن خود قرار دهند؟! چرا فیلسوف شهیر آقای (لیونبسکر)

(Leo penskwr) سال ۱۸۵۰م میگفت: یهود باید به (یک شهر

عقب مانده) هجرت کنند و در آنجا دولتی تشکیل دهند» (۱) تازه اگر یهود از سال ۱۲۹۰ قبل از میلاد تا سال ۵۸۶ تا سال ۵۸۶ قبا از میلاد یعنی فقط مدت (۷۰۴) سال در سکنت داشتند آنهم در زمانیکه دولت مفهومی و معنی نداشت اما پیش از دوهزار سال هم از آنجا مطرود بودند؛ و اگر هر شخص غربی که بر آورده شدن او چهار سال گذشته باشد (چنانچه قانون اسرائیل) بیج وجه حق ندارد که بوطن خود باز گردد! پس چگونه ممکن است کسیکه بیش از دوهزار سال از آنجا بیرون رفته؛ حق داشته باشد که سر نزه آنجا را بتصرف در آورده؛ و ساکنانش را آواره کند؟!

باضافه آنکه بانیان اصلی (بیت المقدس) پایتخت فاسطین عربها بودند چنانچه در تمام تواریخ تصریح شد: در حوالی سه هزار سال پیش از میلادی (یابسی ها) که فرعی از قبائل کنعانیهای عرب هستند شه بیت المقدس را بنا کرده و آن را (یبوس) نام نهادند؛ و کنعانیها آن را (اورسالم) یعنی (شهر سالم و آرامش) نامیده اند و این اسم از (ملک صادق) پادشاه کنعانیها که چون بشردوست بوده او را (ملک السلام) یعنی پادشاه آرامش میگفتند: اخذ شده ولی یهود که (سن) را مبدل همیشه (شین) میکنند آن را (اورشلیم) نام نهادند؛ رومانیها آن را (هروسلیم) گفتند: چنانچه اسم اروپا آن (چیروسالم)

(۱) تذكرة عودة ص ۴۳

دنیا باز چه یهود

۵۵

از آن اخذ شده است؛ و در سال ۱۳۹ هدریان امپراطوری روم آن را (ابلیا کابینولینا) نام نهاد؛ و تا زمان عثمانیه باین اسم مشهور بود ولی عثمانیها آن را (قدشریف) نامیدند (۱) دیگر آنکه اگر چند قبیله ای پراکنده و بیابانی (غبری) در صحرای فلسطین آنهم مدت بسیار کمی سکونت داشتند قبائل بسیار بزرگی

(گلدانیان)؛ (آشوریها)؛ (کنعانیها)؛ (آرامیها)؛ (حثیها)؛ (ایرانیان)
نیز در آنجا ساکن بودند؛ آیا این حق طبیعی فقط برای قبیله (عبری)
بود؟! و دیگران چون (حیوانات انسان نما هستند) آنها آن حق ندارند!!!

چرا فقط یهود باید در فلسطین زندگی کنند؟؟؟!!!
غیر یهود میگویند: برای آنکه دنیا از دست آنها راحت شوند و
حتی (هتلر) که معتقد بود: یهودی در کجا که باشد سرانجام سرزمینی
را که در آن زندگی میکنند مبدل بجهنم خواهند کرد (۱)
سعی میکرد تا میهنی ناسیونالسیم یهودی برقرار شود (۲)
و حتی جورج و آزرولاموزلی که بعداً یهود مشهور بودند
در این نقطه با هتلر توافق نظر داشتند!!!

ولی این جواب هم دست کمی از جواب قبلی ندارد؛ زیرا که ما بچشم
های خودمان مبینیم که پس از قیام (اسرائیل) مشکله ای یهود؛
با صورتی وحشتناک تر خود نمائی میکند و دنیا . . . از آنها اگر
ناراحتی هم نشده اند؛ راحتی هم برای آنها ایجاد نشده و اصولاً
این انتشار یهود یکی از سیاست های آنهاست و بقول آنها این
یک نعمتی است که خداوند بآنها ارزانی داده است تا بتوانند
از همه این انسانهای آدم نما سواری بگیرند! (۳)

-
- (۱) کتاب کفاحی؛ تألیف هتلر ص ۱۴
(۲) کتاب فلسطین والضمیر الاسانی ص ۱۶۴
(۳) بکتاب تلمود مراجعه شود!

تازه اسرائیل باز مینهای کنونی که گرفته است فقط کنجایش ۶۰/
درصد یهود دنیا را دارد؛ مگر آنکه بگویند: باید شرق اوسط را
تخلیه کرد تا همه یهود بتواند در آن زندگی کنند! ولی مگر منطق
عقل قضاوت میکنند؟؟؟!!!

تجاوزکاری اخیر اسرائیل!!!

این دیگر احتیاج برهان و دلیل که اسرائیل بر تجاوز بحقوق دیگران بناشده است؛ و آن قدر پرونده ای تجاوزات آنها زیاد است که دولت مجاور تقریباً بر آن پرونده ها عادت کردند؛ برای توضیح خوبست یکی از آن پرونده هارا بخوانیم!

تجاوزات اسرائیل بر مرزهای سوریه در ماه ینایر ۲۱۰۹ تجاوز

» » » » » » » » » »
 » » » » » » » » » »
 » » » » » » » » » »
 » » » » » » » » » »
 » » » » » » » » » »
 » » » » » » » » » »
 » » » » » » » » » »
 » » » » » » » » » »

یعنی اسرائیل از اول (ینایر) تا آخر اگستس سال ۹۹۶۱ (۲۱۸۸) تجاوز بر مرزهای سوریا کرده است و اگر تجاوزات او را بر مرزهای اردن در همان سال که بالغ بسر (۴۰) تجاوز است بر آن اضافه کنیم در یک سال (۲۵۷۷) تجاوز میشود! یعنی در هر ماه اسرائیل معدل بیش از ۲۱۵ تجاوز کرده است» (۱)

(۱) تذکرة عودة ص ۱۵۰

دنیا باز چه یهود

۵۷

چرا یهود روح تجاوزگری دارد؟؟؟؟!!!

جواب آن را آقای دکتر اسرائیل فریسدن در میدهد: «یهودیسم عنصریست که اتباع آن همیشه حس میکند چون شاخه های از درخت

چیده شده از بقیه ای منفصل و متمایز هستند (۱)
این حس دردناک که همیشه نیشش بقلبهای یهود فرورفته است
یک عقیده ای حقارتی نسبت به تمام بشر در آنها ایجاد نموده که
شاید نزدونی باشد؛ زیرا که این حس را یهود با شیر مادر با اولاد
و فرزندان خود تزریق میکند؛ تابوسییه ای آن؛ آنها را بر کار کوشش
و ا دارد!!!

البته این حس مخصوص آب و خاک اسرائیل نیست؛ بلکه در
کجا که یهودی هست؛ این عقیده بزرگ راهم با خود دارد؛ ولی
چون اسرائیلهای میوانند بوسیله ای تجاوزات پی در پی آن را
آرامش و تمکین دهند و آنهائیکه در غیر اسرائیل زندگی میننداز
این فیض؛ محرومند؛ این تجاوزات را همیشه از یهود اسرائیل
میسبینیم و حتی یهودیهای با اصطلاح (بی دین) هم روح را از دین
خود بارت برده اند و بگفته خود آنها: «یهودیسم قومیت یهود
است و حتی یهودی از دین خازج شود؛ باز هم رابطه ای ناسیونالیسم
اورا بروح یهودیسم ارتباط میدهند» (۲)
لویس؛ براندیسی قاضی دادگاه عالی امرکا میگویند: «باید اعتراف
کرد که ماقومیتی را تشکیل میدهم که هر یهودی در هر کجا که
هست بآن بستگی دارد» (۳)

(۱) کتاب الیهودی العاطی؛ تألیف هنری فورد ص ۶۲

(۲) کتاب راهنمای صهیونیسم ص ۵

(۳) صهیونیسم؛ ویود امریکا!

و آقای (لیون سیمون) یهودی مینویسد: یهودیسم نسبت به یهود
ناسیونالیسم آنهاست؛ و آنهاست؛ و آن کسانی که متعقدند یهود مثل
کاتولیک و پروتستانات یک طائفه ای دینی تشکیل میدهند سخت
اشتاه میکنند» (۱)

نظری بتجاوزگری اسرائیل

شاید وقایع؛ و چگونگی جنگ اخیر مسلمانان اسرائیل تاهنوربر خیلی ها مخفی باشد؛ و یا آنکه حقایق را وارنه شنیده باشند؛ برای توضیح این مطلب و بیان عوامل؛ و اسباب شکست مسلمانان چند صفحه ای را با اشکهای درناک خود و با قلبی مملودرد؛ و سوز و دستهایی ر مگ پریده؛ ملامحی خجلت زده بیان میکنیم تا شاید مسؤلیت های بزرگ خویش را در این زمینه کاسته باشیم؛ در نیمه ماه (مایو) سال ۱۹۶۷م مردم یکباره متوجه که دولت مصر قطعات زیادی از نیروهای خود را از قنال سوئز عبور داده و در صحارای سیناء متمرکز کرده است!!!

و بلافاصله مصر از سازمان ملل درخواست کرد که نیروهای خود را از مرزهای مصر؛ و اسرائیل خارج سازد؛ و اعلام کرد: از این ببعد کشتی های اسرائیل مجاز نخواهد بود که از خلیج عقبه عبور کنند و کشتی های بقیه ای کشورها هم صورت عبور جستجو خواهند شد!!! جمال عبدالناصر در خطبه ای که ۶۸/۷/۲۳ ایراد سبب این کارها را چنین شرح داد: «دولت شوروی بما خبر داد که اسرائیل قصد دارد بایک یورش خونین سوریه را تحت تصرف در آورد این عمل هم مقدار سیزده هزار سرباز بر نیروهای خود در مرزهای

(۱) کتاب درسهائی در ناسونالیسم یهودی ص ۳۴

سوریه؛ و اسرائیل اضافه کرد است؛ این عمل اسرائیل ما را بر این وا داشت که آمادگی خود را برای دفاع از سوریه و تأدیب اسرائیل اعلام کنیم» (۱)

بستن خلیج عقبه بروی کشتی های اسنیل خطر بسیار بزرگی را

برای آن بوجود؛ زیرا که اقتصاد اسرائیل بر تجاتهای او بشرق
آفریقا و آسیا است؛ و این یگانه راه آن با این کشور هامیباشد!!!
و بالاتر از همه؛ اینکه این عمل امنیت اسرائیل را تهدید میکرد
موجودیت آن را در خطر میانداخت و لذا ناظران سیاسی گفتند:
بدون شک اسرائیل برای باز کردن خلیج از سلاح استفاده خواهد
کرد» (۲)

و با اینکه اسرائیل در نظر اول شک داشت که مصر این عمل را
بطور جدی انجام میدهد؛ ولی او فرصت خوابی یافت تا اینکه بتواند
صحرای سیناء که ۲۰۰ میل اسرائیل را از مصر دور میکرد بتصرف
در آورده و از این راه عبور کشتی های خود را از قنال سوئز تأمین
کند! بدون شک اگر مصر در همان ساعات اول با اسرائیل هجوم
میکرد! ولی چند هفته ای این دست و آن دست کردند تا اسرائیل
توانست بیروی های خود را با سرعت چون برق از مرز سوریه
بصحرای سیناء بیاورد و بلاخره با فرصتی بدهد که هجوم کند!
سرانجام اسرائیل در روز ۱۹۱۷/۶/۵ م بایک هجوم مرکز؛ وسیعی
توانست تمام هواپیماهای جنگی مصر را که بیش از (۴۰۰) هواپیما
بود از پای در آورد!!!

(۱) کتاب درسهائی در ناسیونالیسم یهودی ص ۳۴

(۲) روزنامه ای الاهرام ۷/۲۴ ۱۹۶۷ م

(۳) از گفته های محمد حسین هیکل ۱۹۱۷/۵/۲۶ م

چرا چنین شد؟؟؟!!!

بعضی از سیاسیون معتقدند که؛ شکست اعراب در این جنگ از
یک نقشه ای بسیار صحیح و در عین حال دقیق شوروی سر
چشمه میگردد؛ و بگفته ای: «غلوب پاشا»: «اگر رهبران شوروی
در عمر خود یکبار از سمیم قلب خندیدند» وقتی بود که عرب ها

شکست خوردند؛ زیرا که شوروی میخواست باشکست ناگهانی آنها گام فراخ تری در آفریقا؛ و آسیا گذاشته باشد و هرگز در نظر نداشت اسرائیل شکست بخورد؛ زیرا که در این صورت عرب ها آنقدر قوی شدند که دیگر احتیاجی باو نداشتند؛ در حالیکه پس از این شکست و پس از آنکه آمریکا و بریتانیا اسرائیل را گرفتند؛ کشورهای عربی بی پروا خور ابدامن او انداختند؛ و این بزرگترین پیروزی بود که نصیب شوروی میشد؛ زیرا که با این نقشه شوروی توانست در مدت ۱۲۰ ساعت ۱۲۰ پیش بیاید!» و اضافه میکنم: «بعقیده ای من این نقشه ای شوروی بر دو اساس مبتنی بود»:

اول آنکه آمریکا جانب اسرائیل را بگیرد تا آنکه کشورهای عربی هر چه بیشتر از آن دور شوند؛ متأسفانه بریتانیا هم در اینجا از سیاست آمریکاییوری کرد؛ و این نعمت بزرگی برای شوروی بود که هرگز گمان نیکرد!!!

دوم - آنکه عرب ها را گرفتار شکست بسیار موحشی کند تا خود را بدون هیچ قید و شرطی تسلیم خویش سازد!!!

این نقشه ای دقیق تا بحال آنطوری که شوروی میخواست است بانجام رسیده و در تفکر بریتانیا؛ و آمریکا آنقدر سطحی است که گمان میکنند که شوروی در این جنگ دچار اشتباه شده است؛ و حتی اگر فرض کنیم که شوروی بقول آنها دچار اشتباه شده است؛ یعنی شوروی گمان میکرد که مصر در این جنگ پیروز میشود؛ باز هم

دنیا باز چه یهود

۶۱

کارها بنفع او تمان میشد؛ زیرا که در این صورت آمریکا و بریتانیا بیشتر از اسرائیل حمایت میکردند؛ در نتیجه جهان عرب و اسلام پیش از پیش از آنها دور میشد» (۱)

البته مانیتوانیم در این زمینه بطور قاطعی حکم کنیم؛ ولی آنچه

آنچه باچشمهای خود دیدیم این بود که آمریکابان بزرگی و قوتش خود را در اختیار اسرائیل گذاشت؛ و برای اطمینان خاطر اسرائیل ناوگان (۶) خود را بر سواحل دریای مدیترانه گماشت؛ ناوگان بدون تردید کمک های فراوان چه از نظر تجسس و چه از نظر تخریب دستگاه های تلگرافی مصر؛ با اسرائیل کرد؛ در تمام مدت جنگ حالت آماده باش بخود گرفته بود تا در صورت شکست اسرائیل او را کمک کند!!!

دسیه ای بزرگ یهود!!!

اسباب؛ و عوامل شکست مسلمانان را در این جنگ میتوان چنین خلاصه کرد!!!

- ۱- اسلحه ای هوایی اسرائیل توانست اولین ضربه خود را بر هواپیماهای مصری که در یک خط واحد قرار گرفته بودند وارد سازد؛ و پس از آن بیرونبروهای زمینی؛ و نظامیان مصر را که در صحرای سیناء متمرکز بودند از یای در آورد!!!
- ۲- آنکه کشورهای عربی نمیخواستند آتش جنگ را روشن کنند یعنی آنها حتی استعداد آن را هم نگرفته بودند؛ چنانچه شمس بدران وزیر اسبق جنگ مصر بدو نفر از افسران عالی رتبه عربی

(۱) مجله ای الجمهوری الجديد چاپ بیروت ۱- شباط ۱۹۶۸ نقل از

THE MIDDLE EAST CRISIS GLUBBBPASHA

که برای کشیدن نقشه ای هجوم با اسرائیل رهسپار آنجا شده بودند گفته بود: «شما کمان نکنید که ما میخواستیم جنگ کنیم؟! تمام این اعمال را از روی سیاست انجام میدهیم؛ اینها اعمال سیاسی است ن جنگی» (۱)

۳- مصر انتظار داشت هر عملی که اسرائیل بآن قیام میکند از طرف شرق شروع شود (زیرا که اسرائیل طرف شرق مصر قرار گرفته است) در صورتیکه هجوم اسرائیل از طرف غرب آغاز گشت؛ باین معنی که هواپیماهای جنگی اسرائیل ۸۰۰ کیلومتر راه پیمودند و بقول یک سخن گوی هندی: «هواپیماهای اسرائیل در هجوم سه مرتبه بر زمین نشسته و بنزین ک رفته» (۲)

این چهار عامل را میتوان سبب مباشر شکست فقط مصر دانست؛ ولی چون یگانه اعتماد سوریه؛ و اردن هاشمی بر ناوگان های هوایی مصر بود زیرا که «قوای اردن در برابر اسرائیل کمتر از یک جری نسبت بدوازده جزء ۱٪ ۱۲ بشمار میرفت» (۱) و از طرف دیگر هواپیماهایی که بآردن؛ و سوریه هجوم میکردند بیش از ۷۰۰ هواپیما بود؛ و بگفته ای ملک حسین (اسرائیل چتری از هواپیما روی آردن زده بود) بدین جهت میتوان گفت: که شکست مصریگانه عامل شکست سوریه و آردن شد!!!

البته اسرائیل پیش از جنگ یک خدعه ای بزرگ بعرب ها زد و آن این بود که خود را چنان نشان داد که هرگز جنگ نخواهد کرد چنانچه:

ا- مشه دایان دو روز پیش از شروع جنگ (در روز ۳-۶-۱۹۶۷ م بروزنامه نگاران گفت: «فرصت آنکه ما جواب دندان شکنی بمصر بدهیم؛ از دست رفت؛ و دولت ما پیش از آنکه من عضو آن بشوم؛ با اعمال دیپلوماسیک مشکله های خود را حل میکرد و ما باید

دنیا باز چه یهود

۶۳

بأو فرصت بیشتری بدهیم تا آنکه این مشکله را هم با اعمال دیپلوماسیک حل کند» (۱)

ب- روز بعد یعنی روز ۴/۶/۱۹۶۷ م روزنامه های جهان عکهای هزاران سرباز اسرائیل در حال شنا چاپ کرده و در زیر آنها نوشته بودند که: سربازان اسرائیل را چند روزی مخصی داده و آنها این

چند روز ادرشنا بسر خواهند برد» (۲)

ودون تردید اگر در اسرائیل جاسوس های عربی وجود داشته بود هرآینه بدولت های خویش چنین گذارش داده بودند که سربازان اسرائیل مرخصی گرفته و نقداً بنا ندارند جنگ کنند!!!

چ - هنگامیکه کابینه ای وزرای اسرائیل در روز ۶/۴/۱۹۶۸ م (یک روز قبل از جنگ) تشکیل جلسه داده و نقشه ای جنگ موشه دایان را تصویب کرده؛ دولت اسرائیل اعلام داشت که کابینه وزرا در این جلسه فقط چند موضوع تجارتي را بررسی نموده است و پس از این ژنرالهای مصری در قاهره مشغول بازی (تنس) شدند» (۳)

ایهام باشر شکست بودند؛ ولی عوامل بشمار میرود؛ در در این شکست سهم بودند!

۱- از روزیکه اسرائیل در این منطقه ای از خاور میانه بوجود آمد آرامش جای خود را بنگرانی؛ وگاهی هم بجنگ های خونین داد؛ ولی بیخبری و اختلافات دول اسلامی همان طور که در آغاز بتشکیل این حکومت غاصب و متجاوز کمک نمود وسیله ای برای توسعه قدرت و جسارت او در سالهای بعد نیز گردید؛ چیزیکه مایه ای تأسف است اینکه اسرائیل از بعد تکوینش تا حال (مدت ۲۰ سال) تهیه ای

(۱) غلوب پاشا در کتاب (ارمه الشرق الاوسط) ص ۳

(۲) (کتاب جنگ شش روزه مصر و اسرائیل) تألیف اندولفس؛ چرجیل و ونسونس؛ چرجیل ص ۷۳

(۳) همان کتاب ص ۷۴ و ۷۵

اسحله و ایجاد قشون مرکزی بود؛ و حتی در سالهای اول دبستان بچه ها روح تجاوز؛ سربازی را میدید و بآنها میگفتند؛ که کشور ما از چهار طرف در محاصره است و باید بدانیکه پدران و اجداد تو وظیفه ای حفظ این کشور را بتواگذار کرده اند و ۰۰۰ الح!!!

ولی کشورهای اسلامی بجای تقویت بنیه های دفاعی خود در برابر

دشمن دین الله سبحان وقاتلین انبیا؛ گرفتار کشمکشهای داخلی و
وخارجی خود بودند!!!

نکته ای دیگری که هم مایه تأسف بود و هم موجب عبرت اینکه
آنهادر عوض اینکه بکوشند روی پای خود بایستند روی دوستی
و پشتیبانی یکی از قدرتهای بزرگ جهانی (آنهم دور از الله) بیش
از حد تکیه کرده بودند» (۱)

(این دور از الله) نزدیکی (بمخلوق) یکی از عوامل بسیار مهم شکست
غیر منتظره ای مسلمانان را تشکیل میداد؛ درست است که الله
(بدون سبب کار را انجام نمیدهد) ولی چنانچه کوچکترین سرباز
میداند تقویت معنویت لشکر؛ اگر مهمتر از تقویت مادیت نباشد لا اقل
مساوی بایک دیگر میباشد!!!

یک گوینده ای اسرائیل پس از جنگ گفت: «ایمان بخدا بود که ما
کرد (۲)» ۰۰۰ و برای البته سرباز یهودی میدانست برای چه جنگ
میکند ۰۰۰ ولی میلمانان نمیدانستند برای کی ۰۰۰ چه داخل کار
زار شده اند!!!

۲- اختلافات شدید مسلمانان؛ شاید خیلی ها هنوز معتقد باشند که
این جنگ بین اعراب! و اسرائیل و این شکست؛ شکست عرب بود؛
در صورتیکه اگر جنگ؛ جنگ اعراب! و اسرائیل بوده؛ بدون تردید

(۱) مکتب اسلام شماره ۹/سال ۸/۱۳۸۷ هـ ص ۳ و ۲

(۲) کتاب الایام الحاسمة قبل معركة مصر؛ تألیف سپهبد محمود شیت خطاب چاپ بغداد ۱۳۸۷ هـ

شکست دامان همه مسلمانان ننگین رنگ کرد! دلیل این مطلب
گفتار ارتجاعی (موشه دایان) است که در هنگامیکه داخل (بیت المقدس)
میشد فریاد زد: «ما انتقام خیبر را از مسلمانان گرفتیم» (۱)
و «خیلی ها که از اروپا و آمریکا آمده بودند می گفتند: که در آن منطق

مناطق همه اش صحبت از مسلمانان و اسرائیل بود نه اعراب و اسرائیل تمام جشنها و شادیها بمام شکست مسلمانان برگزار میشد نه اعراب» (۲)

بنابراین اگر مسلمانان اختلافات داخلی و خارجی خود را کنار می گذاشتند؛ و برادرانه دور هم مینشستند و دسته بندیهای خود را که تا کنون اینمه بدبختی ببار آورده دور میریختند هرگز چنین حادثه های دردناک رخ نمیداد!!!

۳- اعتماد بیش از حد بر یکی از دول استعماری بزرگی یکی از شعرای (مغرب) خطاب ببلوک شرق میگوید: تو تأیید کردی ۰۰۰ ولی بالفاظ براق و طنین افکن!!!
او هم (بلوک غرب) اسرائیل را تأیید کرد ۰۰۰ اما با هواپیما های بزرگ و بمب افکن؛ و چه تفاوت بزرگی بین هواپیماهای بمب افکن و بین الفاظ طنین افکن است!!!

هر دونوگان های خود را؛ برای هم پیمان خود بحرکت در آورد؛ ولی ناوگان های آمریکا پیش از جنگ بحرک درآمد؛ و برای اسرائیل منتهای مساعدت را کرد؛ در صورتیکه ناوگان های شوروی پس از جنگ؛ آنها را برای بازوی نشان دادن خود نمائی کرد!!!

(۱) جرائد و مجلات و رادیو ها!

(۲) ذکریات المعصومین ۰۰۰ الرسول الاعظم ص ۱۳۲۸۷ ه

این تجاوز یهود شیطان پرست چه اثری باقی گذاشت؟!

۱- نخستین اثر ننگین این جنگ؛ این بود که برای اولین بار در تاریخ اسلام شهر بیت المقدس؛ که حاوی نخسین قبله ای مسلمنان؛ و محل

معراج آخرین پیام آور محمد رسول الله است؛ بدست مهاجمین شیطان پرست یهودیان گوشت و خون خوار انسانهای غیر یهودی؛ و قاتلین انبیاء عظام تجاوز گرفتار افتاده است؛ و در معرض بی احترامی سربازان فرزندان یهودا و تمار قرار گرفت! «دولت غاصب اسرائیل اعلام داشته است که اداره ای بیت المقدس را همیشه در دست خواند داشت؛ و برای همین منظور؛ علیرغم اعتراض جهانی؛ آن را بقسمت غصب شده ای؛ قبلی ضمیمه خواهد کرد» (۱)

و چنانچه بعضی از جراید نقل کردند؛ اسرائیل مهندسین برجسته ای را از خارج طلبیده تا مسجد اقصی را؛ از جای برداشته؛ و در جای دیگری نصب نمایند و بر خرابه های آن هیکل سلیمان را بنا کنند! ۲- بیش از پانزده هزار اردونی؛ که در بین آنها تعداد زیادی کودک؛ زن غیر نظامی بود؛ مجروح و یا مقتول شدند! و همین هم از (مصر)؛ (سوریه) از بین رفتند (غلوب پاشا) مینویسد: «اغلب نظامیان اردن بوسیله بمبهای آتش ز (ناپالم) مبدل بخاکستر»

و اضافه میکند: «اینک در برابر من نامه هائیسست از دکترهای دانشگاه آمریکائی که برای کمک اردنی ها بیمارستانهای نظامی اردن مشغول فعالیتند؛ در یکی از آنها چنین نوشته اند: «تا بحال بین ۶۰۰ و ۷۰۰ مجروح راکه در بین آنها ۱۵۰ غیر نظامی بود معالجه کردم و ۲۰۰ نفر آنها از سختی درجه (۲) شکایت داشتند؛ ولی هرگز جراحی که ناشی از گلوله باشد ندیده ام»

(۱) مجله ای مکتب اسلام شماره ۹ سال هشتم ص ۶۰۷

«و بعضی از سربازان اردنی نقل کردند مادر برابر خود چیزی جز آتش نمی دیدیم»؛ «چنانچه بعضی از اطبا نقل کردند که یکی از بیمارستان های منتقل که ۳۵۰ مرخصی داشته بوسیله آتش

های سائل مبدل بخاکستر شدند» (۱)
طریقه ای راکه یهود در این جنگ دنبال کردند درست ما را بیاد آن
نقشه هائی که قبائل وحشی که در دوران جنگلبرای تأمین زندگی
خود در پیش می گرفتند؛ هی اندازد با این فرق که وقتی قبائل وحشی
یگبار و بدون اخطار قبلی بقبیله ای هجوم می کردند از چوب؛ تیر
و نیزه اسفاده می کردند و اسرائیل ها؛ از هواپیما؛ و تانک؛ و توب و
الا از نظر هدف که چیره شدن بر مایملک دیگران اشند؛ هیچ گونه
فرقی نداشتند!!!

یکی از آواراه گان این جنگ چگونگی آن را چنین شرح میداد:
«در ساعت های اول صبح بود؛ و تازه ما داخل کلاس دبیرستان
شده بودیم که یکباره توب و تفنک بلند شد؛ ماهمگی از کلاس بیرون
آمدیم رئیس دبیرستان گفت: که باید همه ای شاگردها بخانه های
خود برگردند؛ زیرا که جنگ شروع شده است؛ و با آنکه شهر ما
(رام الله) چندان بحدود اردن، اسرائیل نزدیک نبود؛ یعنی ما طرف
جنگ نبودیم با این حال چون از در مدرسه بیرون آمدیم یکباره
آسمان سیاه شد؛ و مقدار (۷۰۰) هواپیمای جنگی بر فراز این شهر
در آرامش فرورفته مشغول پرواز شدند؛ بلافاصله ده ها (هیلوکبتر)
جنگی ظاهر شد؛ و با گلوله های بزرگ و آتش های سائل بیچاره
و از همه جا بیخبر اهدف خود قرار دادند؛ من بچشمهای خود دیدم
که بچه ها؛ زنها؛ و بزرگان یکی پس از دیگری از پای درآمده؛ و
نقش بر زمین میشدند»!!!

(۱) مجله ای حضارة الاسلام شماره ۱۰ سال ۸ ص ۹۵ نقل از بیابانیه انجمن عالی؛ سازمان پناهندگان بین المللی

۳- تعداد آواره گان این جنگ تا ۹- شباط - (یعنی پس از پنج ماه
بعد از جنگ) به «۲۴۳۵۰۰» انسان رسید (۱) یعنی هر روزی بیش
از (۱۶۲۳) پناهنده از سرمرزهای اشغال شده؛ بیرون میشدند!!!

وچنانچه این شماره را بر شماره اورگان جنگ ۱۹۴۸ اضافه کنیم جمعیت آنها بالغ بر (۱۹۴۶۴۳۶۱) میشود! GLUBBPASHA مینویسد: «در سال ۱۹۴۸ قریب یک ملیون از عرب های فلسطین از شهرهای خود رانده شدند؛ با اینکه اسرائیلی ها میگویند: که زعمای آنها؛ دستور داده بودند که از شهرهای خود خارج شوند؛ ولی نام این (زعمای) هنوز معلوم نشده است؛ و اگر هم مافرض کردیم که آنها بدستور زعمای خود با طوع رغبتی خویش خارج شدند ولی بدون تردید آنها خانه داشته اند صاحبان تجارت خانه؛ زمین املاک ماشین؛ و غیره بودند؛ پس چرا نمیگذارند؛ بازگردند؟! «در سال ۱۹۴۰ آطان فرانسه را اختلال کرد؛ و هزارها فرانسوی از شهرهای خود؛ فقط بالباسهای خویش؛ خارج شدند؛ ولی هیچکس نگفت: آنها پس از جنگ حق ندارند؛ بشهرهای خود برگردند؛ اما آواره گان فلسطین که در سال ۱۹۴۸ م از شهرهای خود رانده شدند اطلاقاً بآنها اجازه رجوع داده نشده و مدت ۱۹ سال است که هزارها هزار آنها در خیمه های پاره؛ پاره زندگی میکنند!!! «در قرن حاضر؛ جنگهای زیادی شعله ور گردیده که در اغلب آنها ملتی میخواست است قدرت؛ سطره ای خود را بر ملت دیگری گسترش دهد؛ ولی گمان نکنم که تا بحال حتی در قرنهای گذشته؛ یک چنین جنگی واقع شده باشد که هدفش بوده که ملتی را از شهر خود بیرون کرده؛ و در جای آن ملت دیگری را که با ملت صاحب حق؛ هیچ وجه شباهتی ندارد سکونت دهد»؟! «

The middle east Crisis . BY Glubbpasha.

(۱)

دنیا باز چه یهود

۶۹

اگر یک چنین کاری را (هتلر) نسبت بیهود انجام داده باشد؛ چنانچه خود یهودیان میگویند: ولی هیچ مبرری من نمی بینیم که یهود حق داشته باشند بر کسانی دیگری عقوبت آن را وارد کنند! (۱)

مقاومت جهانی برضدتجاوز!!!

اکنون چه باید کرد!؟

دردنیائیکه هنوز قانون جنک بر آن حکومت میکند؛ دردنیائیکه سازش ناجوانمردانه ای شرق و غرب پنجاه هزار نفر مسلمان بی گناه را بخاک خون میکشد و خانه های مردم را ویران میسازد و سرزمینهای مسلمین را باشغال یهود درمیآورد؛ و صدها هزار نفر را از نو آواره میکند؛ دردنیائیکه سازمان ملل آن تحت تأثیر دولتهای بزرگ؛ از محکوم کردن متجاوزین خودداری میکنند! در چنین دنیا وظیفه اسلامی مردم مسلمانان آن است که گول دلسویهای ریاکارانه این و آن خوناشامان جهانی را نخورند و با تمام قوا برضد این خوناشامان متجاوز بپاخیزند و تا اراضی غصب شده ای اسلامی از دست تبهکاران بین المللی پس بگیرند! (۲)

*بآمدی آن روز!

۱۳ - محرم الحرام - ۱۳۸۸ ه ق محمد هادی مدرسی

(۱)

The middle east Crisis . BY Glubbpasha.

(۲) مقاله ای خسروشاهی در مکتب اسلام شماره ۹ سال ۸ ص ۷۱

مقدمة مؤلف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أحمد الله ربّ العالمين؛ والسلام على محمد وآل

الطاهرين؛ ولعنة الله على اعدائهم الى يوم الدين.

بدون شبهه؛ یگانه مکتبی که میواند انسان را بسعدت دنیا و آخرت
سوق داده و آرمانهای جهانی در راه آزادی و مساوات تحقق
بخشد دین مقدس اسلامی قرآنی میباشد:

آریتنها دین اسلام قرآنی است که میتواند بنیازمندیهای جسمی و روحی بشر عصر ما را پاسخ میگوید: و جهانی آرام و مملو از صلح و عدالت بوجود آمد!

الیه چون همه باین حقیقت نرسیده اند؛ بر مسلمانان لازم است که برای تبلیغ تعالیم عالی اسلامی قرآنی بپا خواسته؛ تا آنها را بهمگان برساند بشرط آنکه:

اولاً- خود اسلام قرآنی را بطور درست و صحیحی درک کرده باشد!
ثانیاً - اطلاعات کافی درباره مکتبهای جدید و قدیم داشته باشد!
ثالثاً - علل و جهات برتری قوانین اسلامی قرآنی؛ بر قوانین غیر اسلامی را بخوابی دانسته باشد!

مثلاً؛ به عمق اقتصاد اسلام قرآنی رسیده و از چگونگی اقتصاد سوسیالیسم و کاپیتالیسم مطلع بوده؛ و برتری اقتصاد اسلامی قرآنی را درک کرده و بتواند کتابهای مفیدی در این زمینه تألیف نمایند؛ بعقیده ماسلمانها؛ یکی از بهترین وسائل تصمیم و گسترش صلح در جهان؛ نشر دین مقدس اسلام قرآنی در بین کسانی که بر کفر؛ و انکار خود همچنان باقی مانده و هنوز نتوانسته اند آنطور که باید؛ بحقیقت اسلام قرآنی پی ببرند!!!

شاید نخستین قدمی که باید در این راه برداشته شود تألیف یک سلسله کتابهای سودمند در پیرامون اسلام قرآنی؛ و نوشتن کتابهایی نیز در پیرامون بقیه آئینها؛ و مکاتب جهان؛ کتابهایی هم در جهت برتری احکام اسلام قرآنی بر رشته تحریر در آورده؛ در دسترس همگان قرار داده شود!!!

کتاب حاضر، بسؤالهای «یهود کیست»؛ «وجه میکند» بطور مختصر پاسخ میگوید:

این کتاب چهارمین کتاب از سلسله انتشارات «مقایسه ای بین اسلام

قرآنی و ادیان و مبادیه میباشد» از این سلسله تاکنون «ماذا فی کتب انصاری» و «موقف الاسلام قرآنی؛ من الاحزاب» و «بین الاسلام قرآنی و داورن» بریخته تحریر درآمده است شاید بعضی چنین فکر کنند کار از کار گذشته؛ و دنیای ما را آنچنان مادیگری و کفر؛ فرا گرفته که بهیچ وجهی ای حرکات مذبحخانه ثمربخش نخواهد بود!!!

ولی بعکسی این گونه افراد؛ ما می بینیم؛ جهان از حل مشکلات خوایش عاجز مانده؛ یأس و ناامدی؛ افسردگی و نگرانی دنیا را سخت می فشارد؛ تنها آئینی که میتواند همه این مشکلات را بطور صحیحی حل کند؛ فقط اسلام قرآنی الله سبحان احد ازلی و ابدی و خلاق و علام و علیم است وبس!!!

آنچه لازم بنظر میرسد؛ آنستکه مسلمانان باکوشش و جهاد و تلاش وجدیت بیشتری دست بکار شده؛ و اسلام قرآنی را بطور صحیحی بجهانیان معرفی نمایند تا جهان «به هر وئینی» که در دست گرفته؛ پی برده و بسوی اسلام قرآنی توجه نمایند؛ چنانچه اعراب جاهلیت پس از آنکه بجهل خود پی بردند؛ دسته؛ دسته داخل اسلام قرآنی گشتند» و رأیت الناس یدخلون فی دین الله افواجا» (۱)

در جهان ما؛ مذاهب کوناگون؛ مانند؛ یهودی؛ و مسیحی؛ و بودائی؛ و هندوئی را بخوبی تجربه کرد؛ سپس رو بکمونیسیم؛ و امیریالیسم نهاد؛ ولی گم گشت خویش را باز نیافت؛ و امروز فریاد میزند «همه را دیدم ولی هیچ را داروی شفابخش نیافتم؛ آیاتجارت دهنده ای هست؟!!

(۱) «و دیدی؛ مردم را که فوج؛ فوج داخل دین اسلام میشوند» قرآن کریم سوره صد و ده؛ آیه ۳

و در اینجاست که نوبت به اسلام قرآنی میرسد؛ تا این صدار پاسخ گفته؛ و پرچم دار؛ و پیشرو قافله آزادی بشریت گردد؛ من معتقدم که دنیا امروز خود بخود رو به اسلام قرآنی میرود و کشورهای

اسلامی یکی پس از دیگری از خواب غفلت بیدار شده؛ تا دست
اجانب و استعمارگران را از کشورشان قطع نماید!!!
چنانچه چندسال پیش دو کشور اسلامی بزرگ بنام «اندونزی» و
«پاکستان» باهم اتحاد کرده؛ و دو بیست ملیون مسلمان را بهم پیوند
دادند!!!

کشورهای اروپائی آغوش را باز کرده؛ و از اسلام قرآنی استقبال
میکند؛ هرزوزه مسجدی تازه ای در شهرهای اروپائی بنامیشود
و صدها نفر مسیحی؛ یهودی؛ و مادّی؛ چنانچه در مجلات؛ و نشریات
دینی میخواهند؛ به اسلام قرآنی هدایت شده اند؛ و ایمان میآورند!
آیا اینها دلیل پیشرفت روز افزون اسلام قرآنی نیست؟؟؟!!!
آیا اینها نمیتوان از علائم بیداری فطرت الله شناسی دانست؟؟؟!!!

در این کتاب؛ چنانچه قبلاً گفته شد؛ بسؤالهای یهودی کیست و چه
میکند؟؟؟؟؟! پاسخ میگوید: ولی آنچه مادر این کتاب دنبال میکنیم!
احتیاج بیک طرز دیگری از مبارزه دارد؛ گرچه دیگران از آن عاقل
و شاید این طرز را مسخره کنند؛ و اما نباید از این حقیقت فطرت الله
شناسی غافل بشویم؛ که «یهودیت» بنا بعقیده خودشان؛ مخصوص
بنی اسرائیل است؛ و حتی اگر دیگران هم بخواهند داخل دین آنان
بشوند؛ قبول نخواهند کرد؛ و خلاصه یهود برخلاف تمام آئینهای
زنده جهان؛ برای خود خواهان پیشرفت و مذهبی ندارند؛ زیرا که
کل یهودیان خودشان را فرزندان خدای جسم یهوه میدانند؛ و خود
شان را هم خدایان میدانند؛ رجوع بکتاب تلموی (آئین یهود) فارسی

یهوه: افراد ملت اسرائیل عزیز هستند؛ زیرا که فرزندان خدای
حاضر در همه جا خوانده شده اند! کتاب تلمود فارسی؛ ص ۵۴

يَهُود: چنانکه گفته شده است: من گفتم: شما فرشتگان هستید و
جميع شما فرزندان حضرت اعلى مى باشيد! تلمود؛ ص ۸۸

پسران خداوند؛ در آن ایام مردان تنومند در زمین بودند! و بعد از
هنگامیکه پسران خداوند بدختران آدمیان درآمدند! و آنها برای
ایشان اولادی زائیدند که ایشان جبارانی بودند!!!

کتاب مقدس عهد عتیق تورات سفر پیدایش باب ششم آیات از ۱ الی ۵

بنابر این قطع نظر از مبارزات «منفی» باید یک مبارزه (مثبت) هم
در پیش گرفت؛ مثلاً یک هیئت یاجمیتی برای هدایت کردن یهود
تشکیل گردد؛ گرچه مسلمان شدن بزرگان و ثروتمندان آنها بسیار
بعید؛ بلکه محال بنظر میرسد؛ ولی توده یهودی را ممکن است
هدایت نمود؛ خصوصاً در شهرهای اروپائی که آزادی بیشتر وجود
دارد!!!

بدون شک؛ هدایت شدن یک فرد یهودی بیش از هر عمل منفی مفید
خواهد بود؛ زیرا که هنگامیکه یک یهودی مسلمان شود؛ فردی
براه راست هدایت شده ممکن بوده ملتی را بهلاکت رساند؛ یا
کشور را بخاک خون بکشد!!!

و باید توجه داشت؛ که یهود؛ در حال حاضر؛ گرچه نیرو؛ و گوشش
فراوان از خود نشان میدهد؛ ولی این قوت آن نشاط؛ چنانچه قرآن
میفرماید:

وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نَصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا
مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِيهَا وَبَصِلَهَا قَالَ
أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَىٰ بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ أَهْبَطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مَا

دنیابازچه یهود

سَأَلْتُمْ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ
بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا
عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ﴿٦١﴾ (از قرآن کریم سوره البقرة آیه ٦١)

ترجمه: الله سبحانه علام بنی اسرائیل فرمود: وقتیکه شما گفتید:
ای موسی هرگز بربیک نوع خوراک تاب نیاوریم از الله خود برای ما
بخواه تا از آنچه زمین می رویاند از قبیل سبزی و خیار و سیرو عدس
و پیاز برای ما برویاند موسی گفت: آیا بجای چیز بهتر خواهان چیز
پست ترید؛ پس بشهر فرود آید که آنچه را خواسته اید برای شما در
در آنجا مهیاست؛ و داغ خواری و ناداری بر پیشانی آنان زده شد و
بخشم الله گرفتار شدند چرا که آنان به آیات های الله کفر ورزیده
بودند و پیام آوران را بناحق می کشتند این از آن روی بود که
سرکشی نموده و از حد در گذرانیده بودند!!!

ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ أَيْنَ مَا تَقِفُوا الْأَبْحَلُ مِنَ اللَّهِ وَحَبْلٌ مِنَ النَّاسِ
وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا
يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ يَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَ
كَانُوا يَعْتَدُونَ ﴿١١٢﴾ (از قرآن کریم از سوره آل عمران آیه ١١٢)

ترجمه: الله سبحانه احد یهودیان فرمود: هر کجا یافته شوند بخواری
دچار خواهند شد مگر آنکه پناه امان الله؛ و زینهار مردم میروند و
بخشمی از الله گرفتار شدند؛ و بی مهر بینوایی بر آنان زده شد؛ این
بدان سبب بود که به آیات الله کفر می ورزیدند؛ و پیام آوران الله
را بناحق میکشند؛ و نیز این عذاب بسزای آن بود؛ الله را نافرمانی
کردند و از اندازه در می گذرانیدند!!!

یهودیت صهیونیست خون آشام؛ وابسته بکمکهای کفر و شرک
ظالمین و پشتبانی های دول خارجی است و هرگز این چنین کمک
های ویاریهای پایدارود ائمی نخواهد بوده باشد؛ که روزی این
پشتبانی ها پایان پذیرد و باز دوران ذلت بار و خواری یهود آغاز
گردد! و در آن وقت است که هدایت شده گان دست بکار زده؛ و ملت
خود را براه حق هدایت خواهند کرد!!!

من نمیگویم: ریشه کن ساختن یهود از سرزمینهای اسلامی (مانند
فلسطین) نباید بوسیله سلاح انجام بگیرد؛ زیرا که در برابر دشمن
باید تا میتوان قوت؛ و قدرت تهیه کرد چنانچه قرآن میفرماید:
وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ
اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَاتَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا
مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ ﴿٦٠﴾
(از قرآن کریم از سوره الانفال آیه ۶۰)

ترجمه: **اللَّهُ سبحانه احد و قادر فرمود:** و هر چه در توان دارید از نیرو
و قوت نظامی را بدست آورید؛ و سواری های آماده را بسیج کنید تا
با این تدارکات دشمن الله و دشمن خودتان و دشمنان دیگری را جز
ایشان که شما نمی شناسیدشان و الله آنان را می شناسد بترسانید
و هر چیزی در از جان و مال راه الله خرج و احسان و انفاق کنید؛ پادا
شش بخود شما بازگردانیده میشود؛ و بر شما ستم نخواهد شد!!!
نکاتی از مؤلیف: **وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ** را؛ تنها علم کردند
درد را دوا نمیکند! باید نتیجه قدرت توان این آیه را بدست آورد
یعنی سلاح قدرت نظامی امروز را بدست آور برای کشورهای
اسلامی واجب عینی میباشد که قدرت بمب اتوم و بمب نترون را
ایجاد کرده و بوجود آورده باشند؛ در این صورت میتوانند؛ دشمنان الله و
دشمنان اسلام قرآنی و دشمنان خودتان را بترسانند؛ و آسوده شوند!

ولی باید یک مؤسسه‌ی هم برای تبلیغ و هدایت یهود تأسس نمود؛ و آن طرز مبارزه‌ی در زمان پیام آور اسلام قرآنی در پیش گرفته شده بود؛ دوباره آغاز گردد تا بتوان این (ماده فساد اخلاقی) را که پیوسته باعث خرابی‌ها و بدبختی‌های بشریت شده است بیک ملت کاملاً مفید مبدل نمود!!!

والله المسؤل طافیه رضاء

کربلاء - محمد بن المهدی الحسینی الشیرازی

۱- معرفی یهود:

- ۱- ابراهیم بُت شکن خلیل الله یکی از پیام آوران عظیم الشانی است که مانند «نوح»؛ «موسی» و «عیس» و «محمد» بر تمام اهل زمین مبعوث و به اصطلاح یکی از پیام آوران «اول العزم است»
- ۲- ابراهیم دو همسر داشت یکی بنام «ساره» و دیگری بنام «هاجر» ساره از ابراهیم «اسحاق» و هاجر «اسماعیل» را حامله گشت! اسماعیل؛ پیام آور الله؛ دیگری از اجداد پیام آور اسلام است؛ اسحاق؛ نیز پیام آور بوده؛ و او از «یعقوب» بوجود آمد؛ و یعقوب دوازده فرزند داشت؛ منجمله «یهودا» بود!
- ۳- اسرائیل؛ مرگب از دو کلمه است «اسرا» بمعنی عبد؛ و «ئیل» بمعنی الله و مجموعاً معنی «غبدالله» بمعنی بنده الله را میدهد و مراد از این کلمه (یعقوب) است:
- ۴- حضرت موسی «ص» و حضرت عیسی «ص» و حضرت «محمد» از نسل ابراهیم «ص» خلیل میباشند گرچه عیسی «ص» پدر نداشت ولی از طرف مادر به ابراهیم «ص» میرسد! صهیون (zion) نام کوهی است واقع در «اورشلم» که بر آن «هیکل سلیمان» بنا شده «مسجد اقصی» و «سخره» نیز در آنجا است اسم این کوه در مواقع متعددی از «عهدین» ذکر شده است (۱) و (۲)
- ۶- یهود؛ معاصر؛ که حالا در «فلسطین» سکونت دارند؛ از جهت آنکه به (یهودا) فرزند یعقوب میرسد؛ یهود گفته میشود! و چون از فرزندان (یعقوب) میباشند؛ بنی اسرائیل (۱) بعضی فرزندان «اسرائیل» نامیده میشوند؛ بمناسبت کوهی که قریب آن سکونت دارند؛ صهیون؛ شناخته شده اند!

(۱) - مزامیر صدوسی و دوم

(۲) سمونیل؛ فص پنجم

۲ - فلسطین

«فلسطین» اسم سرزمینی است در خاور نزدیک که از طرف شمال به «لبنان» و از طرف شرق به «سوریا» و «اردن هاشمی» از طرف غرب به؛ دریای مدیترانه؛ از طرف جنوب به «مصر» متصل است و از آنجائیکه در این سرزمین آثار باستانی؛ و مذهبی هر یک یهود؛ نصاری؛ مسلمان وجود دارد در تاریخ؛ پیوسته بر سر آن جنگ و جدال بوده است!

فلسطین تا سال ۱۳۶۳ ق ه در دست مسلمانان بو؛ پس از این سال یهود پشتیبانی استعمار انگلیس جزئی از آن را غصب کرده و در آن دولتی بنام «اسرائیل» تشکیل دادند؛ جز دیگر آن هنوز در دست مسلمانان و پاره ای از ارون هاشمی را تشکیل میدهد!!!

استعمار؛ پس از جنگ جهانی دوم دولت وسیع و دامنه دار «سوریا» را که جزء کشورهای اسلامی عثمانی بود؛ بچهار قسمت تقسیم کرد!

۱ - فلسطین؛ آن را بدست یهود داد!

۲ - لبنان؛ و آن را بدست مسیحیان داد!

۳ - ارون هاشمی؛ که در دست مسلمانان تراست!

۴ - اسکندرنه؛ که دودست مسلمانان ترک است!

و بدین طریقه توانست بر مسلمانان فائق آید؛ عجیب آنست که (لبنان) با آنکه قبلاً جزء کشورهای اسلامی بوده و اکثریت در آن بامسلمانان است با این حال هیچ کسی از آن صحبتی بمیان نیاورده و نمیگویند: «چرا دولت لبنان باید مسیحی باشد؟؟؟؟!!!»

و اما فلسطین؛ استعمار نقش مهمی را در آن بازی کرد تا بالاخره موفق شد صدای اسلام را در آن خاموش سازد! ولی چیرزی نگذشت که «ناسیونالیسم عربی» بپاخواست؛ و با آن سخت بپیکار پرداخت؛ و این خود ضربه ای دیگری بود که بر پیکر فلسطین وارد آمد؛ زیرا

اگر در هنان ر وزها همه مسلمانان برای استرداد فلسطین پیامی
خواستند؛ باز پس گرفتن آن؛ آنقدر هم مشکل نمی شد!!!
ولی استعمار در اول بنا بوعده «بلغور» (۱) فلسطین را بدست
یهود داده؛ و در ثانی غاصبین را بوسیله سروصداهای بی جا و بی
فائده استوار ساخت!!!

(۱) وزیر خارجه اسبق انگلستان

۳- تورات فعلی؛ وعهد عتیق

«تورات فعلی» یعنی تعلیم و بشارت؛ کتاب آسمانیستکه بر پیام آور عظیم الشأن حضرت موسی (ص) نازل شده است!!! ولی یهود؛ این کتاب را تحریف کرده؛ و خرافات و فساد اخلاقی عجیب و فرهنگ سکسی و افسانه های زیادی در آن جای دادند؛ بطریقه امروز بصورت یک کتاب مضحک و عجیبی درآمده است!!! نویسندگان تورات فعلی اشخاص مجهول الهویه و گم نامی هستند!

قرآن وحی منزل آسمانی الله احد ازلی و ابدی در این باره فرمود:

«فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ» (۷۹) وَقَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَةً قُلْ أَتَّخَذْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا فَلَنْ يُخْلَفَ اللَّهُ عَهْدَهُ أَمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٨٠﴾ بَلَى مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٨١﴾

(از قرآن کریم و از سوره البقرة آیات از ۷۹ الی ۸۱)

ترجمه: الله سبحان احد فرمود: پس وای بر کسانی که کتاب تورات را با دستهای خود مینویسند و تحریف کردند و سپس میگویند: این کتاب از جانب الله است تا بدان بهای نا چیزی بدست آورند؛ پس وای برایشان از آنچه دستهایشان نوشته و؛ وای برایشان از آنچه از این راه بهای بدست می آورند! و گفتند: جز روزهایی چند هرگز آتش بمانخواهد رسید؛ ای محمد بگو: مگر از الله پیمانی گرفته اید؟! که الله هرگز در پیمان خود خلاف نخواهد کرد! آیا آنچه را که نمیدانید بدروغ به الله نسبت میدهید؟! آری کسیکه بدی را بدست آورده؛ و گنااهش او را احاطه کرده؛ در میان میگیرد؛ پس بدونشک چنین کسانی اهل آتش جهنم هستند؛ و در آن دایم ماندگار خواهند بود!!!

أ - خداوند در نظرتورات فعلی یهود

خداوند؛ در کتاب مقدس یهود؛ شکل عجیب و غریبی بخود گرفته است؛ مثلاً مانند انسان است (۱) کیسو و لباس دارد (۲) دوپا دارد (۳) مانند انسان راه میرود (۴) از آسمان بزمین فرودبهرکجاکه بخواهد میرود و جایی را برای خویش مسکن قرار میدهد (۵) آنقدر نادان است بدون نشانه نمیتواند خانه مؤمنان را از کفار تمیز دهد (۶) و از خیلی چیزها بیخبر است (۷) و پیمان خود را میشنند (۸) از کرده خویش پشیمان میشود (۹) گاهی اسف میبرد و اندهگین میشود بر کاری که کرده است (۱۰) با انسان کشتی میکیرد (۱) و در عین اینکه سه است یکی است؛ یعنی هم یگانه؛ و هم سه گانه (۲) مار راستگوتر از اوست زیرا که مار راست میگوید: خدا دروغ (۳) از آسمان بزیر آمده بین کلام مردم تفرقه می اندازد (مثل استعمار گر که میگوید: تفرقه انداز تا حکومت کن) چون وحدت کلام آنها میترسد (۴) و چیزهای میگوید: و باز تغییر میدهد (۵)

این است؛ صفات خداوند تورات فعلی در نظریهود!!!

(۱) سفر پیدایش باب اول آیه ۳۶

(۲) سفر دانیال اصحاب هفتم!

(۳) سفر خروج؛ اصحاب بیست و چهارم!

(۴) سفر پیدایش اصحاب سوم

(۵) سفر خروج اصحاب ۱۹۸؛ و زمزمور ۱۳۲ آیه ۱۳

(۶) سفر خروج اصحاب دوازدهم آیه ۱۲

(۷) سفر پیدایش اصحاب سوم

(۸) سمونیال اول اصحاب دوم آیه ۳۰

(۹) سمونیل اول اصحاب پانزدهم آیه ۱۰

(۱۰) سفر پیدایش باب ششم

یعنی هم یگانه؛ و هم سه گانه (۲) مار راستگوتر ار اوست زیرا که مار راست میگوید: خدا دروغ (۳) از آسمان بزیر آمده بین کلام مردم تفرقه میاندازد (مثل استعمارگر میگوید: تفرقه انداز تا حکومت کن) چون وحدت کلام آنها میترسد (۴) و چیزهای میگوید: و باز تغییر میدهد (۵) این است؛ صفات خداوند تورات فعلی در نظریهود!!!

(۱) سفر پیدایش باب سی و چهارم

(۲) سفر پیدایش اصحاب هیجدهم آیه ۱ و اصحاب ۱۹ آیه ۱

(۳) سفر پیدایش اصحاب سوم آیه ۳۰

(۴) سفر پیدایش باب یازدهم آیه ۱۱

(۵) سفر پیدایش اصحاب ششم آیه ۶

ولی الله جهان هستی و رب العالمین از همه این خرافات منزّه و مبرا است نجسم و نه عوارض جسم بر او عارض میشود؛ همیشه راست میگوید: و هیچ وقت پیمان خود را نمیشکند؛ تمام اعمالش از روی خرد و حکمت ابدأ اندوهگین و محزون نمیشود؛ یکی است و شریک ندارد؛ همیشه خواهان خیر مردم است!!!

ب - پیام آوران در نظریهود!!!

پیام آوران (کتاب مقدس؛ و تورات فعلی) دست کم از خدایان آن ندارند مثلاً بعضی آنها!

- ۱ - با زنان نامرّم زنا میکنند؛ چنانچه «بداود» نسبت میدهد
- !!! ۲ - با دختران خود زنا میکند؛ چنانچه (بلوط) نسبت میدهد!!!
- ۳ - مردم را فریب میدهند؛ و آنها را کشته؛ و زنهایشان را به همسری درمی آورند چنانچه «بداود» نسبت میدهند!!!
- ۴ - با خدا کشتی میگیرد؛ چنانچه بیعقوب نسبت میدهند!!!
- ۵ - کارهایی را که خداوند نهی کرده انجام میدهند چنانچه

بسلیمان نسبت میدهند؛ و میسند؛ سلمان هزار زن داشت!!!

- ۶- قلبهای ایشان بجانب بُت مایل میشود؛ چنانچه بسلیمان نسبت میدهند؛ مینوسیند؛ زنان سلمان اورا بُت پرست کردند
- ۷- برای پرستش بتها خانه میسازند چنانچه بسلیمان نسبت میدهند!!!
- ۸- خداوند میخواهد آنها را بکشد؛ چنانچه بحضرت موسی نسبت میدن- هند!!!
- ۹- ستمکار هستند؛ و بکشتار کودکان؛ اوفتادگان؛ گوسفندان؛ گاوان فرمان میدهند چنانچه بموسی (ص) نسبت میدهند!!!
- ۱۰- با خداوند درشتی و خوشونت میکنند؛ چنانچه بحضرت موسی نسبت میدهند!!!
- ۱۱- سالهای متمادی بین مردم ملت و پا برهنه راه میروند؛ چنانچه به اشعیای پیام آور نسبت میدهند!!!
- ۱۲- بگردنهای خویش بند ویوغ میگذارند؛ چنانچه به امریا پیام آور نسبت میدهند!!!
- ۱۳- خداوند فرمانشان میدهد تا نان آلوده بنجاسات انسانی را بخورند چنانچه «بحزقیال» پیام آور نسبت میدهند!!!
- ۱۴- خداوند بآنها دستور میدهد که سرو صورت خود را بتراشند؛ چنانچه بحزقیال پیام آور نسبت میدهند!!!
- ۱۵- خداند امرشان میکند؛ تازن زنا زاده را بهمسری درآورند چنانچه به هوشع پیام آور نسبت میدهند!!!
- ۱۶- مردم را بپرستش ترغیب کرده و خود بُت میسازند؛ چنانچه «بهارون» نسبت میدهند!!!
- ۱۷- از نسل زنا متولد شده اند چنانچه (بیفتاح) پیام آور نسبت میدهند!!!

۱۹- دروغ گوهستند؛ چنانچه پیام آور سال خورده نسبت میدند!!!
۲۰- نبوت را از خداوند میستانند چنانچه «بیعقوب» نسبت میدهند!!!
۲۱- یهودا؛ پسر یعقوب پیام آور؛ با عروس خود بنام تامار زنا
محرمی کرده است دو پسر زن زاده محرمی بنامهای فاراص و
ضارع تولید کرده؛ خاخام های یهود این فساد اخلاقی را در تورات
فعلی بهودا نسبت دادند!!!

۲۲- خداوند؛ یهودیان در تورات فعلی؛ جسم و انسان و مؤنث مذکر
است؛ و برای خود از مردان و هم از زنان زن گفته است؛ و خودش
هم زائیده است؛ و گفت: سلیمان نخست زاده من است؛ کسیکه می
زاید باید شوهری داشته باشد؛ ولی شوهر خداوند تورات فعلی را
در تورات فعلی پیدا نکردیم؛ شاید نداشت؛ ولی جسم و مذکر و مؤنث
و همجنس باز است؛ ریرا که اگر مرد بود از مردان برای خود زن گرفت
و اگر زن بود باز هم برای خود از زنان زن گرفت؛ بنابراین در این
صورت؛ خداوند تورات فعلی جسم و مذکر و مؤنث و همجنس باز
است؛ شاید مردان و زنان هوس باز و شهوت ران و بی بند بار شیطان
پرست امروزی همجنس بازی را از خداوند تورات فعلی تحریف
شده یاد گرفته اند؛ این نسبت های زشت و ناروا را خاخام های
شیطان پرست به خداوند یهودیان خودشان نسبت داده اند!!!

۲۳- از کتاب تاریخ یهود؛ مذاهب یهود بار سنگین سه هزاره؛ که
نویسنده این کتاب یهودی و اهل اسرائیل است؛ که نویسنده بنام
اسرائیل شاهاک میباشد!!! مترجم دکتر مجید شریف

خدایان عجیب و غریب و معجون یهودیان صهیون نیزم این ایده
را که مذهب یهود یکتا پرست است؛ و همیشه چنین بوده است؛
همان طور که متخصصان متعدد کتاب مقدس میدانند؛ و همان طور

که قرائنی دقیق از عهد عتیق بخوبی نشان میدهد! این عقیده غیر تاریخی کاملاً خطاست! در بسیاری و گرنه در بیشتر کتب عهد عتیق وجود! قدرت ((خدایان دیگر)) بروشنی بر سمیت شناخته شده! اما یهوه قویترین آنان است! برقیبانش حسادت بسیار میورزد! و پیر سنتش آنها را بر مردم خود ممنوع میسازد؛ نفی وجود هر خدای دیگر جز یهوه تنهامدتهای بعد! از سوی آخرین پیامبران! در کتاب مقدس اعلام میگردد! با این وجود آنچه در اینجا ما را بخود مشغول میسازد! نه یهودیت کتاب مقدس که یهودیت ((کلاسیک)) است! باری! روشن است! که این یهودیت نیز در طول چند صد سال آخر خود! در مجموع از یکتا پرستی محض دورگشته است! اگرچه این امر کمتر درک شده است! در باره پیکره دیدگاهی! که در یهودیت تعبّدی امروز یعنی ادامه مستقیم یهودیت کلاسیک! عملاً مسلط است! نیز میتوان توان چنین گفت: (قبالایا) Kabbale آغاز میگردد! در پایان قرن شانزدهم! این عرفان تقریباً مرکز یهودیت را فتح میکند! بیش از هر چیزی! علیه این عرفان گرای! و نفوذ آن است که هاسکالا (جنبش روشنگری یهود) برآمده! از بحران یهودیت کلاسیک! بناچار درگیر پیکار شد! با این وجود در تعبّدی یهودی امروز! بویژه نزد خاخامها! قبلالچیرگی خود را حفظ کرده است! به عنوان قبلا مطمئنآیک آیین باطنی است که مطالعه آن به علماء اختصاص میابد! در اروپا بویژه پس از میانه قرن هیجدهم تدابیر سخت و شدیدی اتخاذ شدند تا آن را سرّی نگاه دارند! و تحصیلش را ممنوع سازند مگر برای علمایی که آزمایش شده اند و آن هم تحت هدایت دقیق یک استاد! توده های یهودی آموزش نیافته! اروپای خاوری هیچ شناخت واقعی از آیین قبالایی نداشتند! این آیین بشکل خرافات و اعمال جادویی تا درون آنان نفوذ میگردد؛ مثال جنبش گوش امونیم! تا

اندازه زیادی از ایده های قبالی الهام گرفته است! نتیجه میشود!
 ! که بدون شناخت! و درکی از این ایده ها! درک باورهای واقعی
 یهودیت در پایان دوره کلاسیک آن غیر ممکن است! از سوی دیگر
 این ایده هانقش سیاسی مهمی در دوره معاصر بازی میکند! تا آن
 حد که جزئی از اصول عقاید صریح سیاستمدان مذهبی متعددی
 (از جمله بیشتر رهبران گوش امونیم) را تشکیل میدهند و بر تعداد
 زیادی از رهبران صهیون نیست از همه احزاب از جمله احزاب چپ
 نفوذ غیر مستقیم دارند! بنابراین! عالم تحت سیطره یک خدای
 واحد! که مقهور چند اقلیت الوهی است که تفاوت آنها در خصل و
 نفوذ ایشان است! تجلیات یک ((علت اول)) نامشخص! و دور دست
 میباشد! بی آنکه در یک آشفته بازار جزئیات وارد شویم! میتوانیم
 این دستگاه را بدین گونه خلاصه نماییم! از ((علت اول)) نخست
 یک خدای مذکر موسوم به ((حکمت)) یا ((پدر)) و سپس یک الوهیت
 مؤنث! یعنی ((معرفت)) یا ((مادر)) زاده شده اند! (یا بزبان الهیاتی
 نشأت گرفته اند) از آمیزش این دو الوهیت جوان حاصل میگردند
 ((پسر)) که او نیز با بسیاری نامهای دیگر از جمله ((وجه صغیر))
 یا ((مسعود مقدس)) مشخص میشود! و ((دختر)) که ((بانو)) نیز
 نامیده میشود یا ((ماترونیت))؛ (از ماترونای لاتینی)؛ ((شیخیناه))
 ؛ ((شهبانو)) قدس علی هذا! این دو خدای جوان نیز باید به نوبه
 خود با هم جفت شوند! اما از این کار در اثر توطئه های شیطان! که
 در این دستگاه! یک شخصیت مهم! و مستقل است! جلوگیری میگردد
 ((علت اول)) به آفرینش جهان اقدام میکند! تا به آنها امکان دهد
 که به هم بیامیزند! اما در اثر ((هبوط)) هر دو جدا تر از همیشه از هم
 دور می افتند! تا آنجا که شیطان موفق میشود! به ((دختر)) الوهی
 نزدیک گردد! و حتی از او سوء استفاده نماید! (در ظاهر یا در واقعیت

عقاید درزمینه متفاوتند) آنگاه ملت یهود آفریده میشود! ناگسستگی ناشی از آدم! و حوّا را رفع و رجوع کند! و این امر در یک دم برکوه سینا پدید می آید! جاییکه ((پسر)) الوهی؛ حلول یافته! در پیکر موسی؛ با الهه شیخیناه جفت میشود! بدبختانه! پرستش گوساله طلایی! جدایی دیگر را میان الوهیت‌های جوان سبب می‌گردد! اما توبه ملت یهود؛ توافقی را به ارمغان می آورد! قبالایی ها! بهمین ترتیب؛ هر سرفصل از تاریخ توراتی را! به یک وصل! یا فصل میان زوج الوهی! جوان مربوط میکنند! فتح کشور کنعان! و قتل عام ساکنان آن! هم چنان که بنای

نخستین؛ و دومین ((معبد))؛ ((هیكل)) اموری هستند که بویژه برای پیوند آنان؛ مساعدند! بر عکس! ویرانی ((معابد)) و تبعیدیهودیان! نشانه‌های بیرونی! انتهای یک جدایی میان دو الوهیت جوان! بلکه ((زناکاری باخدایان بیگانه)) توسط آنهاست ((دختر)) تحت امپراتوری شیطان قرار می‌گیرد! و ((پسر)) که همسر خویش را؛ وانهاده است! در بستر خود مخلوقات شیطانی گوناگون را می پذیرد؛ و وظیفه یهودیان پرهیزگاران است! که بیاری ادعیه! و اعمال مذهبی خویش! یگانگی کامل را! بشکل پیوندجنسی! میان الوهیت مذکر و الوهیت مؤنث از نو برقرار کنند و بسیار در اویش یهودی معاصر عقیده دارند که میتوان با جنگی علیه اعراب! با اخراج فلسطینیان! یا حتی با ایجاد پایگاه‌های یهودی در کرانه باختری با سرعت بیشتری به این هدف رسید! جنبش برای ساختمان ((معبد سوم)) نیز خود بر چنین ایده‌هایی بنا شده است بدین ترتیب! پیش از غالب اعمال آیینی! که هر یهودی پارسا باید! چندین بار در روز انجام دهد! قاعده قبالایی زیر را از بر میخواند ((باشد که مسعود مقدّس

وشیخیناه اورازنوشادمانه! بهم بیامیزند)) در عبری yihnd معنای
تحت اللفظی آن ((پیوند فاصله دار)) است؛ همان واژه متون قانون

دنیابازچه یهود

۸۹

بکار میرود (در ارتباط با ازدواج و...) تاروابط جنسی را مشخص
نماید) ادعیه صبح نیز بگونه جفت و جور شده اند که این عمل
عاشقانه را! حتی اگر شده بصورت لحظه! تسهیل نمایند! بخشهای
پی در پی دعا! بگونه ای عرفانی! بمراحل این ((باز پیوند)) مربوط
میشوند! در یک لحظه الهه با ندیمه هایش نزدیک میگردد! در
لحظه دیگر! الهه دست در گردن او میکند! و سینه هایش را نوازش
میدهد! و سرانجام چنین بر می آید! که رابطه جنسی برقرار گشته
است! ادعیه و اعمال آیینی دیگر! در تفسیر قبالی خود! بدین هدف
صورت میگیرند؛ که فرشتگان گوناگون ((الوهیتهای صغیریکه از
نوعی خود مختاری برخوردارند)) را فریب دهند! یا شیطان را با
خود یار و همراه سازند! در برهه ای! از دعای صبح چند آیه را بزبان
آرامی تلاوت میکنند! حیلۀ کوچکی که متوجه فرشت گانی است
! که دروازه های آسمانی را نهبانی مینمایند! و قدرت آن را دارند
که ادعیه مردان پارسای را واپس زنند! این فرشتگان در واقع!
جز عبری نمی فهمند! بعلاوه اینان که بدجنس نیستند (و در هر حال
کمتر از قبالی ها چنین اند) از آیات آرامی مات! و متحیر میگردند!
بناگهان! دروازه ها را باز میکنند! و بدین ترتیب تمامی ادعیه! از
جمله آنها که بزبان عبری هستند! اجازه عبور میدهند؛ مثال دیگر
پیش و پس از غذا خوردن! هر یهودی پرهیزکار! با آداب! و تشریفاتی
دستهای خود را میشویند! و در همان حال وردی خاص را برای
تبرک ادا میکند؛ در یک حالت! او خدارا تکریم مینماید! و پیوند الوهی
((پسر)) و ((دختر)) را تسهیل میکند! در حالت دیگر شیطان را تکریم
مینماید! همان که ادعیه! و مناسک یهودی را! بسیار ارج مینهد! تا

آن حدّ که اگر شماری از آنها را به او تقدیم دارند! در اثر آنها! دست کم در طیّ این مدّت! فراموش میکند! که گردد؛ دختر الوهی بچرخد؛ بنابراین

دنیابازچه یهود

۹۰

ین باور قبایلایی ها! که در واقع! برخی از قربانیانی که در معبد می سوزانند مختصّ شیطان بودند! بدین ترتیب! هفتاد گاو! که در طیّ هفت روز عید خیمه ها! قربانی میشدند! بنظر آنها! بشیطان به عنوان مرشد! تمامی بیگانگان تقدیم میگشتند! تا این که او! کاملاً رام و سرسپرده شود! (۱) قربانی روز هشتم را! که بخدا تقدیم شده است! بر هم نزنند! میتوان نمونه های دیگری از این نوع را ذکر کرد! در ارتباط با این نظام! و اهمیت آن برای درک درستی از یهودیت کلاسیک؛ و آثار سیاسی معاصر آن در بطن عملکرد صهیون نیستی! ملاحظات چندی در کار هستند! (از کتاب تاریخ یهود مذهب یهود بار سنکین سه هزاره؛ نویسنده اسرائیل شاهاک)؛ (مترجم دکتر مجید شریف؛ ص از ۹۴ تا ۹۹)

۱- از کتاب مقدّس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی سفر اعداد باب دوم

۲۴- أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكَيْلًا (۴۳)
أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ
بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا (۴۴) (قرآن کریم سورة الفرقان آیات ۴۳ و ۴۴)

ترجمه: الله سبحانه احد ازلی و ابدی و علام فرمود: آیای محمد: آن یهودیانی که هوای نفس خود را معبود خویش گرفته است دیده ای؟! آیا تو میتوانی وکیل وضا من آنها باشی؟! یا گمان داری که بیشتر ایشان میشوند؟! یا می اندیشند؟! آنان جز مانند چهار پایانی که مانند خوک و میمون و خرس و گرگ و تمساح و گرگ

وخر وگاوغیر . . . نیستند بلکه از چهار پایان گمراه ترو نادان
ترپسترو بی ارزشتر هستند!!!

۹۱

دنیابازچه یهود

فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكَرَةِ مُعْرِضِينَ ﴿٢٩﴾ كَانَتْهُمْ حُمْرٌ مُسْتَنْفِرَةٌ ﴿٥٠﴾
فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ ﴿٥١﴾ (ازقرآن کریم ازسوره المدثرآیات ۴۹ الی ۵۱)

ترجمه:الله سبحان علام فرمود:چرا یهودیان ازتذکرو نصیحت
قرآن آسمانی روی گردانیدند؟!مثل اینکه گورخرانی رمیده اند
هستند!که ازمقابل شیری درنده فرارکرده اند!!!

اینست صفات پیام آوران و سفرای الهی درنظرتورات فعلی عهدعتیق
آری یهود؛این نسبتهای زشت؛و ناروا را بپیام آوران خویش نسبت
میدهند؛تا فساد اخلاقی و بی بندباری خودرا ازهرآلودگی پاک و پاکیزه
مبراومنزّه بسازند!!!

تااززناکردند؛وشراب نوشیدند؛دروغ گفتند؛عهدوپیمان شکستند
کسی نتواند آنها را سرزنش کند؛میگویند؛مگر پیام آوران چنین
کارها را نمیکردند؟؟؟!!!

ولی . . . انبیاء ورسولان درنظرعقل و منطق قرآن وحی منزل
الله ازلی ابدی مبراومنزّه ازهمه خرامات ودروغ میباشد؛انبیاء
ازهمه کذب و دروغ ها وافسانه های؛تورات فعلی؛مبرا و منزّه
هستند!زیراکه آنها هیچ گناه بزرگ کوچک انجام ندادند!وهیچ
خلاف شرع وفساداخلاقی وزشتی و بی بندباری را روا نمیدارند!

اینک به قطعات چند از کتاب عهد عتیق و تورات
فعلی درواقع معرفی خوبی برای یهود است توجه

فرماید:

أ- بی عفتی و بی حیائی و بی شرمی یهود

۹۲

دنیابازچه یهود

ابرام (یعنی ابراهیم ص) طیّ مراحل و منازل کرده بسمت جنوب کوچید؛ و قحطی در آن زمین شد؛ و ابرام بمصر فرود آمد؛ تا در آنجا بسربرد زیرا که قحطی در زمین شدت میکرد؛ و واقع شد که چون نزدیک بورود مصر شد؛ بزن خود سارای؛ گفت: «اینک میدانم که تو زن نیکو منظر هستی؛ همانا چون اهل مصرتورا ببینند گویند: «این زوجه اوست پس مرا بکشند و تو را زنده نگاه دارند پس بگو: که تو خواهر من هستی تا بخاطر تو برای من خیریت شود و جانم بسبب تو زنده ماند...» و بمجرد ورود ابرام بمصر؛ اهل مصر آن زن را دیدند که بسیار خوش منظر است؛ و امرای فرعون او را دیدند؛ او را در حضور فرعون ستودند؛ پس وی را بخانه فرعون در آوردند، و بخاطر وی با ابرام احسان نمودند و او صاحب میشها و گاو و حماران و غلامان؛ و کنیزان و مواد الاغان؛ و شتران شد و خداوند فرعون و اهل خانه او را بسبب سارای زجه ابرام ببلا سخت مبتلا ساخت؛ فرعون ابرام را خوانده گفت: «این چیست که بمن کردی؟! چرا مرا خبر ندادی که او زجه تو است و چرا گفتی: او خواهر من است؟! که او را بزنی گرفتم؟! و الان اینک زوجه تو است؛ او را برداشته روانه شو؛ آنگاه فرعون در خصوص وی کسان خود را امر فرمود تا او را با زوجه اش و تمام ما یملکش روانه نمود» (۱)

و قتی که انسان این قصه را میخواند بخوبی درک میکند؛ چرا دولت اسرائیل (زنا) را عمل قانونی و شرافتمندانه میدانند؟! مگر پیام آور بزرگ آنها (ابرام) برای چند عدد گاو؛ و گوسفند خواهر

ب- طمع یهودیان کبالای شیطان پرست!!!

«یَهُوَه خدای ما؛ ما را در «حوریب» خطاب کرد گفت: «توقف شما در این کوه بس است؛ پس توجه نموده کوچ کنید؛ و بکوهستان اموریان؛ و حواله آن از عربیه؛ و کوهستان؛ هامون؛ و جنوب؛ و کناره دریا یعنی زمین کنعان؛ و لبنان؛ تا نهر بزرگ که نهر فرات باشد؛ داخل شوید؛ اینک زمین را پیش روی شما گذاشتم؛ پس داخل شده زمینی را که خداوند برای پدران شما ابرام و اسحاق؛ و یعقوب؛ قسم خورد که بایشان؛ و بعد از آنها بذریت ایشان بدهد بتصرف در آورید (۱)

ج - بیرحمی؛ قساوت یهودیان شیطان پرست!

آنگاه قوم صدا زدند و کرناها را نواختند؛ و چون قوم آواز کرنا را شنیدند؛ و قوم با آواز بلند صدا زدند حصارهای شهر بزمین افتادند و قوم یعنی؛ هر کسی پیش روی خود بشهر «اریحا» برآمد و شهر را گرفتند؛ و هر آنچه در شهر بود از مرد؛ و زن و جوان؛ و پیر حتی گاو؛ و گوسفند؛ و الاغ را بدم شمشیر هلاک کردند؛ و شهر را با آنچه در آن بود با آتش سوزانیدند؛ لیکن طلا و نقره؛ و ظروف مسین؛ و آهنین را بخزانه خانه خداوند گذاردن»! (۱)

«... چون بشهر نزدیک آئی تا با آن جنگ نمائی آن را برای صلح ندا بکن؛ و اگر تورا جواب صلح بدهد؛ و دروازه ها را برای تو بگشاید؛ آنگاه تمامی قومیکه در آن یافت شوند بتوجزیه دهند و تورا خدمت نمایند؛ و اگر با تو صلح نکرده با تو جنگ نماید پس

آن را محاصره کن؛ و چون یهوه خدایت آن را بدست تومی سپارد
جمع ذکورانش را بدم شمشیر بکش؛ لیکن زنان و اطفال و بهایم

(۱) صحیفه یوشع باب ششم آیه ۲۰

۹۴

دنیا باز چه یهود

و آنچه در شهر باشد؛ تمامی غیبتش را برای خود نتاراج ببر؛ و
غنائم دشمنان خو در اکه یهوه خدایت بتوبه دهد بخور؛ بهمه شهر
هائیکه از تو بسیار دورند که از شهرهای این امته نباشند چنین
رفتار نما؛ اما از شهرهای این امتهائیکه یهوه خدایت تور ا بملکیت
میده؛ هیچ ذی نفس را زنده مگذار؛ بلکه ایشان را یعنی حنیان
؛ وأموریان؛ وکنعانیان؛ و فرزیان؛ و حویان؛ و یئوسیان را چنانکه
یهوه خدایت تورا امر فرموده است هلاک ساز (۱) ۰۰۰ و سنگری
بر شهری که با تو جنگ میکند بناکن تا منهدم شود» (۲)

«خداوند ایشان را پیش اسرائیل منهزم ساخت و ایشان را در
«جیعون» بکشتار عظمی کشت ۰۰۰ و ایشان را گریزانید؛ و تا
«عزیه» و «مقید»؛ «ایشان را کشت»

«در آن روز»؛ «یوشع»؛ «مقید» را گرفت؛ و آن و ملکش را بدم
شمشیر زده ایشان و وهمه نفسی را که در آن بودن هلاک کرد؛ و
کسی را باقی نگذاشت؛ و بطوریکه با ملک «اریحا» رفتار نموده
با ملک «مقید» نیز رفتار کرد؛ و یوشع با تمامی اسرائیل از «مقید»
به «لبنه» گذشت؛ و با «لبنه» جنگ کرد؛ و خداوند آن را نیز با ملک
بدست اسرائیل تسلیم نمود؛ پس از وهمه کسانی را که در آن بودند
بدم شمشیر کشت؛ و کسی را باقی نگذاشت و بطوریکه با ملک «اریحا»
رفتار نمود؛ با ملکش آهن نیز رفتار کرد و «یوشع» با تمامی اسرائیل
از «لبنه» به «لاخیش» گذشت و بمقابلش اردوزده با آن جنگ کرد
و خداوند «لاخیش» را بدست اسرائیل تسلیم نمود؛ که آن را در
روز دوم تخیر نمود و آن همه کسانی را که در آن بودند؛ بدم شمشیر

کشت؛ چنانکه بلبنه کرده بود؛ آنگاه «هورام» ملک «جانر» برای

(۱) سفر تثئیه اصحاح بیستم آیه ۱۰

(۲) سفر تثئیه باب نهم آیه ۲۰

دنیا باز چه یهود

۹۵

اعانت «لاخیش» آمد یوشع او؛ وقومش را شکست داد؛ بحدیکه کسی را برای او باقی نگذاشت؛ ویوشع باتمامی اسرائیل از لاخیش به «عجلون» گذشتند؛ و بمقابلش اردوزدند با آن جنگ کردند و در همان روز آن را گرفته بدم شمشیرزدند و همه کسانی را که در آن بودند در آن روز هلاک کرد؛ چنانکه به لاخیش کرده بود؛ ویوشع؛ باتمامی اسرائیل از عجلون به «حبرون» برآمد با آن جنگ کرد؛ و آن را با ملکش و همه شهرهایش و همه کسانی که در آن بودند بدم شمشیرزدند؛ و موافق هر آنچه که به عجلون کرده بود کسی را باقی نگذاشت؛ بلکه آن را با همه کسانی که در آن بودند هلاک کرد؛ ویوشع با تمامی اسرائیل به «دبیر» برگشت؛ و با آن جنگ کرد؛ و آن را با ملکش و همه شهرهایش گرفت؛ و ایشان را بدم شمشیر زدند و همه کسانی را که در آن بودند هلاک ساختند؛ و او کسی را باقی نگذاشت؛ و بطوریکه به «حبرون» رفتار نموده بود به «دبیر» و ملکش نیز رفتار کرد چنانچه به «لبنه» و ملکش نیز رفتار نموده بود؛ و پس یوشع تمامی آن زمین؛ یعنی کوهستان و جنوب؛ هامون؛ و وادیهای؛ جمیع ملوک آنها را زده کسی را باقی نگذاشت و هر ذی نفسی را هلاک کرده چنانکه یهوه خدای اسرائیل امر فرموده بود» (۱)

۴- تلمود یعنی آئین یهود

خاخامهای یهودی طی سالهای متمادی شرحها؛ و تفسیرهای کوناگونی بر تورات فعلی نوشتند؛ که آنها را خاخام «یوحاس» در سال (۱۵۰۰م) جمع آوری نموده؛ و اضافه چند کتاب دیگری که در سالهای (۲۳۰) و (۵۰۰م) نوشته شده بود کتاب (تلمود) یعنی تعلیم دیانت و آداب یهود- را تألیف نمود!!!

این کتاب در نزد یهود بسیار مقدس؛ و در ردیف «تورات» و عهد عتیق قرار دارد (۱)

و برای اینکه بیشتر بخود پرستی؛ و آرمانهای ضد انسانی و ضد دین الهی یهودیت پی ببریم؛ خواب است چند جمله ای از این کتاب را بدقت مطالعه کنیم (۲)

ا- روز دوازده ساعت است!!!

درسه ساعت اول آن خداوند شریعت را مطالعه میکند!!!

و درسه ساعت دوم احکام صادر میکند!!!

و درسه ساعت سوم جهان را روزی میدهد!!!

و درسه ساعت چهارم باحوت دریا که پادشاه ماهی ها است

بیازی می پردازد!!!

هنگامیکه خداوند امر کرد (هیکل را) خراب کنند خطاء کرده بود؛

و بخطائی خویش اعتراف کرده؛ بگریه درآمد؛ و گفت: «وای بر

من؟! که امر کردم خانه ام را خراب کنند؛ و هیکل را بسوزانند؛

«و فرزدانم را تاراج کنند»!!!

(۱) بلکه از تورات هم بالاتر است؛ چنانچه (گرافت) میگوید: «بدانید که گفتار خاخام از گفتار پیامبر بالاتر است»!!!

دنیابازچه یهود

خداوند از آنکه یهود را بچنین حالی باقی گذاشته سخت پشیمان است؛ بطریقه هرروزه بصورت خود لطمه مزند؛ وزار؛ زارگریه میکند؛ گاهی از شمانش دو قطره اشک بدریا میچکد؛ و آنجنان صدا میکند که تمام اهل جهان آن را میشنوند... و آبهای دریا بتلاطم وزین بلرزه درمی آید!!!

«هزگز خداوند از کارهای ابلهانه و غضب؛ و دروغ برکنار نیست!!!»
ب - قسمتی از شیاطین؛ از فرزندان آدم هستند... آدم زنی داشت از شیاطین بنام «لیلیث» که مدت (۱۳۰) سال همسر آدم بود و شیاطین از نسل او متولد شدند!!!

«حواء» در این مدت (۱۳۰) جز شیطان فرزندی نرئیدزیرا او هم همسریکی از شیاطین شده بود!!!

«انسان میتواند شیطان را بکشد هرگاه خمیرنان عیدرانی کو بعمل آورد»
ج - ارواح یهود؛ از ارواح دیگران افضل است؛ زیرا که ارواح یهود جزء خداوند است! همچنانکه فرزند جزء پدرش میباشد؛ و روحهای یهود؛ نزد خدا عزیزتر است؛ زیرا که؛ ارواح دیگران شیطانی؛ و مانند ارواح حیوانات است!!!

«نطفه غیریهودی؛ مثل نطفه بقیه حیوانات است»!!!

د- بهشت مخصوص یهود است؛ و هیچ کسی بجز آنها داخل آن نمیشود؛ ولی جهنم جایگاه مسیحیان؛ و مسلمانان است؛ و در آنجا فایده ای جز گریه و زاری عاید آنها نمیگردد؛ زیرا زمینش از گل و بسیار تاریک و بد بو است!!!

مسح پیامبر؛ نیامده است؛ و تاحکم اشرار (یعنی غیریهود) منقرض نشود

ظهور نخواهد کرد؛ و در آنکاه که او بیاید زمین خمیرنان؛ و لباس پشمی
میرویانند؛ و در وقت است که سلطه؛ و پادشاهی یهود بازگشته و تمام ملتها
مسح را خدمت خواهند نمود!!!

«در آن زمان هر یهودی؛ دو هزار و هشتصد برده علام خواهد داشت»!!!
۵ - بر یهود لازم است؛ که املاک دیگران را خریداری کند تا آنها
صاحب ملک نباشند و همیشه سلطه اقتصادی یهود باشد!!!
چنانچه غیر از یهود؛ بر یهود تسلط پیدا کند؛ آنها باید بر خود گریسته بگویند
«وای بر ما؛ این چه ننگی است که ما جیره خور دیگران باشیم»!!!
پیش از آنکه یهود نفوذ و سلطه کامل خود را بدست آورد لازم
است جنگ جهانی برپا شود و دولت بشرنابود شوند؛ در این وقت
مدت هفت سال یهود؛ اسلحه های جنگ را خواهند سوزانید و در
این وقت است که دندانهای دشمنان بنیر اسرائیل بمقدار بیست و
دو ذرع (که تقریباً هزار و سیصد و بیست برابر دندانهای عادی می
شود) خارج از دهانشان بیرون خواهد آمد!!!
هنگامیکه مسیح حقیقی پا بر صه وجود گذارد؛ یهود آنقدر ثروتمند
و مال خواهند داشت؛ که کلید صنوقهایشان را بر کمتر از سیصد الاغ
حمل نمیتواند کرد!!!
و کشتن مسیحی از واجبات مذهبی ما است؛ و پیمان بستن با او؛
یهودی را باء نمیکند!!!
«رؤسای مذهب نصرنی و هر که دشمن یهود است؛ باید هر روزی
سه مرتبه لعن کرد»!!!
«یسوع (عیسی مسیح) نصرنی ادعای پیامبری کرده؛ و نصاری
گولش را خوردند؛ با مادرش مریم؛ که او را از مردی بنام «باندار»
بزنا آورد بود؛ در آتش جهنم میسوزانند»!!!
«کلیسا های نصاری که در آن سگهای آدم نما؛ بصدا در میآیند بمنزله

زیاله خانه است!!!

ز- «اسرائیلی» در نزد خداوند بیش از ملائکه محبوب و معتبر است
جسارت اگر یکنفر غیر یهودی؛ یک یهودی را بزند؛ چنانستکه به
عزت الهیه جسارت کرده است و باید او را کشت»!!!

دنیابازچه یهود

۹۹

«اگر یهودیان نبودند؛ برکت از روی زمین برداشته میشد و آفتاب
ظاهر نشده و باران نمی بارید»!!!
همچنانکه انسان بر حیوانات فضیلت دارد؛ یهود بر اقوام دیگر
فضیلت دارد!!!

«نطعه ای که از غیر یهودی منعقد شود؛ نطفه ای اسب است!!!
اجانب؛ مانند سگ هستند و برای آنها عید نیست زیرا که عید برای
اجنبی و سگ خلق نشده است!!!
«سگ افضل از غیر یهود است؛ زیرا که در اعیاد باید بسگ نان و
گوشت داد؛ ولی نان دادن به اجنبی حرام است»
«هیچ قرابت و خویشی بین اجانب نیست؛ مگر در فصیل الاغ
قرابتی است؟!»

«خانه های غیر یهود بمنزله طویله اس»
«اجانب دشمن خدا؛ و مثل خنزیر و قتلشان مباح است»
«اجانب برای خدمت کردن یهود بصورت انسان خلق شده اند»
«یسوع مسیح (عیسی مسیح ص) کافر است زیرا که از دین مرتد
گشت؛ و بعبادت بُت پرداخت؛ و هر مسیحی که یهودی نشود بُت
پرست و دشمن خدا خواهد بود؛ از عدالت خارج است؛ که انسان
بر غیر از یهود کوچکترین ترحمی روا ندارد»
«غش و خدعه کردن با غیر یهود بی مانع است»
«سلام کردن بر کفار (کسانی که یهودی نیستند) اشکال ندارد
بشرط آنکه سرأ او را مسخره کرده باشید»

ح - چون یهود با عزت الهیه مساوی هستند بنابراین تمام دنیا و هر چه در او است ملک یهود می باشد و حق دارند که بر آن تسلط کامل یابند؛ دزدی از یهودی حرام؛ و از غیر او جائز است؛ اموال دیگران مانند رملهای دریا است؛ و هر کسی زرد تر بر آن دست گذاشت او مالگ است!!!

۱۰۰

دنیا باز چه یهود

«یهود مانند زن شوهر دار هستند و هخامنچیان که زن در منزل به استراحت می پردازد و شوهر؛ خرج او را میدهد؛ بی آنکه در کارهای خارج از منزل با او شرکت کند؛ یهود هم به استراحت پرداخته دیگران باید آنها را روزی بدهند!!!»

ط - هرگاه یهودی واجبی شکایت داشته باشد باید حق را بجانب یهودی داد اگر چه بر باطل باشد!!!»

«برای شما جائز است که مأمورین گمک را غش بمائید و برای او قسم دروغ خورید %۰ از خا خام «سموئیل» یاد بگیرید؛ سموئیل از مرد احببی کاسه ای از طلا بقیمت چهار درهم خریداری کرد؛ در حالیکه فروشنده نمیدانست که آن طلا است؛ باین حال در همش را دزدید»!!!»

«ربودن اموال دیگران بوسیله ربا مانعی ندارد؛ زیرا که خداوند شمارا از ربا گرفتن از غیر یهودی امر فرماید»!!!»

«بکسانی که یهودی هستند قرض ندهید مگر آنکه نزول بکنید؛ و در غیر این صورت؛ قرض دادن بآنها جایز نیست زیرا که مأموریم که بآنها ضرر برسانیم»!!!»

حیات؛ و زندگانی دیگران ملک یهود است؛ چه رسد باموال آنها! هرگاه غیر یهودی احتیاج بپول داشته باشد آنقدر بای از او (ربا) و نزول گرفت؛ که تمام ما یملکش را از دست بدهد!!!»

ی - غیر یهودی هر چند صالح؛ و نیکوکار باشد؛ او را باید کشت؛ حرام است غیر یهودی ر انجات بدهید؛ حتی اگر در چاه بیافتد باید

فوراً سنگی بردر آن گذاشت!!!

اگر یکی از اجانب را بکشیم مثل اینست که در راه خدا قربانی کرده ایم!
«اگر یکنفر یهودی کمک بغیر یهودی بکند ذنب لایغفری مرتکب شد
است»!!!

دنیا باز چه یهود

۱۰۱

«واگراورا درد ریا غرق یافتی؛ نباید نجاتش بدهی؛ زیرا که آن هفت
ملتی که در زمین (کنعان) بودند؛ و بنا بود یهود آنها را بقتل رساند
نابود نشدند؛ و ممکن است؛ که شخص غریق؛ یکی از آنها باشند!»!
«تا میتونمید؛ از غیریمود را بکشید؛ و چنانچه دستتان بکشتن او
رسید و او را نکشید، مرتکب خلاف شرع شده اید»!!!

**«هلاک کردن مسیحی ثواب بسیار دارد؛ و اگر کسی دستش بکشتن
نمیرسد لاقلاً سبب هلاکش را فراهم کند»!!!**

«کسانی که مرتد شوند؛ اجنبی؛ و اعدامشان لازم است مگر آنکه
برای خدعه بدیگران مرتد شده باشد»!!!

ک - تعدی کردن بناموس غیر یهودی مانعی ندارد؛ زیرا که کفار
مثل حیوانات هستند؛ و حیوانات را ناشوئی نیست!!!

«یهود حق دارد؛ زنهای غیر مؤمنه را بغصب برباید و خلاصه
زنا؛ و لواط؛ بغیر یهودی عقاب و کیفری ندارد»!!!

«وکسیکه در خواب ببیند که بامادش رنائی میکند (حکیم) و
خردمند خواهد شد؛ و کسیکه ببیند که با خواهر خود جمع

شده است نور عقل نصیبش میگردد»!!!

«برای یهودی مانعی ندارد تسلیم میول؛ و شهوات خویش شود»
«هرگاه یکفرد یهودی در جلوی زن خود؛ با زنی زنا کند او حق ندارد

مانع او شده یا آنکه بر علیه او شکمایت کند»!!!

«لواط بازن جایز است؛؛ زیرا که مانند گوشتیکه آن را از بازار خریداری
میکند؛ و بهر طوریکه بخوهد آن را تناول کنید»!!!

ل - قسم دروغ خوردن جایز است؛ خصوصاً در معاملات با غیریهود!!!
«اصولاً قسم خوردن برای قطع نزاع تشریح شد است؛ اما نبرای کفار
زیرا که آنها انسان نیستند»!!!
اگر میتواند بیست قسم دروغ بخوریر ولی برای یهودی خوش را در
معرض خطر قرار ندهید»!!!

۱۰۲

دنیابازچه یهود

«برای یهودی واجب است روزی سن مرتبه مسیحیات را لعن
کنند؛ و دعا کنند تا خداوند آنها را نابود سازد»!!!
«برما لازم است که با نصاری؛ مانند حیوانات معامله کنیم»!!!
«کلیسبای های نصاری؛ خانه گمراهان است؛ و خراب کردن آنها
ضروری و واجب است»!!!

م - «ما؛ ملت برگزیده خداوندیم؛ و لذا برای ما حیوانات «انسانی»
خلق کرده است زیرا که خدا میدانست که ما احتیاج به دو قسم
حیوان داریم؛ یکی حیوانات بی شعور مانند بیهام؛ و حیوانات غیر
ناطقه؛ و دیگری حیوانات ناطقه و باشعور؛ مانند مسیحیان و مسلمانان
و بدائیان و برای آنکه بتوانیم از همه آنها؛ به اصطلاح؛ سواری
بگیریم؛ ما را در جهان متفرق ساخته است؛ لذا مادخترهای زیبا؛
و خوشگل خود را بیادشاه ها؛ و وزرا؛ و خلاصه شخصیت‌های
برجسته یهود بتزویج در آوریم؛ تا بوسیله آنها بر حکومت‌های
جهان تسلط داشته باشیم»!!!

گمان نکنیم؛ آنچه نقل کردیم احتیاج بتعلیقی از ما داشته باشید
زیرا که خود بهترین معرف «یهود» است؛ چنانچه خوب معلوم
شد که یهودیک حزب خطرناکی است که برای فریب دادن مردم
در لباس مذهب درآمده است (۱)

(۱) تمام این تعلیمات در تجاوزکاری اخیریهود به مردم مسلمان بصورت عمل درآمد وجهانیان
شاهد فجایع آنها شدند!!!

۵ - ماسونیسیم؟؟؟!!! (*)

«ماسونیسیم» یعنی (بناءً) (۱)

«ماسونیسیم» حزبی است خیلی مخفی که فقط بخاطر ریشه کن ساختن ادیان؛ و اخلاقیات انسانی؛ و دولتهای بر حساب یهود؛ تأسیس شده است!!!
مطالب این کتاب

از کتاب: «اسرار الماسونیه» تألیف: نرال «خوادر رفعت آیلخان» نقل میشود!!!

أ - تعریف حزب ماسونیسیم!!!

«ماسونیسیم حزب مخفی است» که بحال بندها؛ و مقرراتش در هیچ کتابی نوشته نشده است» (۲)

«عقاید؛ و رموز؛ اشارات ما بلغب مصری فرعونی است؛ که بوسیله بنی اسرادیل نما ارث رسیده است» (۳)

حزب ماسونباید بیک دولت؛ دو دولت اکتفا کند بلکه تمام دولتهای جهان را باید تحت خرقة کشید؛ و برای رسیدن باین هدف نخست لازم است دین؛ و علماء دین را که یگانه دشمن ما هستند نابود کنیم» (۴)

(*) دائرة المعارف برتانيا:

Encyclopaedia Britannica 1911 Masonism

(۱) اصل الماسونیه؛ تألیف عوض الخوری ص ۳۵

The origin of The M - asonism

(۲) الطب الاربع؛ محفل السلامة الماسونی!

(۳) الخطب الاربع محفل السلامة الماسونی

(۴) کنفرانس شرق اعظم؛ سال ۱۹۲۳ م

۱۰۴

دنیابازچه یهود

«برادران عزیز علماء دین میخوانند؛ برامورات دنیوی مانیزچیره شوند؛ و این وظیفه ما است که تز «آزادی مذهب» را در اذاهان مردم بگنجانیم و بدین وسیله آنها را از دور علماء پرکنده کنیم!» «باید دین را که یگانه دشمن بشریت است نابود کنیم زیرا که دین است که باعث جنها؛ جدالها؛ کشتارها؛ و همه کشمشکهای جهان میشو» «برادران عزیز؛ ما باید تا میوانیم «قانون» جعل کنیم؛ تنها بحال برای قوانین و دستورات دینی باقی نماند؛ زیرا که آن حاکمیت؛ و آقائی که علماء دین داشتند؛ رو؛ بزوال؛ بلکه فعلاً زائل شده است و یگانه هدف ما این است که کار دین را یکسره کنیم» (۱)

حزب ماسونی؛ در چند سال اخیر نقشهای مهمی در سیاست اروپا بازی کرد (۲)

«افرادی این حزب نباید بهیچ دینی معتق باشند» (۳)

«یک فرد ماسونی ممکن است (وطن پرست) شود؛ ولی بشرط آنکه قبل از هر چیز؛ پاینده مقررات حزب ماسونی باشد؛ !!!»

«مانعی ندارد این حزب کارمند دولت؛ یا وکیل مجلس؛ رئیس جمهوری بشوند؛ بشرط آنکه بدون مشورت با «مجلس ماسونی» کاری انجام نداده و از هدف خویش دور نشود» (۴)

هرگاه یک فرد ماسونیسیم؛ زمام دار مملکتی بشود؛ بقیه افراد حزب را هم باید با خود شرکت داده و آنها را هم بمقامات عالییه برساند (۵)

«ما سونیسیم؛ حزب بیست مخفی که تنها هدفش اینست که بتواند بوسیله نشر افکار خود؛ بر جهان چیره شود؛ آنانکه افکار ما را

قبول میکنند سبب راحتی مامیگردند (۶)

- (۱) نشریه محفل ماسونی فرانسوی بزرگ؛ سال ۱۹۲۲ م
- (۲) ملجه الشرق الكبير
- (۳) مذكرات كنفرائس ماسونى فرانسوى درسال ۱۹۲۲»
- (۴) البناء الماسونى سال ۱۸۸۹ م
- (۵) كنفرائس محافل ما سونى؛ سال ۱۹۲۳»
- (۶) كنفرائس ماسونىسم جهانى؛ سال ۱۹۰۰ م

دنیابازچه یهود

۱۰۵

«ماسونیسیم یگانه حزبستکه با ادیان؛ عادات؛ و مقدسان دینی سخت مبارزه میکند» (۱)

«هدف ما اینستکه دولتهائی برپایه»؛ «انکار خدا» تأسیس کنیم» (۲)

«هدف ما اینستکه؛ جمهورییه ای «لامذب» و جهانی بپاسازیم» (۳)

«برای آنکه بتوانیم؛ تشکیلات خونواده را بهم بزنیم؛ لازم است با اصول اخلاقی لگد را زده یک نسل کاملاً بی دین؛ بی ناموس؛ بی اخلاق تربیت کنیم؛ البته این کار در نظر اول مشکل بنظر میرسد؛ ولی چون بشهوات و «لابالیگری فطری و طبیعی بشر است» از این جهت شاید چندان هم مشکل نباشد»

«این گونه افراد را باید بوسیله رتبه های حزب؛ فریب داده آنها را بنا هموار یه زندگی آشنا سازیم؛ تا از بار حزب شانه خالی نکنند»
«و بر شما باد که آنها را از تشکیل خانواره باز دارید وگرنه همه نقشه ها نقش بر آب خواهد بود»

«طبیعت انسان میل زیادی بمحرّمات و شهوت رانی دارد این وظیفه ما است که درجه حرارت شهوت را بلا بریم؛ تا یکمرتبه آتش گرفته و بتمام مقدسات خود کافر گردد»!!!

«تنها از این را میتوان افرادی را برای دخول د حزب آماده کرد» (۴)

«انسان باید بر (خداوند خود) چیره شده؛ و علیه او اعلان جنگ کرده»

«آسمان را مانند ورق کاغذ؛ پاره پاره کند» (۵)

«الحاد؛ و شرک بخداوند؛ یکی از مفاخر این حزب است»؛ «زنده باد آن مردان دلیری که در صفهای نخستین به اصطلاح دنیای خویش

پرداختند؛ منتظر آخرت نشدند» (۶)

- (۱) مجله؛ آکاسا؛ ایتالیا؛ سال ۱۹۰۴ م
- (۲) کنفرانس بیسواد؛ اعلامیه حقوق بشر در سال ۱۸۸۹ م تشکیل شد!!!
- (۳) کنفرانس ماسونیسیم جهانی؛ سال ۱۹۰۰»
- (۴) از سخنرانی ماسونی بزرگ آقای «بیکرتو» در سال ۱۹۲۱ م
- (۵) جین جیرس؛ سال ۱۸۹۵ م
- (۶) کتاب (انه بانزلت) ص ۲ لندن سال ۱۸۸۲ م

۱۰۶

دنیا باز چه یهود

«بزودی؛ با (دیت) و (متدیین) را اعدام خواهیم کرد؛ و بدین وسیله بر عقائید باطله پیروز خواهیم شد» (۱)

«فراموش نکنید؛ ما از دشمنان حقیقی ادیان هستیم» (۲)

«یکی از ذخیره های پُرارزش بشر اینست که؛ پابند هیچ عقیده ای نمیگردد؛ آنچه که مردم بآن عقیده مند هستند از تشحات فکری و اندیشه های انسان است؛ مغز انسان است که حقیقت؛ میتراشد؛ و بخورد دیگران میدهد؛ و بر ما است که از این حقیقت منتهائی استفاده را بکنیم؛ جمال زیبایی الحاد در همین است؛ و این خود اساس ریشه الحاد است» (۳)

«هدف تنها این نیست که؛ بر (متدیین) غالب شویم بلکه هدف ما نابود ساختن آنها است» (۴)

«نتیجه جنگی که بر علیه (دین) آغاز کرده ایم؛ جدائی دین از سیاست است» (۵)

«تمام قوانین؛ سیاسی؛ و اجتماعی را کنفرانسهای ماسونی را وضع میکند» (۶)

«عنقریب ماسونی جای ادیان را گرفتار و (معابد) آنها مبدل به (محللای) ماسونی خواهد شد؛ هنگامیکه (آلبرت بایک) در سال وفات کرد؛ بجای او آقای (لمی) رئیس حزب انتخاب شد؛ یک عکس (مسح) کشیده بر سر در قصر (ماسونیسیم) نصب کرد؛ در زیر عکس چنین نوشته شد: «پیش از آنکه این مکان را ترک گوئید بر صورت

این شیطان خائن آب دهان بیاندازید» (۷)

- (۱) از سنخرانی «لیفرج» در سال ۱۹۶۵ م
- (۲) مظاهر کنفران ماسونی سل ۱۹۱۱ م
- (۳) جین جیرس ۱۸۹۵ م
- (۴) مذاکرات کنفرانس ماسونی جهانی سال ۱۹۰۳ م
- (۵) مجله آکاسیا؛ سشال ۱۹۰۳ م
- (۶) نشریه دانشگاه (ناننسی) فرانسوی سال ۱۹۰۳ م
- (۷) مشرق ماسونی اعظم!!!

دنیابازچه یهود

۱۰۷

«زمینه برای انقلاب (مارکس) همصدا شده و اعلان انقلاب کنیم
۰۰۰ و حتماً این انقلاب پیروز خواهد شد؛ زیرا که ما (قوه متفکره)
اجتماعی و (کارکران)؛ (قوه مادی) اجتماع میباشند؛ وقتیکه این دو قوه
با هم جمع بشوند؛ اضطراب و انقلاب بزرگ بوجود خواهد آمد» (۱)
«افراد حرب ماسونی اکثریت دستگاه حاکمه فرانسه را تشکیل
میدهد» (۲)

«آزادی پدران با اصطلاح (مقدس) مصلح ما را تهدید میکند» (۳)
«بزرگان؛ و سال خورده ها را کنار گذارید؛ و نسل جوان را درک
یابید؛ سعی کنید جوانان و خورده سالان را بمجالس خود جلب
کنید؛ تا تعالیم حزب را در کودکی بیاموزند» (۴)
انطباعات دوران کودکی؛ هرگز فراموش؛ و ما باید افکار خود را آن
دوران با افراد تزریق نمائیم؛ و آنها را در آرزوین تربیت نمائیم» (۵)

- (۱) مجله آکاسیا؛ سال ۱۹۰۳ م
- (۲) کدو؛ وزیر اسبق فرانسوی؛ در کنفرانس ۱۹۶۴ م
- (۳) نشریه «مشرق اعظم» سال ۱۹۰۳
- (۵) از تعالیم (قبلی) ماسونی (Freemasonry)

پروتکل های حکمای یهود

یکی از حیرت انگیزترین؛ عجیب ترین و خطرناکترین کتاب (پروتکل های حکمای یهود) است! شما هنگامی که این کتاب را مطالعه کنید؛ حتماً متوجه خواهید شد همین یهودیکه آنها را مردم سالم! و بی آزار فرض کرده بودند؛ این کتاب؛ مجموعه ای از سنخ‌رانی‌های یک شخصیت برجسته یهودی که برچندتن از ثروتمندان و افراد بانفوذ یهود؛ ایراد کرده است! پنجه‌های خونین از پشت صفحات کتاب بخوبی پیداست و صدق گفتار (اوسکار لیفی) یهودی که می‌گوید: (پادشاهان؛ و اخلاص گران؛ فتنه انگیزان؛ و جلادان جهان ما هستیم) از این کتاب بخوبی معلوم می‌گردد!!!

از آیه اله سید محمد حسینی شیرازی:

PROTOCOLS OF LEARNED LEADERS OF JEWRY

یکی از حرت انکیزترین؛ عجیب ترین و خطرناکترین کتاب سیاسی که تا کنون انتشار یافته است؛ کتاب «پروتکل‌های حکمای یهود میباشد» (۱)

دنیا باز چه یهود

۱۰۹

شما هنگامیکه این کتاب را مطالعه کنید؛ حتماً متوجه خواهید شد که همین یهودیکه آنها را؛ مردم سالم! بی آزاری فرض کرده بودید؛ چه تشکلات خطرناک؛ و زیان بخش را تشکیل میدهند!!! مؤلف این کتاب را چندین مرتبه مطالعه کرده است؛ هر بار که آن را کرده دهشتش فزون تر شده است این کتاب؛ مجموعه پست از سخنرانی های یک شخصیت برجسته یهودی؛ که بر چندین از ثروتمندان؛ و افراد بانفوذ یهودی ایراد کرده است» (۲۱)*»

پنجه های خونین یهود از پشت صفحات کتاب بخوبی پیدا است و صدق گفتار «اوسکار لیفی» یهودی که میگوید: «پادشاهان؛ اخلاگران؛ فتنه انگیزان؛ و جلادان جهان ما هستیم» (۱)

روسی رسید؛ در سال ۱۹۰۲ م از طرف او منتشر گردید؛ و نقشه ملت یهود که آن وقت زیر پرده بود؛ با تمام جزئیات آشکار شد؛ مردم کم کم حالت بیداری و هشیاری از عمل ینود؛ بخود گرفتند؛ و شروع بتظاهرات بر علیه آنها نمودند؛ در یکی از آن تظاهرات قریب (۱۰۰۰ ر ۱۰۰) یهودی را در کانال انداختند!!!

در شوروی چهار بار چاپ رسید؛ چاپ اخیرش سال ۱۹۱۷ م بود که پس از آن دولت وقت دستوری بمنع چاپ و نشر کتاب صادر نمود!

در همان سال آقای (فکتور مارسیدن) خبرنگار روزنامه ای ترجمه

(۱) پروتکل در لغت بمعنی: صورت مجلس مذاکرات سیاسی؛ متمم قراردادها و عهدنامه های رسمی و مقاوله نامه نامه ها آمده است!!!

(۲) مقدمه کتاب ص (۵۱) چاپخانه «دارالعروبه»

(* این کتاب در تاریخ ۱۹۰۱ م بدست سرگرمی نویسنده روسی رسید و در سال ۱۹۰۲ م از طرف او منتشر گردید!!!

(۳) صفحه نخست پروتکل است!!!

(۴) صفحه (۵۹) از این کتاب!!!

۱۱۰

دنیا باز چه یهود

Ngpodt Moroni آن را بلغت انگلیسی ترجمه نمود؛ و آخرین چاپ آن در غرب؛ در سال (۱۹۲۱) م انجام گرفت؛ و از آن بعد هیچ کسی جرأت چاپ را نکرد؛ زیرا که هر کسی آن را چاپ؛ یا ترجمه کرده سرانجام بدست یهود کشته شد است؛ این کتاب بفارسی نیز ترجمه شد و چندبار چاپ گشته است؛ از این کتاب معلوم می کردد! اینک چندین پروتکل را باطلاع خوانندگان میرسانیم؛ تا این افعی های پرنفوذ را که یکانه شعار آنها کلاهیست که «اسرائیل» نخست وزیر بریتانیا گفته است «غدر دروغ؛ و خیانت در راه پیروزی گناه نیست» بشناسند از سیاستیکه دو چنگ جهانی را برپا نموده و ملیونها مردم را بکشتن داد تازه تری بدست آورند!!!

پروتکل شماره ۱

«تزازادی سیاسی» را ما وضع کردیم؛ ولی بر ما لازم نیست گه آن را تطبیق کنیم؛ اما اگر ضرورت اقتضا کند آن وقت تمسک به «آزادی سیاسی»؛ «برای جلب مردم بی مانع است»؛ «فرق نمی کند چه کشمکشهای داخلی؛ دولت را از پای در آوریم» و چه جنگ های خارجی؛ آن را بدست اعداء بسپارد در هر دو صورت کشور

سقوط کرده بدست ما «اخلاق؛ سیاست جمع نمیشوند؛ بنابراین خدا کمی که خویش را مقید و پابند؛ دستورات اخلاقی میداند؛ در واقع مغز سیاسی ندارد و هرگز حکومتش دوام نخواهد کرد» و حقوق ما در پس (قوه) مخفی است؛ در حقیقت (حق) یعنی: آنچه در دست داری بمن بده؛ تا ثابت کنم؛ من پرزور تر از تو هستم»
«هدف واسطه را تبریر میکند؛ و هرچه در راه رسیدن به هدف انجام دهیم خوب است»

دنیابازچه یهود

۱۱۱

«ما نباید خود را بجملات: این بهتر است»؛ «این اخلاقی است و مانند آن مقید سازیم»
«و بعضی از نصای را بمواد مخدره اعتیاد داده؛ و بشکل کلاسیک «Glessics» جوانهایشان را؛ منحرف ساختیم»؛ «حیاه؛ عفت؛ ناموس را بوسیله قهرمانان؛ آموزگاران؛ آموزش؛ و پرورشمان؛ از مغزها بیرون آورده؛ و دیگر این چیزها در اجتماع مفهومی ندارد»
«دروغ و سرنیزه و خدعه یکانه شعار ما است»
«بعقیده ما؛ زور؛ و عنف؛ و جبریگانه عامل ایجاد عدالت اجتماعی است»!!!

«ما نخسین! کسانی بودیم که جملات»؛ «آزادی»؛ «مساوات»؛ «اخوت» را در ذهن مردم انداختیم مردم بیچاره هم آنها را طوطی وار تکرار کردند؛ در صورتیکه هیچ یکی از آنها تا بحال تحقق نیافته است؛ و در نتیجه هم آزادی فردی را از دست داده و هم از حقوق اجتماعی خویش محروم شدند»
«با آنکه این کلمات مانند گرم؛ و سعادت نصاری را آهسته؛ آهسته نابود میکرد؛ معذالک آنها پرچم ما را بر فراز کشورهای خویش

نصب کرده؛ دولت های خود را یکی پس از دیگری در اختیار ما گذاشتند»!!!

پروتکل شماره ۲

تا آنجا که مقدور باشد؛ بای از بروز جنگی که بسودناحیه ای خاص منجر شود؛ جلوگیری کنیم؛ آنگاه جنگ را بصحنه اقتصادی میکشانیم تا طرفین متخاصم بخوبی تسلط همه جانبه ما را دریافته و تسلیم عوامل بین المللی ما شوند؛ حقوقی بنام بین المال وضع خواهیم کرد که

۱۱۲

دنیا باز چه یهود

جایگزین حقوق ملی کشورها شده و ناظر بر روابط بین ملل باشد؛ همان گونه که قوانین حقوقی یک کشور؛ بر روابط افراد آن کشور نظارت دارد!!!

اطاعت بی چون و چرا از مهم ترین شرایط است که ما برای انتخاب مدیران در نظر میگیریم و هیچ ضرورتی ندارد که آنها در زمینه مدیریت تحصیلات و اطلاعاتی داشته باشد؛ همچون مهره شطرنج در دست مشاوران و متخصصانی خواند بود که از کودکی آنها را برای اداره امور جهان تربیت خواهیم کرد!!!

همان طوریکه نیک میدانید؛ این گونه مشاوران راطوری تربیت میکنیم که برای احراز مقام هایی که به آنها محول میشود؛ واجد شرایط باشند؛ به علاوه آنها را در زمینه امور سیاسی؛ تاریخ و تحلیل وقایع؛ آموزش میدهیم؛ میدانیم که غیر یهودی ها طوری تربیت شده اند که نمیتوانند وقایع تاریخی و مشاهدات خودی را بدون پیش داوری تحلیل کرده و از این تحلیل هانتیجه عملی بگیرند و یافته هارا؛ راهنمای عمل خوایش قرار دهند؛ بنابراین؛ ضرورتی ندارد که ما به آنها اهمیت بدهیم بگذار که سرگرم شوند و عمری

را در آرزو؛ و امید بسرببرند و بخاطرات گذشته خویش نمایند؛ بگذار خود را با اصولی که ما بنام علم (تئوری) به آنها دیکته کرده ایم؛ سرگرم کنند؛ توجه به این هدف مابیاری مطبوعات (رسانه های گروهی) اعتمات عیریهودی ها را به صحت این تئوری هاحلب میکنیم؛ روشن فکران غیریهودی علوم را بطوری مجزا از هم موردتحقیق قرار میدهدوبی آنکه خودمتوجه باشند؛ اطلاعات فراوان و نتایج گران بهایی را فراهم می آورند؛ ولی آنها را در متن عمل پیاده نمیکنند؛ اما عوامل ما اطلاعات دست آمده از این گونه تحقیقات

دنیا باز چه یهود

۱۱۳

را باهم تلفیق و ترکیب کرده تا بیک کل دست یابند و فکر خود را در جهت خواست های ما پرورش دهند!!!

تعلیم و تربیت ویرانگر

فکر نکید آنچه که در بالا گفته شد تنها یک حرف است؛ دقت کنید که ما چگونه موفق شدیم داروینیسیم؛ مارکسیسم و نیچه ایسم را بال و پر بدهیم؛ یهودیان باید بسادگی به اهمیت نقش و انگر نظریه های بالا؛ روی ذهن و اندیشه غیریهودی پی ببرند!!!

برای آنکه در مسائل سیاسی دچار لغزش و اشتباه نشویم باید بطرز تفکر تمایلات و خصوصیات ملل مختلف توجه دقیق داشته باشیم؛ به عبارت دیگر سیستم ما بمثابة ماشین بزرگ است که اجزاء آن بمقیاس وسیعی متناسب با خلق و خوی؛ آداب و رفتار مردمی که در جهت هدف هایمان گام برمیدارد؛ کار میکند از این رو برای آنکه باشکست مواجه نشویم؛ باید از تجربیات گذشتگان

استفاده کنیم!!!

میدانیم که ممالک جهان از مطبوعات به عنوان وسیله ای هدایت فکر مردم در جهت دلخواهشان استفاده میکنند؛ لذا برای آنکه بتوانیم از مطبوعات در جهت خواسته های خود استفاده کنیم؛ باید در بین مردم نارضایی ایجاد نماییم و سپس از طریق مطبوعات نارضایی ها را انعکس سازیم!!!

میدانیم که آزادی بیان؛ تنها از طریق آزادی عمل تضمین میشود؛ اما مردم غیریهودی نیدانند چگونه از مطبوعات استفاده کنند؛

۱۱۴

دنیابازچه یهود

خوشبختانه این وسیله بدست ما افتاده است و ما میتوانیم از طریق مطبوعات؛ اعمال نفوذ کنیم جای بسی خوش بختی است که ما علاوه بر مطبوعات؛ طلا را هم در اختیار داریم؛ ولی باید یادآور شد که ما این دو عامل را؛ باز خودگذشتگی فراوان و از میان اقیانوسی از خون و اشک بدست آورده ایم و برای دست یابی به آنها قربانیان فراوانی داده ایم؛ البته هر قربانی ای که ما میدهیم؛ از نظر خداوند با هزار قربانی غیریهودی برابر است!!!

پروتکل شماره ۳

میخواهم اعلام کنم که تاريسدن به هدف هایمان؛ فاصله چندانی نداریم؛ اگر چند قدمی را که در پیش داریم طی کنیم؛ سر و دومی که سبب قوم ماست بهم وصل خواهد شد و حلقه ای بودمی آید؛ معنای کامل شدن حلقه آن است که تمام های اروپایی درون این حلقه محصور خواهند شد و تحت نفوذ ما قرار خواهند گرفت!!!

موازین قانون کشورهای بزودی درهم خواهند شکست زیرا ما از همان آغاز تأسیس آنها را بانوع عدم تعادل ایجاد کرده ایم و آنها بسبب همین عدم تعادل بنوسازی میکنند و سرانجام محور را که بدورش میچرخند فرسوده میسازند؛ غیریهودیان می پندارند که معیارهای قانونیشان از تعادل و ثبوتی همیشگی برخوردار است؛ اما میدانند که روزی با عدم تعادل موازین قانونی خود مواجه میشوند در این گونه جوامع؛ رهبری؛ چون محوری است که بوسیلهٔ درباران احاطه شده و درباریان آن قدر بر او میثورند تا سرانجام او را از پای

دنیا بازچه یهود

۱۱۵

در آورند؛ به عبارت دیگر؛ رهبر از مردمی که مایهٔ قدرتت هستند؛ فاصله میگردند و نمیتوانند با آنها بی که بدنبال کسب قدرت هستند؛ مقابله کند و در نتیجه مغلوب میشود؛ البته این ما هستیم که میان رهب و تودهٔ مردم شکاف عمیقی ایجاد کردیم و قدرت را از هر دو سلب نموده و هر دو را چون کور و عصاره از هم جدا ساخته ایم!!!

برای آنکه قدرت طلبان جهان پس از دست و پای بقدرت؛ نتوانند از آن بحو مطلوبی استفاده کنند؛ ما از پیش تدابیر ویژه ای اندیشیده ایم؛ نخست آنکه تمایلات قدرت طلبان را از آزادی خواهی؛ معطوف و متوجه استقلال طلبی و میکنیم و دوم آنکه احزاب گوناگون بوجود می آوریم و آنها را رو در روی هم قرار میدهم؛ سوم آنکه بوجود آمدن قدرت های بزرگ جلوگیری میکنیم و وضعی پیش می آوریم که دست پای بقدرت برای هر کسی هدف بشود؛ سرانجام دولت ها را بصورت صحنهٔ مبارزات گلائیاتوری درمی آوریم تا ستیزه

وجدال بر سر مسائل مبهم و پیچیده ادامه یابد و بی نظمی گسیختگی؛
همه جهان را فراگیرد!!!

سخنان بیهوده؛ پوچ؛ پوشالی و بی پایان بصورت نطق؛ مباحثه و
گفت و گو وقت دیوانیان و مجلس نشینان و هیئت مدیره هارا ضایع
کرده است؛ روزنامه نگاران خیلی بی پروا بیروپای مقمات اجرایی
دولت ما پیچیده اند؛ مؤسسات و سازمانها؛ تیزی دشنه سوء استفاده
از قدرت را روی گردن خویش احساس میکنند؛ بزوری همه چیز
در اثریورش دیدانه و ارتوده هامنفجزوبه آسمان پرتاب خواهد شد!!!

۱۱۶

دنیابازچه یهود

فقر؛ اسلحه ماست

زنجیرهای که انسانها را بدام و تله فقر میبندند؛ بمراتب محکمر
از زنجیر بردگی است؛ از زنجیر بردگی است؛ ببیان دیگر، زیر یوغ
بردگی میتوان بخوبی آزاد شد؛ ولی رهایی از یوغ بینوایی و فقر؛
بسیار دشوار است؛ مادر قانون اساسی خود؛ حق رفاه مادی توده
ها را بصورتی خیالی؛ اما نه بگونه ای واقعی؛ گنجانیده ایم و
هرگز همه به این حق جامعه عمل نمی پوشانیدایم؛ اگر قرار که هر
فرد؛ حق گفتن هر حرفی را داشته باشد؛ اگر قرار شود که هر روز
نامه نوسی؛ حق نوشتن هر مطلبی را اعم از خوب و بد پیدا کند؛
اگر هر کارگر زحمتکش و پرولتری؛ که دست تقدیر او را بکار وابسته
کرده است؛ از لحاظ اقتصادی خود کف باشد و نیز اگر بداند که قانون
اساسی منافعش را تضمین نمیکند؛ فردا برای انتخاب نمایندگان

بپای صندوق رأی نمی‌رود بنمایندگان که در واقع عوامل دست
نشاندۀ ما هستند؛ رأی نیده‌د؛ برای آنکه چنین وضعی پیش نیاید؛
بسیاری از اصولی که رفاه اقتصادی او را تضمین میکند از متن
قانون حذف میکنیم و در عوض فقط به او حق اعتصاب اعطاء
میکنیم تا از این طریق وابستگی اش بر رفتاری هم مسلکش و نیز
شرایط که کارفرمایش بر او تحمیل میکند؛ بیشتر شود!!!

ما از کمونیسم پشتیبانی میکنیم

نابودی آریستوکراسی بنا بر راهنمایی ما بوسیله عوامل ماصورت
می‌گیرد؛ با نابودی آریستوکراسی داستان پایان نیافت و این بار پول
دنیابازچه یهود

۱۱۷

پرستان بشیوه دیگر دام خود را بر سر راه مردم پهن کردند و همان
طوری که امروز می‌بینیم؛ پول پرستان یوغ استثمار خود را بر گردن
کارگران نهاده و آنها را شدیداً به اسارت گرفته اند؛ ما بر روی صحنه؛
نقش حامی کارگر را بازی میکنیم و بدین سان زیر شعار همکاری
برابری و تحت شعار «اشتراکی مساعی جهانی» و نیز مطابق اصول
فرماسونری خویش؛ کارگران را بصف نیروهای جنگی جوی خویش؛
یعنی سوسیالیسم؛ آنارشیسم و کمونیسم میکشانیم؛ آریستوکراسی از
حمایت قانون برخوردار بود و از کار و دست رنج زحمت کشان ارتزاق
مگرد؛ بهمین لحاظ بخاطر حفظ منافعش؛ همواره بتغذیه و سلامت کار

فراماسون (Freemason) به انجمن های گفته میشود که دارای فعالیتهای پنهانی هستند و اعضای این
انجمنها نباید آیین و رسوم آن را بازگو کنند؛ دستگاه فرماسونری دارای انجمنهای محلی است موسوم ب لژ؛
انجمنهای فراماسونری بوسیله لژها با هم ارتباط پیدا میکنند؛ در ابتدای قرن ۱۸ و ۱۹ میلادی دستگاه فر

اماسونری رونق سیاسی بسیار یافت و پادشاهان و سیاستمداران فراوانی به عصویت آن درآمدن؛ جورج واشگتن؛ اولین رئیس جمهوری آمریکا؛ گوته شاعر آلمانی و ادوارد هفدهم پادشاه انگلیستان عصویت این دستگاه را داشتند؛ در آواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ شعب دستگاه فراماسونری در خاورمیانه تاسیس شد و لژها آن در کشورهای ایران؛ و مصر و ترکیه بوجود آمد و وسیله ای برای پیشرفت سیاست های اروپایی در این کشورها شد؛ در زمان ناصرالدین شاه؛ میزاملکم خان؛ اولین لژ فراماسونری در ایران برپا کرد؛ اما به علت مخالفت حکومت و فت دوام زیادی نکرد؛ پس از میزاملکم خان؛ لژهای فراماسونری و انگلیسی در ایران بوجود آمد و به فالیتهای سیاسی خود تا قبل از پیروزی انقلاب ادامه دادند؛ (دائرةالمعارف فارسی؛ جلد دوم؛ بخش اول صفحه ۱۸۵۲). برای اطلاع بیشتر از نحوه فعالیت های فراماسونری در ایران بکتاب «فرماسونری در ایران» نوشته اسماعیل رانین رجوع شود!!!

گران توجه خاص داشت و میخواست که کارگر؛ سالم و نیرومند باشد تا بهتر و بیشتر از او بهره کشی کند؛ اما موضع مادر دست مخالف این نظریه است؛ ما بمرگ و میر و کشتار غیر یهودیان فکر میکنیم؛ به عبارت دیگر قدرت ما؛ در گرو کاهش مستمر مواد غذایی

۱۱۸

دنیا باز چه یهود

وضع جسمی کارگر میباید؛ زیرا که از این طریق میتوانیم کارگر را به اسارت خود در آوریم تا او را در اختیار داشته باشیم و نتواند علیه خواست های ما اقدام بکند؛ تسلطی که از طریق ایجاد گرسنگی بر کارگران بدست می آید؛ بمراتب مطمئن تر از تسلطی است آریستوکراسی بمدد قانون و شاه کسب کرده بود در میان توده مردم؛ حسد؛ نفرت و زیاده خواهی ایجاد میکنیم تا از خشم مردم استفاده کرده و همه موانعی را که بر سر راهمان قرار دارد بادست های آنها ریشه کن سازیم!!!

هنگامیکه زمان موعود فرارسید منجی عالم بشریت برار که سلطنت جلوس کرد و تاج شاهی بر سر نهاد؛ بادست های توده مردم همه موانعی را که بر سر راه حکومت جان گیرش قرار داد؛ بر میداریم؛ غیر یهودیان عادت ب فکر کردن را از داده اند؛ مگر آنکه متخصصان

ما به آنها آگاهی بدهند؛ بنابراین آنها قدرت تشخیص و درک برنامه‌هایی که ما برای رسیدن بحکومت جهانی درپیش داریم؛ ندارند؛ از این رو بر ماست که در مدارس دولتی؛ اطلاعات و دانش‌های پایه‌ای؛ چون تشریح خصوصیات روحی (روانشناسی) به آنان بیاموزیم و بمدد این گونه اطلاعات به آنها بقبولانیم که افراد از لحاظ قابلیت و استعدادها یکسان نیستند و از لحاظ سلیقه‌ها و هدفهای زندگی باهم اختلاف دارند؛ پذیرفتن اختلافات فردی؛ تقسیم کار را متناسب با استعدادها ایجاد می‌کند و وقتی که انسانها بر حسب اصل تقسیم کار طبقه بندی شدند؛ خود بخود جامعه طبقاتی بوجود می‌پذیرند که همه طبقات در برابر قانون یکسان نیستند؛ پس از اینکه چنین

دنیا باز چه یهود

۱۱۹

اطلاعاتی بخورد آنها دادیم با رغبت تسلیم ما میشوند و هر نوع شغلی را که به آنها دهیم؛ قبول میکنند؛ از سوی دیگر؛ چنین نظام تربیتی؛ انسانها را و میدارد که هر نوع نوشته را یا هر سنخی را کورکورانه و بدون چون و چرا بپذیرند؛ همچنین بسبب درک ضعیفشان از امور؛ میتوان نفرت آنها را در هر شرایط و هر موقع که لازم باشد برانگیخت!!!

یهودیان سالم خواهند ماند

وجود بحران اقتصادی؛ نفرت غیریهودیان را افزایش میدهد و صنعت را دچار رکورد می‌سازد؛ در این هنگام ما میتوانیم بمدد عملیات مخفیانه و نیز بیاری طلاکده را بدست آوریم؛ آتش بحران اقتصادی را شعله ورترا سازیم و کارگان را در سراسر اروپا بخیابانه بریزیم؛

توده مردم بسبب نا آگاهی هایشان و نیز بسبب وجود بذرحسدی که ما در همان آغاز کودکی در ذهنشان کاشته ایم؛ آماده میگردند که چون کارفرمایان را بریزند و اموال آنها را به غارت ببرند؛ ما در این میان سالم خواهیم ماند و اموالمان بیغما نخواهد رفت؛ زیرا که از زمان شروع حادثه بخوبی آگاهی و میتوانیم بموقع برای حفظ خویش تدابیری بیندیشیم؛ نشان دادیم که چگونه با گذشت زمان؛ غیریهودیان تسلیم حکومت ما خواهد شد؛ زیرا که بخوبی میدانیم که چه موقع باید آزادی و آزادی خواهی را از تمام مؤسسات ریشه کن سازیم؛ هنگامیکه توده های مردم می بینند که

دنیابازچه یهود

۱۲۰

تمام امتیازها زیر عنوان آزادی به آنها اعطاء میشود؛ تصور می کنند که میتوانند رهبری جهان را بدست گیرند؛ ولی بزودی خود را برهنمایی ما نیازمندی بینند و دوستی؛ قدرت را در اختیار مامی میگذارند و رهبری تام اختیار امور را بدست ما می سپارند؛ اگر انقلاب فراسه را بیاد آوریم؛ در میابیم که عنوان و لغب کبیر را به آن دادیم؛ مقدمات آن را فراهم کردیم و خلاصه آنکه طراحی آن را ما به عهده گرفتیم؛ از دیر باز تا کنون بشر را از قید و بند های فراوان رهایی بخشیده ایم و در آینده او را راهنما خواهیم شد تا سرانجام در برابر پادشاهی که خون قوم بنی اسرائیل در رگهایش جریان دارد سر تعظیم فرود آورده و بحکومتی که برای جهان تدارک می بینیم؛ تسلیم شود؛ در حال حاضر مایک نیروی بیت المللی شکست ناپذیریم که از یک طرف مورد حمله قرار میگیرد و از طرف دیگر حمایت مشویم

از ویژگی‌ها و رذالت‌های مردم غیریهود؛ آن است که از زورگواطاعت میکنند و نسبت به مردم ضعیف؛ فوق العاده بدون ترحم هستند؛ از سویی؛ تحمل تضادها و برخورد عقاید را ندارند و از سوی دیگر؛ حاضر میشوند که زیر فشار و خشونت رژیم مستبدان بدهند و لب بشکوه نکشاید؛ وجود چنین خصلت‌هایی در مردم غیریهود مستقل بودن ما را مشخص میکند مردم غیریهودی از همه دکتاتورهای زمانه؛ ستم فراوان کشیده اند؛ ولی در عوض فقط بیست تن از این دکتاتورها را سربریده اند؛ برآستی عامی پدیده‌های فوق‌الذکر را چگونه تعبیر میکنند و نظر آنها در باره وقوع چنین پدیده‌هایی که ظاهراً ارتباط چندانی باهم ندارند چیست؟! تعبیر این گونه پدیده

۱۲۱

دنیا باز چه یهود

این است که دکتاتورها از طریق عواملشان زیرگوش توده مردم برابری؛ تأمین رفاه همگان را زمزمه میکنند؛ ولی زیرگوش توده وحدت تنهادرسایه حکمرانی یهود ممکن و میسر است و در نتیجه امر به مردم مشتبه شده؛ در دستکار؛ مکحوم و خیانتکار؛ تبرئه میشود و این وضع همچنین ادامه مییابد تا آنجا که خدا بخواهد؛ برآستی ما باید شکرگذار و راضی از اوضاع باشیم؛ زیرا که مردم هرگونه نظامی را بی نظامی مبدل میکنند که نتیجه این اوضاع بسودما است؛ کلمه آزادی جوامع انسانی را بجنگ علیه هرگونه زور و قدرتی برمی‌انگیزد؛ حتی علیه خداوند و فواین طبیعت؛ از این روزمانی که ما بسلطنت رسیدیم؛ باید واژه آزادی را قاموس و فرهنگی زندگی حذف کنیم؛ زیرا که این واژه توده‌های مردم را بجانورانی خون

خوارمبدل میکند؛ این جانوران خونخوار و قیتکه شکم هایشان از خون و خونابه سیروسیران شد؛ بخوابی عمیق فرومیروندواز همه چیز بیخبر میشوند در این حالت بخوبی میتوان آنها را بزنجیر کشید؛ زیرا که اگر خون نیاشامند؛ نخوهند خوابید و کشمکش همچنان ادامه مییابد!!!

پروتکل شماره ۴

هر جمهوری و حکومت چند مرحله را پشت سر میگذارد در مرحله نخست؛ حکومت شکل ثابتی ندارد و بوسیله توده مردم از سوی بسوی دیگر کشانده میشود؛ در مرحله دوم؛ حکومت شکل عوام دنیا باز چه یهود

۱۲۲

فریبی بحوبی میگیرد؛ پس از آنارشیسم بوجود می آید و سرانجام استبدادی منجر میگردد البته میان حکومت مطلقه ای بصورت قانونی درمی آید؛ خود را در مردم مسئول و متعهد میداند و نیز خط مشی آن کاملاً آشکار است و با حکومت مستدانه ای که ناشی از هرج و مرج است؛ تفاوت فراوان داد؛ حکومت استبداد و مطلقه که زاده هرج و مرج است، با وجود آشکار بودن مظاهر استبدادیش؛ میکوشد تا چهره واقعی خود را مخفی بدارد این نوع حکومت بوسیله دست های پنهان و سازمان های مخفی اداره میشود؛ کارگرنانان این گونه رژیم بهمان اندازه که بی پروا هستند؛ بهمان نسب هم پرده پوش میباشد؛ تغیر دادن آنها بهمان اندازه که ممکن در سقوط رژیم مؤثر باشد؛ بهمان نسبت هم به عوامل مخفی کمک میکنند تا حکومت را از خطر سقوط کنند!!!

چه کسی میتواند بایک قدرت نامحسوس درافتد، و آن را واژگون سازد؟! این ماهستیم که چنین قدرت نامحسوس داریم؛ اگرچه فرا و اسوئری های غیریهودی؛ کورکورانه در خدمت ماهستند و برای مٹاصدماکار میکنند؛ اما برنامه های ماهمچنان برای آنها و دیگران ناشناخته و اسرار آمیز باقی خواهد ماند!!!

ما اعتقاد به خدا را متزلزل میکنیم

اگر آزادی بر خدا پرستی مبتنی باشد؛ با! برادری؛ انسان دورستی و برابری پیوندی داشته؛ برای جامعه بی زیان باشد؛ برفاء عمومی لطمه وارد نساژد و در اقتصاد هم برای خود پیدا کند؛ بر لازم است که

دنیا باز چه یهود

۱۲۳

هم احترام به آزادی و اعتقاد به خدا را در میان مردم غیریهودی از بین ببریم و نیازهای مادیرا جاگزین این گون اعتقادات سازیم؛ اما اگر اعتقاد به خدا موجب شود که ما بر مردم حکومت کنیم؛ در این صورت باید بتبلیغ دین پردازیم و بارهنمایی مردان روحانی مردم را بتسیم و اداریم!!!

برای آنکه بتوانیم قدرت اندیشیدن را از مردم غیر صهیونست سلب کنیم؛ باید فکر آنها را متوجه صنعت و تجارت کنیم؛ سرگرم شدن آنها بدادوستد و اندیشیدن به منفعت؛ باعث میشود که دشمن مشترکشان را فراموش کنند؛ از سوی دیگر؛ بصنعت جنبه احتکاری مدهیم؛ بدین معنی که ببهای صنعتی شدن؛ بسیار از زمینه ها نادیده گرفته میشوند که سرانجام بدست مامی افتد؛ و ما آنها را احکار میکنیم!!!
افزایش روز افزون رقابت بمنظور پیش افتاده در زندگی از سویی

و نابسامانی های اقتصادی از سوی دیگر؛ مردم را سرخورده و افسردن میکند نفرت انهناسبت بمقام های رتیه اداری مذهبی و سیاسی اوج میگردد؛ طلا به عنوان وسیله ای برای ارضاء نیازها مادی مردم مورد توجه واقع میشود؛ ظرفیت مردم بمرز میرسد و برای قیام آماده میشود؛ قیام مردم برای کسب ثروت است نه اشاعه خوبی ها؛ زیرا که این از نفرت منبعث میشود؛ ببیان دیگر؛ نفرت طبقه محروم از ممتاز جامعه؛ موجب قیام می گردد؛ قشرهای پایین جوامع غیردرپی رهنمودهای ماعلیه طبقه ممتاز بپا میخیزیم و سرانجام با حریفان ما؛ یعنی علمای غیر یهودی برسر قدرت بنبرد میپردازند!!!

ترو تکل شماره ۵

در هر جوامعی که فساد همه جا را فرا میگردد؛ جمع آوری ثروت تنها از طریق تقلب و نادرستی امکان پذیر میگردد؛ قدرت دولت رو بضعف مینهد؛ قیود اخلاقی تنها از طریق مجازات های سنگین سازی و جاری میشود؛ قوانین و مقررات ضمانت اجرای ندارد؛ مردم در برابر سرنوشت جامعه شناسان احساس مسئولیت نمکند و مقررات بین المللی نیز نادیده گفته میشود با اعمال چه روشنی و بکمک چه سیستم مدیریتی؛ میتوان این گونه جوامع را اداره کرد؟ پاسخ این است که سیستمی فوق العاده «متمرکز» و مقتدر که تمام قدرت های درون جامعه را بدست گیرد؛ میتوان در مورد کارآمد باشد بدن

معنی که تمام فالیت های سیاسی مردم زیر نظر گرفت و تمام آزادی هایی را که رژیم های غیریهودی بمردم اعطاء کرده اند؛ بتدریج سلب کرد و زمینه ای را فراهم آورد که مردم بتوانن گسیختگی ها و ناهنجاری های رژیم غیریهود را دریافته و بشاهنشاهی قوم ما ایمان آورند؛ آنچه در بالا گفته شد؛ بایدانگاره؛ الگورواهنمای عمل ما در تمام زمان ها و مکان ها باشند تا بتوانیم به این وسیله تمام کسانی را که چه حرف و چه در عمل مخالفت ما هستند؛ از سر راه برداریم؛ ممکن است ادعا شود که چنین انگاره و الگوهایی با پیشرفت هایی امروز ما سازگار نیست؛ ولی کژی نودرستی این ادعا را نشان میدیم؛ سالیانی بس دراز؛ مردم باور داشتند که شاهان بنایع اراده خدا بر مردم استیلا یافته اند و در نتیجه همیم تصور؛ بدون تردید

دنیابازچه یهود

۱۲۵

ودلی تسلیم آنان میشوند؛ ولی از زمانی که ما از حقوق انسانها سخن بمیان آوردیم؛ تزلزلی در اندیشه آدمیان نسبت بجاودانی بودن حکومت شاهان ایجاد کردیم و تقدس شاهان را در چشم مردم از بین بردیم و نیز هنگامیکه اعتقاد مردم را نسبت بخدا تضعیف کردیم قدرت را از کاخ شاهان بخیایانها کشدیم و آن را در مالکیت متمركز ساخیم و سپس آن را به غنیمت بردیم!!!

جهت دادن بفکر و اندیشه مردم غیریهودی بکمک سخن پردازی و تئوری های و سوسه انگیز؛ کارمختصان و مدیران با ما است مایهودیان در مشاهده امور؛ تجزیه و تحلیل آنها؛ محاسبات دقیق مسئل مالی حرج برنامه های سیاسی و نیز همکاری با یکدیگر؛

رقیبی نداریم؛ تنها ممکن است یسوعی هادرزمینه باما رقابت کنند؛ البته برنامه های طرح کرده ایم کای قوم را درتوده مردم نا آگاه وبی اعتبارسازیم؛ ضمناً باید یادآورشویم که ما بصورت یک سازمان مخفی عمل کنیم!!!

احتمال میبرودکه برای مدت زمانی معین؛ غیریهوی هادرسراسر دنیا باهم سازش کنند واین سازش انیت مارا بخطراندازد؛ ولی از این خطر جان سالم بدرخواهیم برد؛ زیاده که اختلاف موجود آنها بسیار وسیع وریشه دار است؛ و آنها به این رودی هاجرات چنین سازشی را پیدا نخواهد کرد؛ ماطوری مردم را بجان هم انداخته ایم که همه به مدیگر بدگمانند؛ مفرت مردم از یکدیگر بخاطر تعصبات مذهبی و نژادی که در طول بیست قرن گذشته تبلور یافته است؛ اجازه نخواد داد که مردم به این سادگی بایکدیگر آشتی کنند بهمین

دلیل اگر ملتی بخواهد اسلحه اش را علیه ما بردارد؛ دولتی پشتیبانی خود نخواهد یافت؛ بنابراین دولت های غیریهودی باید بخاطر بسپارند که هر نوع تبانی و توافق علیه ما فرافسه زیان بخش خواهد بود؛ قدرت ما فوق العاده است و در آن تردیدی نیست؛ بدون حضور دست های پنهان ما؛ ملت ها نمیتواند حتی برسریک مسئله ناچیز و خصوصاً ما باهم بتوافق برسند؛ پیامبران گفته اند «ما قومی هستیم که بوسیله خدا برگزیده شده ایم تا فرمانروای مردم سراسر جهان باشیم» خداوند بقوم ما هوش و ذکاوت سرشار اعطاء کرده است؛ ما کفایت ولیاقت آن را داریم تا مسئولیت بر رهبری جهان را به انجام

برسانیم؛ البته اقوام دیگری هستند که هوش و ذکاوت برخوردارند ولی آنها تازه بدوران رسیده های هستند که نمیتوانند حریف ما بشوند؛ اگر کشمکش و درگیری بین ما ایجاد شود؛ کشمکش و حشتناک خواهد بود؛ و آنها را برای برابری با ما ندارند؛ زیرا خیلی دیر رسیده اند!!!
انحصار سرمایه

تمام چرخهای ماشین هر دولت بکمک موتوری حرکت میکند که این موتور دست ما میباشد و آن طلاست؛ حکمای ما تدابیری اندیشیده اند که سرمایه از ارزش فوق العاده ای برخوردار باشند؛ برای آنکه گردش عمل سرمایه محدود نشود؛ باید آن را در راه ایجاد تجات و صنعت انحصاری بکار گرفت؛ آزادی گردش عمل سرمایه در جنت تأسیس و گسترش صنایع بدست اندکاران صنعت نوع قدرت سیاسی میدهد که از این قدرت میتوان برای استثمار
۱۲۷
دنیا بازچه یهود

مردم؛ سود جست؛ امروزه خلع سلاح کردن مردم خیلی ساده تر از آماده کردن آنها برای جنگ است؛ همچنان برانگیختن احساسات مردم خیلی مهم تر از فرو نشان دادن این احساسات است؛ ما باید ب فکر حفظ موقعیت خود باشیم و صحنه مبارزه را از وجود دیگران پاک سازیم؛ هدفت اساسی مدیران ما این است که قدرت فکر کردن مردم را تضعیف کرده تا افکار آنها از اندیشیدن بنسائل اساسی منحرف و متوجه مسائل کم اهمیت شده و فرصت مقاومت کردن در برابر ما را نداشته باشند!!!
از دیر باز مردم جهان متقاعد شده اند؛ بیش از حرف؛ اثر دارد؛ اگر

بدنبال حرف؛ عملی پدیدار شود؛ اعتماد مردم بیشتر جلب میشود؛
برای آنکه بتونیم از جنین اصلی حداکثر استفاده ببریم؛ باید مؤسساتی
بوجود آوریم تا آنچه را که در جهت منافع و پیشرفت مردم انجام
میدهیم؛ بمایش بگذاریم؛ برای فریب مردم؛ نخست باید قافه‌ای یک
آزاد اندیش بوجود بگیریم و از احزاب؛ آزادی و هنر نوع گرایش فکری
طرفداری کنیم و سپس بسخن پراکنی پردازیم و آن قدر سخرانی
دل زده و خسته
شوند!!!

برای آنکه بتوانیم عمومی را آلودع سازیم و مردم را در حالت گجی و
سرگرانی نگه داریم؛ باید مطالب ضدونقض دبین مردم پخش کنیم
و این عمل را آن قدر ادامه دهیم که غیر یهودیان را در پیچ و خم
اطلاعات متناقض گم کنند و متقاعد شوند که تنه‌اراه‌های سرگرانی
دنیابازچه یهود
۱۲۸

ها؛ نداشتن عقیده و اطلاعات سیاسی است؛ باید توجه دتشت که
اطلاعات واقعی سیاسی است؛ در اختیاری کسانی است؛ که مردم را بدین
طریق ببراهه مکشانند و این نخستین رمازرموز مملکت داری است!!!
دومین رمز موفقیت ما در امور کشور داری بشرح زیر است!!!
الف- شکست دوتهای را که بر سر کار هستند طری جلوه میدهم که
مردم علل شکست؛ شوند؛ به علاوه در ارائه آدای سوم؛ علایق و
شرایط زندگی مردم طوری افراط کنیم که مردم از برفراری تفاهم
میان خود عاجز شوند!!!
ب- میان احزاب نفاق شدید ایجاد کنیم و امکان هرگونه تشریک

مساعی را در میان احزاب که تسلیم ما میشوند؛ از بین ببریم!!!
ج- هرگونه ابتکار فردی و خلاقیتی را بسود ما نباشد نابود کنیم
زیرا که هیچ خطر الاتراز اتکار و خلاقیت فردی نیست؛ بویژه اگر
خلاقیت باهوش نوأم باشد؛ کاری که از یک فرد متکبر برمی آید؛
از میلیونها آدم عامی بر نمی آید؛ از رو ما باید تعلیم و تربیت غیر
یهودیان را در جهتی سوق دهیم که قوه ابتکار از دانش آموزان
گرفته شود و نطفه خلاقیت در ذهن آنها خفه گردد!!!

د- آزادی عمل گروههای مختلف را در روی هم قرار دهیم تا
تصدم بر خورد پیش آید و شور و شوق بنا آمدی و شکست منجر شود!!!
بکمک روشهای بالا میتوانیم دول غیریهودی را فرسوده کرده
و آنها را تسلیم خویش بسازیم و سپس بر خزانه همه حکومتهای
دنیا یک ابر قدرت شیطانی بنا کنیم بطری که دست های توانمند

این ابر قدرت بتواند به همه جا برسد و چنان قدرت غول آسایی
بهم بزند که مهور هیچ یک از ملل دنیا نشود!!!

پروتک شماره ۶

میخواهیم به انحصار و ثروت های عظیم؛ منابع و کلاهای که جوامع
غیریهودی در آینده بمقیاس وسیعی به آنها متکی خواهد شد دست
بزنیم تا اینکه جوامع را پس از شکست سیاسی باشکست اقتصادی
نیز مواجه سازیم!!!

اقتصاددانانی که اکنون داین جلسه حضور دارند؛ اهمیت موضوع را بخوبی میتوانند دریابند!!!

باتمام روش های ممکن؛ اهمیت حکومت قدرتندمان رابه همگام گوشزد نماییم و اعلام کنیم؛ کسانی که بحکومت جهانی ما تسلیم شوند؛ ازحمایتمان برخوردار خواهندشد!!!

«آریستوکراسی غیرصهیونیستی» ازاین پس قدرت سیاسی ندارد و باید آن را مرده تلقی کرد؛ بسبب داشتن زمین و خودکفایی مواد غذایی؛ میتواندبه عنوان خطری بزرگی ما را تهدیدکند؛ ازاین رو باید بهرقیمتی که شده آنها را از داشتن زمین محروم کنیم؛ برای برای وصول به این هدف؛ مالیات های سنگین بزمین ها ببندیم و وضعی پیش آوریم که زمین داران املاک خود را برای گرفتن قرض؛ در گرو طلب کاران بگذارند بکمک چنین تدابیری؛ زمین داران بدون قید شرط تسلیم ما خواهند شد!!!

۱۳۰

دنیا باز چه یهود

آریستوکراتها که خصلتاً به قناعت عادت نکرده اند و بسرمایه اندکی راضی نمیشوند؛ خیلی زود ازبین میروند!!!

ما غیر صهیونیست ها را استثمار میکنیم

همزمان با اقداماتی که (درمورد زمین داری) دربالا ذکر کردیم؛ صنعت را بیزبه انحصار خود درمی آوریم؛ البته درمرحل نخست صنعت را در یک حالت تعادلی قرار میدهم و انحصار شدید در مراحل اولیه خود داری میکنیم؛ غرض ما از حالت تعادل اولیه

آن است که صنعت و مآلاً سرمایه در بخش خصوصی متمرکز گردند؛ و بانکهای خصوصی بوجود آیند؛ زمین ها از گروطلب کاران بیرون آمده و بگروبانکها در آیند؛ آنچه که ما میخواهیم این است که ما حاصل کار گروه ما بازده زمین؛ هر دو بیچنگال صنعت بیفتند و بدین سان تمام پولهای جهان نزد ما ذخیره شود و غیر یهودی ها؛ طبقه کارگران و زحمتکش جامعه را تشکیل دهند و دون قید و شرط تسلیم ما شوند؛ در چنین شرایط اگر بخاطر منافع دیگری تسلیم ما شوند؛ لاقلاً بخاطر آنکه درآمدی داشته باشند و بتوانند؛
تسلیم ما خواهند شد!!!

برای آنکه بتوانیم صنعت غیر یهودیان را بکلی نابود کنیم علاوه بر انحصار طلبی؛ تجمل پرستی را رایج میکنیم و نیازهای کاذب مردم را افزایش میدهیم؛ اقدام دیگر ما این است که مزد کارگرها را بالا میبریم بطوریکه این افزایش دس مزد هیچ گاه بسود آنها
۱۳۱
دنیا باز چه یهود

تمام نشود؛ چاره این کار آن است که بهای ارزاق عمومی را بالا بریم و گاه این گرانی را بگردن کاهش فرآورده های کشاورزی و دامی بیندازیم؛ در عین حال بشوئه بسیار زیرکانه ای میزان تولید را کاهش میدهیم؛ بدین معنی که عتیات و هرج و مرج طلبی و کم کاری را در میان کارگران رواج میدهیم و بمدد شیوه های گوناگون؛ صحنه زمین را از وجود متخصصان و تحصیل کرده ها غیر یهودی پاک میکنیم تا میزان تولید؛ کاهش پیدا کند!!!
پیش از آنکه غیر یهودیان بفهم حقایق نایل شوند و مشکلات را در

یابند؛ ما بموقع عمل میکنیم؛ فلی المثل؛ زیرپوشش هوا خواهی
از طبقه کارگریاری اصول اقتصاد سیاسی که تئوری های مابر
آنها مبتنی است؛ تبلیغات دامنه داری براه می اندازیم و آنگاه از
نیروی کارگرسود خویش بهره برداری میکنیم!!!

پروتکل شماره ۷

برای آنکه بتوانی هدف هایمان را که قبلاً درباره آنها بحث کردیم؛
هرچه زودتر عملی سازیم؛ میباید میزان تولید جنگ افزارها و
نیز شماره نظامیان و پلیس را افزایش دهیم؛ خواست ما این است
که در همه کشورهای جهان؛ کارگران؛ سربازان؛ پلیس و تعداد
اندکی سرمایه داران ما جانبداری کنند!!!

هم در سراسر اروپا و هم در سایر کشورها از طریق نوع بینظمی
شورش و دشمنی ایجاد میکنیم تا به این وسیله بتوانیم استفاده

۱۳۲

دنیا باز چه یهود

دوچندان ببریم؛ راه رسیدن به این هدف آن است که در مرحله
نخست؛ کشورها را زیر سلطه و نفوذ خود در آوریم تا بتوانیم در
مواقع لزوم؛ هم بینظمی ایجاد کنیم و هم؛ نظم برقرار سازیم؛
و فتنی بچنین نفوذی رسیدیم؛ کشورها تحت سلطه؛ وجود ما را
به عنوان نیروی تهدیدکننده ای تلقی میکنند؛ در مرحله دوم با
اعمال روش های سیاسی؛ اقتصادی و ایجاد تعهدات مالی؛ دولت
ها را بجان همدیگر می اندازیم؛ البته برای آنکه این برنامه را با
موفقیت به انجام برسانیم؛ باید نفوذ و حضور خود را با زیرکی خاصی

در تمام ملاقات ها و مذاکراتی که بمنظور توافق و ترک مخاصمه بین کشورهایابه عمل می آید؛ افزایش دهیم ونیزبا استفاده ازیک زبان دیپلماسی و در زیر پوشش درستکاری؛ خود را طرفدار «توافق» معرفی میکنیم؛ از آنجاکه ملت های عیریهودی همواره برای پیشنهاداتی که از خارج به آنها عرصه میشود؛ یعنی در واقع پیشنهاداتی که به آنها ارائه میدهیم؛ اهمیت خاصی قائل اند؛ از این رو پیشنهادات ما ایزیرفته و متقاعد میشوند که مامنجی و خدمتگزار بشریت هستیم!!!

جنگ جهانی

اگر کشوری بخواهد با ما مخالفت کند؛ ما باید آن قدر قوی باشیم که حتی همسایگان کشور مخالف را تهدید بکنیم؛ اگر همسایگان نیز با کشور مخالف همگی علیه ما متحد شود؛ آنگاه ما باید آنها را بیک جنگ جهانی تهدید کنیم!!!

دنیا باز چه یهود

۱۳۳

عامل اصلی موفقیت ما در امور سیاسی؛ پنهان کاری است بدین معنی؛ گفتار و عمل سیاستمداری هیچ گاه نباید یکی باشد!!! ما باید دولیهای غیر یهودی را مجبور کنیم که در جهت خوسته های ما قدم بردارند؛ روش کار چنین خواهد بود که افکار عمومی را از طریق مطبوعات که بقدرت بزرگ معروف و تقریباً در دست ما میباشد؛ شکل بدهیم و طبیعی است که دولت هابه افکار عمومی توجه خواهند کرد!!!

پروتکل شماره ۸

ماباید تمام جنگ افزارهایی را که مخالفانمان ممکن است علیه ما بکارگیرند؛ در اختیار داشته باشیم؛ ضمناً باید پیچده ترین و اثرهای حقوقی را از میان کتب قانونگذاری بیرون بکشیم تا بهنگام داوری و قضا از آنها استفاده کنیم؛ البته این واژه همامکن است غیرموجه و غیرعادانه جلوکنند؛ ولی برای آنکه چنین وضعی پیش نیاید؛ باید ارقبل چاره جویی کنیم و؛ واژه های پیچیده رادر قالب عبارت زیبا بیان کنیم تا اصولی؛ اخلاقی؛ عالی؛ متعالی و معقول جلوه کند!!!

کادر رهبری جامعه ما باید خود را باتمام مظاهر تمدن که بموقع بکار آیند؛ مجهز کند؛ کادر رهبری باید عوامل چون روزنامه نگاران؛ وکلای مدافع ورزیده؛ سیاستمداران کارکشته؛ مدیران برجسته و خلاصه افرادی که درمدارس ویژه ازتعلیم و تربیتی عالی برخوردار بوده اند؛ در اختیار داشته باشد؛ چنین افرادی باید با ساخت اجتماع

جوامع (جامعه شناسی) انسان شناسی و همه زبانهایی که بالفبای سیاست ساخته شده اند؛ آشنا باشند؛ وانگهی این افراد باید باتمام مسائل حساس جامعه ای که در آن نقشهایی بازی میکنند؛ آشنا گردند؛ منظور از مسائل حساس؛ تمایلات؛ علایق؛ نارسایی ها و نقاط ضعف مردم غیریهودی و نیز شرایط محیط زندگی آنهاست نیازی بگفتن نیست که معاونان و مشاوران کادر رهبری از میان غیر یهودیان انتخاب نخواهد شد؛ عیری یهودیان که عادت دارند رئیس و مدیر بشوند؛ خود را در مسائل مربوط بمدیرت بزحمت نمی اندزند

و هدف را از وسیله تمیز نمیدهند و معمولاً و نامه ها را بدون آنکه بخوانند امضاء میکنند و پست؛ مقام ریاست و مدیریت را یا گرفتن دست مزد احراز میکنند یا بخاطر ارضاء جاه طلبی هایشان؛ دولت ما تمام اقتصاد دانان جهانی را بخت خود در میآورد به علاوه آموزش اصول و مبانی اقتصاد بیهودیان؛ نشانگر اهمیتی است که ما برای علم اقتصاد قائلیم؛ دولت ما از مشورت بانگداران؛ صاحب صنایع؛ سرمایه داران و میلیونرها برخوردار خواهد بود و همه چیز بزبان ارقام و اعداد بیان خواهد شد!!!

تا زمانی که نتوانیم مشاغل دولتی را ببرادران یهودیمان بسپاریم ناگزیریم افرادی را از میان غیر یهودیان برای تصدی مشاغل دولتی انتخاب کنیم؛ البته این افراد را زیر نظر میگیریم و آنها را کاملاً از مردم جدا نگه میداریم؛ چنانچه این افراد از اجرای دستورات ماسرپیچی کنند؛ بمجازدت های سگین و احتمالاً به اعدام محکوم

دنیابازچه یهود ۱۳۵

خواهند شد؛ غرض از اعمال چنین سختگیری های آن است که این افراد تا آخرین قطره خونشان از منافع ما دفاع کنند!!!

پروتکل شماره ۹

توجه بخصوصیات و خلق و خوی مردمی که شما در مملکتشان زندگی و فعالیت میکنند؛ اهمیت بسیار بسزایی در اجرا و پیاده کردن برنامه هایمان دارد؛ تا زمانی که افراد جوامع مختلف؛ مطابق الگو و انگاره های تربیتی ما دوباره تربیت نشود؛ نمیتوانیم برنامه ها

یمان را در اینگونه جوامع مطابق باروشی کلی و یکسان پیاده کنیم؛ اما اگر برنامه ها را محتاطانه و توأم با آموزش آغاز کنیم؛ میتوانیم در کمتر از یک دهه؛ منش؛ خلق و خوی سرخت ترین افراد را تغییر داده و آنها را مانند افرادی که از پیش مطیع ساخته ایم زیر سلطه خویش در آوریم!!!

کلمات چون آزادی برابری و برادری در واقع اسم های مستعاری هستند که فرما سونری ما آنها را بکار میبرند! هنگامیکه حکومت شاهنشاهی ما آغاز گشت این کلمات را از صورت اسعماری بودن بیرون آورده و بصورت عبارات ایده آلی چون؛ حق آزادی؛ وظیفه برابری و آرمان برادری در آوریم؛ بدین معنی ما غلط ترین کار را انجام میدهم و به اصطلاح «باشاخ گاودر می افتیم» هرگونه قانونی را عملاً از بین میبریم و تنها آنها بی راکه خوب باشند؛ حفظ می کنیم؛ امروزه اگر دولتی علیه ما اعتراض کند؛ بنا بتشخیص ما

دنی شاید هم بعید نباشد؛ حتی اگر مبارزه سامی گرایی را شروع کند؛ ایم مبارزه لازم و ضروری بنظر میرسد؛ زیرا که نسل آینده ما را آماده کارزار میکند؛ از آنجاکه در این مورد بتفصیل بحث کرده ایم ضرورتی ندارد در اینجا مطالب را تکرار کنیم!!!

دولت قدرتمند یهود

هیچگونه مدودیتی برای حوزه فعالیت های ما وجود دوات توانم ماکه در شرایطی فق العاده قانونی بقای خویش ادمه میدهند؛ با

واژه دیکتاتوری که مفهوم زور و قدرت از آن مستفاد میشود؛ توصیف میگردد؛ من اکنون درمقامی هستم که باکمال اطمینان و آگاهی بشما بگویم که قانون گذاران درموق مناسب بداوری می نشینند و سپس در مورد ما حکم میکنند بزودی کشتار وحشیانه خود را آغاز میکنم و بر مرکب پیروزی سوار میشویم؛ ما صرفاً بر اساس زور بفرمانروای خویش ادمه میدهیم؛ زیرا که همچون یگانه حزب حاکم؛ تمام نیروها مغلوب و مطیع ما میشود؛ حربه های نامحدود ما عبارتند از؛ حریصانه سوزاندن آدمیان؛ پر حمانه انتقام گرفتن و سرسخرانه کینه توزی کردن!!!

بنابتریک ما؛ ترور و وحشت همه جا را فرا میگردد؛ افراد با آرمان گرا (ایده آلیست بخدمت مادر خواهند آمد بنابه اغوای ما میگوشتند تا هر نوع نظم و آرامشی را برهم زنند و همه جا را به آشوب به کشانند؛ وجود چنین طغیان های؛ دولت هارا دچار دگرگونی میکند و مردم حاضر میشوند برای برقراری صلح و آرمش؛ همه چیز را

دنیا باز چه یهود

۱۳۷

فداکنند؛ تا زمانی که بقدرت جهانی ما اعتراف نکنند و تسلیم ما نشوند؛ صلح را بسرزمینشان باز نخواهیم گردانید؛ در چنین شرا یطی؛ مردم فریاد مزند تادول جهانی بر سر استقرار سوسیالیوم بتوافق برسند؛ اما تجربه احزاب و نفاق میان آنها باعث میشود که مردم بما بپیوندند؛ جدال بر سر قدرت؛ میان مردم آغاز میگردد و پول در این میان نقش مهمی را بازی میکند؛ بدیهی است که همه پول هانز دما ذخیره شده و پیروزی از آن ما خواهد بود!!!

مازمیان به اتحاد میان رهبران وتوده های ناآگاه مردم جوامع غیریهودی پی بردیم واقامت لازم را دراین زمینه معمول داشته ایم بدین معنی میان رهبران وتوده های مردم ازطریق ایجاد ترس ووحشت؛سدی ایجاد کرده ایم ووضعی پیش آورده ایم که توده مردم درآینده؛پشتیبان ماباشند؛بزودی زمان رهبری توده هارا بدست میگیریم وآنهارا درمسیری بدهدف هایمان ختم میشود؛ هدایت میکنیم؛برای آن ازرهبری توده ناآگاه مردم غیریهودی بکلی غافل نشویم؛هرچندگاه یک باردرمراسم آنها شرکت می کنیم واگرنتوانیم این کارراشخصاً انجام دهیم؛تصدی این امور را بکسانیکه فوق العاده مورد اعتماد ما باشد؛محول میکنیم؛ پس ازآنکه توده مردم برهبری ما اعتراف کردند؛آن گاه بطور خصوصی درباره مسائل سیاسی با آنهاوارد مذکره میشویم و به آنان آموزش سیاسی میدهیم تا آنهارابسوی هدف های دل خواه مان سوق دهیم کسی نمیرود تحقیق بکند که در مدرسه فلان روستا؛چه مطالبی تدریس میشود؛ولی بمحض آنکه مردم

دنیابازچه یهود

۱۳۸

ماز زیان یکی ازأموران سیاسی دولت یا رهبرمملکت مطلبی را شنیدند نتنها آن را درسراسرکشورخویش بلکه آن را بتمام مردم جهان میرسانند!!!

برای جلوگیری ازنابودی بی موقع مؤسسات وسازمانهای غیر یهودی اهرم ها و فنرهایی که گردش کاراین سازمان ها را تنظیم میکنند تعبیه کرده ایم وبادقت و ظرافیت هرچه تمام تر

آنها را کار گذاشته ایم «سیاست آزادی عمل» که نظم هم آهنگی را از سازمان ها و مؤسسات میگیریم؛ درون سیستم مدیریت؛ سیستم تعلیم و تربیت این جوامع دست برداره ایم و «فلسفه؛ آزادی» را رواج داده ایم!!!

ما جوانان مسیحی را به فساد میکشانیم

ما جوانان مسیحی را در دریایی از افکار شاعرانه غرق میکنیم و آنها را بر اساس تئوری ها و اصولی که آنها را غلط می پندایم؛ تربیت میکنیم تا بتوانیم آنان را به فساد بکشیم!!! بدون آنکه قوانین را از اساس عوض کنیم؛ آنها را بتعبیر و تفسیر های متناقض تبدیل میکنیم تا آنچه از این تعبیر و تفسیرها حاصل میشود؛ بصورت نتایج چشم گیری جلوه کند؛ البته چنین نتایج چشم گیری باعث میشود؛ که چهره واقعی قوانین در پیش این تعبیر و تفسیرها مخفی بماند و کار گزاران دولتی نتوانند اصل قوانین را که در شبکه درهم برهمی از سیستم قانون گذاری محصور گشته اند؛ از تعبیر و تفسیر تفکیک کنند!!!

دنیا باز چه یهود

۱۳۹

ما اعمال روش بالا را «تئوری تفیض اختیار» مینمایم

ممکن است بگویید: که اگر غیر یهودیان از نقشه طرح ما آگاه شوند؛ علیه ما مسلح میگردند و ستیزی بزرگ علیه ما آغاز خواند کرد؛ ولی قبل از وقوع چنین حادثه ای چاره اندیشی خواهیم کرد

و مانوری خواهیم داد که پشت هر انسان پرجراتی را بلرزاند و آن چار این است که در زیر زمین شهرهای بزرگ و پایتخت کشور اروپایی؛ دالان های عظمی حفر میکنیم تا مواقع احساس خطر شهرها را منفجر سازیم!!!

پروتکل شماره ۱۰

نچه من امروز میخوام بگویم: در واقع تکرر همان مطالبی است که قبلاً هم گفته ام: و خواخشم از شما این است که بخاطر داشته باشید؛ دولت ها و مردم بیازتاب و انعکاس سیاستشان در خارج از مرز هایشان؛ اهمیت خاصی میدهند؛ حال نمیدانیم نمایندگان دولت های غیریهودی؛ که در کنفرانس های بین المللی پیرامون مسائل چون آزادی یا تساوی حقوق بمنظور برانگیختن احساس احترام دیگران صحبت میکنند؛ تاچه حد مفهوم این واژه ها را درک مینمایند در هر صورت سیاست ما ایجاب میکند؛ هنگامی که در باره مسائلی چون تفویض اختیار؛ آزادی بیان؛ آزادی مطبوعات؛ آزادی مذهب؛ تساوی در برابر قانون؛ احترام بمالکیت

۱۴۰

دنیابازچه یهود

فردی؛ آزادی انتخاب مسکن؛ عدالت تعیین مالیات ها صحبت میکنیم؛ باید بمعنی دقیق این واژه ها توجه داشته باشیم ببیان دیگر؛ ما باید این مسائل را بطور خیلی صریح و بی پرده بامردم در میان نگذاریم و هرگاه ضرورتی حاصل شد که مطرح نشوند

بطور قاطع و صریح از آنها اسم نبریم؛ بالعکس بطور سرریسته و بدون ذکر جزئیات؛ درباره آنها صحبت کنیم؛ دلیل سکوت مادر این باره آن است؛ که وقتی مقولات بالا اسم گذارینشده باشند؛ یعنی

مردم تصور دقیقی از آنها نداشته باشند؛ قطعاً دستمان باز خواهد بود که چه چیز اضافه و چه چیز کم کنیم و در نتیجه مردم متوجه چنین تغییراتی نمی شوند!!!

توده های ناآگاه مردم برای نبوغ رهبران سیاسی خود؛ احترام فوق العاده ای قائل اند و حتی از روش های خشونت بار آنها تمجید میکنند؛ اگر این روش خشونت بار رهبران رزالت و پستی است؛ اما در عین حال؛ خود نوعی زیرکی بشمار میرود و باید دانست که چگونه این نیرنگ را مدبرانه بکار گرفت!!!

هدف ما دست یابی بیک قدرت جهانی است

توجه جهانیان را به این نکته جلب میکنیم که وظیفه فوق ما پیاده کردن برنامه هایی است که قبلاً آنها را طراحی کرده ایم؛ لذا برای ما ضروری است که پیش از هر چیز پیرویش خدیش بپردازیم و طوری بار آیم که روحیه بی پروایی؛ گستاخی و روز گویی با شخصیت مان عجین شوند تا بتوانیم موانع را از سر راه مان

دنیا باز چه یهود

۱۴۱

برداریم! هنگامیکه کوتای ما با موفقیت ضروت گرفت بقشرهای مختلف مردم چنین میگویم: در گذشته بشما بسیار بدگذشت و هر آنچه داشتید و بتباهی میرفت؛ اخلاف لهجه و زبان؛ مرزها و ملت گرایي ها را که همه از علل بیچارگی شما بودند؛ نابود خواهیم

ساخت وبشما آزادی اعطاء خواهیم کرد؛ در عوض شما باید تسلیم
مابشوید؛ آنچه را بشما عرضه و ارائه میکنیم اگر تأیید کردید؛ این
خود عادلانه خواهد بود؛ توده مردم بزودی بتمجید و تحسین ما خواهند
پرداخت و ما را بر سر دست بلند خواهند کرد و آنروز؛ روزی است که
امید و آرزوهای ما را بر آورده شده است؛ رأی؛ اصولاً وسیله ای است که
ما از آن استفاده میکنیم تا بر سر قدرت بمانیم؛ به افراد یاد میدهیم
که حتی در کوچک ترین مجامع و گردهمایی ها؛ بر اساس رأی گیری
بتوافق برسند؛ اعمال چنین رویه ای موجب خواهد شد که اکثریت
مردم بجای سرزنش؛ ما را مورد تأیید قرار دهند همه مردم را بدون
در نظر گرفتن اختلافات طبقاتی یا سایر تفاوتهایشان و ادار برای
دادن میکنیم زیرا رأی افراد تحصیل کرده برای دست پایی بیک
اکثریت قاطع کافی نیست و نیز مردم العاء میکنیم که خود افراد
دارای اعتبار و اهمیت هستند؛ اهمیت خانواده و نقش تربیتی آن را
در میان غیر یهودیان از بین میبریم و اجازه اظهار وجود بکسی
نمیدهیم که زیرا توده مردم باید صرفاً بوسیله ما اداره شود؛ به
آنها اجازه نمیدیم که رو در روی ما بایستند؛ حتی فرصت نمیدهیم
که تقاضای دادرسی بکنند؛ آنها باید بشنیدن حرفهای ما و اطاعت
از ما عادت کنند! توده مردم ناآگاه بنا بر راهنمایی ما؛ سران خود را

انتخاب میکنند و در جهت دلخواه ما حرکت نمایند و تسلیم رژیم
ما خواهند شد؛ زیرا مستمری و درآمد و نیز منافع آنها؛ همه در دست
رژیم ما است! چهار چوب سیستم حکومتی ما در آینده آن را عرضه

خواهیم کرد؛ باید بوسیله یک نفر طرح زیزی شده باشد؛ زیرا اگر افرادی متعددی دست اندر کار ساختن و پرداختن بخش های مختلف این سیستم باشند؛ چهارچوب چنین سیستمی چندان محکم و استوار نخواهد بود؛ اگر ما شناختی درباره نحوه عملکرد سیستم داشته باشیم اشکالی پیش نخواهد آمد؛ ولی هیچ گاه نباید ببحث و تبادل نظر درباره کلی سیستم بپردازیم؛ زیرا بسیاری از اسراری آن کشف خواهد شد؛ به علاوه بحث و تبادل نظر موجب میشود که افراد به برداشت های مامتفاوتی برسند و این خود موجب تغییر و دست کار سیستم میشود؛ در حالی که ما نمیخواهیم سیستم حکومت تغییر کند و کاری را که توابع قومان انجام داده اند؛ بدست توده ناآگاه یا عداه ای افراد منتخب متلاشی شود!!!

سیستم که در بالا از آن یاد شد؛ سایر مؤسسات موجود را بزودی و ازگون خواهد کرد؛ بلکه تنها روی اقتصاد آنها اثر میگذرد که نتیجتاً منجر بتغییرات کلی و همه جانبه مؤسسات خواهد شد و سرانجام همه مؤسسات در درون سیستم تحلیل میرود!!!

در تمام کشورهای جهان؛ واژه هایی؛ مانند وزارت؛ نمایندگی؛ سنا؛ شورای دولتی؛ شورای قانونگزاری و هیئت اجرای؛ با وجود تنوع و تعددشان؛ همگی مفهوم دولت را میرساند و ضرورتی ندارد که

دنیا باز چه یهود

۱۴۳

من درباره رابطه ایم مؤسسات یکدیگر صحبت کنم؛ زیرا همه شما به این امر واقفید؛ تنها توجه شمارا به اهمیت کارگران این مؤسسات و وظایف دولت را (قانونگزاری؛ فضایی؛ اجرایی) بین خود تقسیم

کرده اند و مانند اعضای مختلف بدن انسان با هم عمل میکنند؛
حال اگر قسمتی از ماشین دولت صدمه ببیند؛ تمام دستگاه دولت؛
مثل بدن انسان بیمار میشود و سرانجام میمیرد!!!

باتوجه بمقدمات بالا؛ میخواهم نتیجه بگیرم که اسم آزادی رادرون
یکی از بافت های دولت تزیق منیم؛ سن بدیگر بافتها نفوذ کرده و
سرانجام موجب نابودی دولت میشود؛ گفتار زیر این مطلب بخوبی
روشن میکند؛ از زمانی که سیاست آزادی طلبی به امور مملکت
داری راه یافت؛ سیستم حکومت مطلقه جای خود را بحکومت
مشروطه داد و بدین سان مردم غیر یهودی بادت خود حکومت
های مطلقه را که از ثباتی نسبی برخوردار بودند؛ متزلزل ساخته اند؛
زیرا حکومت مشروطه جزیی نظمی؛ سوء تفاهم؛ کشمش؛ عدم
توافق و برخورد میان احزاب؛ چیزی دیگر بار نمی آورد؛ به عبارت
دیگری مشروطه؛ مکتبی است که جز نابودی دولت هدف دیگری
دیگر ندارد؛ باید افزود که تریبون سخنرانی از جمله عواملی بوده
است که واژگون و متزلزل کردن حکمت های مشروطه؛ نقش
بسیار مهمی بازی کرده است؛ پس از آنکه حکومت های مشروطه
یکی پس از دیگری بر اثر حمله و انتقادهای شدید واژگون شدید؛
مردم بفکر حکمت جمهوری می افتند؛ آن گاه بوساطت قوم ما
رؤسای جمهوری از میان توده مردم انتخاب میشوند؛ یعنی غیر

یهودی بی آنکه خود بدانند؛ دست نشانندگان ما را بر هبری خود
پذیرند؛ همه تحولات بالا که در امر مملکت داری صورت گرفته

است؛ بمثابة نقبی است که بدست ما زیرپای مردم غیر یهودی
حفر شده است!!!

در گفتار بالا نشان دادیم که بوساطت ما حکومت از مطلقه ما به
مشروطه و از جمهوری توحول پیدا کرد اینکه میخواهم اندکی
درباره ویژگی های حکومت جمهوری بحث کنیم!!!
رئیس جمهوری حکوت های غیر یهودی {تحت نفوذمان} را از
میان موثق ترین عوامل و دست نشدگان مان نامزد میکنیم و سپس
اورا بر اساس رأی گیری انتخاب مینمایم!!!

از آنجا که قوانین راما از قبل تدوین کردیم؛ حق تغییر و تعویض قانون
را از رئیس جمهور سلب میکنم؛ در عوض او را بریاست کل قوا
منصوب مینماییم تا بتواند در موع لزوم؛ از قانون اساسی دفاع
کند؛ رئیس جمهور؛ عملاً فرد فاقد اختیار است که هدف و مسئولیتش
تنها حفظ قوانینی است که ما از پیش تدوین کردیم؛ بسیار روشن
است که کلید معما؛ در دست ما میباشد و کسی جز ما نمی تواند در
قوانین؛ دخل و تصرفی به عمل آورد؛ در قانون اساسی دولتهای
غیر یهودی؛ حق استحضاح کردن دولت را از رئیس مجلس سلب
میکنیم و تعداد نمایندگان را بحداقل ممکن میرسانیم تا بدین وسیله
بتوانیم شور و شوق سیاسی را در دل مردمی که مستاق مسائل
سیاسی هستند؛ بگشیم اگرچنین رویه ای دشوارهایی بباز آورد؛ آنگاه
وضعی پیش می آوریم که گروه بسیار از مردم به فعالیت های سیاسی

دنیا باز چه یهود

۱۴۵

تمایل پیدا کنند! حق انتصاب معاون رئیس جمهور و معاون مجاس سنا
را بر رئیس جمهور تفویض میکنیم و تعداد جلسات مجاس را کاهش میدهیم

بطوری که مجلس در هر ماه؛ بیش از چند جلسه نداشته باشد؛ وانگهی
بر رئیس جمهور که رئیس قوه مجریه هم هست؛ اختیاراتی در مورد
مجلس تفویض میکنیم؛ مثلاً اختیار خواهد داشت که عضای مجلس را
برای توضیح فرا خواند و یا مجلس را منحل کند؛ اما برای آنکه عواقب
و نتایج چنین اعمالیکه همگی غیر قانونی هستند؛ گریبان گیر برنامه
های مان شود باید چاره اندیشی کنیم!!!

همان طوری که یادآور شدیم بر رئیس جمهور طبق قانون اختیاراتی
داده شده است؛ ولی برای آنکه با استفاده از اختیاراتش بسوی
حکومت مطلقه مینکند؛ وزیران و مقامات عالی رتبه را وامی
داریم تا با اقدامات خود از اعمال نفوذ او جلوگیری کنند؛ البته
بهتر است که این کار بوسیله شورای وزیران؛ سنا و شورای دولتی
انجام بگیرد تا بوسیله افراد!!!

رئیس جمهور؛ بنا بر تشخیص ما؛ قوانین را تغییر و تفسیر میکند و
هر زمان که ما به او دیکته کردیم؛ میتواند قوانین را تغییر دهد؛
به علاوه ببهانه رفاه و سعادت مردم؛ او این حق را خواهد داشت
که قوانین جدیدی پیشنهاد کند!!!

نابودی دولت ها؛ هدف ماست

باتوجه به آنچه قبلاً کفیم؛ اندک اندک زمینه نابودی دولت های
غیر یهودی را فراهم میکنم و سرانجام قدرت را بدست میکنیم؛

پس از این که بقدرت دست یافتیم؛ بطور نامحسوسی اصول قانون اساسی دول غیر صهیونیست را گام بگام حذف میکنیم و هنگامی که زمان موعود فرا رسد؛ حکومت مطلقه قوم خود را جایگزین هر نوع حکومتی می سازیم!!!

پیش از آنکه قانون اساسی دول غیر یهودی نابود گردد؛ ممکن است مردم بحقابیت حکومت مطلقه مای بیبرند؛ در چنین دوره ای مردم در حالت بیم و انتظار بسر میبرد؛ از بی نظمی و نارسایی های دول خود که ما موجب آنها هستیم بشدت خسته میشوند و از رهبران خود چنین می خواهند:

«ما تنها یک پادشاه می خواهیم که همه مردم روی زمین را متحد سازد و نابسامانی هارا مرزها؛ ملیت ها و مذاهب را ریشه کن سازد؛ پادشاهی می خواهیم که بتواند صلح و آرامشی که رهبران فعلی نمیتوانند بما بدهند؛ برای ما فراهم آورد»

برای آرزوی استقرار حکومت مطلقه قوم خود را در دل همه مردم جهان ایجاد کنیم؛ لازم است که رابطه مردم را با دولت هایشان تیره کنیم؛ بطوری که مردم بر اثر اختلاف عقیده؛ گزسنگی؛ بیماری و کسمکش بتنگ آیند و جز برهایی از دست دولت هایشان و پناه بردن بحکومت نجات بخش ما؛ بچیزی دیگری نیندیشند!!!

اگر در راه رسیدن به هدف هایی که در پیش داریم کوشا باشیم و به ملل دنیا یک لحظه فرصت نفس کشیدن بدهیم؛ بسختی میتوانیم به هدف هایمان برسیم!!!

پروتکل شماره ۱۱

شورای دولت همانند گذشته بیان کننده صریح قدرت قانونی رهبر بحساب می آید؛ این شورا؛ جزئی از قوه قانونگرای است که میتواند آنرا «کمیته نظارت بر قوانین و تصویب نامه های رهبر» نام نهاد!!! مفاد بالا؛ جری از قانون اساسی جدید بحساب خواهد آمد به علاوه انشاء قوانین و مقررات بطریق زیر امکان پذیر است:

الف- از طریق قوه مقننه؛ تحت پوشش پیشنهادات کمیته نظارت بر قوانین
ب- از طریق پیشنهاد رئیس جمهور و با تصویب شورای دولت!!!
ج- در موارد ضروری بوسیله کودتا! درباره کلیات مربوط بقوانین تقریباً بحث کرده ایم و اینک اندکی وقت خود را صرف پرداختن بجزئیات؛ میکنیم تا بتوانیم ماشین دولت را در جهتی که قبلاً بحث کرده ایم؛ بحرکت در آوریم و منظور من از ذکر جزئیات؛ آن است که آزادی مطبوعات؛ حق تشکیل انجمن ها؛ آزادی عقیده؛ اصل رأی گیری خلاصه بسیاری چیزها دیدیگر را باید از لوح ذهن آدمی برای همیشه پاک کنیم با اینکه پس از اعلام قانون اساسی جدید؛ دست خوش تغییرات بنیادی گردانیم؛ زیرا که پس از انجام این تغییرات ما میتوانیم مقررات خود را بمنصه ظهور در آوریم!!!

اما اگر مدتی طولانی از اعلام و انتشار قانون اساسی بگذرد؛ و ما این تغییرات را ایجاد کنیم؛ در این صورت خطرات قابل توجهی ماراتهید خواهد کرد! دلایل وجود این خطرات را میتوان در زیر آورد:

اگر ماتعیرات را عجولانه انجام دهیم؛ از لحاظ روانی نوعی ترس از تغییرات در مردم ایجاد میشود، از سوی دیگر اگر ماخلی افراطی در مورد انجام تغییرات عمل منیم؛ بشان و جایگاه لغزش ناپذیر خویش لطمه وارد ساخته ایم یا میگویند: که ما خطر را احساس کرده ایم که مجبور به انجام چنین تغییراتی شده ایم؛ در این صورت باز بجایگاه قانونی اساسی لطمه وارد میشود؛ آنچه مامیو اهیم این است که از همان آغاز اعلام قانون اساسی و پیروزی کودتا یعنی در حالیکه مردم جهان هنوز در حالت وحشت بسر میبرند؛ فوراً احساس کنند که مافوق علاده قوی؛ پر قدرت و شکست ناپذیر هستیم و میتوانیم بدون مقاومت؛ آنچه را بر سر راهمان وجود دارد برداریم و ب مردم تفهیم کنیم که راضی میشوند و به انتظار دستور ما می نشینند!!!

غیر یهودیان؛ گله گوسفند و ماگراگ های ایم گله هستیم و شما میدانید که وقتیکه گرگ بگله میزند چه اتفاقی می افتد؟! علت اینکه غیر یهودیان؛ چشم روی هم میگذارد و چیزی نمیگویند: آن است که مابه آنان قول میدهیم بمحض آنکه دشمنان را رام و تمام احزاب را سرکوب کردیم؛ تمام آزادی هاییکه از آنها گرفته شده؛ به آنها باز میگردانیم ضرورتی ندارد که بگویم: چه مدت طول میکشد که آنها را برای بازگرداندن آزادی هایشان در حال انتظار نگه میداریم بچه دلیل ما این خط مشی را در پیش گرفته ایم؟!!

و چرا غیر صهیونست ها بمفهوم واقعی آنچه که ما بذهنشان فرو میکنیم؛ توجه نمیکنند؟! چرا قوم پراکنده ما برای رسیدن به هدف

هایش بجای صراط مستقیم؛ این همه راه و پیچ و خم طی میکند؟! دلیش آن است که ماکارهایمان را بوسیله سازمانهای فراماسونری که ناشناخته هستند؛ انجام میدهیم و کوشش میکنیم بر هدفهایمان گمان سوء ظن نکنند و این گله غیر یهودی بفراماسونری ما بپیوندد و بچشم رفقای خود خاک پاشند!!!

مایهودیان برگزیده خداوند هستیم و پراکندگی مان در سراسر جهان از عنایات اوست؛ پرکندگی ما در چشم همگان؛ نوع ضعف بشمار میرود؛ درحالی که این خود برای ما نوع قدرت است زیرا که ما اکنون در آستانه فرمانروایی بر سراسر جهان قرار گرفته ایم!!!
تازمان بنانهادن آنچه طرح کرده ایم فاصله زیادی نیست!!!

پرتکل شماره ۱۲

واژه آزادی را میتوان بصورت‌های متعدد تعبیر کرد؛ اما تعریفی که از آزادی بدست میدهیم بشرح زیر است! آزادی؛ یعنی؛ حق انجام دادن هر عملی که قانون آن را مجاز بداند؛ چنین تعریفی از آزادی میتواند بهترین وجهی ما را در رسیدن به هدف هایمان کمک کند؛ زیرا که قانون در دست ما است و ما مختار خواهیم بود هر آنچه را که می‌خواهیم؛ از قانون حذف کنیم و هر آنچه را می‌خواهیم بقانون اضافه کنیم؛ نحوه عمل کرد مطبوعات در قلمرو حکومت ما بشرح زیر خواهد بود!!!

الف- از آنجاکه مطبوعات نقش بزرگی در برانگیختن و فرونشاندن احساسات مردم دارد؛ ما میتونیم بموقع از چنین احساساتی در جهت رسیدن به هدف هایمان استفاده کنیم!!!

ب- از آنجاکه بیشتر مردم نمیدانند مطبوعات در خدمت چه کسانی هستند؛ از این رو ما آنها را بخت خود در می آوریم حتی عوامل هم که ممکن است مطبوعات را مورد حمله قرار دهند؛ زیر نظارت و کنترل شدید قرار میدهیم!!!

ج- امروزه تأسس؛ چاپ و نشر مطبوعات؛ دارای هزینه های فوق العاده سنگینی است؛ ولی وقتیکه ما بقدر ترسیدیم؛ تنها در قبال دریافت مالیاتی؛ حق تمر و اخذ سپرده های سنگین؛ اجازه تأسس مطبوعات را به افراد میدهیم و از این طریق؛ پول قابل توجهی هم بخزانه دولت ما سر ازیر میشود از سوی دیگر؛ وضعی پیش می آوریم که دولت ما از خطر حمله انتقاد مطبوعات مصون بماند؛ و مطبوعات نیز نتوانند روی لغزش های دولت مانگوشت بگذارند! د- هرگاه بخواهیم مطبوعات را ببهانه متشتت کردن افکار عمومی تعطیل میکنیم!!!

ه- بعضی از عوامل مان را وا میداریم که گاه بگاه در مطبوعات؛ بعضی از سیاست هایمان را که خود میخواستیم؛ مرد حمله قرار دهند؛ البته غرض از این کار رد گم کردن است! اما مطبوعات را کنترل میکنیم!!!

مطبوعات نخواهد توانست بودن اطلاع ما کمترین خبری را در اختیار مردم بگذارد؛ البته در زمان حاضر تا حدودی بچنین هدف هاییرسیده ایم

زیرا که تمام کانونهای خبری جهان اطلاعات خود را از چند کانون خبر محدود در آینده ای نزدیک تماماً بدست ما خواهند افتاد و هر آنچه رامابه آنها دیکته میکنیم؛ در سراسر جهان پخش میکنند؛ اگر تدابیری را که در مورد مطبوعات اندیشیده ایم بمرحله اجرا در آوریم ذهن و فکر غیر یهودیان بتسخیر مادمیآید و آنان وقایع جهان را از پشت عتکهای رنگینی که ما بچشم آنها میگذاریم؛ مینگرند!!!

براستی اگر در زمان حاضر؛ کشوری وجود نداشته باشد کسی میتواند مانع تشکیل کشور ماکه غیر یهودیان احمق؛ آن را دولت نامرئی مینامند؛ بشود؟! مسلماً بانابودی کشورهای جهان؛ همه دولت ها بفرمان ما گردن مینهند!!!

بگذار آینده مطبوعات را مجدداً بررسی کنیم کسانی که بخواهند بکارهایی چون؛ چاپ و نشر کتب و روزنامه بپردازند؛ آنها را ملزم بداشتن مدرک و اجازه نامه ویژه میکنیم تا در صورت تخلف؛ بلافاصله از مزیای چنین اجازه نامه ای محروم گردند؛ با اعمال چنین روشی؛ مدرک تحصیلی؛ نشانه لیاقت فکری خواهد شد و صدور مدرک بدست دولت خواهد افتاد تا توده مردم از راهی که میخواهیم گمراه نشوند و ببهانه پیشرفت و ترقی دنبال این و آن راه نیفتند آیا کسی از شما هست که نداند اتکاه به اندیشه و خیال آدمیان؛ راه نامطلوبی است که آدمی را بخیال بافی های احمقانه سوق میدهد و ما حاصل آن هرج مرجی است که بر سر قدرت بین انسانها بوجود می آید؟!!

واژه پیش رفت؛ آزادی از هر نوع قید و بندی را بذهن متبادر میسازد

و هر نوع محدودتی را میشکند؛ اگر این اصل در همه موارد صدق نکند؛ لاقلاً در زمینه هرج و مرج فکری؛ مصداق ادرد؛ در چنین شرایطی هر کسی نتصور آزادی بشکار رقیب خویش میپردازد و همگدر شبکه ای از هرج و مرج گرفتار میشوند و همه بهم دیگر اعتراض میکنند!!!

اینک ما توجه خود را معطوف و متوجه مجلات میکنیم؛ از مجلات و نشریات ادواری؛ همانند روزنامه؛ مالیات؛ حق تمر و نیز سپرده احتیاتی وصول میکنیم چنین وجوهی برای کتب و کمتر از سی صفحه دوبرابر خواهد شد؛ زیرا که ما این گونه کتب را «جزوه» تلقی میکنیم؛ اصولاً مجلات؛ زهر آگین ترین نوع مطالب چاپی بشمار میرود و کوشش ما آن است که از سویی تعداد این گونه نشریات کاهش یابد و از سوی دیگر نویسندگان مجبور شوند مطالب بلند بنویسند و حجم مطالب زیاد شود و خواننده از خواندن مطالب بلند؛ خسته شود!!!

بویژه وقتی که این نوع نشریات گان تمام شود؛ رغبت مردم نسبت به این گونه نشریات کم میشود؛ در ضمن آنچه ما خودمان منتشر میکنیم؛ روی ذهن خواننده در جهت منافع ما اثر میگذارد به علاوه آنها را بیهای ارزان در دسترس قرار میدهم؛ مردم آنها را احسانه بخوانند؛ وصول مالیات و اعمال مجازات؛ نویسندگان را وابسته میکند و اگر نوی سندهای بخواد علیه ما چیزی بنویسد؛ کسی مبادرت بچاپ آن نخواهد کرد؛ ضمناً اگر مطلبی بخواد چاپ بشود ناشر یا چاپ کننده باید برای چاپ و نشر آن از مقامات مسئول اجازه بگیرد؛ بنابراین ما از قبل خواهیم

فهمید که چی نیرنگهایی علیه مادر کار است!!!

ادبیات و رو زنامه نگاری دو عامل مهم تربیتی بشمار می روند بنابراین دولت ما اکثریت روزنامه هارا بتمک خویش در می آورد چنین اقدامی تأثیر نامطلوب مطبوعات و روزنامه های خصوصی را خنثی ساخته و ما را در موقیتی قرار میدهد که روی افکار عمومی تأثیر بسزای بگذاریم؛ اگر اجازه و امتیاز انتشار ده نوع روزنامه را ب مردم بدهیم؛ امتیاز انتشار سی روزنامه را بخود اختصاص میدهیم؛ البته این کار طوری بابد صورت گیرد که در مردم سوء ظن ایجاد نکند؛ برای احتراز از ایجاد سوء ظن روزنامه هایی که خود منتشر میکنیم بظاهر نظراتی مخالف خودمان ابراز میدارند و بدین طریق بدگمانی مخالفان مان نسبت ب ما کاملاً بر طرف شده و بزودی در دام ما گرفتار میشوند و نمیتواند ضربه ای وارد کنند! مخالفان مادر سه رده جای دارند در رده اول آرکانهای رسمی هستند که همیشه عیله ما قد علم میکنند؛ اما تأثیر آنها چندان قابل ملاحظه نیست در رده دوم؛ آرکانهای نیمه رسمی قار دارند که حملات آنها ملایم و کم اهمیت است؛ رده سوم کسانی قرار دارند که بظاهر؛ مخالف ما هستند اما در واقع ما خود آنها را تعیین کرده ایم؛ در نوشته های این دسته؛ مطالبی وجود دارد که بنظر میرسد با ما اصطکاک دارند؛ مخالفان واقعی ما این گونه مخالفت های ظاهری را از نوع مخالفت های خود تلقی کرده و باعث میشوند که ما آنها را شناسایی کنیم!!!

محتوای تمام روزنامه های ما؛ ترکیبی خواهد بود از مطالب کوناگون و حتی افکاری چون آرس توکراتیک جمهوری خواهی؛ انقلابی

گری و هرج و مرج طلبی (انارشسیسم) که بوسیله این گونه روزنامه ها همچون ویشنو معبود هندی صد دست دارد که بر سر هر دست انگشتی قرار دارد وظیفه آن نظارت و سلطه بر افکار عمومی است هنگامیکه ضربان قلب تشدید میشود؛ حرکت دست ها نیز شدت یافته و افکار عمومی است؛ هنگامیکه قلب تشدید میشود؛ حرکت دست ها نیز شدت یافته و افکار عمومی در جهت منافع ماسوق داده میشود؛ زیرا وقتیکه فردی بهیجان می آید؛ قوه قضاوتش را از دست میدهد و هرگونه نظروپیشنهادی را میپذیرد؛ به علاوه افراد ناآگاهی که بتکرار مطالب روزنامه های ما میپردازد و فکر میکند که روزنامه ها بیان کننده نظرات آنها میباشند سخت در اشتباهند؛ زیرا که روزنامه ها صرفاً بیانگر خواست و نظر ما هستند؛ افرادی هم که سنجیده از احزاب دفاع میکند؛ در واقع بدنبال بیرقی راه میروند که ما برای ایشان برافراشته ایم!!!

برای آنکه روزنامه های مبارز خوی خود را بحرکت در آوریم؛ باید نهایت دقت را در تنظیم و ارائه مطالب بکار ببریم؛ البته مؤسسه را تحت عنوان بخش مرکزی مطبوعات تأسیس میکنیم و بگردآوری نوشته ها و مطلب میپردازیم!!!

عوامل ما در این مرکز؛ بدون آنکه توجهی را جلب کنند؛ تصمیم میگیرند که چه مطالبی را متناسب با زور منتشر کنند؛ ضمناً بحث های متناقض و جنگی در عین در قلمرو مطبوعات براه میاندازند تا ما بتوانیم هرچه بیشتر نظرات خود را بیان کنیم!!!

فقط مطالب دروغ چاپ میشود

روشی که ما برای تنظیم و ارائه مطالب در پیش گرفته ایم؛ بدلیل آنکه برای مردم نامحسوس میباشد؛ اعتماد کامل آنان را نسبت بحکومت ما جلب میکند؛ ما از کاربرد این روش بسیار راضی هستیم زیرا که میتوانیم گاه بگاه احساسات مردم را نسبت بمسائل سیاسی برانگیخته یا فرو نشانیم؛ گاه حقیقت را میگوییم؛ و گاه دروغ و زمانی هم مطلب متناقض ارائه میکنیم؛ ما مطمئنیم که بردشمنان خود غلبه میکنیم؛ زیرا که آنان نمیدانند همچون مناظرات خود را از طریق مطبوعات ابراز کنند!!!

گفتیم که مخالفان ماکه در رده سوم قرار دارند و مخالفت های ظاهری خود را در مطبوعات ابراز میدارند؛ هرگاه لازم باشد در ارگانهای نیمه رسمی خود؛ انتقادات آنه را بشدت تکذیب میکنیم!!! حتی اگر امروزه؛ مطبوعات فرانسه را به عنوان مثال در نظر بگیریم بنشانه های همکاری فراماسونری بخوبی در آن چاپی میبریم؛ تما ارکانهای مطبوعات بطور اسرار آمیزی با هم در ارتباط اند و چوم پیشگویان قدیم؛ منبع اطلاعات را افشا نمی کنند؛ مگر آنکه همگی تصمیم به افشای منبع بکیرند و تا زمانی که اسرار؛ در اختیار تعداد محدودی باشد؛ جایگاه و منزلت روز نامه نگاران؛ توجه اکثریت مردم کشور را جلب کرده و توده مردم باشور و شوق بدنبال آنها براه می افتد!!!

باید دامنه فعالیت های حساب شده خود را در زمینه مطبوعات بسطح استانها گسترش دهیم؛ یعنی برانگیختن امیدها و انگیزه

هایی که تسلط ما را بر مراکزکشورها موجب میشود؛ برایمان ضرورت تام و تمام دارد؛ بیپایتخت هاوانمود میکنیم که اینگونه خواست های مستقل مردم استانها هستند؛ البته منبع واقعی بروزاین گونه حوادث در استانها ما هستیم؛ آنچه میخوایم این است تا آن موقع که حداکثر قدرت را در اختیار داریم باید پایتخت کشورها را در محاصره افکار عمومی مردم استانها قرار دهیم!!!

بریدن از رژیم گذشته و پیوستن بر رژیم جدید که بنظر ما منجر به غلبه کامل بر تمام رژیم ها میشود؛ «دوره انتقالی» نام دارد؛ در این دوره نباید بمطبوعات اجازه داد که نادرستی ها مردم و کثری مردم را منعکس کنند؛ برای رژیم جدید ضروری است؛ همه را متقاعد کند که جنایت بکلیر یشه کن گردیده است؛ اگر مودارد از جنایت بوقوع پیوست؛ فقط باید قربانیان و شاهدان آن از موضوع باخبر باشند نکسی دیگر!!!

پروتکل شماره ۱۳

نیاز بقوت و غذای روزانه؛ غیریهودی را مجبور میکند که آرام و ساکت بنشینند و در صف خدمتگزاران متواضع مادر آیند؛ از میان همین افراد؛ عواملی را انتخاب میکنیم و بمطبوعات میفرستیم!!!

این عوامل؛ مسائل را که بمصلحت مان نیست تا بصورت اسناد رسمی منتشر بشود؛ مورد بحث و تبادل نظر قرار میدهند؛ در عین حال ما در جزئیات اینگونه مباحثات قرار میگیریم و مطالب بحث شده را آنطور که خود میخواهیم؛ بوسیله مطبوعات بمردم عرضه

چون رقابت ها و مسابقات هنری ورزشی پردازند؛ بدون شک پرداختن به اینگونه مسائل آنها را از مسائل بنیادی دور منحرف میکند؛ اندک اندک به ابزار نکردن عقیده خود عادت میکنیم و سرانجام؛ بتکرار همان چیزهای میپردازند که ما میخوئیم و بدین سان بفرآنان جهت میدهیم و میتوانیم بهمکاریشان اعتماد کنیم!!!
پیشرفت

نتقشی را که آزادی خواهان؛ خیال پردازان و افراد رویایی باید ایفا کنند سرانجام تازمانی که حکومت مامورد قبول همگان واقع گردد؛ به اجرا در خواهد آمد؛ بدین معنی تازمان شروع حکومت ما این را بخوبی در خدمت مان خواهند بود و ما میکوشیم که ذهن اینگونه افراد را بمسائل بیهوده و تئوری های خیالی و بظاهر مترقیانه مشغول کنیم؛ ما باید آن قدر غیر یهودیا را بمسائل چون پیشرفت؛ سرگرمی کنیم تا سرانجام از فهم هر مسئله ای اظهار عجز کنند؛ کلمه «پیشرفت» مانند یک عقیده سفسطه آمیز؛ حقیقت را لوٹ میکند و این موضوع را کسی جز ما- قوم برگزیده خدانمیتواند درک کند؛ هنگامیکه براریکه شاهنشاهی جلوس کردیم؛ سخن سریان و سخن گویانمان مسائل و مشکلات بزرگی که انسان را از انسانیتش دور کرده اند؛ مورد بررسی قرار میدهند تا اینگونه مشکلات تحت رهبری ماحل و فصل شوند! این ما بودیم که مردم را گام بگام طبق برنامه های سیاسی مان در طول قرنهای هدایت کردیم؛ آیا کسی میتواند در این مورد تردید بخود راه بدهد؟!!

پروتکل شماه ۱۴

هنگامیکه حکمت شاهنشاهی ما آغاز شد همه ادیان باید از بین بروند؛ جزد دین ماکه همانا اعتقاد به خدای یکانه است؛ بیشک سرنوشت قومک ما به عنوان قومی برگزیده؛ با وجود خدا گره خورد؛ و هم اوست که تقدیر کارجهانیان را با سرنوشت ما پیوند داده است؛ از این رو ریشه هرگونه عقیده ای باید از بیخ و بن کنده شود؛ حتی اگر این کار به انکار وجود خدا که ما امروزه شاهد آن هستیم؛ ختم شود؛ این کار؛ ننتها در دوره انتقال حکومت مفید است؛ بلکه بسود جوانانی است در آینده بتبلیغات مذهبی دین موسی گوش فرامیدهند دینی که احکام ثابت و پیشرفته دارد و تمام افراد جهان را به اطاعت ما وا میدارد!!!

البته در تبلیغات مان روی مبانی تربیتی و جنبه های اسرار آمیز و اعجاز انگیز این دین؛ تأیید فراوان میورزیم و در موقع لزوم؛ مقالاتی منتشر میکنیم و میان نحوه حکومت ربانی خود و حکومت های گذشته؛ مقایسه هایی به عمل می آوریم؛ و اشتباهات حکومت های غیر یهودی را بگونه ای بسیار روشن؛ بازگو میکنیم و نیز حرکات درد منشاء عده ای حکام ماجراجو که انسانها را شکنجه و انسانیت را لکد مال کرده اند؛ یادآور میشویم و نفرت آدمیان را برمی انگیزیم بنحوی مردم آسایش دوران بردگی را بر آسایش دوادن پس از بردگی ترجیح دهند! تحولات بی فایده حکومت های غیر یهودی که با وسادطت ما انجام میکیرد؛ اعتبار حکومتها یشان

را تنزل میدهیم و مردم از اوضاع نابسامانی حکومتها آنچنان خسته
نیشوند که راضی میگردند هر نوع خفت و زلتی را در دوران حکمت
ما تحمل کنند و هرگز جرأت رهای از زیر ساطه ما تحمل رنجهایی
چون رنج های گذشته؛ بخود راه ندهند!!!

مادر عین حال اشتباهات تاریخی حکام غیر یهودی را که در اثر بی
اطلاعی و فهم نادر دست انها از مسائل رخ داده است؛ کوردت آکید
قرار میدهیم و شکنجه هایی که انسانها از دست اینگونه حکام
دیده اند یاد آور میشویم؛ روش اصول کار ما بر این حقیقت مبتنی
است که آنچه ما عرضه تفسیر میکنیم؛ عالی و خالی از عیب
است؛ ولی در آنچه در گذشته وجود داشته باشد باید مرده و متلاشی
شده تلقی گردد!!! فیلسوفان ما نارانی ها عقاید مذهب را مورد
بحث و بررسی قرار میدهند؛ اما کسی نباید اعتقادات واقعی مذهب
ما را مورد بررسی قرار دهند؛ زیرا که هیچ کس جز خودمان نباید از
کار دین مان نباید از کار دین مان سدربیاورد؛ و انگهی افراد قوم
خودمان هم حق بر ملا کردن اسرار دین را نخواهد داشت!!!

در اثنای سدهای معروف بسده های روشنایی و پیشرفت؛ ما ادبیاتی
پست و کثیف و تهوع آور رواج میدهیم و تا مدتی پس از بقدرت
رسیدنمان اجازه میدهیم که این سبک ادبیات بحیات خود ادامه
دهد؛ تا بتوانیم بدین وسیله در برنامه های خودمان نوعی آرامش
و رخوت در مردم ایجاد کنیم؛ به علاوه افراد آگاه آزموده بر رهبری

غیریهودیان منصوب میکنیم؛ و به ایداد سخنرانی و نشر مقالات ویژه میپردازیم تا به این وسیله بتوانیم روی ذهن غیریهودی

دنیابازچه یهود ۱۶۱

ها اثر گذاشته و آنان تنها آن دسته از معارف و معلوماتی را کسب کنند که دلخواه ما است و ما قبلاً آنها را تدارک دیده ایم!!!

پروتکل شماره ۱۵

هنگامیکه سانجام بطور قطع؛ در اثر کودتای یک روز هکه در همه جا طی یک روز بوقوع می پوندد؛ بمقام شاهی نائل آمدیم و نیز هنگامیکه بی اعتباری همه حکومت هامورد قبول همگان واقع شد (این کار وقت زیادی لازم دارد؛ شاید یک قرن طول بکشد که این اتفاق بدقوع بپیوندد) دیگر اجازه نخواهیم داد که توطئه ای علیه ما صورت بیگردد؛ از روهر کسیکه اسحله بدست بگیرد و بخواهد علیه شاهنشاهی ما که در شرف شکل گفتن است؛ قیام کند؛ او را بابیرحمی خواهیم کشت!!!

هر نوع مؤسسه ای «انجمن های مخفی» را نابود میکنیم؛ البته آنهایی که اینک وجود دارد؛ برای مانشته شده هستند و در خدمت مان میباشند؛ لیکن بعد از فعالیت آنها ممنوع اعلام کرده و اعضای آنها را بعد از فعالیت آنها ممنوع اعلام کرده و اعضای آنها را بقره های دور از اروپا تبعید میکنیم؛ به علاوه بوضع غیریهودان فرا سون که اطلاعات زیادی درباره اوضاع ماداند؛ رسیدگی وعده ای از آنها را ممکن است بدلیل نگه داریم؛ ولی آنان را برای

همیشه از تبعیدمترسانیم؛ به علاوه قانونی مگذاریم که موجب آن تمام اعضای انجمنهای خفی؛ مشمول تبعید از اروپا واقع شوند!!!

۱۶۲

دنیا باز چه یهود

تصمیمات حکمت ما قطعی و لایتنر است

در جوامع غیر یهودی که مادر آنجا بینظمی و نامسانی ایجاد کرده ایم تنهارا ممکن برای برقراری نظم و اعمال حاکمیت؛ همانا استفاده از روش های خشونت آمیز است و در این زمینه نباید قربانیان هیچگونه ارفاقی کرد؛ زیرا که آنها باید فدای رفاه آینده بشود و رسیدن بر رفاه عمومی حتی اگر بقیمت قربانی شدن عده خیلی زیادی بشود؛ وظیفه اصلی هر دولت بشمار میرود؛ اصولاً اعمال قدرت؛ قدرت ثبات حکومت را تضمین میکند؛ و قدرت هم زمانی کسب میشود که بتوان زور گفت؛ تا سال های اخیر سیاست اعمال زور بر روسیه حاکم بود و حکومت مستبد این کشور؛ تنها دشمن سرسخت ما بشمار میرفت ایتالیا نیز که «سولا» بر آن حکومت میکرد چنین وضعی را داشت «سولا» ایتالیا را بحاک خون کشید و اشخاصی فراوانی را تکه پاره کرد؛ ولی چون قدرتی فرعون گونه داشت و از شهامت و قدرت فکری مانندی برخوردار بود؛ مردم را هیپنوتیزم کرده بود؛ و کسی یارای باوی رانداشت!!!

لژهای فراماسونری

تا پیش از آغاز خود؛ روشی متناقض در باره مسائل سیاسی در پیش میگیریم بدین معنی که لژهای فراماسونری آزادی را در تمام کشورهای جهان ایجاد میکنیم و سپس آنها را گسترش می

دهیم و تمام آنهاييکه در زمینه فعالتهای اجتماعی مشور باشند؛ به این لژها جلب میکنیم؛ زیر نظر داریم لژها میتوانیم اصل جاسوسی

دنیا باز چه یهود

۱۶۳

و نیز عواملی که میتوانند روی دیگران اثر بگذارند پیدا کنیم؛ آن گاه تمام لژها را تحت رهبری یک اداره مرکزی که اعضای آن از حکمای قوما هستند و برای همه ناشناخته اند؛ در میآوریم تمام لژها؛ نماینده گانی در اداره مرکزی خواهند داشت که بوسیله این نمایندگان دستورات و برنامه های سرّیه لژها؛ بین عناصر انقلابی و لیبرال؛ نوعی وصلت و ارتباط برقرار میکنیم؛ ترکیب این لژها طوری خواهد بود که همه قشرهای جامعه؛ افرادی در آن عضویت داشته باشد؛ البته فعالیت های سیاسی و حرح های مخفی لژها را از همان آغاز تأسیس و گشایش لژ؛ زیر نظر میگیریم؛ باید اضافه کرد که پلیس های ملی و بین المللی از جمله کسانی خواهند بود که در این لژها عضویت پیدا خواهد کرد؛ طبیعی است که غیر یهودیان از ماهیت واقعی کار لژها سردر نخواهند آورد!!!

افرادی که باشور و شوق فراوان؛ عضویت انجمن های مخفی را میپذیرد؛ کسانی هستند که در زندگی دنبال هوی و هوس میباشند و نیز افرادی سبک مغزند که هنگام اجرای طرح ها و نیز برای انداختن ماشینی که خود طراحی کنیم؛ مشکلی ایجاد نخواهد کرد! اگر در این نابسامانی و اغتشاشاتی رخ داد؛ بدانید که این گونه اغتشاشات را ما بوجود می آوریم؛ تا بتوانیم همکاری افراد را با هم اربین ببریم؛ غیر یهودیان بدون کنجکاوی؛ عضویت لژها را میپذیرند؛ عدهای

از آنها بخاطر استفاده های مالی و بعضی هم بحاطر رسیدن به موقعیت؛ شهرات و نیز مورد ستایش واقع شدن؛ به عضویت لژ هادر می آیند؛ ما هم در بر آوردن این گونه خواست ها بسیار بخشیدیم!!!

۱۶۴

دنیابازچه یهود

علت اینکه موجبات موفقیت آنان را فراهم میآوریم این است غیر یودیان پس از کسب موفقیت دچار غرور و خودبینی شده و تالقین های ما را بدون مقاومت میپذیرند؛ شما امیدانید که تا چه حد میتوان حتی آگاه ترین افراد از غیر یهود را بسادگی در اثر ایجاد غرور ناشی از موفقیت؛ بتسلیم و اداسیت؛ همان قدر که ما برای موفقیت اهمیت قائل نیستیم؛ غیر یهودیان دو چندان بموفقیت اهمیت میدهند و حاضرند برای بدست پایی بموفقیت؛ خود را فدا کنند؛ همین ورژگی و خصلت درونی غیر یهودیان مشکل راحل کرده و بپاکمک میکند تا آنان را در جهتی که میخواهیم سوق دهیم؛ مثلاً آنها را و امیداریم که ببحث و بررسی پیرامون محدودیت ها و نارسائی ها فلسفه «فردگرایی» بپردازند اما آنان نمی فهمند که این نوعی سرگرمی بشمار میرود و معرفی نارسایی های فلسفه فردگرایی خود؛ نقض و لگد مال کردن مهم ترین قانون طبیعت است! حال که موفق شده ایم آنها را بکارهای احمقانه ای واداریم؛ آیا این دلیل کوتاه فکری آنها نیست؟! آیا این نشان نمیدهد که مغز و فکر ما از فکر غیر یهودیان؛ تکامل یافته تر است؟! بدون شک همین امر موجب موفقیت ما خواهد شد برآستی چقدر حکمای قوم ما در روزگاران گذشته آینده نگرو دوراندیش بوده اند که میگفتند: «برای رسیدن به هدف های مهم؛

باید از هر وسیله ای استفاده کرد و قربانیان فراوانی را برای رسیدن به هدف ها فدا کرد» اگرچه غیریهودیان قربانیان زیادی داده اند؛
یا این همه؛ تعداد قربانیان قوم ماکه ملیت ما را نجات بخشیده اند
نسبت بتعداد آنان بسیار اندک است!!!

دنیا باز چه یهود

۱۶۵

مرگ براه همه یک امر اجتناب ناپذیر است؛ آنهاییکه مانع انجام برنامه هامشوند؛ بهتر است که مرگشان را جلو بینداریم و آنها نابود کنیم؛ از جمله این افراد فراماسونر هایی هستند که علیه ما اعتراض میکنند؛ طوری آنها را میکشیم که جز بردران همحون مان کسی متوجه نشوند؛ حتی طوری آنها را از بین میبریم که خود قربانیان هم نفهمند و بنظر آید که مرگ آنها ناشی از نوعی بیماری بوده است؛ البته برادران دخومان حق افشای راز اندارند!!!
هنگامیکه لیبرال یسم را در غیریهودیان تبلیغ میکنیم؛ باید افراد قوم خود و نیز عمل مان؛ بدون چون و چرا تسلیم شوند؛ و اعتراضی از جانب آنها صورت نگیرد تا مجبور نشویم؛ که با آنها چون غیر یهودی رفتار کنیم!!!

نفوذ و دخالت شدید ما موجب گردید که قدرت اجرایی قوانین حقوقی غیریهودیان بکمتریت میزان؛ کاهش یابد؛ البته تغییر و تفسیر های لیبرال کونه ای که از قوانین به عمل می آید؛ بنوبه خود؛ موجب متلاشی شون قدرت قوانین شده است؛ قضات؛ درباره مسائل اساسی تصمیم میگیرند که ما به آنها دیتکه میکنیم؛ به علاوه مدیران یهودی موضوعات را آنطوری که ما جلوه میدیم می بینند؛

البته ما این کارها را بدون آنکه خود؛ ظاهر شویم و صرفاً از طریق فردی که آلت دستمان هستند؛ بمرحله اجرا در می آوریم حتی ساتورها و مقامات عالی غیریهودی؛ با ما بمشورت میپردازند میان قوم ما و غیریهودیان؛ تفاوت های قابل توجهی از لحاظ استعداد

توانایی وجود دارد و همین امر موجب شده است که قوم برگزیده ما از بالا ترین میزان انسانیت برخوردار باشد و از غیریهودیان متمایز گردد؛ غیریهودیان گرچه بظاهر چشمانشان باز است؛ ولی چیزی نمیبینند؛ به عبارت دیگر؛ قدرت ابداع (مگر در زمینه مسائل مادی) ندارند و شاید بهمین دلیل است که طبیعت؛ خودش از قبل مقرر کرده است که جهانیان را هدایت کنیم و بر آنان حکم روا بشیم!!!

ماخواستار تسلیم بدون قید و شرطیم

هنکامیکه حومت خود را آشکارا آغاز کردیم و زمان شکوهمند حکمرانی ما فرارسید بتمام قانونگذاران اعلام میکنیم که قوانین را ساده؛ مختصر؛ ثابت و بدون هرگونه تغییر و تفسیر وضع کنند تا همگان بر راحتی موفق بفهم کامل آنها شوند؛ مهم ترین عاملی که بقوانین؛ ضمانت اجرایی میبخشد؛ تسلیم بدون قید و شرط در مقررات است؛ بدین معنی که مقدمات پایین؛ از مقامات بالا اطاعت کنند تا امکان هرگونه سوء استفاده ای از بین برود!!!

برای کسانی که بخواهند از مقام خود سوء استفاده کنند؛ شدیدترین مجازات را در نظر گرفته ایم؛ به علاوه اعمال رفتار مدیران را با دقت نظارت میکنیم؛ زیرا که حرکت سریع ماشین دولت درگرو

نهاست؛ هر نوع اهمال در کار آنها؛ موجب سستی کار در سایر جاها میشود؛ لذا؛ بار دیگر تأکید مینماید که حتی یک مورد از اعمال غیر قانونی و سوء استفاده از مقام را بدون مجازات نمیگذاریم!!!
پس از مجازات های شدید در مورد خلاف کارها اعمال شد؛ پنهان
دنیابازچه یهود ۱۶۷

کردن و نادیده گرفتن اشتباهات از سوی کسانی که در خدمت دولت هستند؛ بکلی از بین خواهند رفت و بدین سان پایه های قدرت دولت محکم شده و شأن و مقام دولت بالامیرود؛ اگر برای تخلفات جزئی؛ مجازات های سنگین در نظر گرفته نشود؛ آنهایی که زمام امور را بدست دارند؛ از مسیر حرت ملت منحرف شده و مسیرهای دلخواه خود را طی میکنند؛ قضات؛ میدانند که بخشودن جرایم و لغزش هایمهنای تجاوز بحریم قانون است و این کار نشانه تلطیف روح و رقت قلب قاضی نیست؛ گذشت نشان دادن؛ در زمینه زندگی شخصی؛ ایرادی ندارد؛ ولی وقتی که چای مصالح عموم در میان است؛ گذشت نشان دادن جایز نیست!!!

سن قضات و کارکنان امور قضایی نباید از ۵۰ سال متجاوز باشد دلیل نخست؛ آن است که افراد سالمنند در حفظ عقیده خود خیلی پابرجا و متعصب میباشند و دیگر آنکه بسختی پذیرای عقاید نو هستند؛ دلیل دوم؛ آن است که اعمال این روش نوع انعطاف پذیری بکارهایمان میبخشد و به راحتی میتوانیم افرادی را که کمتر زیر فشار هاخام میشوند را که کمتر زیر فشار هاخام میشوند؛ عوض کنیم؛ یعنی کسیکه میخواهد مقام موقیتش را حفظ کند؛ باید مطیع محض

باشد؛ بطورکلی ما قضات را از میان کسانی انتخاب میکنیم که با تعهدات خود آشنا باشند و بدانند که وظیفه آنها اعمال مجازات و اجرای قانون است نه آنکه رؤیایی فکر کنند و به لیبرالیسم بیندیشند؛ اعمال این گونه روش ها موجب میگردند که همکاری گروهی بین قضات برود و آنان فقط بمنابع دولت که سرنوشت

دنیا بازچه یهود

۱۶۸

آنها بدان بستگی دارد؛ فکر کنند!!!

امروزه قضات غیر صهیونیست؛ چون شناخت درستی از رسالت خویش ندارند؛ بخشودگی های فراوانی را در مورد جنایات قابل میشوند البته گناه این کار بگردن فروانروایان عصر حاضر است زیرا در انتخاب قضات کافی بخرج نمیدهند و قضات را با مسئولیت هایشان آشنا نمیسازند؛ همان گونه که حیوانات بچه هایشان را بجست جوی شکار میفرستند؛ غیر صهیونیست هاهم به افرادشان مشاغلی تفویض میکنند؛ بدون آنکه علت بوجود آمدن مشاغل را به آنان یاد آور شوند؛ بهمین دلیل حکومت هایشان بوسیله خود آنان و نیز بسبب مدیریت غلط؛ از درون میپوسند!!!

بگذارید از مثالها و کفتا بالا؛ درسید یگر برای حکومت خویش فرا گیریم؛ ریشه آزادی خواهی را از مؤسساتی که مسئولیت تربیت نیروی انسانی برای پست های حساس دولت دارند؛ از بیخ و بن بر میکنیم و تصدی این گونه مشاغل و پیتهارا بکسانی میکنیم که بوسیله خود ماتربیت میشوند؛ ممکن است ادعا شود که بانثسته کردن کارمندان سالمند؛ هزینه های سنکین را برای دولت برخواهد

داشت؛ در پاسوخ بایدگفت: این گونه کارمندان میتوانند در بخش های خصوصی مشغول کار شوند؛ به علاوه باید خاطر نشان ساخت که تمام پول های دنیا در دست ما خواهد بود و دولت؛ ترسی از سنگینی هزینه ها خود داشت!!!

ما بیرحم خواهیم بود

در همه موارد مستبد خواهیم بود و این استبداد؛ معقول و منطقی بنظر خواهد رسید؛ تمام اوامر و مقررات ما احترام بوده و بدون چون و چرا به اجرا در خواهد آمد؛ هرگونه شکایتی از سوی ملت؛ نادیده گرفته میشود و وضعی پیش می آوریم که ریشه همه نارضایتی ها از بیخ و بن کنده شود؛ به علاوه برای آنکه چشم همه را بترسانیم؛ به اعمال مجازات های سنگین دست میزنیم!!! هرگونه پژوهش و فرجام خواهی در زمینه دغاوی حقوقی از سوی متهمان حذف میکنیم و مجازات های خود را مشمول پژوهش و فرجام خواهی قرار میدیم؛ زیرا که نباید اجازه دهیم که فکر فرجام خواهی در ذهن مردم بوجود آید؛ اگر چنین موردی پیش آمد؛ ما نیز بنوبه خود تقضای پژوهش میکنیم؛ همچنین قضاتی را که موجب شدند تا فکر فرجام خواهی در میان مردم رشد کند؛ آنان را بخاطر شناخت نادرستشان از قوانین؛ شدیداً مجازات میکنیم!!! من باز تکرار مدیران هر قدمیکه بر میدارند؛ باید بانظرات دقیق ما

باشد؛ زیرا که برای آنکه مردم از ما راضی باشند؛ دولت باید کار
مندان خوبی در اختیار داشته باشند!!!

حکومت ما؛ سیمای حکومت پدشاهی بخود میگیرد که فرمانروا
در آن؛ نقش پدر و سرپرست مردم را دارد؛ قوم ما و مردم تحت
سلطه؛ فرمانروا را پدر خود میدانند که از آنها نگه داری میکند و
نیازهای آنان را برآورده میسازد و نیز؛ روابط افراد را باهمدیگر

۱۷۰

دنیا باز چه یهود

و با فرمانروا را مشخص میکند!!!

بمردم این فکر را القاء میکنیم که اگر ملت بخواهد در صلح و
آرامش بسربرد؛ باید فرمانروا را حامی و سرپرست خود بداند
و لب بستایش اغراق آمیزوی بگشاید!!!

هنگامیکه افراندی را برای تصدی پست شعلی منصوب مینماییم
مردم را متقاعد میکنیم که صاحبان اینگونه مشاغل و مناصب
صرفاً او امر فرمانروا را اجرا میکنند از قدرت و اقتدار ندارد؛ مردم
نیز دل خوش خواهند بود که فرمانروا؛ زندگی آنها را از جهت تأمین
میکند؛ همان گونه که والین نگه داری و تربیت فرزندان خویش
را وظیفه ای برای خود تلقی میکنند!!!

همان گونه که میدانید؛ من حکمت استبداری را در دو چیز خلاصه
میکنم؛ حق و وظیفه؛ یعنی اجرای حق انجام وظیفه؛ مسئولیت
مستقیم دولتی است؛ که خود را پدر ملت میداند؛ دولت ما از یک قدرت
خاص برخوردار است؛ حق دارد که انسان را به اجرای مقررات همان
گونه که طبیعت آن را مشخص کرده است؛ یعنی تسلیم و ادا دارد؛ در

این جهان هرچیزی حالت تسلیم را دارد و اگر تسلیم اوضاع و احوال محیط یا ویژگی های درونی خویش است!!!

باید افرادی را که مرتکب نقض مقررات وضع شده میشود؛ مجازات کنیم؛ زیرا که در بطن مجازاتی که برای ترساندن دیگران اعمال میشود؛ از لحاظ تربیت و تأدیب تدریس بزرگی نهفته است!!!

هنگامیکه پادشاه قوم اسرائیل؛ تاج شاهنشاهی که اروپا بوی تقدیم میکند؛ بر سر مقدسش میگذارد؛ بسمت پدر مردم دنیا منسوب

دنیا باز چه یهود

۱۷۱

میگردد؛ به علاوه شمار قربانیانی که ناچاراً بپیشگاه وی تقدیم میشود؛ خیلی کمتر از شمار کسانی خواهد بود که در اثر جنون و رقابت بین حکومت‌های غیر یهود قربانی شده اند!!!

پادشاه قوم ما؛ در تماس و مشورت مداوم با مردم بوده و از تریبونی که در اختیار دارد؛ با مردم سخن میگوید؛ و سخنانش در همان ساعت در سراسر دنیا پخش خواهد شد!!!

پروتکل شماه ۱۶

برای آنکه بتوانیم بطور کوثری فعالیت های اشتراکی غیر یهودیان را بدون آنکه بفعالیت های گروهی مالطمه ای وارد شود؛ تخریب سازیم؛ باید همکاری گردهی را در مراحل نخستین؛ عقیم کنیم!!!
معنای این سخن آن است که بنوسازی برنامه های آموزشی دانشگاه ها میپردازیم و تمام استادان و مقامات دانشگاهی را مطابق برنامه های سرّی و محرمانه برای مشاغل جدیدشان آماده میکنیم؛ انتصاب آنان را خیلی محظوظانه انجام میدهیم و وضعی

پیش می آوریم که کاملاً بدولت وابسته بشوند!!!
دروسی چون قوانین حقوقی مربوط بدولت و مسائل سیاسی را از
برنامه های آموزشی دانشگاه ها حذف میکنم و این موضوعات
را فقط بتعدادی افراد انتخاب شده که داری اسعادهای درخشان
باشند؛ می آموزیم؛ دانشگاهها دیگر نباید طرح های معجون و مجعولی
در زمینه قانون اساسی بیرون بدهند و استادان را هم نباید خودشان
بمسائل سیاسی که پدرانشان هم از فهم اینگونه مسائل عاجزند

۱۷۲

دنیا باز چه یهود

سرگرم کنند؛ وقتی زیادی آنها را بطور نامطلوب؛ با مسائل سیاسی
آشنا شوند! همانگونه که آموزش و پرورش در جوامع غیر یهودی
جنبه همگانی بخود گرفت؛ نوعی خیالبافی و بدآموزی بوجود میآید!!!
ما باید مطالب و موادی را وارد نظامهای آموزشی غیر یهودیان
کنیم که نظم و انسجام را از سیستم های آموزشی آنان بگیرد و
اوضاع در هم برهمی بوجود آورد؛ اما هنگامیکه خودمان بقدرت
رسیدیم؛ تمام موارد و مطالبی را بینظمی بیار میآورند و دانشجویان
را بنا فرماتی وا میدارند؛ از دروس دانشگاهها حذف میکنیم!!!
بجای «کلاسی سیستم» و تاریخ عهد باستان که چیزهای بدان؛ پیش از
چیزهای خواب است؛ مسائل مربوط به آینده را مورد مطالعه قرار می
دهیم به علاوه تمام حقایق مربوط بقرون گذشته را که مطلوب مانبا
شند؛ از لوح ذهن آدمیان پاک میکنیم و فقط اشباهات حکومت
های غیر یهودی را بحال خود میگذاریم و مطالب چون نحوه
زندگی عملی؛ رعایت نظم؛ نحوه برقراری روابط با دیگران پرهیز
از خود خواهی که موجب گسترش بدیها است و مسائل تربیتی

دیگری از این قبیل؛ درنامه جداگانه و متناسب با مراحل مختلف زندگی تهیه و تدارک می بینیم بیشک این برنامه از اهمیت ویژه ای برخوردار خواهد بود!!!

تربیت افراد باید متناسب با مقدرات و نیازهای زندگی آنان صورت گیرد؛ البته افراد باهوشی پیدا میشود که میتواند زودتر از حد معمول وارد مراحل بالاتر بشوند؛ اما این کاملاً اشتباه خواهد بود که ما بخاطر عده معدودی؛ مرزها را بشکنیم و به افرردبی استعداد اجازه

دنیا باز چه یهود

۱۷۳

دهیم که جای افراد مستعد را بگیرند؛ و بدون ضابطه وارد مراحل شوند که صرفاً متعلق به افراد باهوش است!!!

فرمانروایی که میخواهد در قلب و ذهن مردم جای برای خود باز کند باید از اقدامات و ابتکاراتی که بسود مردم انجام دهد؛ سخن بگوید؛ و در مدرسه و بازار بر مردم آموزش بدهد!!!

بهر نوع آزادی در زمینه آموزش؛ خاتمه میدهیم؛ اما دانش آموزان در هر سنی که باشند، میتوانند با مؤسسات آموزشی با مثل گذشته در یکی باشگاه در روزهای تعطیل گردهم آیند و بحث های آزاد معلمان که در زمینه رابطه انسانها؛ قانون جزائی و خلاصه تئوری های جدید که قبلاً مورد بررسی قرار نگرفته اند؛ گوش فرا دهند؛ این تئوری ها نخست عقاید جزمی و بسیار قدیمی و سرانجام دین ما را مورد بررسی قرار میدهند!!!

از آنجا که قرنهای تجربه؛ بما آموخته است که عقاید در زندگی و هدایت انسانها نقش بسیار مهمی داشته و این عقاید از طریق تربیت

بمردم الغاء شده اند؛ ازرو ما باید افکار نو و مستقل را چون گذشته به انحصار خویش در آوریم؛ روش مهار کردن فکر هم اکنون در دست بررسی و مطالعه است؛ این کار را بوسیله سیستم که بسیستم دروس عینی معروف است و هدف آن مبدل کردن غیریهودیان به آدم های بی فکر؛ بیخرد و مطیع که منتظرند دیگران برایشان فکر کنند و عقایدشان را شکل بدهند؛ انجام میدهیم؛ یکی از بهترین عوامل ما بنام «بورژوئیز» تقریباً تدریس بوسله دروس عینی را رواج داده است!!!

پروتکل شماره ۱۷

اشتغال بکار و کالت دادگستی (اغلب) آدمیان را سرد؛ بی عاطفه و بیمسک باری می آورند؛ در اینگونه افراد همواره از یک دیگه غیر شخصی و صرفاً قانون بمسائل نگاه میکنند و طبق عادت دیرینه شان برای مدافعان حقوقی؛ بیش از رفاه عمومی ارزش قائل اند دفاع از هر موضوعی را میپذیرند و کوشش میکنند؛ بهر قیمتی که شده؛ متشاکمی برائت حاصل کند؛ از کوچکترین ابهام در مسائل حقوقی خرده میگیرند و بدین سان جنبه اخلاقی فضا و دآوری را از بین میبرند بخمین دلیل ماحرفه و کالت را در چهارچوبی محدود و در زمره خدمات عمومی قرار میدهیم؛ و اجازه نمیدهیم که قاضی و وکیل هر دو در طرح دعاوی حقوقی دخالت داشته باشند!!!

و کلاً؛ فقط اسناد و مدارک لازم را از طریق دادگاه دریافت میکنند و مطالعه خود را بر اساس گزارشات کتبی و مدارک انجام میدهد

پس از اینکه در دادگاه از مراجعین و طرفین دعاوی بازجویی به عمل آمده و حقایق روشن گردید؛ آنگاه؛ و کلاهی مدافع؛ کار دفاع خود را آغاز میکنند؛ ضمناً بودن توجه بکیفیت کارشناس؛ حق الوکاله ای به آنان پرداخت میگردد؛ این کار باعث میشود که وکیل نقش متعادل و هماهنگ کنندای در امور قضاوت بازی کند و زمان رسیدگی بدعاوی حقوقی کوتاه گردد!!!

همچنین این عمل باعث میشود که وکیل مدافع؛ صادقانه و دور از تعصب کار کند و وکالت بر اساس ضوابطی ثابت انجام گیرد، نبرمنای

دنیا باز چه یهود

۱۷۵

علائق و نظرات شخصی؛ در این روش همچنین فسادی راکه در حال حاضر در امر وکالت وجود دارد؛ ریشه کن میکند و بمعامله بین وکیل و موکل خامه خاتمه میدهد؛ زیرا که طبق اینگونه معاملات و قراردادها؛ هر کس پول بیشتری پرداخت کرد؛ حاکم میگردد!!!

کشیش گری را از بین می بریم

از مدتها قبل کوشیده ایم که اعتبار کشیشان را در میان غیر یهودیان از بین ببریم بمأموریت آنها بر روی زمین که ممکن است هنوز هم مانع بزرگ بر سر راه ما باشند؛ خاتمه میدهیم؛ البته روز بروز تأثیر آنها کاسته میشود و اکنون آزادی عقیده در همه جا اعلام گردیده است؛ تنها (زمان) است که بین ما و لحظه ورشکستگی کامل آیین مسیحیت؛ فاصله انداخته است؛ راجع به ادیان دیگر اگر خواهیم دست اندکار شویم؛ مشکلات کمتری خواهیم داشت؛ ولی هنوز رود است در این باره صحبت کنیم؛ بطور کلی کشیشان را در تنگنا قرار

داده ایم و تأثیر آنهاروی مردم برخلاف پیشرفت های گذشته شان؛
روز بروز رو بقهقرا میرود؛ هنگامیکه زمان موعود فرا رسد؛
دربار پاپ متلاشی شود و ملتها با اشاره دستى نامرئى بسوی
دربار حرکت میکنند و هنگامیکه خود را روی پاپ پرت کردند؛
مازیر پوشش مدافع وی و نیز بیهانه جلوگیری از خونریزی بیشتر؛
پادرمیانی و میانجی گری میکنیم و وقتیکه با این طرق فکر مردم
را مغشوش و منحرف کردیم؛ بدرون دربار؛ نفوذ میکنیم و تا قدرت
آن را از بین نبریم؛ بیرون نخواهیم آمد!!!

۱۷۶

دنیا باز چه یهود

پادشاه یهودیان؛ پاپ واقعی جهان و رئیس کلیسای بین الملل خواهد
بود؛ ضمن اینکه جونان را با ادیان باستانی آشنا کرده؛ دین خود
را به آنان آموزش میدهم؛ اما آشکارا روی معایب کار کلیساهی
موجود انگشت نمیگذاریم؛ بلکه از طریق انتقادات حساب شده
بجنگ آنها میرویم تا مردم را از آنها جدا سازیم!!!
بطوری کلی؛ مطبوعات معاصر ما به انتقاد از امور دولت؛ مذهب
و بیکفایتی های غیر یهودیان ادامه میدهند و در نوشته هایشان
غیر اخلاقی ترین اصطلاحات و عبارات را بکار میگیرند تا بهر
وسیله ای که مقدور باشد؛ شان و منزلت آنان را تنزیل دهند و این
کار فقط از دست افراد با استعداد قوم هوشمند ما برمی آید!!!
پادشاهی ما از قداست و یشنو (خدای هندوها) میکند و در واقع تجسم شخصیت
اوست؛ ما چون و یشنو صد دست داریم و بر سر هر دست انگوشتی قرارداد
؛ که کلیه مارهای دستگاه حیات اجتماعی را در اختیار خواهیم گرفت و
و هریک پلیس رسمی؛ ناظر بر هر کاری هستیم و تدابیر اندیشیده ایم که

دولت های غیرعودی از فعالیت های مابی اطلاع بمانند!!!
طبق برنامه؛ یک سوم از افراد تحت سلطه؛ مراقب رفتار و اعمال
بقیه خواهد بود و این کار را بر اساس خدوت داوطلبانه خویش به
دولت؛ انجام میدهند؛ خبرچینی و جاسوسی برای دولت نتهانایسند
نیست؛ بلکه مایه افتخار هم هست؛ در عین حال اگر کسی گزارشی
بی اساس علیه دیگران بدولت بدهد؛ شدیداً مجزات خواهد شد؛
تا کسی نتواند از قدرتش سوء استفاده کند و از حق خود تجاوز نماید!
عوامل مان راهم از طبقه بالا و هم طبقه پایین مردم انتخاب میکنیم

دنیا باز چه یهود

۱۷۷

در این عوامل؛ مدیرانی که بکارهای تفریحی سرگرم هستند؛ سر
دبیرهای روزنامه ها؛ ناشران؛ صاحبان پایخانه ها؛ کتابفروش ها
منشی ها؛ فروشندگان؛ کارگران؛ مربیان ورزشی؛ خدتکاران و غیر وجود
دارد؛ این گونه افراد حق ندارند که خود سرانه دست بکار بزنند؛
همچنین پلیس؛ قدرتی از خود نخواهد داشت و کارش تنها مشاهده
کردن و گذارش دادن است؛ تحقیق در مورد گزارشات و توفیق افراد
بانظر مشاوران و گروهی که بکار پلیس نظارت دارند انجام میگردد
اگر کسی در مورد مسائل سیاسی؛ موضوع را مشاهده کرد و گزارش
نداد؛ مسئول خواهد بود و اگر تقصیری وی ثابت شود؛ بجرم کتمان
وقایع مورد بازخواست واقع خواهد شد!!!

همانگونه که برادران میان مسئول هستند تا با قبول خطر برای
خود؛ خویشاوندان مرتد خویش و نیز کسانی که علیه رهبران دینی
اقدام میکنند بمقامات مذهبی معرفی نمایند؛ در نظام شاهنشاهی

مأمردم سراسر جهان مسئول هستند که وظیفه خود را در این زمینه نسبت بدولت انجام دهند!!!

با اعمال چنین روشی؛ هرگونه سوءاستفاده از قدرت؛ زورگویی؛ رشوه خواری و از تمام اعمال ناپسندی از این قبیل که مشاوران ما بکمک تئوری های حقوق بشر بفرهنگ و آداب و رسوم غیر یهودیان تحمیل کرده اند؛ از بین خواهند رفت؛ اما چگونه ما زمینه را برای ایجاد بینظمی در ادارت آنان مساعد ساختیم؟! از میان روشهای گوناگون میتوان بهم ترین عامل؛ یعنی افرادی که

۱۷۸

دنیا باز چه یهود

بنام «ایجادکننده نظم» به ادارات نقوذ کردند؛ نام برد؛ این افراد در فرصت های مناسب بمتلاشی کردن وحدت و همدستی آنان میپردازند؛ و تمایلاتی چون سرسختی؛ غرور؛ خود بینی؛ عدم احساس مسئولیت و از همه بالاتر؛ دمدمی بودن را در آنان به وجود می آورند!!!

پروتکل شماره ۱۸

چون بسیار از توطئه گران فقط حرفهای توحالی میزنند؛ از این روتا زمانی که مرتکب فعالیت های آشکاری نشوند؛ دست رویشان نمیگذاریم؛ ولی افرادی را بنام ناظر؛ بمیان آنها میفرستیم باید بخاطر داشت که اگر دولتی بخواهد توطئه های راکه کشف میکند فاش نماید؛ از شان و جایگاه خود خواهد کاست؛ زیرا که این کار نشانه آن است که دولت بضعف خود اعتراف میکند اینک بی عدالتی شدید وجود دارد!!!

بخوبی میدانید که ما هر چند گاه یک بار؛ عوامل مان را زیر پوشش فعالیت های سیاسی بجان پادشاهان غیر یهودی انداخته ایم و شأن و اعتبار آنان را تنزل داده ایم؛ ما فرمانروایان غیر یهودی را وا داشته ایم تا اعلان کنند که تدابیری برای حفاظت خود بطور مخفیانه اندیشیده اند و بدین سان آنها را مجبور کرده ایم که بضعف خود اعتراف کنند؛ بدون شک بزودی ما قدرت ما فرمانروایان را خیلی مخفیانه حفاظت میکنیم؛ ولی نحوه حفاظت چندان چشم گیر و با اهمیت نخواهد بود؛ زیرا که نمیخواهیم اعتراف کنیم که

دنیابازچه یهود ۱۷۹

توطئه هایی در کار است و فرمانروا؛ قدرت برابری باین گونه توطئه هارا ندارد و نیز اعتراف نمیکنیم که فرمانروا؛ خود را از خطرات پنهان میکند!!!

اگر ما همچون غیر یهودیان که همواره پذیرفته و میپذیرند که خطر آنها را تهدید میکند؛ بپذیریم که خطریدر کار است؛ بدست خود سند مرگ فرمانروای مان را امضا کرده ایم؛ حال اگر این حقیقت در مورد فرمانروا صدق نکند؛ در فاصله ای چندان دور؛ جانشینانش صدق خواهد کرد!!!

حکومت بکمک ارعاب

سیمای ضاهری حکومت ما بگونه ای است که نشان میدهد فرمانورا تمام قدرتش را در جهت رفاه ملتش بکار میبرد؛ نه بخاطر حفظ منافع خود و خویشاوندانش؛ لذا وقتیکه مردم شاهد چنین رفتاری باشند؛ حکومتش بوسیله افراد تحت سلطه؛ حفاظت

خواهد شد و از ستایش های اغراق آمیز برخوردار خواهد بود؛ زیرا که رفاه هر شهروندی به اقتدار حکمت بستگی خواهد داشت؛ حفاظت فرمانروا بگونه ای اشکار؛ نشانه ضعف قدرت و مدیریت رهبر است؛ هنگامیکه فرمانروای ما میان مردم میرود؛ ظاهراً گروهی زن و مرد مشتاق (که در واقع محافظان) او را احاطه میکنند و صف اول دیدار کنندگان را تشکیل میدهند که بخاطر حفظ و نظم باید صفوف دیگران را بودن رعایت احترام به عقب زد این عمل فشار و ناراحتی مردمی را که برای دیدار او یورش می آورند؛

۱۸۰

دنیابازچه یهود

کاهش میدهد؛ اگر کسی در بین مردم خواست که عریضه ای بدست فرمانروا بدهد؛ کسانی که در صف اول قرار دارند؛ عریضه او را گرفته و در برابر چشمانش بفرمانروا میدهد تا بدانند که فرمانروا خود بر همه امور نظارت دارد؛ مردم همیشه باید بگویند: «اگر فرمانروا این را بداند با آن بکوشش برسد؛ چنین و چنان خواهند شد»

اگر سازمانی رسمی برای حفاظت فرمانروا تأسس شود؛ شأن و اعتبار او با اینکار از بین میرود و انگهی؛ شورش طلبان در انتظار فرصت میمانند تا بموقع؛ حمله خود را آغاز کنند؛ کسانی که علیه ما مرتکب جنایت شوند؛ پس از اینکه ظنمان بیقین مبدل گشت؛ آنها را بازداشت میکنیم و اجازه فرار به آنان نمیدهیم کسانی که در زمینه مسائل سیاسی مرتکب جرم شوند؛ باید انگیزه آنها را جویا شویم؛ زیرا که هیچ کس نباید دخالت در مسائل سیاسی را

حق خودبداند و این تنها دولت است که با همه مسائل آشنایی دارد
... البته همه دولت ها از ماهیت واقعی سیاست سردر نمی آورند!!!

پروتکل شماره ۱۹

اگر از ابزار هرگونه نظریه ای مستقل؛ در زمینه مسائل سیاسی؛
جلوگیری نکنیم؛ بدون شک مردم را تشویق خواهیم کرد که گزارش
پیشنهاد؛ طرح و پروژه های برای بهبود شرایط زندگی خود
بدولت ارائه بدهند؛ البته اینکار بنوبه خود موجب خواهد شد که
ما بمعایب و محاسن پیشنهادات افراد تحت سطة خود پی بریم و

دنیابازچه یهود

۱۸۱

بیکی از دو طریق زیر به آنان پاسخ بگوییم یا اینکه پیشنهادات
آنها را به اجرا در آوریم یا اینکه ضمن نشان دادن کوتاه بینی ها
و قضاوت های نادرستشان؛ نظرات آنها را رد کنیم!!!

شورش علیه دولت؛ بپارس کردن سگ در برابر فیل میماند؛ زیرا که
دولتی که از نظر مردم نه از نظر پلیس؛ خوب سازمان یافته باشد؛
به اینگونه شورش ها اهمیتی نمیدهد؛ از این رو برای نشان دادن
اهمیت اینگونه شورش ها مثالی بهتر از زوزه سگ در برابر فیل
نمیتوان یافت؛ زیرا که وقتی که سگ بوضوح فیل را دید؛ زوزه اش
را قطع میکند و دمش را تکان میدهد!!!

مامنهای کوشش مان را بکار میبریم و امدهواریم که غیره یهود
یان بمخافت ما برنخیزند و شورش راه نیندازند بهمیم دلیل مادر
مطبوعات اعلام خواهیم کرد؛ کسانی که بخاطر خیر و رفاه عمومی
با شورشیان درگیر شوند و بمیراند؛ شهید تلقی میشود و با این

کارما هزاران نفر از غیر یهودیان را بگله خدمت کاران خود
افزوده ایم!!!

پروتکل شماره ۲۰

امروز درباره مسائل مالی؛ که من آن را بپایان این گزارش موكول
کرده ام و در عین حال بخش اعلاى برنامه هایمان را تشکل
میدهد؛ صحبت میکنم قبل از اینکه وارد بحث شوم خاطر نشان
می سازم که یک بار اشاره ای کردم و گفتم: که ماتمام فعالیت
هایمان را با اعداد و ارقام نشان میدهیم!!!

۱۸۲

دنیابازچه یهود

هنگامیکه حکومت شاهنشاهی مسشتقا ما آغاز شد؛ از تحمیل
مالیات های سنگین بردوش توده مرزدم پرهزمیکنیم؛ اما چون
دولت هزینه های سنگین دارد؛ برای اداره امور بیول نیاز داریم
بهمین دلیل برای ایجاد تعادل در این زمینه باید خیلی محتاطانه
عمل کنیم!!!

در نظام حکومتی ما؛ شاه قانوناً مالک همه اموال دولت است
(میتوان این موضوع را بسادگی از قوه بعمل در آورد) و میتوان
بنظور بجریان انداخت پولها؛ تمامتمام وجوه موجود را ضبط کند
بدنبال این اقدام؛ میتوان باوضع مالیات تصاعدی بردارایی؛ دیون
را پرداخت کرد؛ بدون آنکه بر اثر وصول در صد معینی از دارایی
مردم به عونان مالیات؛ فشار یازیانی بر افراد وارد شود؛ ثروتمندان
باید بدانند که وظیفه آنان ایجاب میکند که قسمتی از دارایی خود

را در اختیار دولت بگذارند؛ زیرا که دولت مالکیت باقی ثروتشان را محترم شمرده و شرافتمندانه سود بردن آنها را تضمین میکند؛ اینکه می‌گوییم: شرافتمندانه منظور این است که دولت با نظارت بردارایی؛ از غارت قانونی جلوگیری میکند؛ اصلاحات اجتماعی باید از بالا صورت گیرد؛ زیرا که اصلاح اجتماعی؛ یکی از شرایط ضروری برقراری صلح است!!!

تحمیل مالیات بر مردم فقیر، برای دولت خطراتی در بردارد و بمتابۀ کاشتن بذر انقلاب است؛ کسیکه در شکار بدنبال صید کوچک میرود صید بزرگ را از دست میدهد؛ صرف نظر از این موضوع؛ اخذ مالیات از سرمایه داران بزرگ مانع تراکم ثروت نزد افراد میشود؛ و ما

دنیا باز چه یهود

۱۸۳

تا امروز آن را عامل متعادل کننده و نگه دارنده غیر یهودیان (مسائل مالی آنها) دانسته ایم!!!

مالیات تصاعدی بنسبت سرمایه؛ منبع درآمد عمده‌های برای دولت بشمار میرود و بمراتب بهتر از مالیات کنونی است که از افراد وصول میشود؛ ما امروز وصول اینگونه مالیات را موجه میدانیم؛ زیرا که مشکلات و تنگناهای زیادی برای دولت‌های غیر یهودی بوجود می‌آورد؛ تأکید پادشاه قوم ما بر آن خواهد بود که تعادل اقتصادی و صلح؛ هر دو تضمین گردد؛ برای آنکه این دو منظور برآورده شود؛ سرمایه داران باید بخشی از درآمد خود را بدولت و گذار کنند تا بدین سان چرخهای ماشین دولت بخوبی و با اطمینان کامل حرکت درآید نیازهای دولت باید بوسیله کسانی برآورده شود که اگر از ثروتشان

چیزی برداشته شود؛ فشاری احساس نکنند چنین اقدامی (کمک سرمایه داران بدولت) موجب میشود که نفرت فقیر نسبت بثروتمند زایل گردد؛ زیرا که فقیر میبیند که ثروتمند برقرار کننده صلح و رفاه است و نیز میبیند که ثروتمند بسیاری از دولت را از طریق کمک مالی بر آورده میکند؛ برای آنکه مالیات دهندگان وابسته بوظیفه تحمیل کرده؛ از پرداخت مالیتهای جدید اساس فشار و ناراحتی نکنند؛ باید حساب ما را بطور دقیق به اطلاع آنها رساند تا بدانند که وجوه پرداختی بچه مصارفی رسیده است؛ البته صورت حساب های مخارج دربار و سایر مؤسسات اداری از این قاعده مستثنی خواهد بود!!!

اگر کسیکه فرمانروایی میکند؛ هیچ گونه ثروت و اموالی نخواهد

داشت؛ زیرا که از سویی مالک همه اموال و اداری دولت است و از سویی دیگر چنانچه ثروتی بیندوزد؛ خود را از دیگران متمایز ساخته است؛ به علاوه مالکیت فردی حاکم؛ موجب اضمحلال و نابودی مالکیت عمومی میگردد؛ البته خویشاوندان فرمانروا از این قاعده مستثنی بوده و میتوانند اموال داشته باشند؛ اما کسانی که از منابع مالی دولت استفاده میکنند باید بصف خدمت گزاران دولت در آیند؛ در غیر این صورت باید صرفاً از طریق کار کسب داشتن قرابت با خانواده سلطنتی نباید باعث حیف و میل در اموال دولت گردد!!!

کسانی که اقدام بخرید چیزی میکنند و یا ارثی از بستگان خود می

برند؛ مشمول پرداخت مالیاتی تصاعدی بنام حق ترم میشوند؛ انتقال دارایی خواه بصورت نقدی باشد و خواه غیر نقدی؛ بدون ارائه شواهدی دال بر پرداخت این نوع مالیاتای؛ انتقال بطریق ثبتي صورت ميکيرد؛ مالک قبلي اموال را بپرداخت مالیات از لحظه انتقال تا کشف واقعه؛ مکلف میکنند سند انتقال اموال که نام؛ نام خانوادگی و محل سکونت مالک قدیم و جدید در آن مندرج است؛ هر هفته باید به اداره خزانه داری محل ارائه گردد؛ اکنون میتوانید؛ تخمین بزنید که چه درآمد سرشاری از این گونه مالیات هارا میتوان از کشورهای غیریهودی وصول کرد!!!

خزانه دار دولت موظف است که ذخاری مالی و مبلغ مازاد بر ذخایر را که باید برای گردش وارد بازار شود تعیین و تنظیم کند؛ بکمک این گونه منابع مالی؛ دولتی کارهای عام المنفعه انجام دهد و بدین

دنیابازچه یهود

۱۸۵

سان منافع طبقة کاگر بامناف دولت و کسانیکه فرمانروایی میکنند پیوند میخورند؛ به علاوه از این وجوه نیز مبالغی برای کارهای ابداعی تولیدی کنار گذاشته میشود!!!

بهیچ عنوان نباید وجهی مازاد بر ذخایر بر آورده شده مورد نیاز در خزانه دولت را کد بماند؛ زیرا که پول باید در گردش باشد و راکد گذاشتن پول؛ ماشین دولت را بوضع اسباری از کار می اندازد؛ به عبارت دیگر؛ گردش پول مثابه عاملی است که چرخ های ماشین دولت را روان میکند و از توقف آن جلوگیری مینماید!!! استفاده از اوراق بهادار در امور معاوضه و پرداخت؛ موجود موجب

رکود گردیده است و نتیجه این اوضاع و احوال؛ امروزه بطور وضوح دیده میشود؛ مؤسسه ای بنام دیوان محاسبات تأسس می کنیمتا فرمانروا میتواند صورت حساب درآمدهای مملکت را به استثنای حساب ماه جاری و ماه قبل از آنکه ب دیوان محاسبات گزارش نشده اند؛ در هر لحظه ای که بخواهد؛ ملاحظه کند!!!
تنها کسیکه علاقه ای بچپاول اموال دولت ندارد؛ مالک آن؛ یعنی فرمانروای دولت است؛ بهمین دلیل نظارت شخصی فرمانروا امکان هرگونه کسری نامعقول ولی را از بین میبرد؛ تشریفات دربار و پذیرفتن اشخاص که موجب تلف شدن وقت گران بهای فرمانروا میشوند؛ حذف خواهد شد تا وی وقت کافی برای نظارت و بررسی امور داشته باشد؛ به علاوه قدرتش میان فرصت طلبانی که بخاطر شکوه و جلالش او را احاطه کرده و صرفاً بمنافع خویش فکر میکنند تا منافع دیگران تجریه و تقسیم نخواهد شد!!!

با خارج کردن پول از گردش؛ غیریهودیان را با بحران اقتصادی مواجه نموده ایم؛ به عبارت دیگر؛ سرمایه ها و پول های فراوانی را که متعلق بدولت های غیریهودی است؛ دچار رکورد کردیم؛ مثلاً سرمایه هایی که بابت اینگونه وام ها پرداخت میشود؛ می شود؛ بار مالی این دولت ها را سنگین کرده و در واقع دولت ها برده اینگونه سرمایه ها میشوند؛ تمرکز صنعت در دست عده معدودی از صاحبان صنایع؛ شیره جان ملت ها را مکده است!!!
در حال حاضر؛ انتشار پول بطور کلی با نیازهای افراد متناسب

نیست و احتیاجات کارگران و کارکنان را جواب گونمی بشد؛ از این رو انتشار پول باید با رشد جمعیت هماهنگ بوده و کودکان نیز از همان لحظه تولد؛ مصرف کننده پول بحساب آیند؛ انتشار پول یک مسئله مالی است که باید در سطح جهان مورد بررسی قرار گیرد!!! همان گونه که آگاهید؛ کشورهای که طلا را به عنوان پشتوانه پولشان پذیرفته اند؛ با نابسامانی هایی مواجه هستند؛ زیرا که نمی توان نیاز روز افزون بیول را ارضاء کند؛ البته ما تا آنجا که توانسته ایم طلا را از گردش خارج ساخته و آن را بسود خود برداشتیم!!!

ما معتقدیم که بها و ارزش کار آدمی باید به عنوان پشتوانه پول پذیرفته شود خواه این ارزش بصورت کاغذ عرضه گردد؛ و خواه بصورت چوب؛ برای آنکه انتشار اسکناس را بانیا زهای طبیعی افردهماهنگ سازیم؛ باید شمار افراد مولد شده را بجمعیت افزوده و میزان و میر را از کل جمعیت کم کنیم؛ هر اداره ای حساب های خاص خود را تنظیم میکند؛ برای آنکه تأخیری در پرداخت پول

دنیابازچه یهود

۱۸۷

های مورد نیاز دولت رخ ندهد؛ مبلغ زمان پرداخت پولها طبق دستور فرمانروا مشخص خواهد شد؛ این کار باعث میشود که وزارتخانه با مؤسسه ای بمؤسسات دیگر خسارات مالی وارد نکند بودجه درآمدها و هزینه ها بگونه ای در کنار هم تنظیم و عرضه میگردد که هیچ گونه ابهامی در این مورد وجود نداشته باشد!!! دیگرگونی هایی که ما در مؤسسات غیریهودیان ایجاد میکنیم؛ بگونه ای خواهد بود که کسی متوجه خطر نمیشود؛ ما بدولت های غیریهودی خاطر نشان میکنیم که دولت های آنها بدلیل بی

نظمی و ابهام در امور مالی؛ احتیاج بتحولانی در این زمینه دارند
نخستین بینظمی و نابسامانی ای را که ما به آنها یادآور میشویم؛
تنظیم بودجه های آنهاست که سال بسال اقدام بتنظیم آن میکند؛
البته آنها نخست بوجه شش ماه اول سال را تنظیم میکنند؛ سپس
هزینه هایی سه ماه بعد را برآورده مینمایند و سرانجام بیک بود
جه نیاز پیدا میکنند؛ سال بعد که اقدام بتنظیم بودجه میکنند آنها پنجاه
درصد بودجه سال قبل افزایش مییابد و بدین سان بودجه آنها سال
بسال اضافه میشود و دیری نمی یابد که خزان؛ آنها خالی میگردد
و بهره دیونشان بطور ناگهانی ترقی میکند و سرانجام دچار ورشکستگی
میشود؛ کاملاً آگاهید که مقررات مالی و اقتصادی که مابه غیر یهودیان
پیشنهاد میکنیم هرگز بوسیله خودمان اجرا نخواهد شد!!!

وام خارجی

مرگونه وامی برای دولت مانوعی ضعف بیارمی آورد قرض ها
چون شمشیر «داموکلس» بر روی سرفرمانروایان آویزانند؛ این

۱۸۸

دنیا باز چه یهود

گونه فرمانروایان بجای آنکه برای پرداخت دیون؛ ملیات های
موقت از مردم بگیرند؛ دست تکدی خود را بسوی بانگ داران
ما دراز میکنند و وام های خارجی چون زالو بردولت می چسبند
و شروع بمکیدن خون میکنند و سرانجام پای دولت را از پای در
درمی آورند پای خود در اثر مکیدن خون فراوان از پیگردولت
کنده میشوند؛ اما دولت ها اینگونه زالوها را از تن خویش جدا
نمیکند؛ یعنی آنکه آن قدر بگرفتن وام ادامه میدهد که سرانجام

در اثر از دست دادن خون فراوان آنهم بنا برخواست خود از پای در می آیند!
براستی اصل و ماهیت وام؛ بویژه وام خارجی چیست؟! وام خارجی
مسئله ای است که بدولت مربوط میشود و آن شامل سفته و سند
است که وام گیرنده متعهد میشود که متناسب با سرمایه (مبلغ وام)
درصد معینی بوام دهنده بهره بپردازد؛ میزان بهره در طول چهل
سال؛ دو برابر و در طول شصت سال سه برابر کل سرمایه خواهد
رسید و آنچه در این میان بصورت پرداخت نشده باقی میماند اصل
سرمایه است؛ اینگونه محاسبات نشان میدهند که دولت با وضع
مالیات های گوناگون پولهای مردم فقیر را بمنظور تسویه حساب
با سرمایه داران خارجی تلمبار کرده و بجای اینگونه پولها را در
جهت رفع نیاز مندیهای خود مصرف کند؛ بابت بهره وامهای خارجی
هدر میدهد تا زمانی که وامهای داخلی رایج بودند؛ غیر یهودیان
فقط پول فقرا را بجیب ثروتمندان می ریختند؛ اما از وقتیکه ما وامهای
خارجی را مرسوم ساخیم؛ ثروت ملت ها بسوی صندوقهای پول
مان سر از برگشت و غیر یهودیان شروع پرداخت باج بیا کردند!!!

دنیا باز چه یهود

۱۸۹

سطحی فکر کردن فرمانروایان غیر یهودی در زمینه مسائل مالی
رشوه گیری وزیران و آشنا نبودن مقامات مسئول با مسائل مالی
موجب گردیده اند که ممالک غیر یهودی زیرا که بار بودن دیون ما
که پرداخت آنها بسادگی مقدور نیست؛ بروند!!!
ما پولهای مان را راکد نمیگذاریم و نیز اوراق قرضه منتشر نمیکنیم
مگر اوراقی که بهره آنها یک درصد باشد؛ همچنین وام بهره دار

نمیگیریم و بر با خواران اجازه نمیدهیم که چون زالوخون دولت را بکند؛ ضمناً اجازه انتشار و استفاده از اوراق را منحصرأً به کمانیهای صنعتی مبدعیم زیرا که اینگونه کمپانیها از سود سرشاری که عایدشان میشود بهره خرید اینگونه اوراق را بودن آنکه فشار احساس کنند؛ میتوانند بپردازند؛ ولی به عکس کمپانیها و دولت پولی ایی را که به عنوان قرض میگیرند؛ بجای معامله کردن و سود بردن آنها را بلا فافصه خرج میمند!!!

بجای آنکه دولت از مؤسسات صنعتی وام بگیرد و بهره وام را بپردازد؛ منفعت اینگونه مؤسسات را بصورت وام دریافت میناید و از راکد ماندن پول و سود جویی نامطلوب میکند!!!

غیریهودیان بی آنکه بیندیشند؛ از ما وام میگیرند و به این ترتیب علاوه بر سرمایه؛ مبلغی هم به عنوان بهره وام ها پرداخت می کنند؛ این عمل؛ عقب ماندگی ذهن و کوتاهی فکر آناه را بوضوح نشان میدهد؛ چه راهی ساده تراز این وجود دارد که آنها پول مورد نیاز دولت را زملت بگیرند؛ یکی از نشانه های ذکاوت

و هوش قوم برگزیده ما این است که مسئله وام ما را بنحوی به غیریهودیان عرصه کرده ایم که آنها فکر میکنند وام گرفتن امتیازات فروانی برایشان در بردارد!!!

هنگامیکه زمان موعود فرا رسید؛ سبستم حسابداری مان را عرضه میکنیم تا هر کسی بتواند در یک نگاه کوتاه؛ وضع دقت و ابداعات مان را در زمینیه حسابداری ملاحظه کند؛ البته اینگونه پیشرفت

ها معلول تجربیاتی است که ما روی دولت های غیر یهودی به عمل می آورده ایم؛ اما هنگامیکه شاهنشاهی مان آغازگشت به آن دسته از سوء استفاده هایی که در زمان تسلط مان بر غیر یهودیان رایج بوده؛ خاتمه میدهیم!!!

ستستم حسابداری مان را بگونه ای تحت کنترل و نظارت قرار میدهیم که از فروانروا گرفته تا خدمت گزار حوزه؛ هیچ کدام نتواند پس از اینکه برنامه کارها مشخص شد؛ در نحوه کمترین وجه از وجوه دولت؛ تغییری ایجاد کنند؛ همان گونه که گام نهادن بدون توشه در راهی نامعلوم؛ قهرمانان و نیمه خدایان را با شکست مواجه میکند؛ حکومت کردن نیز بدون داشتن برنامه ای مشخص غیرممکن است! هنگامیکه فروانروایان غیریهودی از مامشورت میخواهند برنامه هایی برایشان طرح میکنیم که بیشتر وقتشان صرف تشرفات درباری؛ پذیرفتن نمایندگانه و سرگرمی ها بشود و از اداره امور بازمانند؛ بودجه های تشریفات درباری را عوامل مان برایشان تنظیم میکنند و به امد اینگونه در آینده

دنیا باز چه یهود

۱۹۱

وضع اقتصادی شان بهتر خواهد شد؛ آنها را ارضی نگه میداریم چگونه اقتصاد ایشان بهتر خواهد شد؟! از طریق مالیات های جدید؟! این سوءعالات برای آنها مطرح خواهد بود؛ ولی اگر کسی هاوپرژه های ما را بخواند نیازی بسؤال کردن نخواهند داشت! شما اینک میدانید که چگونه بیدقت بارآمده اند و چگونه نابسامانی های مالی

شان به اوج خود رسیده است و نیز چگونه صنعت شان دوام نخواهد آورد!!!

پروتکل شماره ۲۱

می خواهم به آنچه در آخرین جلسه بشما گزارش کردم؛ تفسیر مفصلی پیرامون وام های داخلی اضافه کنم؛ در باره وام های خارجی چیزی نمیگویم؛ زیرا که دولت ما به علت تغذیه و استفاده از پولهای کشورهای غیریهودی؛ احتیاجی بوام خارجی ندارد!!! پول های مازاد بر احتیاج مان را بکشور غیر یهودی وام میدهیم و با استفاده از رشوه خواری مدیران و اهمال و ندانم کاری فرمانر و ایان اینگونه هماهنگ؛ دوتاسه برابر پول هایمان را پس میگیریم؛ آیا کسی میتواند در حق ما چنین کند؟! از آنجا که ما وام خارجی نمی گیریم؛ بنابراین من فقط بذکر جریات وام های داخلی میپردازیم!!! دولت های غیریهودی اعلام میکند که مردم میتوانند از طریق خرید اوراق قرضه بدولت وام بدهند؛ قیمت اینگونه اوراق هم در حدی خواهد بود که همه قدرت خرید آنها را داشته باشند؛ بکسانیکه روزهای اول برای خرید اقدام کند؛ تخفیف های داده میشوند؛ اما

روزهای بعد قیمت ها بطور مصنوعی بالا میرود و دلیل بالا رفتن قیمت ها؛ تقاضا و هجوم بیش از حد مردم اعلام میگردد؛ پس از چند روز دولت ها اعلام میکنند که خزانه مملو از پول است و تقضا برای خرید اوراق نیاز است؛ سرانجام دولت ها ب مردم میگویند:

که بسفته هایی که از دولت خود دارند؛ باید اعتماد کرد و در صورت تمام
قضایا در همین نکته آخر نهفته است!!!

هنگامیکه به اصطلاح جرای نمایش کمدی پایان یافت؛ دولت ها
در برابر وام های که روز بروز بار آنها سنگین تر میشود؛ قرار می
گیرند و ناگزیر میگردند که برای پرداخت بهره اینگونه وام ها جدیدی
دست و پا کنند؛ اما وام های جدید تنها صرف پرداخت وام های
قدیم نمیشود؛ بلکه به اصل وام های قبلی اضافه میگردد؛ به
علاوه وقتیکه اعتبارات موجود مصرف شد؛ دولت ها ناگزیر می
شوند که از طریق وضع مالیات های جدید؛ اقدام بپرداخت وام ها
کنند؛ در واقع اینگونه مالیات ها وامی هستند که وام دیگری با آن
پرداخت میشود!!!

پس از مدتی بدارندگان اوراق قرضه اعلام میشود؛ در صورتی که
حاضر شوند بهره اوراق خریدار شده را کاهش دهند؛ میتواند اوراق
شان را تبدیل کنند؛ البته این کار بدون رضایت وام دهندگان پذیر
نیست؛ از این رو؛ دولت به آنان پیشنهاد میکند؛ در صورت داشتن
تمایل به اینکار میتوانند پول های خود را دریافت کنند؛ حال اگر
همه پس گرفتن پول های خود مراجعه کنند؛ دولت گرفتار و در مانده
خواهد شد؛ و قادر بپرداخت مبالغ پیشنهاد شده نخواهد گردید!!!

دنیا باز چه یهود

۱۹۳

خوش بختانه دولت مردان غیر یهودی؛ چیزی درباره مسائل
مالی نمیدانند و در معوضه و مبادله سهل گیرند و به امید سرمایه
گذاری های جدید از بهره هایشان چشم پوشی میکنند!!!

غیریهودیان که امروزها ما وام خارجی میگیرند؛ نمیتوانند این گونه حيله هارا عليه ما بکار ببرند؛ زیرا که میدانند که اگر بخواند در این مورد اقدام کنند ما پول های مان را پس میگیریم!!! وقتیکه بین منافع مردم و حکام ممالک؛ اشتراک؛ و رابطه ای وجود نداشته باشد؛ ورشکستگی اینگونه دولت ها اجتناب ناپذیر است! از شما خواهش میکنم که به این نکته دقیقاً توجه کنید؛ امروزه تمام قرض های داخلی؛ قرض هایی هستند که موعده پرداخت آنها کم و پیش نزدیک است و معمولاً این گونه وام هارا بقسمت پس انداز پاک ها ذخیره پولی واریز میکنند حال اگر این پول ها برای مدتی طولانی در اختیار دولت باشد؛ دولت میتواند با آنها بهره و وام های خارجی را پرداخت کند و از سنگینی بار آنها بکاهد این اقدام بسیاری از به اصطلاح چکه های خزانه داری دولت های غیر یهودی را میبندد!!!

هنگامیکه بفرمانروایی جهان رسیدیم؛ تمام اینگونه مقرراتی را که با منافع ما هماهنگ نباشد؛ از پیش پای خویش برنیداریم و تراشه ها و بقای آنها را پاک میکنیم؛ حتی بازار سهام و بورس بازی را از بین می بریم و اجازه نمیدهیم که نوسان قیمت ها و ارزش های متغیری که روی کالا گذشته میشوند؛ بشان و جایگاه قدرت مان لطمه ای وارد کنند؛ طبق قانون؛ بهای هر چیزی را طوری تعیین

میکنیم که نشان دهنده واقعی قیمت تمام شده آن چیز باشد و قیمت کالا بالا و پایین نرود!!!

بجای بازار سهام و بورس؛ مؤسسات اعتباری وابسته بدولت تأسس
میکنیم؛ هدف اینگونه مؤسسات آن است که قیمت کالاهای صنعتی
را مطابق باخواست و نظر دولت تثبیت کنند؛ شما میتواند تصور
کنید که چه قدرت عظیمی را میتوانیم به این وسیله برای خود
کسب کنیم!!!

پروتکل شماره ۲۲

در خلال گزارش های که بشما داده ایم؛ کوشش کرده ایم که با دقت
اسرار وقایع گذشته؛ آینده؛ وقایع کنونی که مروند تاجریان های
بزرگ تاریخ ملحق شوند و همچنین اسرار روابط مان را با غیر
یهودیان و نیز عملکرد میائل مالی را برایتان ترسیم کنم؛ ضمناً
مبحث کوتاهی را که باقی مانده است؛ اضافه مینمایم؛ ما بزرگ
ترین قدرت عصر؛ یعنی طلا را در اختیار داریم و در طول دوروز
میتوانیم هر اندازه که بخواهیم؛ از انبارهای مان طلا خارج کنیم!!!
مطمئناً احتیاجی نیست که بیش از این استدلال کنیم که خداوند
مقدر کرده است تا بر جهانیان فروانروا باشیم مطمئناً احتیاجی
نیست که ثابت کنیم تمام بدی هایی را که مرتکب شده ایم همگی
وسلیه های بوده اند تا از آنها برای رسیدن به هدف های مان که
همانا رفاه واقعی و برقراری نظم است؛ کمک بگیریم؛ ثابت خواهیم
کرد که مددکارانی هستیم که آرامش را بزمنی که متلاشی شده
دنیا باز چه یهود

۱۹۵

است؛ برمیگردانیم و آن را بمحل صلح و آرامش مبدل میکنیم!!!

همچنین آزادی و خوشبختی انسانها را به آنان بازگردانیم بشرط آنکه قوانینی را که وضع کرده ایم؛ دقیقاً رعایت کنند؛ یادآور می دهیم که آزادی؛ فرد بهیچ وجه در ایراد سخنانی بمنظور تحریک توده های لجام کسیخته نیست؛ بلکه آزادی یعنی پرهیز از خشونت و اطاعت دقیق از قوانین زندگی!!!

قدرت شکوهمند ما قادر است که حکمت را بدست گیرد و بشر را هدایت کند؛ کار ما سخن سرایی و سر هم کردن کلمات نامفهوم نیست؛ قدرت ما بگونه ای است که هرکسی را و میدارد تا با احترامی توأم با ترس در برابر عطش زانو بزند!!!

ترو تکل شماره ۲۳

{در حکومت جهانی خود} برای آنکه مردم به اطاعت کردن عادت کنند؛ باید درس قناعت و به آنان آموخت؛ معنای این سخن آن است که از تولید اشیاء لوکس باید جلوگیری کرد؛ زیرا که بمدد این کار میتوانیم مسائل اخلاقی را که بسبب رقابت در مصرف اشیاء لوکس متزلزل گردیده اند اصلاح کنیم!!!

تأسیس کارگاه های تولیدی کوچک که بمعنای کار گذاشتن بمب؛ زیرپای سرمایه های خصوصی است را؛ دوباره از سر بگیریم؛ زیرا صاحبان مؤسسات تولیدی بزرگ اگرچه؛ نهمیشه آگاهانه افکار توده ها را علیه مصالح دولت برمی انگیزند؛ کارفرمایان مؤسسات تولیدی کوچک؛ چیزی درباره بیکاری نمیتوانند و کارگران را با

مقررات دولت آشتی داده قدرت دولت ما بشمار میرود؛ البته زمانی که ما قدرت برسیم؛ نقشه های لازم در این زمینه به اجرا درخواهد آمد؛ همچنین شراب خوری را طبق قانون ممنوع اعلام میکنیم؛ کسیکه مشروب میخورد؛ تحت تأثیر الکل حیوانی درند مبدل می گردد؛ از این رو ما این را جنایتی علیه بشر تلقی کرده و شراب خوار را مشمول مجازات قرار مدهیم؛ یک بار دیگر تکرار میکنیم؛ افراد تحت سلطه؛ از فرد قوی دستی که هیچ گونه وابستگی و اتکایی به آنها ندارد؛ کورکورانه اطاعت میکند؛ زیرا که او را شمشیر دفاع و حامی اجتماع در برابر ناپسمانی ها میدانند؛ این افراد از پادشاهی که روحی ملکوتی در بدن دارد؛ چه انتظار دارند؟! جوامعی که ما اخلاقیات را در آنها از بین برده ایم؛ وجود خدا را نفی میکنند و از آنها شعله ایاتش هرج و مرج طلبی (آناشیسیم) بهر سوزبانه میکشد؛ از این رو فرمانروای عظیم السان صحنه اینگونه جوامع را از وجود فرمانروایان کنونی پاک خواهد کرد به علاوه فرمانروا موظف است که اینگونه جوامع را پس از نابودی؛ جان تازه ای ببخشد و خون تازه ای در رگهای آنها بجریان اندازد تا بصورت جوامع منظمی در آیند و چون سربازانی جنگ جو بمبازه با آلودگی هایی که ممکن است پیکر دولت را مجروح نمایند؛ برخیزند کسیکه از جانب خداوند شده است؛ مأموریتی آسمانی دارد تا نیروهای کورو ناآگاهی را که بفرمان غیرزه و امیال و نه بفروان عقل؛ دست اندر کار؛ متلاشی کند؛ این نیروها هم اکنون بصورت چپاول و انواع دیگر خشونت و بزهکاری و نیز

زیرماسک اصول آزادی و حقوق بشر؛ تجلی میکنند؛ این بیروها تقریباً همه نوع نظم اجتماعی را بهم زده اند و زمینه را برای استقرار حکومت پادشاه یهود فراهم ساخته اند؛ اما زمانی که پادشاه یهود؛ شاهنشاهی خویش را آغاز کرد؛ نیروهای دیگر نقشی نخواهد داشت؛ البته لازم است که آنها از سر راه پادشاه برداریم بقایای آنها را برجای نگذاریم! آنگاه ب مردم جهان میگوییم: خداوند را شکر گزار باشید و در برابرش که سرنوت انسان را رقم میزند و نیز برابر کسی که خداوند ستاره بختش را هدایت کرده است؛ زانو بزنید؛ زیرا که کسی غیر از او نمیتواند ما را از فشارها و بدی ها که قبلاً از آنها یاد کردیم؛ رهای بخشد!!!

پروتکل شماره ۲۴

تعلیم دادن آیین مان به آخرین ضربه حضرت داوود روی زمین؛ طلبی است که من اکنون آن را بشما عرضه میکنم:

کانسرو تسیم (۱) که حکمای اندیشمندان را عامل هدایت و پرورش فکر تمام بشریت میدانند؛ قبل از هر چیز باید جزء برنامه آموزش باشد! گروه معینی از نسل داود شاه و وارثین او را بر اساس قرابت؛ بلکه بر اساس استعداد و توانایی پیاده کردن مسائل اسرار آمیز سیاسی در زمینه مملکت داری؛ آماده و انتخاب میکند؛ بشرط آنکه هیچ کس جز فرمانروا از اسرار سیاسی سر در نیاورد؛ هدف این روش آن است که نمیتوان حکومت را بکسانیکه از مسائل سری آگاه نیستند؛ محول کرد؛ به اینگونه افراد (فرمانروایان) یاد داده میشود

که بر اساس مقایسه تجربیات گذشته؛ مشاهده تحولات سیاسی اقتصادی و نیز کمک علام اجتماعی؛ برنامه هایی را که قبلاً ذکر کردیم؛ پیاده کنند؛ خلاصه آنکه روح قوانین لایتغیری که طبیعت خودش وضع کرده است تا افراد طبق آنها با هم رابطه برقرار کنند؛ برهبران آموخته میشود!!!

۱- کانسروتسیم (Conservative Judaism) شاخه ای از یهود است که بعضی از قسمت های تورات را تغییر داده و تسلیم و اطاعت محص در برابر قدرت رهبران مذهبی (ربی) را خواستار است؛ به علاوه تغییر پاره ای از عبادات و مراسم مذهبی را مطابق با نیازهای زمان مجاز میدانند!!!

اگر این فراد هنگام آموزش؛ ضعف؛ نرمش و سایر خصوصیتی که موجب تزلزل قدرت میشود؛ از خود نشان دهند؛ آنگاه عامل وراثت نادیده گرفته میشود و این عامل شرط لام برای جلوس بر تخت شاهی بحساب نخواهد آمد؛ زیرا که فردی که دارای صفات بالا باشد از عهده اراده مملکت برنخواهد آمد و پادشاهی اش خطرناک خواهد بود؛ کسانی که با قاطعیت عمل کنند؛ حتی اگر بی رحم هم باشد؛ حکمای اندیشمند ما زمام فرمانروایی را به آنان میسپارند در مواردی که شاهان ضیف اراده و یا هر نوع بی کفایتی دیگری از خودشان بدهند؛ باید طبق قانون؛ زمام فرمانروایی را بدستهای توانای دیگر بسپارند! برنامه کارشاه از زمام حاضر تا آینده موعود؛ برای همه یوشیده و مکتوم خواهند ماند؛ حتی برای کسانی که خود را نزدیک ترین مشاور او میخوانند؛ تنها خودشاه و سه تن کفیل وی میانند که در آینده چه وضعی پیش خواهد آمد؛ شخص شاه؛ اراده خلل ناپذیرش مسلط بر خود دولت است؛ و همان

گونه که سرنوشتش از دیران متمایز است؛ کسی نمداند بامنش و خلق و خویی که دارد؛ آرزوی رسیدن بچه هدف های را در سر میپروراند و لذا کسیکه راهی را نمی شناسد؛ جرأت سد کردن آن راه را پیدا نخواهد کرد!!!

استنباط ما این است که توتنایی و ظرفیت ذهن شاه باید با برنامه های دولت متناسب باشد؛ بهمین دلیل تا امتحاناتی را که بوسیله حکمای اندیشمندان از وی به عمل می آید؛ نگذارند؛ نمیتواند بر تخت شاهی جلوس کند!!!

برای آنکه مردم شاهشاه را بشناسند و وی را دوست داشته باشند وی باید در میان و محل هایی که افراد برای مبادله افکار کرد هم می آیند؛ حضور پیدا کرده با مردم بگفت و گو بپردازد؛ اینکار باعث وصلت و نیروی (شاه مردم) میشود که ما اکنون آنها را از طریق ایجاد رعب و وحشت از هم جدا کردیم!!!

ادامه اینگونه رعب و وحشت تازماتی که هر دو نیرو بطور جدا گانه زیر سلطه ما در آیند؛ امری اجتناب ناپذیر و ضروری است!!! پادشاه یهودیان نباید پیر و عواطب و امیالش باشد؛ و نیز باید به غرایز و عواطب تندوتیز خویش اجازه ندهد که بهر علتش غلبه کند؛ زیرا که پیروی از عواطب؛ بدتر از هر چیزی نظم ذهن را از بین میبرد؛ آدمی را بیدقت بار می آورد فکر را بی رحمانه ترین فعالیت ها و او می دارد!!!

شاه عظیم السان؛ حامی و پشتیبان انسان و ذریه مقدس حضرت داود؛ باید تمام خواست ها و تمایلاتش را فدای مردم کند؛ او باید نمونه و سمبل بیگناهی باشد!!!

امضاء کنندگان: نمایندگان عالی رتبه یهود

۷- نفوذ؛ وسیطرة یهود!!!

در فصلهای پیش به این نتیجه رسیدیم که یهود؛ پیوسته میکوشد تاجهان را تحت سیطره خود در آورد؛ بهر قیمتی که باشد!!! اینک باید دید؛ که آنها تا چه اندازه ای در این زمینه موفقیت هم حاصل کرده اند؟؟؟؟!!!

قبل از هر چیزی باید گفت: مامطمئن هستیم که ملل جهان گرچه هنوز در پنجه یهود هستند؛ ولی بالاخره روزی از این پنجه های خونین خلاص خواهند شد تا صزبت سنگین خود را بر پیکر یهود وارد ساخته؛ و آنها را از سرزمین های اسلامی ریشه کن کند!!! ولی مقصود آنستکه مسلمانان را از سیطره یهود بر مواقع حساس جهان مطلع ساخت؛ قوت آنها را با قوت خود بسنجیم تا ببهوده وارد کار نشویم!

أ- سازمان ملل متحد؛ یا کنفرانس بین الملل یهود!

(- شعبه دبیرکل سازمان)

نام شخصیهائیکه در شعبه دبیرکلی، سازمان ملل متحد هستند از این قرار ذیل است (۱)

- ۱- دکتر اچ؛ اس، بلوک؛ رئیس شعبه اسلحه یهودی است!!!
- ۲- انتونی کولاک، رئیس امور اقتصادی: یهودی است!!!
- ۳- انس کارد و زنبیگ، مشاور پایه یک امور اقتصادی یهودی است!
- ۴- داوید و نتراب - رئیس شعبه حسابداری: یهودی است!!!
- ۵- کارل؛ لاجمن؛ رئیس شعبه خزانه؛ و واردت یهودی است!!!
- ۶- هانری لانکیر؛ معاون دبیرکل در امور اجتماعی: یهودی است!!!
- ۷- دکتر؛ لبون استیننگ؛ رئیس شعبه مواد متبادله یهودی است!!!
- ۸- دکتر؛ اشکول؛ رئیس حقوق بشر: یهودی است!!!
- ۹- اچ؛ ای؛ دکوف؛ رئیس شعبه اداره کشورهای غیر مستقل: یهود است!
- ۱۰- بنیامین کوهین؛ مشاور دبیرکل؛ شعبه اطلاعات یهودی است!!!
- ۱۱- جی؛ بنبوت لیفی؛ رئیس شعبه فلم ها: یهودی است!!!
- ۱۲- دکتر ایگان کرنو؛ معاون رئیس شعبه قانون یهودی است!!!
- ۱۳- ابراهام؛ اچ؛ قبیلر؛ رئیس شعبه قانون یهودی است!!!
- ۱۴- جی ساندبریک؛ مشاور شعبه قانون بین الملل یهودی است!!!
- ۱۵- د افید؛ زیلودویسکی؛ رئیس مطبوعات یهودی است!!!
- ۱۶- جرجورانیوفیسج؛ رئیس شعبه مترجمین یهودی است!!!
- ۱۷- ماکس ایرا موفیسج؛ رئیس شعبه تصمیم یودی است!!!
- ۱۸- مار؛ ولر؛ ردیس شعبه ساتو (Seto) یهودی است!!!
- ۱۹- بی؛ سی؛ جی؛ کین؛ رئیس شعبه محاسبات یهودی است!!!
- ۲۰- مر سیدس کمن؛ مدیر استقلال (۲) یهود است!!!
- ۲۱- دکتر ای؛ سنجر؛ رئیس شعبه مراجعات یهودی است!!!
- ۲۲- باول؛ رادزیاتکو؛ رئیس دکترهای بهداشت جهانی یهود است!!!

(۱) نقل و اقتباس از کتاب «اسرار الماسونیه» تألیف جنرال جواد رفعت آتلخان؛ بغداد؛ دارالبصری ص ۲۲۱

(۲) طلب و ابستگی بسازمان ملل متحد؛ از طرف مدیر بخش استقلال؛ قبول یارد میشود!

۸ - توطئه های یهود!!!

تاریخ یهود؛ یکی از عجیب؛ و پرحادثه ترین تواریخ جهان بشمار میرود؛ این ملت؛ نسبتاً کوچک؛ آنقدر نیرنگ؛ و توطئه از خود نشان داده که از حد و حصر خارج است!!!

در همان روزهای پیدایش آنها آنقدر بایبیا اورعظیم الشان خودکج روی؛ و بدرفتاری کردند که چند مرتبه برایشان غذاب نازل شد!!! در زمان عیسی مسیح (ص) خواستند؛ او را بکشند؛ پس از او دست بدین مقدس اوزده بنای تحریف را؛ گذاشتند سرکشی و تمرد؛ آنها در زمان پیام آور اسلام آنقدر قزون گشت که محمدرسول الله (ص) امر فرموده تا تمام یهود را از جزیره العرب بیرون کنند!!!

اما یهود اخلاکگر برای نجات از (خطر اسلام و مسیحیت) دست به توطئه های ناجون مردانه و خونینی زد؛ و آخرین توطئه بر مسلمانان؛ سقوط دولت عثمانی بود؛ و آخرین بر مسیحیان سقوط روسیه ای تزاری زیر پرچم (مرکس) بود!!!

گرچه پس از این توطئه های دیگری نیز بر مسلمانان در (فلسطین) و بر مسیحیان در (تبرئه خون مسیح) از خود اعمال داشتند؛ ولی این توطئه ها نتیجه طبیعی آن دو توطئه بزرگ بود!!!

راستی حیرت آور است که با همه اینها باز مسلمانان با آنها مسالمت و سازش در پیش گرفته؛ و بدون توجه بآیه شریفه: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۵۱)**

(از قرآن کریم سوره المانده آیه ۵۱)

ترحمه: الله سبحانه احد فرمود: ای کسانی که ایمان آورده اید یهود و نصاری را دوستان خود مگیرید که بعضی از آنان دوستان بعضی دیگرند؛ و هر کسی از شما آنها را بدوستی گیرد از آنان خواهد بود آری الله گروه ستمگران را راهبری نمی نماید!!!

ای مؤمنینی که با آنها روابط دوستانه ای برقرار می نماید؟!
 ا- دولت عثمانی چگونه سقوط کرد؟؟؟!!!

«بیش از هشتاد سال است که دست غارتگران یهود؛ برای تشکیل (دولت اسرائیل) بکار افتاده؛ و مشغول فعالیت است!»
 در زمان (سلطان عبدالحمید) یهود از سلطان؛ خواهش کردند که در مقابل دریافت (۵/۰۰/۰۰۰) لیره طلا بعوان بخشش (۱) بآنها رخصت دهد تا داخل (فلسطین) شوند؛ عبدالحمید؛ از قبول این مطلب بشدت امتناع کرد؛ متعاقباً پس از امتناع سلطان؛ تبلیغات شد دیدی بر عیله او آغاز شد؛ این تبلیغات مغرضانه که حاوی جملات ذیل بود؛ «در دولت عثمانی آزادی وجود ندارد»؛ «عبدالحمید روشنفکران را برداری می‌اندازد»؛ «مردم را از بیچاره گی نجات میدهد»؛ «اروپا می‌خواهد دولت عثمانی را تقسیم کند»؛ «آنچنان قوی؛ فریبنده بود که اکثر مردم را تحت تأثیر قرار داده؛ انقلابی بر علیه دولت ایجاد کرد؛ بطریقه کم؛ کم گواهی «مکدونیه» ملجأ؛ و پایگاه شورشیان؛ «یهود» از این فرصت اسفاده کرده؛ آقای (قره صو) که یکی از ژنرالهای ماسونی بود؛ و انقلاب (اتحادی) سال ۱۹۰۸ م بدست او انجام گرفت؛ این

(۱) بأضافه (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) جنیه طلا؛ بعنوان قرض صد ساله؛ بدون قانده؛ مجلة النریة الاسلامیة چاپ بغداد؛ مؤلف!!!

آقارا رهسپار پاتخت کردند و در آنجا شروع بفعالیت بر عیله سلطان نمود (۱)

«قره صو» طی چند ماهی؛ توانست موقیتهای زیادی کسی کند و افراد برجسته ای کشور را! مانند طلعت پاشا؛ که قیماً بعد بریاست مشرق اعظم عثمانی انتخاب شد بدام حزب (ماسونی) بیاندازد»
 «(طلعت پاشا) مرد نیک مخلص بود؛ ولی تنها داشتن این دو صفت برای اداره کشور کافی نیست؛ اداره دولت؛ سیاست؛ فرهنگ کامل؛ و تجربه فراوانی لازم دارد»

«در حقیقت همان جمعیت (اتحاد و ترقی) که سلطان را داشت بنای استبداد؛ و دیکتاتوری را گذاشت؛ بطوریکه مردم ظلمها و تجاوزهای سی و دو ساله سلطان عبدالحمید را فراموش کردند»
 «و در همین زمان بود که مردان آزادی خواه؛ میهن پرست آخرین دقائق خود را بر چوبه های دار گذرانیدند»

«از همه بدتر اینکه؛ آن دولت عظیم اسلامی بدست حزب (ماسونی) چرخیدن گرفت؛ تا مسلمانان را برای همیشه بدبخت کند»
 «آنها عبدالحمید را معزول داشتند؛ و بجای او طلعت پشاسر کار آمد؛ و بعد هم که طلعت پاشا خواسته های حزب انجام نداد؛ او را یکی از جزائر دست بقتل رسانیدند» (۲)

(۱) قرصو؛ همان کسیکه؛ شخصاً متن اسشفانامه از تخت و تاج را بعد الحمیدر سانید؛ و بعداً در مجلس شورای ملی بادست خود بتصویب رسانید و حائز شد!

(۲) «کتاب اسرار الماسونیه» تألیف جنرال جواد رفعت آتلخان ص ۲۳۱؛ و کتاب «یهود؛ در ترکیه» تألیف Kalane ص ۲۲؛

درحقیقت اگر دولت عثمانی بروش اسلام قدم برمیداشت هرگز؛ یهود نمیتوانیست؛ با چنین حرکت ناجوانمردانه ای آن را ازپای درآورد»

عامل ضعف این دولت ازدوناحیه سرچشمه میگرفت؛ یکم؛ از ناحیه سلاح؛ زیرا در عوض آنکه سلطان عبدالحمید در مقابل توپ و تانک دشمن؛ تانک و توپ بمیدان بیاورد؛ دست به قبضه شمشیرزده و با جمله (الاسلام یعلو ولا یعلی علیه) را تسلی میداد؛ غافل از آنکه قرآن کریم میفرماید: وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ ﴿۶۰﴾ (قرآن کریم سوره الانفال آیه ۶۰)

ترجمه: الله سبحانه احد علام فرمود: و هرچه در توان دارید از نیرو؛ و سواریه آماده بسیج کنید تا با این تدارکات دشمن الله و دشمن خودتان و دشمنان دیگری را جزایشان که شمانمی شناسیدشان و الله آنان را می شناسد بترسانید و هرچیزی در راه الله خرج کنید پاداشش بخود شما بازگردانیده میشود و بر شما ستم نخواهد رفت!!!

دوم؛ از ناحیه تعصبات مذهبی؛ چنانچه شیعه در منتهای فشار؛ زندگی میکردند مثلاً در عراق خرید و فروش کتابهای شیعه بطور کلی ممنون بود؛ ببدترین وجهی کیفر میشدند؛ تعصبات نژادی هم دست کمی از تعصبات مذهبی نداشت مثلاً نژاد ترکی پیش دستگاه حاکمه از هر نژاد و عنصری پیش تر و مقرب تر بود؛ و این سبب شد که همه مردم بستوه در آیند؛ در صورتیکه قرآن کریم میفرماید: يَا أَيُّهَا النَّاسُ

إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ﴿١٣﴾

(قرآن کریم سورة الحجرات آیه ۱۳)

ترجمه: الله سبحان احد فرمود: ای مردم ما شمارا از مردوزنی آفریدیم و شمارا ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا بایکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید درحقیقت ارجمندترین شما نزد الله پرهیزگارترین شماست بدستیکه الله دانای آگاه است!

سستی و ضعف از طرف دولت؛ و قدرت و قوتی که یهود بوسیله اتحاد با دنیای مسیحی بدست آورده بودند؛ دست بدست داده و دولت عثمانی را با آن عظمت و جلال که داشت از پای درآوردند!!! اگر امروز دولت عثمانی؛ مقاومت میکرد؛ هرگز مردی یهودی ماسونی چون (۱)؛ (آتاتورک) بر سر کار نیامده و نمیتوانست دین؛ و لغت عربی را در ترکیا لغو کند!!!

مسلمانان؛ در این قصه نتنها ترکیارا از دست دادند؛ بلکه با سقوط ترکیا تمام دولتهای اسلامی رو به انحلال گذاشت زیرا که یهود این کشور را محل اجتماعات؛ و کابینه تبلیغات خود قرار دادند؛ و از همان جا؛ اعمال ضد اسلامی آنها شروع شد!!! این بود قصه ای سقوط دولت اسلام و عثمانی!!!

ب — روسیه چگونه از پای درآمد؟؟؟؟!!!

«از مؤلف کتاب؛ اسرار الماسونیه» نقل از کتاب (المؤامرة اليهودية) علل سقوط روسیه را چنین مینویسد: «محفل ماسونی آمریکائی

که تمام نکته های حزب ماسونی بتوسط آن کشیده میشود؛ کنفرانس به اشتراک ثروتمندترین؛ یهود آمریکا تشکیل داده؛ و در آن چنین مقرر شد؛ که با صرف کردن یکمیلیارد دلار؛ و قربانی میلیون یهودی (۰۰۰/۰۰۰/نفر) در روسیای قیصری کودتا کند»!!!
 «نام متبرعین بیک ملیارد از قرار ذیل است:

۱- اسحاق موتیمر

۲- سیستر

۳- لیفی

۴- دون

۵- شیف

«این پول ۱۰ در تبلیغات ضد دلی صرف کردن (۱) چنانچه پس از از انقلاب امارکس؛ زمام حکم بدست یهود (خطر اليهودية العالمية) ص ۱۹۴ نقل شده که صدق گ فتار ما را افتاد جدول زیر از کتاب روشن میکند!!!
 «در دفتر سیاسی»:

لینین !؟

استالین همسری از یهود دارد

تروتسکی یهودی است

کامینیف یهود است

سوکولمدوف یهود است

زنوفیف یهود است

یابروف روسی است

دروزات جنگ (۱)

یهودی است	Trtsky	تروتسکی
یهودی است	Jotte	ژوف
!؟	Lenin	لنین
قفقاسی است	Bokil	بوکیج
روسی است	podwoiski	پودوسکی
همسریهودری دارد	Molotov	مولوتوف
روسی است	Nemsi	بیوسکی
یهودی است	Unschlicht	انچلخت
یهودی است	Smerdliov	سویردلوغ
یهودی است	Uritski	یورتسکی
روسی است	Anton	انتونوف
روسی است	Mdchonoscnin	میکونسین
روسی است	Ermeiev	ارمیجیف
بولندی است	Dierlinski	جیرجنسکی
اوکرانی است	Dybenko	دیبینکو
روسی است	Raskolnikov	راسکولنکوف

آمار ذیل نفوذ یهورا در ادارات شوروی پس از انقلاب بلشوی بخوبی نشان میدهد (۱)

نام اداری	مجموع کامندان	یهودیان	نخستین
حکومت پس از جنگ	۲۲	(وزیر)	۱۷
مجلس اداره جنگ	۴۲		۳۴
مجلس امورات داخلی	۶۴		۴۵
مجلس امورات حاجی	۱۷		۱۳
مجلس امورات مالی	۳۰		۲۶
مجلس امورات قضائی	۱۹		۱۸
مجلس امورات بهداشتی	۵		۴
مجلس ارشاد عمومی	۵۳		۴۴
مجلس بناء تعمیر	۲		۲
صلیب سرخ روسی	۸		۸
اداره ایلات	۲۳		۲۱
امورات خبر گذاری	۴۲		۴۱
مجلس رسیدگی بکارمندان	۷		۵
مجلس تحقیق درباره کشته شدن قیصر	۱۰		۷
مجلس اقتصادی	۵۶		۴۵
مکتب کامندان و آرتش در موسکو	۲۳		۳۳
کمیته مزگری چهارمین کنفرانس شوروی	۳۴		۲۳
کمیته کزی پنجمین کنفرانس شوروی	۶۲		۳۴
کمیته مرکزی حزب اشتراکی	۱۲		۹
مجموعاً	۵۳۲		۴۲۵

(۱) (خطر اليهودية العامية) ص ۱۹۵ نقل از:

جنایاتهای یهودیان کبالای شیطان پرست فراماسونری یهود؛ مادامیکه؛ خود را پسران خدا؛ و ملت برگزیده خداوند؛ میدانند و بقیه انسانها را حیوانات انسانما؛ میدانند؛ از هیچ ارتکاب و جرم جنایت؛ مضایقه نخواهد کرد؛ و به هر عمل ناشایست و خطرناکی دست میزند؛ بنابراین نباید تعجب کنیم وقتیکه می‌شنویم که یهود را دو عید مقدس است که عید آنها بدون تناول خون غیریهودی تمام نمیشود؛ «یکم - عید یوریم»؛ «Purim» در مارس!!!
 «دوم - عید فصح»؛ «Passover» در اپریل (۱)

(۱) «سیرچرد بورتوم»؛ «Rir Richard Barion» در کتاب خود «یهود؛ نورالسلام» ۱۸۹۸ م ص ۸۱ می‌نویسد:

The Ilniud de clares That there are tow kinds

Of blood blessing to the Lord Viz ; I that ot the

Pascbal holoeaust .۲ Thatof Chrcumbision

یعنی: تلمود میگوید: ما را دو مناسبت خونین است که در آنها یهوه خداوند از ما راضی میشود؛ یکی (غیدخمیر ممزوج بخون) و دیگری مراسم ختنه کردن فرزندان نمان»! هر سال افراد زیادی قربانی این دو عید (مقدس ۰۰۰) میشوند برای نمونه باین توجه فرماید!!!
 «بطوریکه همه روزنامه‌ها نوشتند؛ روز چهارشنبه سال ۱۸۴۰ م کشیش ایتالیائی آقای «آپ» فراسوا؛ آنطون توما» باتفاق خدمتکار خود «ابراهیم» از خانه بیرون آمد؛ و نا پدید میشود»

پس از تحقیق و جستجوی شدیدیکه از طریق دولت؛ و ملت شروع شد معلوم میشودکه کشیش بیچاره بدست یهودیان خون خوار بقتل رسیده است»!!!

«سلیمان سرتراش که یکی متهمین بود؛ در اعترافات خویش چنین اظهار داشت: نیم ساعت از مغرب گذشته بود که خدمتکار داود هراری داخل شد؛ خواست کرد که فوراً خود را بخانه داود برسانم؛ منم فوراً خود را بمنزل داود رساندم؛ دیدم در آنجا هارون هراری؛ اسحاق هراری؛ یوسف؛ یوسف لیبوده خاخام موسی ابوالعافیه؛ خاخام موسی بخوریودا؛ مسلونکی؛ و داود هراری (صاحب خانه) جمع بودند؛ من بمجرد آنکه شدم؛ و کشش (تومان) را دست و پابسته دیدم، فهمیدم برای چه مرا احضار کردند خلاصه پس از آنکه مه داخل شدم؛ درهای منزل بسته طشت بزرگی را حاضر کرده؛ و از من خواهش کردند که او را بکشم؛ ولی من امتناع کردم! داود گفت: پس تو بقیه؛ سرش را بر طشت نگاه دارید؛ تا ما کارش را یکسره سازیم!!!

در این وقت کشیش را پیش آورده محکم بر زمینش زده و بی آنکه قطره ای از خونسش بر زمین بچکد؛ سرش را جدا کردیم!!! بعد اجسد بیجانیش را به انبار برده؛ باهزوم آتش زدیم و پس از آن آن را قطعه؛ قطعه نمودیم؛ و در کیسه های بزرگی جای دادیم؛ و در اول خیابان یهود دفن کردیم!!!

مأموریتمان که تمام شد؛ به ابراهیم خادم کشیش وعده دادند که اگر این سر را برای کسی فاش نکند؛ او را از مال خود داماد خواهند کرد!

بازپرس سؤال کرد؟! استخوانهایش را چه کردید؟! گفت: بادسته هاونگ! خورد کردیم: بازپرس سؤال کرد؟! سرش را چه کردید؟! گفت: بادسته هاونگ! خورد کردی: بازپرس سؤال کرد؟! روده هایش چه کردید؟! گفت: آنها را قطعه؛ قطعه کرده و در یکی از صرافیهای نزدیک دفن نمودیم!!!

آنگاه بازپرس روبه «اسحاق هراری» کرده سؤال کرد و گفت: آیا اعترافات (سلیمان) اعتراض دارید؟! گفت: آنچه (سلیمان) میگوید: صحیح است؛ ولی شما نمیتوانید این عمل را جرم حساب کنید؛ زیرا که یکی از مراسم مذهبی مادر این عید استفاده از خون انسان است!!!

بازپرس سؤال کرد؟! خونهای کشیش را چه کردید؟! گفت: در شیشه کرده بخاخام موسی ابو العافیه دادیم! بازپرس سؤال کرده؟! شیشه چه رنگ بود؟! سفید بود؛ یاسیاه؟! گفت: سفید بود: بازپرس سؤال کرده؟! چه کسی شیشه را بخام خام داد؟! گفت: خاخام موسی سلوکی داد: بازپرس سؤال کرد؟! در مراسم مذهبی شما؛ در چه چیزی از خون استفاده میشود؟! گفت: (خمیرنان عید) بازپرس سؤال کرد؟! آیا همه یهود باید از این نان استفاده کنند؟! گفت: نه ولی چنین نانی حتماً باید نزد خاخام بزرگ موجود باشد (۱)

باز در همین کتاب مینوسید (۲)

« در سال ۱۸۲۲ م روز عید فصیح در شهر (Velisob) واقع در شوروی کودک دوساله ای ناپدید شد؛ و پس از یک هفته جستجو جسدی بیجاناش را در یکی از لجنزارهای خارج شهر یافتند؛ و با

آنکه آثار فرو بردن میخ و سوزن؛ بر آن نمایان بود؛ ولی قطره ای خون بر لباسهایش وجود نداشت؛ و چنانچه بعداً معلوم شد؛ جسد را بعد از قتل شسته بودند»!!!

خانمیکه تزه یهودی شده بودند؛ و در این قصه متهم بودند در اعتراف خود چنین اظهار داشتند!!!

ما از طرف یهود مأمور شدیم که این کودک مسیحی را ربوده و در ساعت معینی در منزل یکی از آنها حاضر کنیم! «هنگامیکه ما با این کودک وارد منزل شدیم دیدیم همه دور میزی و منتظر ما هستند!!! طفل را روی میز گذاشته؛ و با قدر شوکلات بیکویت و شیرینی سراو را گرم کردند؛ کودک بیچاره همینکه مشغول خوردن شد یکی از آنها میخ تیز و درازی را در رانش فرو برد؛ صدای دلخراش کودک بگریه بلند شده هر اسان بیکی از آنها پناه برد؛ او هم (نامرد نکرد) و با سوزن درازی که در دست داشت کمرش را مجروح کرد؛ طفل باز فریادی زد؛ و بسومی پناه برد؛ او هم سینه اش را سوراخ نمود؛ و خلاصه آنقدر میخ و سوزن بتتش فرو کردند؛ که همان جا؛ جان داد! «سپس خونهایش را در شیشه کرده؛ و بخاخام بزرگ تسلیم دادند» و در کتاب «من اثر النکبة» تالیف (نمر الخطیب) مینوسید (۱) در یکی از روزهای گرم تابستان؛ یهود بیکی از خانه های مسلمانان فلسطین هجوم بردند دختر بزرگ میگوید: وقتی آنها در خانه مان را شکسته

(۱) خطر اليهودية العالمية؛ نقل از کتاب (الکنز المرصود فی قواعد التلمود) بغداد ص ۹۰ / ۱۸۹۹م

(۲) نقل از کتاب (قصص من الحياة)

وارد حیاط شدند من آنقدر وحشت کردم که نزدیک بود؛ هلاک شوم؛ خواهر کوچکم بگوشه فرار کرد؛ پدر و مادرم بنای داد و فریاد را گذاشتند اما چه سود؟؟؟؟!!!

مردان؛ وحشی؛ وقسی القلب یهود؛ مادرم را گرفته و در موضع مخصوص صش؛ چندشلیک خالی کردند! بعداً پدرم را بالغد؛ مشمت؛ و ته تفنک کشته؛ و ما را دست و پابسته کشان کشان از خانه بیرون آوردند!!!
و من افزوید: من نمیدانم؛ پرسرخواهرم چه آمد؛ اما بایکعه مردان خشن یهودی بیشت یک کامیون سوار کرده و بجانب مجهولی روانه کردند!!!

در میان راه خواستند با من عمل منافی عفت انجام دهند ولی تا توانستم؛ از خود دفاع کردم ۰۰۰ و بلاخره؛ بوسیله سوزن مخدر مرا بیهوش کردند! همینکه بیهوش آمدم حس کردم که آبرویم ریخته شده است!!!

و اینک مرا بعنوان یک همخواب؛ در یک از هتلهای؛ استخدام کرده اند! خدا شاهد است؛ که این قصه کوچک؛ آنقدر مرا تحت تأثیر قرارداد داد که وقتی که آن را خواندم اشک از دیده هایم جاری گشت؛ چنان شد که هر وقت آن را بنظر میآورم؛ اشگم جاری میگردد؛ بطوریکه؛ وقتی خواستم آن را برای یکی از دوستانم نقل کنم؛ بغض آنچنان گلویم را فشرد که از شنونده معذرت خواسته و گفتم: «من آنقدر شجاع نیستم که بتوانم این قصه را با خبر رسانم»!!!

و حتی همین الآن که مشغول نوشتن این کلمات میباشم اشک در چشمانم حلقه زده است!!!

ای وای کار مسلمانان باید بجائی برسد که یهود دختر و ناموسش
آنهارا برباد دهند؟؟؟؟!!!

مسلماناً؛ مسلمانان مرگ را هزار مرتبه بر این فاجعه ترجیح میدهند
۰۰۰ در روزیکه قشون اسلام بشهر (انبار) هجوم آورده؛ زینت
زنان مسلمان؛ و ذمی؛ را ربودند؛ امر المؤمنین (ع) بالای منبر رفته فرمود
: بخدا قسم اگر کسی در شنیدن این فاجعه بمیرد؛ من ملامتش نخواهم
کرد من نمیدانم؛ اگر علی (ع) امروز میبود؛ و از این قصه با خبر میشد؛ چه
میگفت؛ و چه میکرد؟؟؟؟!!!

یکی دیگر از فجائع و جنایات یهود کشتار بیرحمانه ای بود که در
دهکده (دیر یاسین) واقع در سرزمین (اسرائیل) کردند!!!

« در روز ۹ اپریل؛ سال ۱۹۴۸ م قریب بظهر سربازان یهودی به
این دهکده بی سلاح؛ و از همه جایی بیخبر هجوم آورده؛ اهالی را؛
از زن و مرد؛ بزرگ و کوچک؛ همه؛ و همه را بصف بست؛ و هدف
گلوله های ننگین خود قرار دادند!!!

و پس از آن اجساد را قطه؛ قطه نموده؛ و حتی شکم زنهای حامله
را؛ پاره؛ پاره کرده و بچه هائیکه هنوز دیده بجهان نگشوده بودند
سر بریده و در میان چاه به اصطلاح کابی انداختند!!!

هنگامیکه نماینده (صلب سرخ) آقای دکتر (لینر) برای تحقیق
رہسپار قریه شد؛ و آن (۲۵۰) جسد بیجان را با آن وضع فجیح
کشته دید؛ بیهوش شده فوراً قریه را ترک گفت: «(۱)

(۱) این قصه؛ در رادیوها؛ و جرائد؛ و مجلات منتشر شد!!!

ولی مگر این گونه حادثه ها در (دیریاسین) پایان رسید؟؟؟؟!!!
درست همان روز پس از اتمام این کشتار! به قریه (ناصرالدین)
قریب (طبریا) و قریه (بلدالشیخ) و (سکریر) و (علبوط) و شهر (حیفا)
هجوم آورده؛ و تمام همین کشتار بیرحمانه را در آنها تکرار کردند (۱)

(۱) از کتاب (تذکره عوده) تألیف ناصرالدین نشاشیبی ص ۲۵

۱۰- یهود آمریکائی چه نیرنگ میکند؟؟؟!!!

قریب به صد سال است که استعمار یهودی آمریکائی بر تمام کشورهای غربی سایه افکنده است؛ بطوریکه همین یهودی آمریکائی که ثروتمندترین و متمدنتترین کشورهای جهان محسوب میشود امروز بصورت یک کشور یهودی شیطان پرست کبالای درآمده است!!!

چنانچه چندی قبل هنگامیکه نویسنده عالیقدر آگاه یهودی آقای

(ALFRED-LITIENTHAL) کتاب خود را The other side of the coin برشته تحریر درآورد نتوانست آن را چاپ کند؛ و بطور کلی تمام مؤسسات انتشار اروپا و آمریکا از چاپ آن خود داری کردند؛ تا بالاخره مجبور شد ترجمه آن را بعربی پیش از اصل انگلیسیش چاپ نماید!!!

سیاست یهود؛ در هر کجا باشد یکی است؛ و یهودی قبل از هر چیز (یهودی) است؛ خاخام (یهودا) در اعلامیه ای که در سال (۱۹۱۶) م انتشار داد میگوید: «من در مرحله اول یهودی؛ و در ثانی آمریکائی هستم» (۱) و آقای (استیفن؛ سی؛ واین) میگوید: «من تنهادرشصت و سه جزء از شصت و چهار جزء حیاتم آمریکائی بودم؛ اما مدت چها هزار سال است که یهودی هستم» (۲)

(۱) (اسر زائیل ذلک الدولار الزائف) تألیف (الفرد لیدلنتال) ترجمه؛ عمرالذیراوی؛ العلم للملایین

بیروت ص ۱۲۱

(۲) یادداشتهای (انتونی ایدن) قسمت دوم ص ۳۵۴

باچنین تعصبی توانستند؛ برکشورهای؛ اروپائی سلطه اقتصادی؛ سیاسی؛ و اجتماعی حاصل کرده؛ و دولتهای عربی را بنفع خود بچرخانند بطوریکه دولت بریتانیا حاضر نمیشود تجاوز یهود را برکشورهای مسلمان نشین که مستعمر آن هستند جواب گوید:

(ایدن) دربا دداشتهایش مینوسید: «ما نمیتوانسیم در برابر تعدی های اسرائیل به اعراب کوچکترین کمک به آنها بکنیم؛ چنانچه چند سال پیش وقتیکه یکی از هواپیما های جنگی اسرائیلی؛ از حدود اردن تجاوز کرده؛ و چند قریه را بمباران کرد؛ دستگاه حاکمه اردن؛ از ما کمک خواست ولی همینکه هواپیما های ما آماداه پرواز شدند؛ تلگرافی دریافت داشتیم مبنی بر اینکه حتی یک هواپیما هم نباید ازجا حرکت کند»!!!

بنابراین نتنها امروز (یهود) در مقابل مسلمانان قرار گرفته؛ بلکه کشورهای اروپائی؛ و قسمتی از کشورهای شرقی که سیاست آنها هستند نیز با آنها دست داده و با مسلمانان نبرد میکنند!!!

برای آنکه بقوت و قدرت یهود بیشتری برده باشیم لازم میباشد که قطعه هائی را از (کتاب کنت فی اسرائیل) تألیف روزنامه نگار شهیر مصری (ابراهیم عزت) برای خوانندگان نقل میکنیم!!!

ناگفته پیدا است که مقصود نشان دادن (مشت نمونه خروار است والا اگر بخواهیم تمام موارد قوت نفوذ یهود را بنگاریم بنا بمثل مشهور (مثنوی هفتاد من کاغذ شود)

أ - بازی بر چند ؟؟؟!!!

« ما قبل از هر چیز یهود هستیم! و برای ما فرق نمیکند؛ چه داخل حزب کمونیست شویم؛ و چه از اتباع امیریالیسم باشیم؛؛ زیرا که (ما قبل از هر چیز یهودی هستیم) و این گونه احزاب هرگز نمیتواند یهودی بودنمان کوچکترین تأثیری داشته باشد»

«چنانچه آمریکا علیه شوروی اعلام جنگ کند؛ یهودیان آمریکا اولین کسانی خواهند بود که بمیدان جنگ خواهند رفت؛ و اگر شوروی آمریکارامورد هجوم قرار دهد یهود ساکن شوروی نخستین کسانی خواهند بود که شوروی را تأیید میکنند و بدین نحو همیشه موقعیت خود را در جهان حفظ خواهیم کرد» از کلمات (ناحوم گولدمان) رئیس منطقه های سهیونیزم جهانی!!!

ب - به امید سیطره صنعتی بر شرق!!!

«این همه کارخانه را بخاطریک چیز تأسس کرده اند و آن سیطره اقتصادی خاورمیانه است»

« در واقع ما نمیتوانیم تمام این مصنوعات را (اسرائیل) بدانیم؛ زیرا که اکثرأ رأس المالهای این کارخانجات (آمریکائی) است؛ هر کارخانه ئی را که مشاهده کردم؛ هدیه یکی از هیئتهای آمریکا بود»

« اسرائیل بر معونتتهای دول خارجی زندگی میکند؛ و حتی دبستانها دبیرستانها؛ و دانشگاه هایش را دیگران تأمین میکنند»

ج - کارهای دسته جمعی

«روزاول (مایوم) که بزرگترین عید اسرائیل است دستور دولت؛ تمام طبقات از شهر خارج گشته؛ نزدیک (مصر و اسرائیل) مشغول حفر خندق و زراعت شدند»؛ «در بین جمعیت گروهی از وزیران؛ وکلاء مجلس؛ وکلاء دادگستری؛ و شخصیت‌های بزرگ مملکت دیده میشوند»

د - اسرائیل مادر عطف و مهربان کمونیسم است!

«مؤسسه (هستورت) یا (اتحادیه کارگران اسرائیل) که بزرگترین سازمان‌های اسرائیل است؛ و بر تمام شئون مملکت سلطه ادر؛ مبادی (کمونیسم) را تطبیق میکند»!!!

«این سازمان حق دارد که کارگر را بدون مزد استخدام کند»
 «در تمام محلاتیکه تابع (هستورت) است و بنام (کابوتز) نامیده میشود؛ یک عکس (استالین) و (تروتسکی) بر دیوار نصب شده است»
 «در این مؤسسه بیش از (۵۵۰) کارگر شرکت دارد و در واقع ۹٪ مات اسرائیل را این مؤسسه تکیل میدهد»

وسائل بی کاری

«شهر (ناصره) صدها عرب روزهای خود را بیکاری و نشستن در قهوه خانه ها میگذرانند»
 «معمولاً افتتاح قهوه خانه در شهرهای عرب نشین بی مانع و؛ در شهرهای یهودی ممنوع است»

و- فساد اخلاقی یهودیت!!!

«در اسرائیل فساد اخلاقی بحد اعلا رسید؛ بطوریکه دیگر برای (نکاح) و (طلاق) مفهومی باقی نمانده است»
 «معمولاً دخترها؛ با حد بالای زانو؛ باشورت بیرون می‌آیند؛ و طرفهای عصر دختران و پسران؛ در خیابانها پراه افتاده و بدون کوچکترین توجهی به عابرین مشغول؛ معاشقه میشوند»
 «در هتل (DAN HOTE) همیشه چند دوشیزه یهودی چشم پراه مشتری موجود است؛ همین قدر کافی است که دست یکی را گرفته؛ بهر کجا که بخواهید بیرون ببرید»

«روزنامه (ها عولام) ضمن تحقیقی نوشته بود: «زنا در اسرائیل بیچ وجهی ممنوع نیست؛ و حتی قانون هم نمیتواند از آن جلو گیری کند»
 «چندی قبل یکی از نمایندگان یهودی لایحه ای مبنی بر زنا تقدیم مجلس نمود؛ ولی کلیسیای یهودی با تصیب آن بشدت مبارزه کرد»
 و- اختلافهای شدید؛ ملت؛ و دولت یهودی

«در ایامیکه در اسرائیل اقامت داشتیم؛ روزنامه (حیریوت) مقاله ای نوشته بود؛ که ذیلاً ترجمه آن از نظر تان میگردد»
 «لیفی اشکول وزیر دارائی؛ پس از آنهمه اختلاسها و دزدیها؛ باید معزول شود؛ ملت اسرائیل میگویند: وزراء باید بحروف ابجدیکی پس از دیگری معزول شوند؛ یعنی اگر از حرف الف ابتدا کنیم (اشکول) اولین کسی است که باید برکنار شود سپس نوبت به (بنگوریون) میرسد بوبعد (گودا مایرسون) خواهد رسید؛ و تاملت از این دستگاه فاسد آسوده نشود ساکت نخواهد شد»

ح - ۲۵۰۰ انجمن در اسرائیل!!!

«هر چیزی در اسرائیل انجمنی دارد»

«تعداد این انجمن ها از (۲۵۰۰) تجاوز میکند؛ و تنها (۴۶) صفحه از راهنمای تلفن اختصاص به انجمن های اسرائیل دارد»
 «در شهر (تل - ابیب) که یکی از شهرهای مهم اسرائیل است آپارتمان بسیار باشکوه و مجلل را برای کنفرانسهای ساکنین (یافا) و (تل ابیب) تحویص داده اند؛ هر روزه ساکنین این دوشهر در این عمارت که (پارلمان) نام دارد کنفرانسی تشکیل داده؛ در مسال سیاسی، و اقتصادی؛ و مانند آن بحث و گفتگو میکنند؛ گاهی بازار مناقشه آنقدر گرم میشود که بزد و خورد کشیده؛ بالاخره پلیس آنها را جدا میسازد؛ در فصل تابستان (پالمان) رابه (باغهای لندن) که محلی خوش آب و هوا است؛ تبدیل میکند»

« سابقاً (باغهای لندن) و میدان (هربرت سموئیل) و هتل دان (DANE HOTEL) ملک؛ یک جوان عرب بنام (عیس دهمش) بود؛ و اینک در اسرائیل زندگی میکند و همسری یهودی دارد»

ط - شبهای شنبه یهودیان

«معمولاً یهودیان در شب های شنبه مراسم مذهبی انجام میدهند؛ این مراسم را (اروحات للشابات) یعنی غذای روحی شب شنبه میگویند:»

«یکی از شبهای شنبه نیکه در اسرائیل اقامت داشتم برای تناول شام بخانه یکی از شخصیتهای یهودی دعوت شدم»

«در اثنا؛ تناول شام وکیل (وزارت امور دینی) سخنرانی بلغت (بیدیه) که لغت یهود ساکنین اروپا است ایراد کرده»

آنهارا و عظ و ارشاد نمود؛ بعداً سازدینی شروع شده؛ و پس از آنکه هر کسی کلاه مخصوص بر سر گذاشت مشغول تناول شام شدند»

ی - اهمیت تعطیلات مذهبی یهودی

«اصولاً تعطیلیهای دینی اسرائیل از شب شنبه شروع شده و شب یکشنبه خاتمه مییابد»

«در مدت بانکها؛ وزارت خانه ها؛ بازارها و حتی تاکسی ها و اتوبوسها تعطیل میکنند؛ و خلاصه در این بیست چهار ساعت تمام وسائل زندگی از کار باز میماند»

ک - تهدیدها ما چه اثر دارد؟؟؟!!!

«یکی از مسئولین بزرگ اسرائیل شخصاً بمن گفت: ما یقین داریم که همه تهدیدهای مسلمانان پوچ و بی اساس است؛ ولی ما از آنها برای تبلیغات علیه عرب استفاده میکنیم»

ل - مساجد؛ مقابر مسلمانان در چه حال است؟؟؟!!!

«هیچ مسلمانی حق ندارد بدون اجازه دولت؛ از شهرها و دهکده خارج شود؛ چنانچه چندی پیش یک جوان عرب را بجرم اینکه برای عیادت دخترش بدون اجازه از دهکده خارج شده است عدام کردند»

«مسجد بزرگ (یا الله) را خراب کرده؛ و مسجد (عهاقا) و (سماویه) را به زباله دانی تبدیل کرده اند؛ و مسجد دیگری را هم مبدل به (تأثر) نمودند»

«مقابرمسلمانان؛ومسیحیان عرب بدست دولت است وهرروز
باسم کشیدن خیابان آنها را خراب کرده؛استخاتهای مرده هارا
آتش میزدند»!!!

«در اثر فشاریکه دولت اسرائیل براهالی قریه(ام الفحم) بجرم
مسلمان بودن آنها را؛وادار میساخت؛اهالی قریه تلگرافی بیپ
نصاری زده؛وازاودرخواست کرده که را در(مسیحیت) داخل
کند»

این بودجملاتی چندازکتاب(کنت فی اسرائیل)واین بود احوال
شهریکه هنورصدای آوارگانش بگوشهای میرسد۰۰۰واین
قصه ای؛ویهود؛ما این ها را نوشتیم؛بگوشهای رساندیم تا
مسلمانان این اخلاگران ثروتمند که دنیائی را بازیچه خود
گرفته اند بهتر بشناسند!!!

۱۱- درمقابل این جنایات چه باید کرد؟؟؟!!!

اکنون که یهودباکمک ستعمارصلیبی(فلسطین)رابعضی ربوداند
مسلمانان چه کارمیتوانند بکنند؟؟؟!!!

تنها دوراه درپیش است

یکم - آنکه مسلمانان دست روی دست گذاشته؛ازاین قطه زمین
صرف نظرکنند!!!

البته حرمت این راه احتیاج بدلیل یابرهانی ندارد!!!
دوم - آنکه همه مسلمانان که قریب(۰۰۰/۰۰۰/۸۰۰) هستند
بایهود؛کاری بکنندکه آنهاکردند؛وبامستمدان آنها بنای ستیزه

ومجادله و جنگ را گذرانند؛ البته بشرط آنکه همه مسلمانان وارد کارزار و جنگ بشوند؛ بدون شک این بهترین راه و طریقی است که بوسیله آن ممکن است (فلسطین) را آزاد ساخت؛ زیرا که نیروی معنوی مسلمانان که بقوه مادی آنها ضمیمه گردد؛ چون طوفان ریشه یهود را کنده و کشورهای اسلامی را نجات خواهد داد!!! امید به الله است؛ که مسلمانان بپاخواسته و غائله یهود شیطان پرست خون آشامی کبالای فرما سونری؛ آمرکائی را از بین برد در هم شکنند؛ والله المستعان!!!

از ایت الله سید محمد مهدی الحسینی شیرازی:

۱۲ - یَهُوَه خدای یهودیان شیطان پرست دستور داد که گوشت و خون غیر یهود را بخورید که برای شما مباح و حلال کردم!!! و اما توای پسرانسان خدای یَهُوَه چنین میفرماید: که بهر جنس مرغان و بهمه حیوانات صحراء بگو: جمع شوید؛ و بیائید نزد قربانی من؛ که آن را برای شما ذبح مینمایم فراهم آئید؛ قربانی عظیمی بر کوه های اسرائیل؛ تا گوشت بخورید؛ و خون بنوشید؛ گوشت جبّاران را خواهید خورد و خون رؤسای جهان را خواهید نوشید؛ از قوچها و برّه ها و بزها و گاوها که همه آنها از پرواریهای ایشان میباشد؛ و از قربانی من که برای شما ذبح مینمایم؛ پیه خواهید خورد تا سیر شوید؛ و خون خواهید نوشید تا مست شوید؛ و خدای یَهُوَه میگوید: که بر سر سفره من از اسبان و سواران و همه مردان جنگی سیر خواهید شد!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق؛ از کتاب حزقیال نبی باب سی ونهم آیه از ۱۷ تا ۲۱)

ملعون باد کسیکه شمشیر خود را از خون باز دارد!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق؛ از کتاب ارمیاء نبی آیه ۱۱)

وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نَصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا
مِمَّا تَنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِيهَا وَبَصَلِهَا قَالَ
أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَىٰ بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ اهْبُطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مَا
سَأَلْتُمْ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ
بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا
عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ﴿٦١﴾ (از قرآن کریم سورة البقرة آیه ۶۱)

ترجمه: الله سبحان علام بنی اسرائیل فرمود: وقتیکه شما گفتید:
ای موسی هرگز بریک نوع خوراک تاب نیاوریم از الله خود برای ما
بخواه تا از آنچه زمین می رویاند از قبیل سبزی وخیار و سیرو عدس
و پیاز برای ما برویاند موسی گفت: آیا بجای چیز بهتر خواهان چیز
پست ترید؛ پس بشهر فرود آید که آنچه را خواسته اید برای شما در
در انجام هیاست؛ و داغ خواری و ناداری بر پیشانی آنان زده شد و
بخشم الله گرفتار شدند چرا که آنان به آیات های الله کفر ورزیده
بودند و پیام آوران را بناحق می کشتند این از آن روی بود که
سرکشی نموده و از حد در گذرانیده بودند!!!

ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ أَيْنَ مَا تُثْقَوْنَ الْإِبْحِلُ مِنَ اللَّهِ وَحَبْلٌ مِنَ النَّاسِ
وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا
يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ يَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَ
كَانُوا يَعْتَدُونَ ﴿١١٢﴾ (از قرآن کریم از سورة آل عمران آیه ۱۱۲)

ترجمه: الله سبحانه احدیهودیان فرمود: هر کجایافته شوند بخواری
 دچار خواهند شد مگر آنکه پناه امان الله؛ وزینهار مردم میروند و
 بخشی از الله گرفتار شدند؛ و بی مهر بینوایی بر آنان زده شد؛ این
 بدان سبب بود که به آیات الله کفر می ورزیدند؛ و پیام آوران الله
 را بناحق میکشند؛ و نیز این عذاب بسزای آن بود؛ الله را نافرمانی
 کردند و از اندازه درمی گذرانیدند!!!

اشعار دشمن دین و قرآن شیطانهاست

دشمن راه نبی دین خداست شیطانها

دشمن راه هدایت بشر است شیطانها

گاهی عابد شود و راه غلط یاد دهد

گاهی زاهد شود و تغییر در راه دهد

گاهی عالم شود و دین تو برباد دهد

صد هزار چهره و رنگ نقش دهد شیطانها

هان که شیطان بگیرد که زدست قرآن

در عوض می دهدت ظنّ و خیال و کفران

بردر کفر و ضالّ میشوی آخر حیران

راه گمراهی و الحاد دهد شیطانها

هان که از علم قرآن دوری گمراه بشوی

مرکزوحی و دین هادی بیزار بشوی

آن زمان از نبیّ و سنت بیکار بشوی

کارها فلسفه ها مشغله ها هان که دهد شیطانها

گاهی عباس قمی گمراه و بی دین است دان

کفر را در عوض دین بنوسد جنان

پیر گفتار یهود هادی ضد قرآن

دان همه پیرو این گرگ شود شیطانها

این شیاطین دو پا دین را ویران کردی
کرده گمراه همه را فاسد و خسران کردی
پشت پا بر شرف و خون شهیدان کردی
نسل انسان فساد کردی لعن شیطانها

داد شیطان فریب جدّ بنی آدم را
و عده ها داد به او دور کند از برهان را
تا فریب همه جا و همه حال انسان را
فقر فرهنگ و نیرنگ دهد شیطانها

گفت: ابلیس خدایا من گم راه کردی
سجده کردن به گل و آدم رسوا کردی
از بهشت رانده شدم لعنت عقبا کردی
نگذارم که بیایند به رخت انسانها

راه دین را متغیّر بدهم بر انسان
نگذارم که بیایند طرف این قرآن
جهل را یاد بدهم دور کنم از هرفرقان
یاد دهم جعلی روایات و خبر من به همه

شیطانها این همه مذهب گمراه که شیطانها ساخت
اینقدر راه و روش هست که شیطانها ساخت
دین و ناموس و شرف را همه شیطانها ساخت

پیشوای همه گمراهی و الحاد و فساد

بعلم با عورگه سامری موسی	شیطانها
شره قاضی گهی رشدی سلمان	بشود
گاهی سادات گهی	بشود

عالم یکتا بشود

شاه شیطان بشود چاپ کند قرآنها رهبر انس

شیاطین دو پا ابلیس است

کفرخوانان مقدّس نما ابلیس است

سنگ انداز به تعلیم قرآن ابلیس است
هان کسی پیرو قرآن نشود شیطانها
این شیاطین دوپا پیرو ابلیس است دان
می دهند میز ریاست که کند چون حیران
هان شیاطین ز جنّ است وهم از انسان
شکل انسان ولی چون عملش شیطانها
همه دنیای پرستان که بدان شیطان است
ثروت اندوز و ریاست طلبان شیطان است
خون بریزان و شهوت طلبان شیطان است
جهل و بد بختی و فقری بدهند شیطانها
گفت عیسی مسیح هان که یهود ابلیس است
هم خود هم پدرش ابن همان ابلیس است
خون بریزان و شهوت طلبان ابلیس است
خائن و دشمن ناموس یهود؛ درهمه
دورانها دشمن انجیل و تورت و قرآن است یهود
دشمن لوط و ابراهیم و موسی است یهود
دشمن خالق و سبحان الله واحد؛ است یهود
مثل خنزیرومیون شده است درهمه دورانها
مادر؛ ادزوسفلیس و زنا بوده و شیطان یهود
هم زر اندوز و ثروت طلب و؛ قارون یهود
مثل خوک و خرس و تمساح شده جلا دیهود
لاش خور؛ روبه و گرگ و بود یهود شیطانها
هان یهود گوشت و خون غیر یهود را بخورد
بازرور فساد خون مسلمان و مسیح را بخورد

عرض وناموس و شرف غیرت انسان ببرد
این همه فاسد و اخلاقی و خسران؛ کردلعین شیطانها
گاهی خون خوار و منافق عمل و گاه ریا
گاه دین ساز شود گاه فریب کاروریا
گاه بر قتل تو فتوا بدهند اصغریا
دشمن دین و قرآن بود شیطانها

فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكَرَةِ مُعْرِضِينَ ﴿٤٩﴾ كَانَتْهُمْ حُمْرٌ مُسْتَنْفِرَةٌ ﴿٥٠﴾
فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ ﴿٥١﴾

(قرآن کریم سورة المدثر آیات ٤٩ الی ٥١)

ترجمه: الله سبحان علام فرمود: چرا یهودیان از تذکرو نصیحت
قرآن روی گردانیدند؟! مثل اینکه گورخرانی رمیده اند هستند!
که از مقابل شیری درنده فرار کرده اند!!!

أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكَيْلًا ﴿٤٣﴾ أَمْ تَحْسَبُ
أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ
سَبِيلًا ﴿٤٤﴾ (قرآن کریم سورة الفرقان آیات ٤٣ و ٤٤)

ترجمه: الله سبحان ازلی و ابدی و علام فرمود: آیا آن یهودیان که
هوای نفس خود را معبود خویش گرفته است دیده ای؟! آیا تو
میتوانی وکیل و ضامن او باشی؟! یا گمان داری که بیشتر ایشان
میشنوند؟! یا می اندیشند؟! آنان جز مانند چهارپایان نیستند بلکه از
چهارپایان گمراه تر هستند!!!

وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نَصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا
مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِيهَا وَبَصَلِهَا قَالَ
أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَىٰ بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ أَهْبُطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مَا

سَأَلْتُمْ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ﴿٦١﴾ (از قرآن کریم سوره البقرة آیه ۶۱)

ترجمه: الله سبحان علام بنی اسرائیل فرمود: وقتیکه شما گفتید: ای موسی هرگز بربیک نوع خوراک تاب نیاوریم از الله خود برای ما بخواه تا از آنچه زمین می رویاند از قبیل سبزی و خیار و سیرو عدس و پیاز برای ما برویاند موسی گفت: آیا بجای چیز بهتر خواهان چیز پست ترید؛ پس بشهر فرود آید که آنچه را خواسته اید برای شما در در انجامه است؛ و داغ خواری و ناداری بر پیشانی آنان زده شد و بخشم الله گرفتار شدند چرا که آنان به آیات های الله کفر ورزیده بودند و پیام آوران را بناحق می کشتند این از آن روی بود که سرکشی نموده و از حد در گذرانیده بودند!!!

ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ أَيْنَ مَا ثَقَفُوا إِلَّا حَبْلٌ مِنَ اللَّهِ وَحَبْلٌ مِنَ النَّاسِ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ يَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوا يَعْتَدُونَ ﴿١١٢﴾ (از قرآن کریم از سوره آل عمران آیه ۱۱۲)

ترجمه: الله سبحان احد بهودیان فرمود: هر کجا یافته شوند بخواری دچار خواهند شد مگر آنکه پناه امان الله؛ و زینهار مردم میروند و بخشمی از الله گرفتار شدند؛ و بی مهر بینوایی بر آنان زده شد؛ این بدان سبب بود که به آیات الله کفر می ورزیدند؛ و پیام آوران الله را بناحق میکشند؛ و بقتل رسانیدند و نیز این عذاب بسزای آن بود؛ الله سبحان احد ازلی و ابدی را نافرمانی کردند و از اندازه در می گذرانیدند!!!

بازنویسی این کتاب دنیا بازیچه یهود؛ وملحقات و اشعار از

عزیزاله اصغری تمام شده است

در تاریخ ۱۴۴۵ هجری قمری و تاریخ شمسی ۱۴۰۳

و تاریخ میلادی ۲۰۲۴

پایان کتاب دنیا بازیچه یهود